



تبیین طرح تمدنی محله امام رضا (علیه السلام)

محورهای جلسه:

۱. مفاهیم پایه «مدیریت شهری محله محور» چیست؟
۲. ساختارهای برنامه ریزی برای ساخت «محله» چیست؟
۳. برنامه های اولویت دار برای ساخت «محله» کدام است؟

الحَمْدُ

وَكَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رِثْيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا
اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

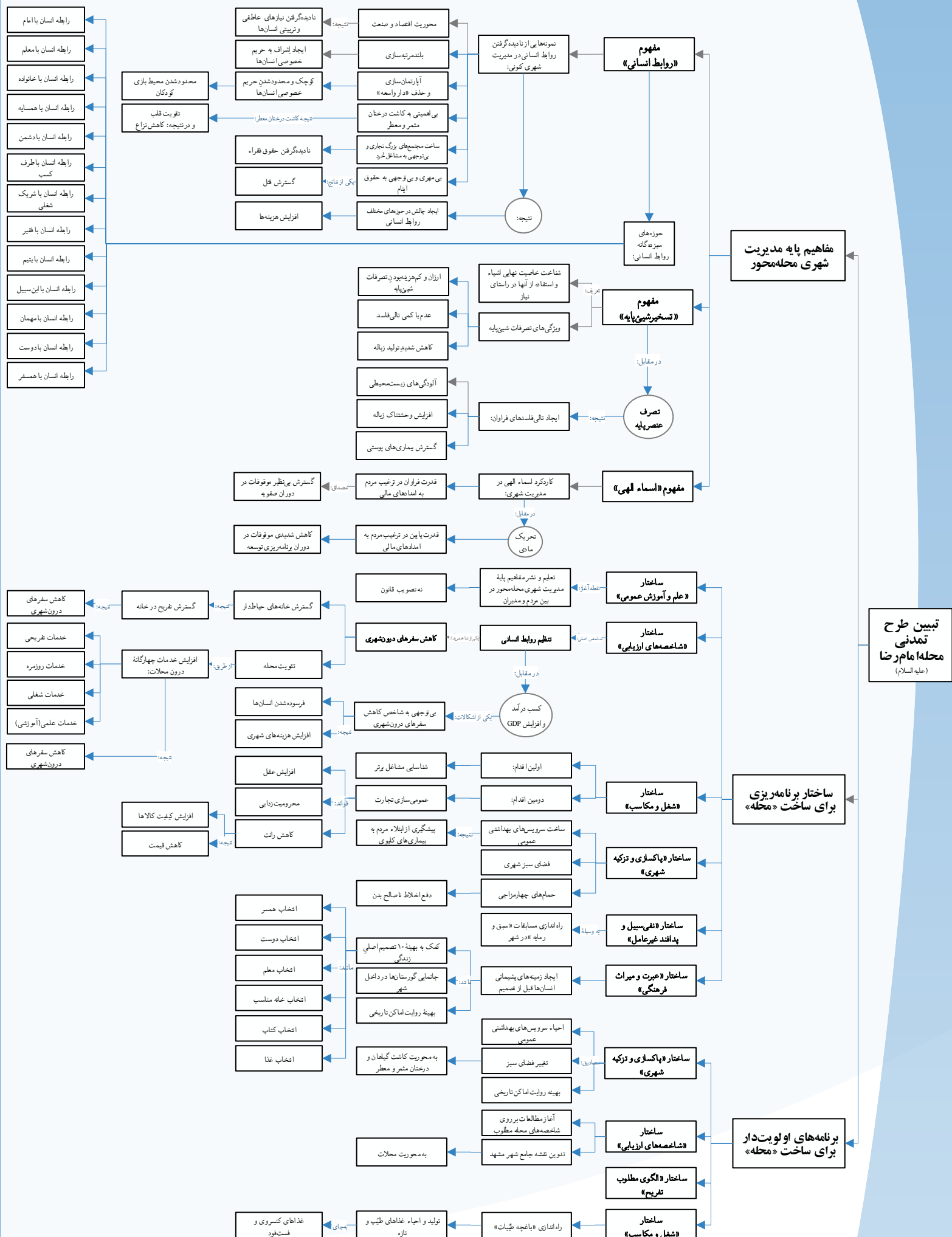
سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه

متن پیش‌رو (ویرایش اول) صد و دوازدهمین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده‌شده سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) می‌باشد که در نشست تخصصی «تبیین طرح تمدنی امام رضا علیه السلام» ایراد شده است. این نشست در جمع برخی از مدیران و کارشناسان شهرداری مشهد، در تاریخ جمعه ۲۴ دی‌ماه ۱۴۰۰ در شهرداری شهر مقدس مشهد برگزار شده است. پیشنهاد می‌شود این جزوه در قطع رحلی به انتشار برسد.

تبیین طرح تمدنی محله امام رضا (علیه السلام)



فهرست مطالب:

بخش اول جلسه:

۱. مقدمه:..... ۱
- ۱/۱. تحقق تمدن اسلامی؛ غایت و ایده اصلی انقلاب اسلامی ۱
- ۱/۱/۱. حرکت انقلاب به سمت تحقق ایده‌های تمدنی در برخی از حوزه‌ها؛ مانند حوزه سیاست خارجی ۲
- ۱/۱/۲. عدم نگاه تمدنی و عدم حرکت انقلاب به سمت ایده‌های تمدنی در برخی از حوزه‌ها؛ مانند حوزه مدیریت شهری ۲
- ۱/۲. قراردادن «طرح تمدنی محله امام رضا (علیه السلام)» ذیل نظریه مادر «مدیریت شهری محله‌محور» ۳
- ۱/۳. لزوم مطرح کردن مباحث جلسه به صورت علمی و جدی و به دور از بحث‌ها و ملاحظات سیاسی ۴
- ۱/۴. خلاصه‌ای از سرفصل‌های مطرح در جلسه ۵
۲. سرفصل اول: مفاهیم پایه مدیریت شهری محله‌محور چیست؟..... ۷
- ۲/۱. مفهوم "روابط انسانی"؛ اولین مفهوم پایه در مدیریت شهری محله‌محور ۷
- ۲/۱/۱. اصل قرارگرفتن اقتصاد و صنعت و نادیده گرفتن نیازهای عاطفی و تربیتی انسان‌ها؛ نمونه‌ای از نادیده گرفتن روابط انسانی در مدیریت شهری کنونی ۸
- ۲/۱/۲. بلند مرتبه‌سازی و در نتیجه ایجاد اشراف به حریم خصوصی انسان‌ها؛ نمونه‌ای دیگر از نادیده گرفتن روابط انسانی در مدیریت شهری کنونی ۸
- ۲/۱/۳. آپارتمان‌سازی و حذف "دار واسعه" و در نتیجه کوچک و محدود شدن حریم خصوصی انسان‌ها؛ نمونه‌ای دیگر از نادیده گرفتن روابط انسانی در مدیریت شهری ۹
- ۲/۱/۳/۱. محدود شدن محیط بازی کودکان؛ یکی از نتایج آپارتمان‌سازی و حذف "دار واسعه" ۹
- ۲/۱/۳/۱/۱. روی آوردن به بازی‌ها و اسباب‌بازی‌های نامناسب و در نتیجه متاثر شدن شخصیت فرزندان از فرهنگ بیگانه؛ یکی از نتایج محدود شدن محیط بازی کودکان ۹
- ۲/۱/۴. حوزه‌های سیزده‌گانه روابط انسانی: رابطه انسان با امام، معلم، خانواده، همسایه، دوست، دشمن، شریک شغلی، طرف معامله، فقیر، یتیم، ابن سبیل، همسفر و مهمان ۱۲

- ۲/۱/۵. بی‌توجهی و عدم بررسی ارتباط ساختار امامت با حوزه‌های مختلف اداره شهر؛ نمونه‌ای دیگر از نادیده‌گرفتن روابط انسانی در مدیریت شهری کنونی ۱۲
- ۲/۱/۶. بی‌اهمیتی به کاشت درختان مثمر و معطر در سطح شهر؛ نمونه‌ای دیگر از نادیده‌گرفتن روابط انسانی در مدیریت شهری کنونی ۱۳
- ۲/۱/۶/۱. تاثیر مثبت درختان و گیاهان معطر بر "قلب" و در نتیجه کاهش نزاع و اصطکاک در سطح جامعه؛ علت ضرورت و اهمیت کاشت درختان و گیاهان معطر در سطح شهر ۱۳
- ۲/۱/۷. ساخت مجتمع‌های بزرگ تجاری و بی‌توجهی به مشاغل خرد؛ نمونه‌ای دیگر از نادیده‌گرفتن روابط انسانی (رابطه انسان با فقیر) در مدیریت شهری کنونی ۱۴
- ۲/۱/۸. بی‌مهری به ایتام و بی‌توجهی نسبت به حقوق آنان؛ نمونه‌ای دیگر از نادیده‌گرفتن روابط انسانی (رابطه انسان با یتیم) در مدیریت شهری کنونی ۱۵
- ۲/۱/۸/۱. گسترش قتل؛ یکی از نتایج بی‌مهری به ایتام و بی‌توجهی به حقوق آنان (در کلام حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام) ۱۵
- ۲/۱/۹. افزایش هزینه برای کشور؛ اشکال اصلی نظریه "نوشهرگرایی" و یکی از نتایج نادیده‌گرفتن روابط انسانی در برنامه ریزی کشور ۱۶
- ۲/۱/۱۰. دقت، ظرافت و تبیین تفصیلی روابط انسانی در تفکر انبیاء؛ دلیلی بر اهمیت فراوان مفهوم روابط انسانی ۱۶
- ۲/۱/۱۰/۱. اهمیت فراوان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نسبت به "سلام‌کردن" و پیش‌قدم شدن همیشگی نسبت به آن؛ نمونه‌ای از اهمیت فراوان روابط انسانی در تفکر انبیاء ۱۷
- ۲/۱/۱۰/۲. ساخت بازار برای فقراء (بدون دریافت کرایه)؛ نمونه‌ای دیگر از اهمیت فراوان روابط انسانی در تفکر انبیاء ۱۸
- ۲/۲. مفهوم "تسخیر شیئی پایه"؛ دومین مفهوم پایه در مدیریت شهری محله‌محور ۱۸
- ۲/۲/۱. تصرف عنصر پایه؛ مبنای تصرفات در اشیاء در تمدن مدرن ۱۸
- ۲/۲/۱/۱. وجود ترکیبات شیمیایی در تمام اشیاء عالم؛ علت محوریت یافتن بررسی عناصر تشکیل دهنده اشیاء (تصرف عنصر پایه) در تمام رشته‌های علمی در تمدن مدرن ۱۸
- ۲/۲/۱/۱/۱. بررسی سلامتی و بیماری به محوریت "سلول" در علم پزشکی؛ مصداقی از تصرفات عنصر پایه در رشته های علمی موجود ۱۹

- ۲/۲/۱/۱/۲. محوریت "ژن" در بررسی‌های علوم وابسته به بیوتکنولوژی؛ مصداقی دیگر از تصرفات عنصرپایه در رشته‌های علمی موجود..... ۲۰
- ۲/۲/۱/۱/۳. بررسی درون‌الکترون و پروتون و نوترون در فیزیک ذرات بنیادین؛ مصداقی دیگر از تصرفات عنصرپایه در رشته‌های علمی موجود..... ۲۱
- ۲/۲/۱/۱/۴. جدول تناوبی عناصر (جدول مندلیف)؛ مصداقی دیگر از تصرفات عنصرپایه در رشته‌های علمی موجود..... ۲۲
- ۲/۲/۱/۱/۴/۱. عدم بررسی تاثیر عناصر بر طبایع اربعه و قلب انسان؛ یکی از اشکالات و نواقص جدول مندلیف..... ۲۳
- ۲/۲/۱/۱. ایجاد تالی فاسدهای فراوان؛ اشکالی بر تصرفات عنصرپایه..... ۲۵
- ۲/۲/۱/۱/۱. آلودگی‌های زیست‌محیطی در سراسر کره زمین بخاطر پلاستیک؛ یکی از تالی فاسدهای تصرفات عنصرپایه..... ۲۵
- ۲/۲/۱/۱/۲. گسترش بیماری‌های پوستی؛ یکی دیگر از تالی فاسدهای تصرفات عنصرپایه..... ۲۶
- ۲/۲/۱/۱/۳. اعتراضات فراوان جنبش‌های زیست‌محیطی در سرتاسر جهان؛ تاییدی بر اوضاع وخیم جهان در اثر ایجاد تالی فاسدهای خطرناک در تمدن مدرنیته..... ۲۷
- ۲/۲/۲. تسخیر (تصرف) "شیء‌پایه"؛ راه‌حل پیشنهادی برای علاج تالی فاسدهای فراوان "تصرف عنصرپایه"..... ۲۷
- ۲/۲/۲/۱. شناخت خاصیت‌های نهایی قرارداده‌شده توسط خداوند متعال در اشیاء عالم، و استفاده از آنها در راستای نیاز؛ تعریف تسخیر (تصرف) شیء‌پایه..... ۲۷
- ۲/۲/۲/۲. نمونه‌هایی از تسخیر (تصرف) شیء‌پایه:..... ۲۸
- ۲/۲/۲/۲/۱. استفاده از اشیائی مانند هویج (زردک) برای تسخین (گرم کردن)، پیشگیری و درمان بیماری‌های کلیوی..... ۲۸
- ۲/۲/۲/۲/۲. استفاده از اشیائی مانند "آشنان"، "سِدر" و "نمک" به عنوان شوینده‌های طبیعی..... ۲۸
- ۲/۲/۲/۲/۳. استفاده از اشیائی مانند روغن زیتون برای حل مشکلات پوستی..... ۲۹
- ۲/۲/۲/۳. طراحی "جدول فقهی تسخیر" (دربدارنده خاصیت‌های دویست شیء پرکاربرد در زندگی بشر)؛ جایگزینی برای "جدول مندلیف"..... ۳۰

۲/۲/۲/۳/۱. ارزان و کم هزینه تر بودن تصرفات و عدم یا کمی تالی فاسد؛ دو ویژگی تصرف شیئی پایه و جدول تسخیر
۳۰

۲/۲/۲/۳/۲. کاهش شدید تولید زباله؛ ویژگی دیگر تصرف شیئی پایه و جدول تسخیر ۳۱

بخش دوم جلسه:

۲/۳. مفهوم "اسماء الهی"؛ سومین مفهوم پایه در مدیریت شهری محله محور ۳۳

۲/۳/۱. ترغیب مردم به امدادهای مالی (مانند کمک به فقراء و موقوفات) به محوریت اسماء الهی؛ نمونه ای از کارکرد
مدیریتی اسماء الهی در مدیریت شهری ۳۴

۲/۳/۱/۱. تبیین محاسبه و جبران کردن الهی ذیل اسم "حسیب" برای مردم؛ نمونه ای از ترغیب مردم به امدادهای مالی به
محوریت اسماء الهی ۳۴

۲/۳/۲. گسترش بی نظیر موقوفات در دوران صفویه؛ به دلیل استفاده علماء از اسماء الهی در ترغیب مردم به امدادهای
مالی ۳۴

۲/۳/۳. کاهش شدید موقوفات در دوران برنامه ریزی توسعه در ایران؛ به دلیل استفاده از تحریک مادی و معافیت مالیاتی
..... ۳۵

۳. سرفصل دوم: ساختارهای برنامه ریزی برای ساخت "محله" چیست؟ ۳۶

۳/۱. ساختار "علم و آموزش عمومی"؛ اولین ساختار برنامه ریزی برای ساخت "محله" ۳۶

۳/۱/۱. تعلیم و نشر مفاهیم پایه مدیریت شهری محله محور در بین مردم و مدیران (نه تصویب قانون)؛ آغاز راه مدیریت
شهری اسلامی بر مبنای علم ۳۶

۳/۲. ساختار "شاخصه های ارزیابی"؛ دومین ساختار برنامه ریزی برای ساخت "محله" ۳۷

۳/۲/۱. کسب درآمد و افزایش GDP؛ شاخصه اصلی ارزیابی شهر در مدیریت شهری کنونی ۳۷

۳/۲/۱/۱. نگاه اقتصادی حتی به زیارت امام و زائر؛ یکی از آثار ارزیابی شهر بر اساس شاخص GDP ۳۷

۳/۲/۲. تنظیم روابط انسانی؛ شاخصه ارزیابی شهر در مدیریت شهری محله محور ۳۷

۳/۲/۲/۱. کاهش یا افزایش سفرهای درون شهری؛ نمونه ای از شاخصه های ارزیابی شهر بر اساس تنظیم روابط
انسانی ۳۸

۳/۲/۲/۱/۱. گسترش "خانه‌های حیاط‌دار(دار واسعه)" به جای "واحد‌های آپارتمانی" در شهر؛ عاملی برای کاهش سفرهای درون‌شهری ۳۸

۳/۲/۲/۱/۱. وجود تفریح خانگی در خانه‌های حیاط‌دار(دار واسعه)؛ علت کاهش سفرهای درون‌شهری و در نتیجه کاهش آلودگی هوا و آلودگی صوتی ۳۸

۳/۲/۲/۲. تقویت محله از طریق افزایش خدمات درون محلات؛ نمونه‌ای دیگر از شاخصه‌های ارزیابی شهر بر اساس تنظیم روابط انسانی ۳۹

۳/۲/۲/۲/۱. خدمات تفریحی، روزمره، شغلی و علمی (آموزشی)؛ خدمات چهارگانه موردنیاز برای تقویت محلات ۳۹

۳/۲/۲/۲/۲. کاهش سفرهای درون شهری و کاهش ترافیک؛ یکی از ثمرات افزایش و تامین خدمات چهارگانه درون محلات ۳۹

۳/۲/۳. تغییر شاخصه ارزیابی با محوریت "GDP"، به ارزیابی با محوریت "کاهش سفرهای درون‌شهری"؛ اولین موضوع لازم‌الاصلاح در شهرداری مشهد ۴۰

۳/۲/۳/۱. افزایش هزینه‌های شهری و فرسوده‌شدن انسان‌ها (بخاطر روزمره‌شدن سفر در زندگی مدرن)؛ دو علت بر ضرورت تغییر شاخصه ارزیابی از GDP به ارزیابی بر اساس شاخصه کاهش سفرهای درون‌شهری ۴۰

۳/۳. ساختار "شغل و مکاسب شهری"؛ سومین ساختار برنامه‌ریزی برای ساخت "محله" ۴۳

۳/۳/۱. اولین اقدام در حوزه مکاسب شهری: شناسایی و گسترش مشاغل برتر ۴۳

۳/۳/۱/۱. مشاغل کمک‌کننده به "تنظیم روابط انسانی" و "تسخیر شیئی‌پایه"؛ مشاغل برتر حوزه مکاسب شهری ... ۴۳

۳/۳/۱/۱/۱. کشاورزی، باغداری و دامداری؛ مشاغل برتر حوزه مکاسب (برترین مشاغل کمک‌کننده به "تنظیم روابط انسانی" و "تسخیر شیئی‌پایه") ۴۳

۳/۳/۱/۱/۱/۱. بی‌اهمیتی به مشاغل برتر و یا استانداردگذاری غلط در حوزه مشاغل برتر؛ عواملی برای اختلال در روابط انسانی ۴۴

۳/۳/۱/۱/۱/۱/۱. سیاست کشت گسترده "کلزا"؛ یکی از مصادیق استانداردگذاری‌های غلط در حوزه کشاورزی و عاملی برای غلبه "دم" و در نتیجه عصبی‌مزاج‌شدن مردم در روابط انسانی ۴۴

۳/۳/۱/۱/۱/۱/۲. سیاست کشت گسترده "چغندرقد"؛ یکی از مصادیق استانداردگذاری‌های غلط در حوزه کشاورزی و عاملی برای افزایش "سودا" و در نتیجه افزایش نزاع در روابط انسانی ۴۵

- ۳/۳/۱/۱/۱/۱/۳. تولید گسترده "گوشت مرغ"؛ یکی از مصادیق استانداردگذاری‌های غلط در حوزه دامداری و عاملی برای سردمزاج شدن مردم و در نتیجه افزایش بیماری‌هایی مانند "ام اس" و کاهش عملکرد مردم در روابط انسانی ۴۵
- ۳/۳/۲. دومین اقدام در حوزه مکاسب شهری: عمومی سازی تجارت ۴۶
- ۳/۳/۲/۱. افزایش عقل؛ اولین خاصیت عمومی سازی عمومی ۴۶
- ۳/۳/۲/۲. محرومیت زدایی و رفع فقر؛ دومین خاصیت عمومی سازی عمومی ۴۶
- ۳/۳/۲/۳. کاهش رانت (افزایش کیفیت و کاهش قیمت کالاها)؛ سومین خاصیت عمومی سازی تجارت ۴۶
- ۳/۴. ساختار "پاکسازی و تزکیه شهری"؛ چهارمین ساختار برنامه ریزی برای ساخت "محله" ۴۷
- ۳/۴/۱. ساخت سرویس‌های بهداشتی عمومی؛ یکی از کالدهای پاکسازی و تزکیه شهری ۴۸
- ۳/۴/۱/۱. پیشگیری از ابتلاء مردم به بیماری‌های کلیوی و در نتیجه کاهش هزینه ساخت بیمارستان‌های دیالیز؛ دلیلی بر ضرورت ساخت سرویس‌های بهداشتی عمومی ۴۸
- ۳/۴/۲. فضای سبز شهری؛ یکی دیگر از کالدهای پاکسازی و تزکیه شهری ۴۸
- ۳/۴/۲/۱. تقویت قلب و در نتیجه پاکسازی و تزکیه درون انسان‌ها از جنون نهفته؛ یکی از فوائد فضای سبز شهری به محوریت درختان و گیاهان مثمر و معطر ۴۸
- ۳/۴/۳. حمام‌های چهارمزاجی؛ یکی دیگر از کالدهای پاکسازی و تزکیه شهری ۴۹
- ۳/۴/۳/۱. حمام چهارمزاجی؛ ساختار پیشنهادی اسلام برای خارج کردن اخلاط ناصالح و سموم از بدن (جایگزین بیمارستان) ۴۹
- ۳/۵. ساختار "نفی سبیل و پدافند غیرعامل"؛ پنجمین ساختار برنامه ریزی برای ساخت "محله" ۵۲
- ۳/۵/۱. راه اندازی مسابقات "سبق و رمایه" (سوارکاری و تیراندازی) در شهر؛ برنامه مربوط به ساختار نفی سبیل و پدافند غیرعامل در برنامه ریزی شهری ۵۲
- ۳/۶. ساختار "عبرت و میراث فرهنگی"؛ ششمین ساختار برنامه ریزی برای ساخت "محله" ۵۳
- ۳/۶/۱. ایجاد زمینه‌های پشیمانی انسان‌ها قبل از تصمیم؛ تعریف ساختار "عبرت" ۵۳
- ۳/۶/۱/۱. انتخاب همسر، معلم، کتاب، غذا، لباس، خانه و دوست؛ نمونه‌هایی از ده تصمیم اصلی در زندگی ۵۳

۳/۶/۱/۲. جانمایی گورستان‌ها در داخل شهرها؛ یکی از ساختارهای عبرت در شهر ۵۴

۳/۶/۱/۳. میراث فرهنگی (اماکن تاریخی)؛ یکی دیگر از ساختارهای عبرت در شهر ۵۵

۴. سرفصل سوم: برنامه‌های اولویت‌دار برای ساخت "محله" کدام است؟ ۵۷

۴/۱. عملیاتی کردن اقدامات ارتباطی؛ اولین برنامه اولویت‌دار ۵۷

۴/۱/۱. اقدامات زیرساختی، مشارکتی و ارتباطی؛ انواع اقدامات برای پیشبرد برنامه‌ها ۵۷

۴/۱/۲. اقدامات اولیه در راستای برقراری ارتباط با مردم؛ تعریف اقدامات ارتباطی ۵۷

۴/۱/۲/۱. عملیاتی کردن ساختار پاکسازی و تزکیه شهری؛ اولویت اول در اقدامات ارتباطی ۵۷

۴/۱/۲/۱/۱. احیاء سرویس‌های بهداشتی عمومی؛ اولین اقدام ارتباطی (از ساختار پاکسازی و تزکیه شهری) ۵۷

۴/۱/۲/۱/۲. تغییر فضای سبز به محوریت کاشت گیاهان و درختان مثمر و معطر؛ دومین اقدام ارتباطی (از ساختار پاکسازی و تزکیه شهری) ۵۸

۴/۱/۲/۱/۳. ساخت حمام‌های چهارمزاجی؛ سومین اقدام ارتباطی (از ساختار پاکسازی و تزکیه شهری) ۵۸

۴/۲. بحث در مورد ساختار "شاخصه‌های ارزیابی"؛ دومین برنامه اولویت‌دار ۵۹

۴/۲/۱. آغاز مطالعات بر روی شاخصه‌های محلات مطلوب و تدوین نقشه جامع شهر مشهد به محوریت محلات؛ اولین اقدام مهم در ساختار شاخصه‌های ارزیابی ۵۹

۴/۳. ساختار "الگوی مطلوب تفریح"؛ سومین برنامه اولویت‌دار ۶۰

۴/۴. ساختار "شغل و مکاسب"؛ سومین برنامه اولویت‌دار ۶۱

۴/۴/۱. راه‌اندازی "باغچه طیبات"؛ اولین اقدام ساختار حوزه شغل و مکاسب ۶۱

۴/۴/۱/۱. تولید و احیاء غذاهای طیب و تازه، به جای غذاهای کنسروی و فست‌فود؛ ایده اصلی باغچه طیبات ۶۱

پیوست‌ها: ۶۹

پیوست شماره ۱: نهی از بلندمرتبه‌سازی ساختمان در روایات ۷۰

پیوست شماره ۲: توصیه فراوان به ساخت "دار واسعه (خانه حیاط دار بزرگ)" و نکوهش ساخت "آپارتمان (خانه کوچک)" در	۷۳
روایات
پیوست شماره ۳: عدم دریافت کرایه از مغازه‌های بازار توسط امیرالمومنین <small>علیه السلام</small>	۷۵
پیوست شماره ۴: عوامل "شادی‌آفرین" در آیات و روایات	۷۶
پیوست شماره ۵: تصاویری از جزائر پلاستیک!	۸۱
پیوست شماره ۶: عوامل موثر بر زیبایی پوست و صورت	۸۶
پیوست شماره ۷: فوائد ۱۰ گانه حیاط خانه	۹۶
پیوست شماره ۸: روایاتی در مورد مذمت سفر (از جمله سفر درون شهری) بخاطر وجود ناراحتی و سختی‌های فراوان در آن	۹۷
پیوست شماره ۹: مشاغل برتر (کشاورزی، باغداری و دامداری) در روایات	۹۹

بخش اول جلسه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا فى يوم الجزاء و حبيب قلوبنا ابى القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين سيما بقية الله فى الارضين و اللعن الدائم على اعدائه اعداء الله من الآن الى قيام يوم الدين.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُتَرَضِّى الْإِمَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ صَلَاةً كَثِيرَةً تَامَةً زَاكِهَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ.

۱. مقدمه:

۱/۱. تحقق تمدن اسلامی؛ غایت و ایده اصلی انقلاب اسلامی

همانطور که به استحضار برادران و خواهران گرامی رسیده است جلسه امروز به تبیین اجمالی «طرح تمدنی محله امام رضا (علیه السلام)» اختصاص دارد. این ایده تمدنی، ذیل "نظریه مدیریت شهری محله محور" تطبیق می شود. و در واقع تطبیق مفاهیم نظریه "مدیریت شهری محله محور" بر شهر مشهد و با اطلاعات میدانی شهر مشهد می باشد.

همانطور که استحضار دارید ایده اصلی انقلاب اسلامی، تحقق "تمدن اسلامی" است و قرار نیست انقلاب اسلامی در برنامه ریزی-های بخش های مختلف (از جمله بخش مدیریت شهری) از ایده های تمدن مدرنیته کپی برداری کند. آنچه که به عنوان غایت انقلاب اسلامی از همان سال های اول انقلاب اسلامی مطرح شده این است که ما قرار است جامعه را با نگاه دین اداره کنیم. و این "اداره جامعه بر مبنای دین" هم یک حالت حداکثری دارد که در واقع نام آن را "تمدن" یا یک نوع مدنیت خاص می گذاریم. بنابراین طبیعی است که اگر هدف کلان انقلاب اسلامی این است؛ بخش های مختلف، نظریات بخشی مرتبط با این تمدن را فهم کنند، راجع به آن گفتگو کنند و بعد هم به مرحله اجر بگذارند.

۱/۱/۱. حرکت انقلاب به سمت تحقق ایده‌های تمدنی در برخی از حوزه‌ها؛ مانند حوزه سیاست خارجی

در چهل سال اول انقلاب اسلامی بعضی از حوزه‌ها به سمت ایده‌های تمدنی حرکت کرده‌اند. فرض بفرمایید در حوزه "سیاست خارجی" الان تصمیماتی که در تهران گرفته می‌شود بر ده پایتخت از پایتخت‌های منطقه تاثیرگذار است. ما در حوزه سیاست خارجه با مفهوم "جبهه مقاومت" روبرو هستیم. این مفهوم، مخالف طرح "خاورمیانه بزرگ آمریکا" و مفهومی مثل خود کلمه "خاورمیانه" و استراتژی‌های سازمان ملل است؛ این ایده از تهران و قم تئوریزه شده بود ولی الان عینی شده است. شما دیگر دنیا را با دو قطبی شرق و غرب تقسیم‌بندی نمی‌کنید؛ [بلکه] می‌گویید: «جبهه مقاومت به رهبری ایران و از سوی دیگر جبهه تمدن استکباری مدرنیته به رهبری آمریکا»؛ این [تقسیم‌بندی] الان عینی شده است. ما الان وقتی راجع به مسائل تمدنی بحث می‌کنیم؛ می‌توانیم بگوییم در حوزه سیاست خارجه مثلاً "نظریه سازه‌انگاری"^۱ اجرایی نمی‌شود. البته در این چهل سال گذشته کسانی بودند مثل تیم سیاست خارجه دولت قبل که می‌خواستند در حوزه سیاست خارجی، سازش ایران را با تمدن مدرنیته تئوریزه کنند؛ ولی هم خودشان و هم مردم فهمیدند که این تئوری اجرایی نیست و فقط هزینه‌های زندگی مردم ایران را افزایش می‌دهد. انقلاب اسلامی در چهل سال اول در حوزه‌های دیگری هم پیشروی کرده است که نمی‌خواهم الان آنها را بحث کنم.

۱/۱/۲. عدم نگاه تمدنی و عدم حرکت انقلاب به سمت ایده‌های تمدنی در برخی از حوزه‌ها؛ مانند حوزه مدیریت شهری

یکی از حوزه‌هایی که ما در چهل سال گذشته نگاه تمدنی به آن نداشته‌ایم، حوزه مدیریت شهری است، الان همه شهرهای ایران بر اساس ایده‌های "نوشهرگرایی"^۲ اداره می‌شود. گاهی وقت‌ها که با مدیران شهری در شهرهای مختلف جلسه دارم به دوستان عرض می‌کنم: "نظریه آمریکایی نوشهرگرایی" در شهر شما حاکم است. مشکل اصلی این نظریه (که در ادامه بحث عرض خواهم کرد) این است که: اختلال در روابط بین انسان‌ها ایجاد می‌کند و ما نمی‌توانیم از این مفهوم مادر عبور کنیم. بنابراین این جلسه در این راستا است؛ ما سعی می‌کنیم یک قدم برداریم با شما گفتگو کنیم از شما بشنویم؛ بلکه به جای "نوشهرگرایی" یک دیدگاه دیگری در

۱. **ارجاع پرورشی:** Constructivism: In the late 20th century the study of international relations was increasingly influenced by constructivism. According to this approach, the behaviour of humans is determined by their identity, which itself is shaped by society's values, history, practices, and institutions. Constructivists hold that all institutions, including the state, are socially constructed, in the sense that they reflect an "intersubjective consensus" of shared beliefs about political practice, acceptable social behaviour, and values. In much the same way, the individual members of the state or other unit continuously construct the reality about which policy decisions, including decisions about war and peace and conflict and cooperation, are made

سازه انگاری: در اواخر قرن بیستم، مطالعه روابط بین‌الملل به طور فزاینده‌ای تحت تأثیر سازه‌گرایی قرار گرفت. بر اساس این رویکرد، رفتار انسان‌ها بر اساس هویت آنها تعیین می‌شود که خود توسط ارزش‌ها، تاریخ، اعمال و نهادهای جامعه شکل می‌گیرد. بر ساخت‌گرایان (سازه‌انگاران) معتقدند که همه نهادها، از جمله دولت، از نظر اجتماعی ساخته شده‌اند، به این معنا که منعکس‌کننده یک «اجماع بین‌ذهانی» از باورهای مشترک درباره عملکرد سیاسی، رفتار اجتماعی قابل قبول و ارزش‌ها هستند. به همین ترتیب، تک‌تک اعضای دولت یا واحدهای دیگر به طور مستمر واقعیتی را می‌سازند که در مورد آن تصمیمات سیاستی، از جمله تصمیمات در مورد جنگ و صلح و درگیری و همکاری اتخاذ می‌شود.

منبع: سایت بریتانیکا - <https://b2n.ir/s72655>

۲. **ارجاع پرورشی:** نوشهرگرایی به عنوان یک رویکرد جدید طراحی و برنامه ریزی شهری در انتقاد به شهرسازی دوران معاصر که دارای الگوی پراکنده، غیر انسانی و ماشینی است، شکل گرفته است. این رهیافت آمیزه‌ای از سبکهای معماری، رشد هوشمند، مخالفت با توسعه پراکنده و شهرسازی پایدار مبتنی بر حمل و نقل عمومی است. این رویکرد امروزه هدایت و رهبری نسل پست مدرن طراحان و برنامه ریزان را برعهده دارد و یکی از مهمترین رویکردهای برنامه ریزی شهری در این قرن محسوب می‌شود.

منبع: پایگاه مرکز علمی جهاد دانشگاهی

<https://www.sid.ir/Fa/Seminar/ViewPaper.aspx?ID=95579>

ذهن مدیران محترم شهرداری مشهد شکل بگیرد. همین جا تاکید می‌کنم که بحث‌های تمدنی و ایده‌های جدید علمی، با تکیه بر یک نشست تخصصی در ذهن‌ها تثبیت نمی‌شود. اگر واقعا برای تحقق تمدن اسلامی جدی هستید؛ باید یک مجموعه گفتگوهای جدی را بیفتد و در این گفتگوها دو طرف دور یک میز نشسته و با هم حرف بزنند و خروجی این گفتگوهای جدی ان‌شاء الله "درک تمدنی از اداره شهری" بشود. بنابراین این جلسه آغازین است. ما در دوره‌های قبل هم این جلسات را در شهر مشهد داشتیم ولی وقتی شورای شهر با گرایش خاص سیاسی سرکار آمد، آن جلسات متوقف شد. حالا با مدیریت جدید که نگاه‌های تمدنی دوباره دارد زنده می‌شود. امیدوارم بتوانیم این فضای مطلوب را بیشتر از دوره‌های قبل در شهر مشهد و در سایر شهرهای ایران مطرح کنیم.

ضرورت بحث ما، همان ضرورت "تمدن اسلامی" است. اگر در ذهن شما "تمدن اسلامی" جایگاهی داشته باشد، "نظریه بخشی تمدن اسلامی درحوزه شهر" نیز برای شما موضوعیت پیدا خواهد کرد. اما اگر گزاره بنیادین ذهن شما این باشد که ما هم قرار است یک کشوری در "نظم موجود جهانی" باشیم! [اینچنین نخواهد شد]. شنیده‌اید که بعضی می‌گویند که ما مثلاً ژاپن اسلامی یا چین اسلامی باشیم! از این حرف‌ها در چهل سال اول انقلاب زیاد تفوه شده [و به زبان آورده شده] است. یعنی آن آقا قائل نیست به اینکه می‌شود یک ایده جدیدی را پیشنهاد داد و یک تئوری جدیدی را مطرح کرد. به هر حال ما در این فضا خدمت شما داریم گفتگو و طرح بحث می‌کنیم.

۱/۲. قرار داشتن «طرح تمدنی محله امام رضا (ع)» ذیل نظریه مادر «مدیریت شهری محله محور»

باز تاکید می‌کنم که: این بحث «طرح تمدنی محله امام رضا (ع)»، ذیل یک نظریه مادر به نام «نظریه مدیریت شهری محله محور»^۳ قرار دارد. یعنی: حرف نهایی ما این است که: «شهر اسلامی، مجموعه‌ای از محله‌هاست». ما نمی‌توانیم مفهوم

۳. **ارجاع پژوهشی:** نظریه مدیریت شهری یکی از نظریات بسیار مهم در نظریات ۱۰۰ گانه الگوی پیشرفت اسلامی است؛ که از جهتی نظریه مادر تمام نظریات محسوب می‌شود از این جهت که بستر و زمینه‌ساز اجرای تمام نظریات دیگر الگوی پیشرفت اسلامی را فراهم می‌آورد. این نظریه در انتشارات شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی دارای چندین مکتوب و دوره پژوهشی است. مانند: دوره مدرسه مروی تهران و دوره برگزار شده در سپاه ناحیه مقاومت شهر بابلرس؛ که خلاصه آن بدین شرح است:

در این مکتوب به پنج محور اصلی نظریه مدیریت شهری محله محور پرداخته شده است:

سرفصل اول: به تبیین و توضیح "نظریه الگوی ساخت" به عنوان الگو و مبنای تدوین نظریه مدیریت شهری اشاره شده است. این الگو به ما می‌گوید که اگر بخواهیم یک دیدگاه تمدنی وارد عرصه عمل و نظم جامعه بشود باید حتما شامل سه بخش اصلی باشد: ۱. بخش اول "تعریف" نظریه است یعنی فهماندن موضوع مورد نظر به مخاطب. به عبارتی نظریه را از حالت ابهام و نکره بودن به معرفه و قابل فهم تبدیل کردن. ۲. در بخش دوم یعنی "تصویر" نظریه که در آن به بررسی فواید آن تعریف برای مخاطبمان می‌پردازیم که باعث ارتباط گیری و ایجاد شوق در مخاطب برای عملیاتی کردن نظریه می‌گردد. ۳. در مرحله آخر که "تصمیم" است به بیان تصمیماتی می‌پردازیم که تعریف و تصویر پیش گفته را عملیاتی می‌کند. سرفصل دوم: تعریف نظریه مدیریت شهری با محوریت مفهوم محله. به این معنا که شهر در اسلام مجموعه‌ای از محله‌هاست و محله یعنی سپر حمایت گر نهاد خانواده به عنوان ساختار اصلی ارتقای امر تربیت.

سرفصل سوم: تبیین "تصویر" این تعریف از شهر و محله. به طور خلاصه مبنا قرار گرفتن این تعریف از محله، در شهر و مدیریت شهری برکات و فواید فراوانی را به دنبال خواهد داشت. اولین آنها این است که اعضای خانواده فرصت بیشتری برای در کنار هم بودن خواهند داشت. فایده دوم ناشی از شناخت طرفینی گسترده اعضای محله از همدیگر است. و سومین فایده در کاهش سفرهای درون شهری است.

سرفصل چهارم: "تصمیم" های نظریه. به عبارتی مجموعه کارهایی که منجر به عملیاتی شدن این نظریه می‌شود. در این بخش به سه نوع تصمیم ارتباطی، زیرساختی و مشارکتی اشاره شده است.

سرفصل پنجم: بیان چند نظریه پشتیبان برای مدیریت شهری محله محور. نظریاتی مانند طرح طبقات، دار و اسعه، بازار موقت و...

مدیریت شهری محله محور بابلرس <http://nro-di.blog.ir/1399/09/09>

«منطقه شهری»^۴ را جایگزین مفهوم «محله» کنیم. حالا اینکه «محله» تعریفش چیست؛ امروز راجع به آن بحث و گفتگو می‌کنیم. ولی در دوره‌های قبل و در کتاب‌هایی که شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی تا الان منتشر کرده، «محله» را ما تعریف کرده‌ایم به: «محل تامین نیازهای خانواده در محل اسکان خانواده». که حالا آن را هم من در ادامه بحث محضران شرح می‌دهم. این «مدیریت شهری محله محور» وقتی در شهر قم می‌آید، تبدیل می‌شود به «آیة تمدنی محله حضرت معصومه (علیها السلام)». یا وقتی شهر اصفهان ما راجع به آن بحث می‌کنیم، تبدیل می‌شود به «محله چهار باغ» و با تطبیق بر فضای شهری اصفهان جلو می‌رود. بنابراین یک نظریه مادری اینجا در میان است که ما حالا می‌خواهیم بر شهر مشهد تطبیقش بدهیم و راجع به آن گفتگو کنیم.

آینده شهر مشهد را می‌شود اینطور در نظر گرفت که مثلاً بر اساس «شاخصه‌های هویت اسلامی» دارای دویست محله استاندارد باشد؛ این نگاه غایی ما است. الان شما مفهوم «محله» را به عنوان یک مفهوم فانتزی در نظر می‌گیرید. هفته پیش که با یکی از اعضای شورای شهر جلسه داشتیم، دیدم که مجموعه اطلاعات مربوط به «محله» را آوردند و دیدیم تعریف محله درست نبود. در ادبیات جهانی شهرسازی هم الان مفهوم محله مطرح است؛ ولی نه با تعریفی که ما از آن ارائه و بحث کرده‌ایم. آن چیزی که شما دارید بحث می‌کنید، تعریف «منطقه شهری» است، لذا الان شما با مفهوم شهرداری مناطق روبرو هستید و منطقه منطقه شهر را اداره می‌کنید. حالا این را باید بحث کنیم که تفاوت «اداره شهر به صورت محله به محله» با «اداره شهر به صورت منطقه به منطقه» چیست؟ یا الزامات این بحث و مفاهیم آن چیست؟ اصلاً این موضوع بحث جلسه امروز است.

۱/۳. لزوم مطرح کردن مباحث جلسه به صورت علمی و جدی و به دور از بحث‌ها و ملاحظات سیاسی

یک نکته‌ای هم عرض کنم چند ماه پیش مطابق با ماه صفر که با شهردار اصفهان و اعضای شورای شهر آنجا جلسه داشتیم؛ بعضی‌ها خواستند یک حواشی‌ای را به این بحث مدیریت شهری محله محور تحمیل کنند. خب؛ یک تعارض منافع‌هایی است بین اینکه شما شهر را «متمرکز» و «منطقه‌ای» اداره کنید یا نه شهر را به شکل «محله‌ای» اداره کنید. من آنجا به دوستان گفتم گفتگوها موقتاً متوقف شود؛ چون ما اصلاً بنای دو قطبی‌سازی در فضای شهری را بر اساس این گفتگوها نداریم. یعنی اگر قرار باشد که مثلاً به اسم بحث‌های تمدنی هم بازی استقلال و پیروزی راه بیفتد؛ آنهایی که خسارت می‌بینند، مردم و آینده انقلاب اسلامی و شهر مشهد است. لذا من پرهیز می‌دهم که هم اخبار جلسه و هم فضای بحث به شکلی پیش برود که غیر از بحث علمی چیزی اتفاق بیفتد. البته بحث علمی هم باید جدی باشد. من از شما تقاضا می‌کنم این جلسه شبیه بعضی از جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی یا مجمع تشخیص مصلحت نظام نشود؛ که آنجا ملاحظات سیاسی و غیره حاکم است و خیلی‌ها بحث‌هایشان را جدی مطرح نمی‌کنند. منافاتی ندارد با اینکه یک گفتگوی علمی برگزار شود، و سوال جدی مطرح شود؛ ولی بحث هم سیاسی نشود. به نظرم دوستان و همچنین تیم کارشناسی‌ای که همراه من هستند، باید مواظبت کنند که این بحث فقط در یک چارچوب علمی

۴. **ارجاع پرورشی:** تقسیم یک شهر را به مناطق ویژه و با مرزهای معین برای نقش‌پذیری هر یک از این مناطق «منطقه بندی شهری» گویند. منطقه بندی استفاده منطقی و نظام‌پذیر از زمین‌های شهری در آینده ی بلند مدت است و در آن موقع میزان ارتفاع یابی، شکل، میزان بهره گیری و ساختهای داخلی هر یک از مناطق مورد نظر است. در منطقه بندی سعی بر این است که خدمات شهری مثل بیمارستان، مدرسه، مسجد، خیابان و محلهای گذران اوقات فراغت در هر منطقه با سهولت در دسترس همه قرار گیرد. همچنین منطقه بندی از عوامل مهم در تولید است. بنابراین جنبه اقتصادی آن اهمیت بیشتری دارد.

مدیریت بشود و کار جلو برود. خب؛ اینها مقدماتی بود که من خواستم راجع به موضوع جلسه عرض کنم. پس عنوان جلسه را «تبیین طرح تمدنی محله امام رضا (علیه السلام)» می‌دانم.^۵

۱/۴. خلاصه‌ای از سرفصل‌های مطرح در جلسه

در «طرح تمدنی محله امام رضا (علیه السلام)» ما سه دسته مفهوم داریم. یعنی: کل بحث امروز بنده دارای سه بخش است و در واقع سه دسته مفهوم را خدمت شما مطرح خواهم کرد. (ظاهراً دوستان جلسه را سه بخشی تنظیم کرده‌اند: بخش آخر که مخصوص پرسش و پاسخ و بحث جدی‌ای است، دو بخش دیگر هم برای ارائه این «طرح تمدنی محله امام رضا (علیه السلام)» وقت اختصاص داده‌اند.) من در قسمت اول گفتگوهای خودم، «مفاهیم پایه محله امام رضا (علیه السلام)» را محضر شما مطرح خواهم کرد. «مفاهیم پایه» یعنی آن مفاهیمی که ما آنها را وسط می‌گذاریم و تصمیمات شهری را بر اساس آن مفاهیم ارزیابی می‌کنیم. وقتی شما در یک شهری می‌خواهید بگویید یک تصمیمی که آقای شهردار می‌گیرد یا یک مصوبه‌ای که شورای شهر تصویب می‌کند؛ آیا این درست است یا نه؟ چه مفهومی را وسط می‌گذارید و این تصمیم را نقد می‌کنید؟ نظریه مدیریت شهری محله محور چون می‌خواهد «دیالوگ محور» و متفاهم (همراه با تفاهم طرفینی) کار خود را جلو ببرد؛ مفاهیم پایه روشنی دارد. من این مفاهیم پایه را در قسمت اول گزارش خودم برای شما تبیین می‌کنم که حالا به آن خواهیم رسید.

قسمت دوم گزارش بنده به دو مفهوم دیگر اختصاص دارد: یکی ساختار برنامه‌هایی که برای ساخت یک «محله» لازم است؛ این را تبیین خواهم کرد که ما نه نوع برنامه برای ساخت یک محله لازم داریم و همه اینها باید توسط مدیریت شهری پیش برود تا آن محله ساخته بشود این هم یک بحث است.

سطح سوم بحث‌های امروز من، برنامه‌های اولویت‌دار در این نه محور است؛ که مثلاً چهار- پنج برنامه اولویت‌دار را محضران طرح می‌کنم.

مثلاً: ما معتقدیم فضای سبز محله‌ها باید بر اساس «درختان ثمر و معطر» مدیریت شوند، به ادله‌ای که عرض خواهم کرد. حدود پنج برنامه اولویت‌دار را پیشنهاد می‌کنیم. ولی بدانید «مدیریت شهری محله محور» صد اقدام دارد که حالا باید به تدریج راجع به آن بحث و گفتگو کرد. در این جلسه چون جلسه اول است سعی می‌کنیم برنامه‌های اولویت‌دار را محضران تقدیم کنیم. پس این هم نقشه گفتگوهای امروز. هم «مفاهیم پایه محله امام رضا (علیه السلام)» را و هم «ساختار برنامه‌های ساخت یک محله» را بحث می‌کنیم. چگونه می‌شود یک محله ساخت؟ تقسیمات برنامه‌ریزی چگونه باید باشد؟ این را باید بحث کنیم. الان تقسیمات معروف مثل [تقسیم امور به] فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و آی. تی و ... اینها مطرح است؛ ولی از نظر ما ساختار یک شهر مطلوب بدین

۵. یکی از حضار: ببخشید. عذرخواهی می‌کنم می‌شود وسط صحبت‌های جنابعالی حرفی بزنیم یا نه؟

حجت الاسلام کشوری: اگر بگذارید بحث شکل بگیرد. بعدا ...

یکی از حضار: اگر بشود خودتان را معرفی کنید؛ چون ما شناخت کافی نسبت به شما نداریم.

حجت الاسلام کشوری: چشم؛ آن را دوستان باید زحمت می‌کشیدند؛ ولی چشم ان شاء الله عرض خواهم کرد.

شکل نیست؛ [بلکه] مثلا ساختار "مکاسب" دارد، ساختار "علم" دارد، ساختار "امامت" دارد؛ حالا به شرحی که عرض خواهم کرد. من وقت را مغتنم می‌شمارم و عرایض خودم را از بحث مفاهیم پایه شروع می‌کنم.

۲. سر فصل اول: مفاهیم پایه مدیریت شهری محله محور چیست؟

ما در مدیریت شهری سه دسته مفهوم پایه داریم که مفاهیم مادر هستند. اگر کسی مفاهیم مادر را نقض کند همه مردم ضربه می‌خورند، اقتصاد شهر هم ضربه می‌خورد، درآمدهای شهر هم کاهش پیدا می‌کند؛ تقریباً اگر سه دسته مفهوم را نادیده بگیرید، همه چیز به چالش کشیده می‌شود؛ به ادله‌ای که عرض می‌کنم.

۲/۱. مفهوم "روابط انسانی"؛ اولین مفهوم پایه در مدیریت شهری محله محور

اولین مفهوم عبارت است از مفهوم "روابط انسانی". خیلی‌ها می‌پرسند: «تمدن اسلامی چیست؟» یا به تبع آن می‌پرسند: «شهر اسلامی چه ویژگی‌هایی دارد؟» ما در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی خیلی روشن بحث کرده و گفته‌ایم که: «شهر اسلامی و تمدن اسلامی عبارت است از: شهری که روابط مردم در آن با همدیگر پیوسته است و در فرض اصطکاک با همدیگر قرار ندارند.»

استحضار دارید دو فرض در روابط انسانی متصور است: یا انسان‌ها با هم "همگرا" هستند و به نفع همدیگر کار می‌کنند، یا نه؛ کما اینکه اقتصاددان‌های غربی گفته‌اند "اصل آهنین منافع شخصی" اصل قرار داده می‌شود^۶ و مردم به صورت پنهان و آشکار با همدیگر رقابت می‌کنند و به ضرر همدیگر وارد میدان می‌شوند.

حرف اصلی ما این است که اگر روابط یک جامعه‌ای در مسیر "رقابت" و در فرض اصطکاک تعریف شد، هزینه‌های شهر بالا می‌رود و کیفیت و دقت در همه بخش‌های این شهر کاهش پیدا می‌کند. بنابراین دعوت انبیاء این است که شما بروید به سمت اینکه "تنظیم روابط انسانی" را اصل قرار دهید. در یک تعبیری از امیرالمومنین (علیه السلام) سوال شد: قرآن بوحدته (یعنی: کل قرآن، نه یک بخش از آن) چه می‌گوید؟ یعنی: هدف غایی قرآن چیست؟ حضرت فرمودند: «و نظم ما بینکم»^۷. یعنی: قرآن آمده برای اینکه روابط بین انسان‌ها را تنظیم کند. بعد در ادامه می‌فرمایند: «و فصل ما بینکم»^۸ یعنی: یک جایی بالاخره بین شما اختلاف می‌افتد؛ قرآن آمده اختلافات را مدیریت کند. ببینید؛ در همه بخش‌های یک شهر شما باید این مفهوم را مواظبت کنید.

۶. ارجاع پرورشی: آدم اسمیت: منافع شخصی بدون آنکه عیب باشد، محرک فعالیت انسان و موجب رفاه جامعه خواهد بود.

آدم اسمیت و ثروت ملل، محمدعلی کانونیان، ص ۱۷۶

۷. ارجاع پژوهشی: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: أَرْسَلَهُ عَلَى جِبْنِ فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ وَ طُولِ هَجْعَةٍ مِنَ الْأُمَمِ وَ اتِّقَاضِ مِنَ الْمُتَمَرِّ فَجَاءَهُمْ بِتَصْدِيقِ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ الثَّوَرِ الْمُقْتَدَى بِهِ ذَلِكَ الْفُرْآنَ فَاسْتَظْفَرُوا وَ لَنْ يَنْطِقَ وَ لَكِنْ أَخْبَرْتُمْ عَنْهُ أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمٌ مَا يَأْتِي وَ الْخَبِيرُ مِنَ الْمَاضِي وَ دَوَاءٌ دَائِكُمْ وَ نَظْمٌ مَا بَيْنَكُمْ.

امیرالمومنین (علیه السلام): خداوند پیامبر (صلی الله علیه و آله) را هنگامی فرستاد که پیامبران حضور نداشتند، و امت‌ها در خواب غفلت بودند، و رشته‌های دوستی و انسایت از هم گسسته بود. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) به میان خلق آمد در حالی که کتاب‌های پیامبران پیشین را تصدیق کرد، و با «نوری» هدایتگر انسانها شد که همه باید از آن اطاعت نمایند، و آن، نور قرآن کریم است. از قرآن بخواهید تا سخن گوید، که هرگز سخن نمی‌گوید، اما من شما را از معارف آن خبر می‌دهم، بدانید که در قرآن علم آینده، و حدیث روزگاران گذشته است، شفا دهنده دردهای شما، و سامان دهنده امور فردی و اجتماعی شما است. (ترجمه دشتی)

نهج البلاغه، ص ۲۲۳ (خطبه ۱۵۸)

بحار الأنوار، ج ۳۱، ص ۵۴۶ و ج ۸۹، ص ۲۳

۸. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ هَازُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَرْسَلَ إِلَيْكُمْ الرَّسُولَ ص وَ أَنْزَلَ إِلَيْهِ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَ أَنْتُمْ أُمِّيُونَ عَنِ الْكِتَابِ... ذَلِكَ الْفُرْآنُ فَاسْتَظْفَرُوا وَ لَنْ يَنْطِقَ لَكُمْ أَنْخِرْتُمْ عَنْهُ إِنَّ فِيهِ عِلْمٌ مَا مَضَى وَ عِلْمٌ مَا يَأْتِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ وَ بَيَانٌ مَا أَصْبَحْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ فَلَوْ سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ لَعَلَّمْتُكُمْ.

امیرالمومنین (علیه السلام): از قرآن بخواهید تا سخن گوید، که هرگز سخن نمی‌گوید، اما من شما را از معارف آن خبر می‌دهم؛ همانا که در قرآن، علم آنچه گذشته، و علم آنچه خواهد آمد، و حکم در بین شماست و بیان آنچه در آن اختلاف دارید؛ پس اگر از من در مورد آن سوال کنید حتماً به شما تعلیم خواهم داد.

۲/۱/۱. اصل قرار گرفتن اقتصاد و صنعت و نادیده گرفتن نیازهای عاطفی و تربیتی انسان‌ها؛ نمونه‌ای از نادیده

گرفتن روابط انسانی در مدیریت شهری کنونی

مثال بزنم: شما قراردادهای "عسلویه" را دیده‌اید؛ می‌گویند که: فرد باید بیست و یک روز در خدمت شرکت و نه روز در خدمت خانواده باشد. خب؛ می‌گوییم: شما برای چه اینطوری قرارداد می‌بندید؟ می‌گویند: نفت و گاز برای کشور خیلی مهم است، تولید انرژی خیلی مهم است. ما فی‌الجمله می‌فهمیم جایگاه عسلویه در اداره کشور کجاست و این را متوجه هستیم؛ اما یک سوال هم مطرح می‌کنیم و می‌گوییم: در آن بیست و یک روزی که کارگرا و کارمندا پیش شما هستند، روابط عاطفی آنها چه می‌شود؟ روابط عاطفی فرزندان و همسر این کارمندان چه می‌شود؟ آیا اینها را می‌شود نادیده گرفت؟ روابط تربیتی این کارگران چه وضعیتی پیدا می‌کند؟! آیا اینها در این بیست و یک روز می‌توانند تربیت فرزندان خود را بر عهده بگیرند؟ روابط جنسی و صله رحم و فامیلی اینها چه می‌شود؟ سازمان برنامه و بودجه و وزارت مربوطه پاسخ مشخصی به ما نمی‌دهد. می‌گویند: نفت و گاز مهم است، می‌گوییم: خیلی خب؛ نفت و گاز و انرژی مهم است؛ اما آیا می‌توانید به بهانه نفت و گاز روابط انسانی آنها را به چالش بکشید؟ این سوالی است که من از زمان برنامه ششم در همه مناظرات و جلسات مجلس و جلسات با سازمان برنامه و بودجه از همه آقایان پرسیده‌ام. این برای ما مهم است، هر تصمیمی که ضد روابط انسانی عمل کند آن تصمیم را برای کشور هزینه‌زا می‌دانیم. مثلاً فردا این بچه‌ها چون تربیت صحیح نداشته‌اند، تخلف انجام می‌دهند آن وقت قوه قضائیه باید بیاورد هزینه کند تا این تخلفات را مدیریت کند. ضررهای عاطفی و تربیتی هم که اساساً جبران‌ناپذیر هستند؛ هیچ وقت شما خسارت آن را با معیار مادی و پول نمی‌توانید ارزیابی کنید.

خب؛ حالا این یک مثال است که شما می‌توانید در شهرداری مشهد هم تطبیق کنید. شما چند طرح و مصوبه دارید که ضد روابط انسانی عمل می‌کند؟

۲/۱/۲. بلند مرتبه‌سازی و در نتیجه ایجاد اشراف به حریم خصوصی انسان‌ها؛ نمونه‌ای دیگر از نادیده گرفتن

روابط انسانی در مدیریت شهری کنونی

مثال بزنم شما وقتی "بلند مرتبه‌سازی" می‌کنید، "اشراف به حریم خصوصی انسان‌ها" را نهادینه می‌کنید. بله؛ "بلند مرتبه‌سازی" ممکن است سود اقتصادی داشته باشد؛ ولی برای تمدن اسلامی حفظ حریم خصوصی انسان‌ها موضوعیت دارد. چرا "بلند مرتبه‌سازی" نهی می‌شود؟^۹ چون زمینه‌ساز اشراف افراد به حریم خصوصی همدیگر است. آن وقت شما مجبور می‌شوید در آن محیطی که زندگی می‌کنید، کاملاً با حریم خصوصی محدود زندگی کنید.

الکافی، ج ۱، ص ۶۱ / تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳

الفصول المهمة فی اصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۱، ص ۴۸۳ / بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۸۲ (نقلا عن تفسیر القمی) / الوافی، ج ۱، ص ۲۷۰

۹. ارجاع پژوهشی: وَ عَنْ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ قَالَ: مَا يَبْنِي إِنْسَانٌ فَوْقَ كَمَانِيَةِ أَذْذِعِ إِلَّا وَ يَبْذِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى أَيْنَ تُرِيدُ يَا فَاسِقُ؟

امام صادق (علیه السلام): هیچ انسانی بنایی را از هشت ذراع بلندتر نسازد، مگر آنکه منادی از آسمان به او ندا کند که: ای فاسق! تا کجا می‌خواهی بروی؟

مکارم الأخلاق، ص ۱۲۷

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ التَّوْقَلِيِّ عَنْ زِيَادِ بْنِ عَمْرٍو الْجُعْفِيِّ عَنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَكَلَّ مَلَكًا بِالْبَيْتَاءِ يَقُولُ لِمَنْ رَفَعَ سَفْهًا فَوْقَ كَمَانِيَةِ أَذْذِعِ: أَيْنَ تُرِيدُ يَا فَاسِقُ؟

۲/۱/۳. آپارتمان‌سازی و حذف "دار واسعه" و در نتیجه کوچک و محدود شدن حریم خصوصی انسان‌ها؛ نمونه‌ای

دیگر از نادیده گرفتن روابط انسانی در مدیریت شهری

یا مثال دیگری خدمت شما طرح کنم وقتی شما به جای "دار واسعه"، "آپارتمان" می‌سازید؛ چه کار می‌کنید؟ دارید دوباره "حریم خصوصی انسان‌ها" را محدود می‌کنید.^{۱۰} در محیط آپارتمان، حریم خصوصی افراد مهمترین چیزی است که به چالش کشیده می‌شود.

۲/۱/۳/۱. محدود شدن محیط بازی کودکان؛ یکی از نتایج آپارتمان‌سازی و حذف "دار واسعه"

مثلا کسانی که در آپارتمان زندگی می‌کنند دیگر "محیط بازی" تفصیلی برای فرزندانشان را ندارند. الان ممکن است شهرداری بگوید که: آقا! حالا بازی کودکان که به ما ربطی ندارد! مسئول بازی کودکان نهادهای فرهنگی هستند (مثلا مسئولش نهاد حوزه علمیه است)؛ ولی عرض ما این است که شما در قوانین و مقررات خودتان دست حوزه علمیه و نهادهای فرهنگی را هم می‌بندید؛ اگر ما برویم به سمت "خانه‌های حیاطدار"؛ حیاط برای کودکان محیط بازی است.

۲/۱/۳/۱/۱. روی آوردن به بازی‌ها و اسباب‌بازی‌های نامناسب و در نتیجه متاثر شدن شخصیت فرزندان از فرهنگ

بیگانه؛ یکی از نتایج محدود شدن محیط بازی کودکان

اگر محیط بازی [بچه‌ها] را حذف کنیم، در نتیجه باید "بازی‌های کامپیوتری" را بپذیرید، ایده‌های والت دیزنی (Walt Disney)^{۱۱} را بپذیرید و بحث را به این سمت ببرید. مثلا این "عروسک باری" که الان در همه دنیا مطرح است؛ یک اسباب بازی برای کودکان

امام صادق (علیه السلام): همانا خداوند متعال فرشته‌ای را برای ساختمان موکل کرده است که برای کسی که سقفی را بالاتر از هشت دراع بالا ببرد می‌گوید: ای فاسق! تا کجا می‌خواهی بروی؟!^{۱۲}

الکافی، ج ۶، ص ۵۲۸ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۸

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقُفْلِ الثَّقَلِيِّ عَنْ زِيَادِ بْنِ عُمَرَ الْجُعْفِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۰ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۱۳ / وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۳۱۰ / الوافي، ج ۲۰، ص ۷۹۳

جهت مشاهده بخشی از روایات فراوان در مورد "نهی از بلندمرتبه‌سازی ساختمان"؛ به پیوست شماره ۱ مراجعه کنید.

۱۰. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَرْبَعٌ مِنَ السَّعَادَةِ وَ أَرْبَعٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ: فَأَلْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ السَّعَادَةِ: الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْمَسْكُنُ الْوَاسِعُ وَ الْجَزَارُ الصَّالِحُ وَ الْمَرْكَبُ الْبَهِيَّةُ. وَ الْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ الشَّقَاوَةِ: الْجَزَارُ السَّوُّءُ وَ الْمَرْأَةُ السَّوُّءُ وَ الْمَسْكُنُ الضَّيِّقُ وَ الْمَرْكَبُ السَّوُّءُ.

پیغمبر (ص) فرمود: چهار چیز از سعادت است و چهار چیز از شقاوت، اما چهار چیزی که از سعادت است: زن صالح، خانه وسیع، همسایه خوب و مرکب راهوار، و چهار چیزی که از بدبختی است: همسایه بد، زن بد، خانه تنگ و مرکب بد.

مکارم الاخلاق، ص ۱۲۶ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

جهت مشاهده بخشی از روایات در مورد «توصیه فراوان به ساخت "دار واسعه (خانه حیاطدار بزرگ)" و نکوهش ساخت "آپارتمان (خانه‌های کوچک)"»؛ به پیوست شماره ۲ مراجعه کنید.

۱۱. ارجاع پردازی: والت دیزنی کاریکاتوریست، تهیه کننده، کارگردان، صدایش، فیلمنامه نویس و پویانمای فیلم و کارتون های سیندرلا، سفید برفی، میکی ماوس، شیرشاه، داستان اسباب بازی، دامبو، زیبایی خفته، موش سرآشپز و علاءالدین متولد ۵ دسامبر ۱۹۰۱ است. او در طول ۶۵ سال زندگانی خود موفق به کسب افتخارات و جوایز فراوانی شد. به گزارش ایمن، والت نخستین تجربه خود را با استفاده از دوربینی در یک گاراژ شروع کرد. نخستین فیلم کارتون دیزنی خسارات مالی فراوانی را بر والت وارد کرد اما او هرگز دست از تلاش برنداشت و پس از رفتن به هالیوود در سال ۱۹۲۳ ساخت کارتون را آغاز کرد. نخستین کار بزرگ و درخشان چهره‌ای او را می‌توان میکی ماوس دانست. آلیس در سرزمین عجایب به عنوان اولین فیلم این کمپانی روانه بازار شد. از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۶ حدود ۶۰ قسمت از سری فیلم‌های آلیس ساخته شد.

شرکت والت دیزنی:

شرکت دیزنی رسانه‌ای فعال در آمریکاست که به عنوان یکی از بزرگترین شرکت‌های رسانه‌ای و سرگرمی در جهان معروف است. دیزنی در هالیوود بسیار تلاش کرد و پس از شکست‌های فراوان بالاخره موفق شد استودیوی جدید خود را در ۱۶ اکتبر ۱۹۲۳ راه اندازی کند تا بتواند فیلم‌های کارتون خود را بسازد و روانه بازار کند. وی سرمایه اولیه این

است ولی القاء می‌کند که دختران ما "مجرد" و "لیبرال" و "لذت‌جو" باشند. اگر صنعت اسباب بازی را بپذیرید فرهنگ همراه با خودش را باید بپذیرید؛ یا مثلاً می‌گویید حالا "کارتون باب اسفنجی" را من برای فرزندم پخش می‌کنم. حتماً شخصیت‌های باب اسفنجی را تحلیل کرده‌اید چون شما خیلی به فرزندانتان اهمیت می‌دهید. هفت رذیله‌ای را که جناب موسی (علیه‌السلام) در تورات نهی کرده‌اند این شرکت مربوطه آمده به هفت شخصیت در این کارتون تبدیل کرده است. مثلاً: خود باب اسفنجی، مظهر "حماقت" است. شخصیت سنجاب، مظهر "شهوت" است. شخصیت آقای خرچنگ که مسئولیت آن رستوران را بر عهده دارد مظهر "حرص" است. یعنی فرزند شما با دیدن این کارتون و این بازی که شما به آن پیشنهاد داده‌اید در واقع با رذایل اخلاقی (با شهوت، با حماقت و با حرص) آشنا می‌شود. بعد هم به شکل جذاب این شخصیت‌ها پردازش شده‌اند. اصل حرص اگر خالص و پیورش (Pure)^{۱۲} پیش یک نفری گذاشته شود متنفر می‌شود. [ولی] حرص و حماقت و شهوت بزرگ می‌شود. مثلاً در این کارتون؛ آقای خرچنگ آدم حریصی است ولی مسئول رستوران است فست فود ارائه می‌کند، فست فودها خوش مزه هستند برای همین فرزند شما ناخودآگاه به این شخصیت حریص علاقه‌مند می‌شود چون غذای خوشمزه ارائه می‌دهد. خود این رنگ شخصیت باب اسفنجی زرد است به تعبیر قرآن رنگ زرد "تُسْرُ الناظرین" است چشم‌ها را نوازش می‌دهد آدم‌ها را خوشحال می‌کند. بعد این شخصیت را به رنگ زرد در آورده‌اند لذا حماقت با جذب رنگ زرد نفوذش در فرزند شما بیشتر می‌شود. بنده خواستم یک مثال

استودیو را از برادرش، روی گرفت. از این پس این استودیو به نام کمپانی دیزنی شناخته می‌شد. این شرکت امروزه مالک ۱۴ شهر بازی و صاحب ۷۳ درصد سهام نشنال جئوگرافیک می‌باشد.

انیمیشن‌های شرکت والت دیزنی:

سفید برفی و هفت کوتوله (۱۹۳۷) / پینوکیو (۱۹۴۰) / فانتازیا (۱۹۴۰) / دامبو (۱۹۴۱) / بامبی (۱۹۴۲) / سیندرلا (۱۹۵۰) / آلیس در سرزمین عجایب (۱۹۵۱) / پتر بن (۱۹۵۳) / بانو و ولگرد (۱۹۵۵) / زیبای خفته (۱۹۵۹) / ۱۰۱ سگ خالدار (۱۹۶۱) / شمشیر در سنگ (۱۹۶۳) / کتاب جنگل (۱۹۶۷) / گریه‌های اشرافی (۱۹۷۰) / رابین هود (۱۹۷۳) / ماجراهای بسیار وینی پو (۱۹۷۷) / نجات دهندگان (۱۹۷۷) / روباه و سگ شکاری (۱۹۸۱) / دیگ سیاه (۱۹۸۵) / کارآگاه موش بزرگ (۱۹۸۶) / الیور و دوستان (۱۹۸۸) / پری دریایی کوچولو (۱۹۸۹) / امدادگران: مأموریت زیرزمینی (۱۹۹۰) / دیو و دلبر (۱۹۹۱) / علاالدین (۱۹۹۲) / شیر شاه (۱۹۹۴) / پوکو هانتس (۱۹۹۵) / داستان اسباب بازی (۱۹۹۵) / گوز پشت تتردام (۱۹۹۶) / هرکول (۱۹۹۷) / مولان (۱۹۹۸) / زندگی یک حشره (۱۹۹۸) / تارزان (۱۹۹۹) / داستان اسباب بازی ۲ (۱۹۹۹) / زندگی جدید امپراتور (۲۰۰۰) / آتالانتیس (۲۰۰۱) / شرکت هیولاها (۲۰۰۱) / لیلو و استیج (۲۰۰۲) / سیاره گنج (۲۰۰۲) / در جست و جوی نمو (۲۰۰۳) / خرس برادر (۲۰۰۳) / خانه‌ای در مزرعه (۲۰۰۴) / شگفت انگیزان (۲۰۰۴) / کبوتر بی باک (۲۰۰۵) / جوجه کوچولو (۲۰۰۵) / ماشین‌ها (۲۰۰۶) / ملاقات با راینسون‌ها (۲۰۰۷) / موش سرآشپز (۲۰۰۷) / وال - نی (۲۰۰۸) / تیزیا (۲۰۰۸) / بالا (۲۰۰۹) / شاهدخت و قورباغه (۲۰۰۹) / داستان اسباب بازی ۳ (۲۰۱۰) / گیسو کمند (۲۰۱۰) / ماشین‌ها ۲ (۲۰۱۱) / دلیر (۲۰۱۲) / رالف خرابکار (۲۰۱۲) / دانشگاه هیولاها (۲۰۱۳) / هواپیماها (۲۰۱۳) / منجمد (۲۰۱۳) / شش قهرمان بزرگ (۲۰۱۴) / درون و بیرون (۲۰۱۵) / دایناسور خوب (۲۰۱۵) / زوتوپیا (۲۰۱۶) / در جست و جو دوری (۲۰۱۶) / مولانا (۲۰۱۶) / ماشین‌ها ۳ (۲۰۱۷) / کوکو (۲۰۱۷) / شگفت انگیزان ۲ (۲۰۱۸) / رالف اینترنت را خراب می‌کند (۲۰۱۸) / داستان اسباب بازی ۴ (۲۰۱۹) / منجمد ۲ (۲۰۱۹) / به پیش (۲۰۲۰)

پارک دیزنی لند:

شهر بازی دیزنی لند نام پارکی تفریحی در کالیفرنای آمریکا می‌باشد. این پارک در ۱۷ ژوئیه ۱۹۵۵ افتتاح شد. به همه افرادی که به این پارک وارد می‌شوند گفته می‌شود: «خوش آمدید. دیزنی لند سرزمین شماسست. اینجا کهولت، خاطرات عزیز گذشته را بازمی‌یابد و جوانی مبارزات و وعده‌های آینده را می‌چشد. دیزنی لند به ایده‌آل‌ها، رویاها و واقعیت‌های سختی که آمریکا را ساخته است تقدیم شده است. با آرزوی اینکه منبعی از شادی و الهام برای تمام دنیا باشد.»

سه مکان دیگر در جهان به نام‌های دیزنی لند شانگهای چین، دیزنی لند پاریس فرانسه و دیزنی لند هنگ کنگ وجود دارند. ایده ساخت این شهر بازی زمانی به ذهن والت رسید که دخترانش یعنی دایان و شارون را به یکی از شهر بازی‌های لس آنجلس برده بود. همچنین او از تعدادی شهر بازی در آمریکا، هلند و دانمارک نیز بازدید کرد.

آثار والت دیزنی:

۲۱ فیلم پویانمایی بلند / ۴۹۳ فیلم کارتونی کوتاه / ۴۷ فیلم پویانمایی آمیخته با تصاویر سینمایی / ۴۷ فیلم بر پایه واقعیت / ۳۳۰ ساعت برنامه تلویزیونی باشگاه میکی ماوس.

افتخارات و جوایز والت دیزنی:

جایزه افتخاری اسکار (۱۹۳۹) / چهار جایزه اسکار (۱۹۵۴) / برنده ۲۲ جایزه اسکار / جایزه بنیاد آزادی / مدال آزادی از دست جانسون رئیس‌جمهور آمریکا / برنده جایزه دستاورد ویژه گلدن گلوب (۱۹۴۷) / برنده بهترین فیلمبرداری - رنگی در گلدن گلوب برای فیلم ماجراهای ایکاید و آقای وزغ (۱۹۴۹)

آدرس: خبرگزاری ایمن (نخستین خبرگزاری شهر و شهروندی ایران) - <https://b2n.ir/q88773>

۱۲. خالص، اصل.

واضح بزنم. شما مدل بازی را به سمت سرگرمی‌های تلویزیون برده‌اید و ایده‌ها را به دست "والت دیسنی" سپرده‌اید و آنها دارند از طریق بازی، فرهنگ‌سازی می‌کنند. وقتی بازی ابزار فرهنگ‌سازی است، ابزار ساخت شخصیت است.

شما باید در این شهر محیط بازی طراحی کنید. محیط بازی کجاست؟ حیاط خانه. چرا؟ چون اشراف پدر و مادر [را به همراه] دارد، اگر غیر از حیاط خانه شما جایی را برای محیط بازی در نظر بگیرید، پدیده "کودک‌آزاری" افزایش پیدا می‌کند. آن وقت مثل سازمان ملل باید روز جهانی مبارزه با کودک‌آزاری اعلام کنید. ببینید وقتی طراحی‌ها از پایه غلط است بعداً چالش‌های چندبعدی به شهر تحمیل می‌شود. حالا من چند تا مثال زدم. این یک مبنا است.

من در ده سال گذشته شهر مشهد را بررسی کرده‌ام و صدها تصمیم ضد روابط انسانی در این شهر می‌بینم. امروز آمده‌ام خاضعانه به شما اعتراض کنم: چرا شهر (مشهد) ضد روابط انسانی اداره می‌شود؟ بله؛ اعتراض است ولی اعتراض دلسوزانه است. در ادامه بحثم مصادیق را عرض خواهم کرد. شهر مشهد ضد روابط انسانی اداره می‌شود! دلیلش این نیست که مدیران شهری و کارشناسان شهری این شهر دلسوز نیستند، دلیلش این است که مفاهیم پایه ارزیابی در نظریه نوشهرگرایی و تئوری‌های هیئتات (Habitat) ^{۱۳} و بخش یازدهم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ ^{۱۴} مفاهیم معیوبی هستند. یعنی شما اگر مفاهیم معیوبی را در نظر بگیرید [و اجرایی کنید]، خروجی‌اش این کارها می‌شود.

۱۳. ارجاع پردازی: The UN-Habitat's vision of "a better quality of life for all in an urbanizing world" is bold and ambitious. UN-Habitat works with partners to build inclusive, safe, resilient and sustainable cities and communities. UN-Habitat promotes urbanization as a positive transformative force for people and communities, reducing inequality, discrimination and poverty.

برنامه اسکان ملل متحد: اهداف این برنامه عبارت است از: دیدگاه UN-Habitat در مورد "کیفیت بهتر زندگی برای همه در یک جهان شهری" جسورانه و بلند پروازانه است. UN-Habitat با شرکای خود برای ایجاد شهرها و جوامع فراگیر، ایمن، مقاوم و پایدار همکاری می‌کند. UN-Habitat شهرنشینی را به عنوان یک نیروی مثبت تغییر دهنده برای مردم و جوامع، کاهش نابرابری، تبعیض و فقر، ترویج می‌کند.

آدرس مطلب: سایت برنامه اسکان ملل متحد (هیئتات) - <https://unhabitat.org/about-us>

۱۴. Sustainable Cities and Communities (شهرها و جوامع پایدار) یکی از اهداف ۱۷ گانه سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ است: The Sustainable Development Goals are a universal call to action to end poverty, 17 Goals for People, for Planet, for Prosperity: The Sustainable Development Agenda protect the planet and improve the lives and prospects of everyone, everywhere. The 17 Goals were adopted by all UN Member States in 2015, as part of the 2030 Agenda for Sustainable Development which set out a 15-year plan to achieve the Goals.

THE 17 GOALS: (1) No Poverty, (2) Zero Hunger, (3) Good Health and Well-being, (4) Quality Education, (5) Gender Equality, (6) Clean Water and Sanitation, (7) Affordable and Clean Energy, (8) Decent Work and Economic Growth, (9) Industry, Innovation and Infrastructure, (10) Reducing Inequality, (11) Sustainable Cities and Communities, (12) Responsible Consumption and Production, (13) Climate Action, (14) Life Below Water, (15) Life On Land, (16) Peace, Justice, and Strong Institutions, (17) Partnerships for the Goals.

دستور کار توسعه پایدار: ۱۷ هدف برای مردم، برای کره زمین: اهداف توسعه پایدار یک فراخوان جهانی برای اقدام برای پایان دادن به فقر، محافظت از کره زمین و بهبود زندگی و چشم انداز همه، در هر مکان است. این ۱۷ هدف توسط کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ به عنوان بخشی از برنامه ۲۰۳۰ توسعه پایدار که برنامه ای ۱۵ ساله برای دستیابی به هدف تعیین کرده بود، تصویب شد.

۱۷ اهداف: (۱) عدم فقر، (۲) گرسنگی صفر (۳) سلامتی و رفاه، (۴) آموزش با کیفیت، (۵) برابری جنسیتی، (۶) آب تمیز و بهداشتی، (۷) انرژی مناسب و تمیز، (۸) مناسب کار و رشد اقتصادی، (۹) صنعت، نوآوری و زیرساخت‌ها، (۱۰) کاهش نابرابری، (۱۱) شهرها و جوامع پایدار، (۱۲) مصرف و تولید مسئولانه، (۱۳)، اقدامات اقلیمی، (۱۴) زندگی در زیر آب (۱۵) زندگی در خشکی، (۱۶) صلح، عدالت، و نهادهای قوی، (۱۷) مشارکت برای هدف.

آدرس مطلب: سایت سازمان ملل - <https://b2n.ir/u66395>

۲/۱/۴. حوزه های سیزده گانه روابط انسانی: رابطه انسان با امام، معلم، خانواده، همسایه، دوست، دشمن، شریک

شغلی، طرف معامله، فقیر، یتیم، ابن سبیل، همسفر و مهمان

پس مفهوم اول تنظیم صحیح روابط انسانی است. خواهش می کنم این نکته را بیشتر دقت بفهمید. روابط انسانی سیزده محور اصلی دارد، هر سیزده محور باید مواظبت شود. شما بخواهید "منهتن (Manhattan)"^{۱۵} را اداره کنید یا "مشهد" یا "کوفه" را فرق نمی کند؛ اگر این سیزده حوزه رابطه انسانی را به چالش بکشید، زندگی انسان ها به چالش کشیده خواهد شد: ۱. رابطه انسان با امام، ۲. رابطه انسان با معلم، ۳. رابطه انسان با خانواده، ۴. رابطه انسان با همسایه، ۵. رابطه انسان با دوست، ۶. رابطه انسان با دشمن، ۷. رابطه انسان با شریک شغلی، ۸. رابطه انسان با طرف معامله، ۹. رابطه انسان با فقیر، ۱۰. رابطه انسان با یتیم، ۱۱. رابطه انسان با ابن سبیل^{۱۶}، ۱۲. رابطه انسان با همسفر، ۱۳. رابطه انسان با مهمان.

۲/۱/۵. بی توجهی و عدم بررسی ارتباط ساختار امامت با حوزه های مختلف اداره شهر؛ نمونه ای دیگر از

نادیده گرفتن روابط انسانی در مدیریت شهری کنونی

همانطور که عرض کردم همه آدم ها در همه جای دنیا این سیزده رابطه را دارند. شما شب ها که قرآن مطالعه می کنید حتما دیده اید که قرآن می گوید: دو نوع امام وجود دارد: یک "امام الی التار"^{۱۷} وجود دارد یک "امام الی النور"^{۱۸} وجود دارد. اصلا در دنیا آدم بدون امام نداریم؛ همه "الگو" دارند، "امام" دارند. خود ما که زندگی را بررسی می کنیم می بینیم یک کسانی به ما الگو داده اند، پس ما امام داریم، آدم های همه جای دنیا امام دارند.^{۱۹} حالا وقتی محضر پیامبران تلمذ می کنیم پیامبران به ما می گویند مراقب باشید

۱۵. یکی از بخش های پنج گانه کلان شهر نیویورک و مرکز اقتصادی و اداری آن.

۱۶. **ارجاع پرورشی:** به مسافر در راه مانده و نیازمند، **ابن سبیل** گفته می شود؛ هر چند در شهر خود دارای مال و سرمایه باشد. ابن السبیل به این معنا در قرآن و روایات نیز به کار رفته و در باب های زکات و خمس از آن بحث شده است.

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۲۱

۱۷. **ارجاع پرورشی:** وَ إِنْ تَكَثَّرَ آمَنَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَ طَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يُتَنَّهُونَ (سوره مبارکه توبه، آیه ۱۲) و اگر پیمان هایشان را پس از تعهدشان شکستند و در دین شما زبان به طعنه و عیب جویی گشودند، در این صورت با **پیشوایان کفر بجنگید** که آنان را [نسبت به پیمان هایشان] هیچ تعهدی نیست، باشد که [از طعنه زدن و پیمان شکنی] بازایستند.

۱۸. **ارجاع پرورشی:** وَ جَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ (سوره مبارکه انبیاء، آیه ۷۳) و آنان را **پیشوایانی** قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند، و انجام دادن کارهای نیک و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم، و آنان فقط پرستش کنندگان ما بودند.

وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَيْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بَيَاتِيًا يُوقِنُونَ (سوره مبارکه سجد، آیه ۲۴) و برخی از آنان را چون [در برابر مشکلات، سختی ها و حادثه های تلخ و شیرین] صبر کردند و همواره به آیات ما یقین داشتند، **پیشوایانی** قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند.

۱۹. **ارجاع پژوهشی:** يَوْمَ تَذْهَبُ كُلُّ أَنَاةٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوِّيَ كِتَابَهُ يَمِينُهُ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُ كِتَابَهُمْ وَ لَا يُظْلَمُونَ قَبِيلاً (سوره مبارکه اسراء، آیه ۷۱) [یاد کن] روزی را که هر گروهی از مردم را با **پیشوایشان می خوانیم** پس کسانی که نامه اعمالشان را به دست راستشان دهند، پس آنان نامه خود را [با شادی و خوشحالی] می خوانند و به اندازه رشته میان هسته خرما مورد ستم قرار نمی گیرند.

امام خود را درست انتخاب کنید. الان دعوی ما با بردران اهل تسنن هم سر همین است که یک دعوی نرمی داریم ضمن اینکه وحدت هم داریم. می‌گوییم سقیفه شرایط امامت را رعایت نکرده، یکی از شرایط امامت این است که امام باید علم تام داشته باشد. نمی‌شود کسی امام باشد ولی مأمون‌هایش از او عالم‌تر باشند (کما اینکه در صدر اسلام اتفاق افتاد).

حالا عرضم این است [رابطه انسان با امام] با تطبیق بر حوزه شهر چه می‌شود؟ ساختار امامت در شهر چیست؟ شما کجا شهر را مدیریت می‌کنید؟ شما تالار شهر می‌سازید، پروژه میدان شهدا را می‌سازید. می‌پرسیم: برای من توضیح دهید که تالار شهر یعنی چه؟ [و ارتباط آن با امام چیست؟] می‌گویید: خب حالا در اروپا اینطور بوده است. [آیا واقعا] ساختار امامت همین است؟ [و مثلا ساخت‌وساز در شهر هیچ ارتباطی با امامت ندارد؟! می‌گوییم: [اگر اینچنین است،] پس ما از این معنا و مفهوم امامت عدول و عبور کرده‌ایم و آن را در شهر نقض کرده‌ایم، یا [می‌گوییم:] با مدل غربی آن آمده‌ایم بحث را جلو ببریم. به هر حال همه این حوزه‌ها را باید مواظبت کنیم.

باز مثال می‌زنم شنیده‌ام در شهرهای روسیه آپارتمان می‌سازند ولی آپارتمان را طوری می‌سازند که واحدها به هم اشراف نداشته باشد. یعنی چه؟ یعنی شما در ساخت ساختمان فرض کنید اگر مجبور هم هستید آپارتمان می‌سازید چرا روبروی همدیگر می‌سازید؟ خب؛ یک طوری بسازید که اینها به همدیگر دید نداشته باشند، خانواده‌ها امنیت بیشتری پیدا می‌کنند. این فیزیک شهر در روابط انسانی تاثیر می‌گذارد.

۲/۱/۶. بی‌اهمیتی به کاشت درختان مثمر و معطر در سطح شهر؛ نمونه‌ای دیگر از نادیده گرفتن روابط انسانی در

مدیریت شهری کنونی

مثلا شما در فضای سبز شهری می‌آید چمن می‌کارید. نمی‌دانم کی قرار است ما از این چمن دست برداریم؟! دفعه قبل هم که آمده بودیم با مدیران فضای سبز صحبت کردیم. مثلا می‌گویند: راحت‌تر می‌شود مدیریتش کرد؛ اینطوری استدلال می‌کنند.

۲/۱/۶/۱. تاثیر مثبت درختان و گیاهان معطر بر "قلب" و در نتیجه کاهش نزاع و اصطکاک در سطح جامعه؛ علت ضرورت و

اهمیت کاشت درختان و گیاهان معطر در سطح شهر

حالا شما اگر به جای "کاج" و "چمن" و این "درختان غیر مثمر" که دارید، "درختان معطر" کاشتید؛ این عطر بر قلب تاثیر می‌گذارد^{۲۰} (البته نه عطرهای شیمیایی که فرانسه تولید می‌کند، بلکه عطرهای طبیعی). وقتی قلب را آرام کردید آدم‌ها کمتر با

تَفْسِيرُ التَّعْمَانِيَةِ بِالْإِسْنَادِ الْإِتْبَاعِيِّ فِي كِتَابِ الْقُرْآنِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: النَّاسُ أَتْبَاعُ مَنْ اتَّبَعُوا مِنْ أَتْبَاعِ الْحَقِّ وَأَتْبَاعِ الْبَاطِلِ. قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «يَوْمَ تَدْعُوا كُلُّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوِّيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا»، فَمَنْ اتَّبَعَ بِالصَّادِقِينَ حُشِرَ مَعَهُمْ، وَمَنْ اتَّبَعَ بِالْمُنَافِقِينَ حُشِرَ مَعَهُمْ. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يُحْشَرُ الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ، قَالَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي».

امیرالمومنین (علیه السلام): مردم [در قیامت] دنباله‌روی آن پیشوای حق یا پیشوای باطلی هستند که [در دنیا] پیرو او بوده‌اند. خداوند عز و جل می‌فرماید: «روزی را [یاد کن] که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم. پس کسانی که کارنامه‌شان را به دست راستشان بدهند، آنان کارنامه خود را می‌خوانند و به قدر تَخَلُّكِ هسته خرمایی به آنها ستم نمی‌شود» (آیه ۷۱ سوره اسراء). بنابراین، هر کس راست‌دینان را به پیشوایی بگیرد، با آنان محشور می‌شود، و هر کس منافقان را به پیشوایی برگزیند، با آنان محشور می‌گردد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: انسان با هر کسی که دوست دارد محشور خواهد شد. حضرت ابراهیم اینچنین فرمود: «هر کس از من تبعیت کند، همانا او از من است» (آیه ۳۶ سوره ابراهیم).

بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۱ (نقلا عن تفسیر النعمانی)

۲۰. ارجاع پژوهشی: الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الطِّيبُ يَشُدُّ الْقَلْبَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، قلب را همت می‌کند.

همدیگر دعوا می کنند. نتیجه این می شود که سر دادگستری و نیروی انتظامی شهر خلوت تر می شود خود آدم هم راحت تر زندگی می کند. ببینید؛ الان شما دارید درخت می کارید، ولی من می گویم شما دارید به توسعه نزاع در شهر کمک می کنید. بیایید "درختان معطر و مُثمر" بکارید. همانطور که به صورت طبیعی در یک شهری گل یاس است. دیده اید در روایت امام (علیه السلام) می فرمایند: «یاس جنون انسانها را می برد»،^{۲۱} بعد امام استدلال می کنند و می فرمایند: «همه آدمها دارای جنون هستند» یعنی تعبیر ساده تر این است که همه آدمها دارای عصبانیت های نهفته و دلخوری های نهفته هستند. الان اگر خودمان را واکاوی کنیم از خیلی چیزها همه ما دلخور هستیم این همان تعبیر امام است. امام می فرماید: «آدمها دارای جنون نهفته هستند»؛ بعد می فرماید: «عطر یاس جنونها را از بین می برد». یعنی: آدمها دیگر کمتر عصبانی می شوند. ببینید وقتی عرض می کنم که مدیریت شهری به روابط انسانی دارد ضربه می زند؛ یک مصداقش همین فضای سبز است، که شما همه این پارکها را می سازید و دارید اینها را مدیریت می کنید. خب بنابراین خود روابط انسانی که داریم راجع به آن بحث می کنیم سیزده حوزه دارد که باید این را ملاحظه کنیم.

۲/۱/۷. ساخت مجتمع های بزرگ تجاری و بی توجهی به مشاغل خرد؛ نمونه ای دیگر از نادیده گرفتن روابط انسانی (رابطه انسان با فقیر) در مدیریت شهری کنونی

مثال دیگری محضران بزنم، شما به مگامالها (Megamall) مجوز می دهید. بنده در سالهایی که مشهد می آمدم و با لباس عادی شبها و روزها مکرر در شهر رفته ام همیشه دیده ام که ساختمان های تجاری شما دارد به سمت مگامالها و فروشگاه های بزرگ می رود. وقتی شما فروشگاه را بزرگ می کنید کسب و کارهای خرد را به چالش می کشید! یعنی "رابطه با فقرا" را در نظر نمی گیرید. بالاخره فقرا جزو این شهر هستند شما باید تجارت را طوری تنظیم کنید که فقرا ضربه نبینند. چرا پدیده حاشیه شهر در همه شهرها مدرن به وجود می آید؟ (در مشهد پدیده حاشیه شهر دارید، در منتهن هم دارید؛ همه جا اینطوری است) چون تجارت را شما به دست اغنیاء می دهید. ساختار تجاری شهر، زمینه تجارت را برای همه مردم آماده نمی کند. در روایت دارد که امیرالمومنین (علیه السلام) وقتی حاکم شدند، یک نوع بازار می ساختند که یک ویژگی مهم داشت (خب؛ آن موقع "شهرداری"

الوافي، ج ۶، ص ۶۹۴ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۴۳

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ مَخْبُوطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ أَنَا مَعَ أَبِي بَصِيرٍ فَمَسِغْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ هُوَ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ الرِّيحَ الْكَبِيرَةَ تُشَدُّ الْقُلُوبَ وَ تَرِيدُ فِي الْجَمَاعِ. امام صادق (علیه السلام) از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، قلب را محکم می کند و بر [توان] آمیزش می افزاید.

الکافي، ج ۶، ص ۵۱۰ / قرب الإسناد، ص ۱۶۷ / دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۶

الوافي، ج ۶، ص ۶۹۴ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۴۳

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْطِّيبُ نُشْرَةٌ ...

امام علی علیه السلام: بوی خوش شادمانی می آورد...

نهج البلاغه ج ۱ ص ۵۴۶ / عيون الاخبار ج ۲ ص ۴۰

وسائل الشیعة ج ۲ ص ۱۴۳ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۳۰۰

۲۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: شَمُّوا التَّرجِسَ وَ لَوْ فِي الْيَوْمِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الْاِسْبُوعِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الشَّهْرِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي السَّنَةِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الدَّهْرِ مَرَّةً؛ فَإِنَّ فِي الْقَلْبِ حَبَّةً مِنَ الْجُنُونِ وَ الْجَذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ شَمُّهُ يَدْفَعُهَا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [کُل] ترگس را بپوید، هرچند در روز یک بار، هر چند در هفته یک بار، هر چند در ماه یک بار، هر چند در سال یک بار، و هر چند در همه عمر، یک بار؛ چرا که در قلب، هسته ای از دیوانگی، جذام و پیسی وجود دارد؛ که بپویدن ترگس، آن را دور می کند.

طب النبي صلى الله عليه وآله وسلم (مستغفری، ۴۳۲ ق)، ص ۳۰

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۹ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۲۸۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۴۵

نبوده که کار حضرت را خراب کند! [بلکه] "بلدیه"هایی که حضرت داشتند: هیچ نوع عوارضی از این نوع محیط‌های تجاری از مردم نمی‌گرفتند؛ تقریباً محیط تجارت برای فقرا رایگان بود. خیلی مهم است! الان مهمترین و یکی از موانع اصلی که فقرا نمی‌توانند کسب و کار راه بیندازند این است که: هزینه ساخت یک محیط تجارت برایشان بالاست. فرضاً اگر بتوانند مغازه‌ای در یکی از این راسته‌های حرم امام رضا (علیه السلام) تهیه کنند؛ شهرداری شروع می‌کند مالیات‌های مختلف گرفتن. خب؛ چرا امیرالمومنین (علیه السلام) که "اعقل من فی الارض"^{۲۲} هستند در حوزه تجارت مالیات عمومی نمی‌گرفتند و بساط تجارت را برای همه مردم آماده می‌کردند؟ برای اینکه می‌خواستند فقرا را حمایت کنند، برای اینکه می‌خواستند حاشیه شهر به وجود نیاید. عملاً شهرداری‌ها با گسترش مگامال‌ها، کمک می‌کنند به اینکه فقرا فقیرتر شوند. بعد هم حالا دیده‌اید که دولت‌ها در جمهوری اسلامی؛ عمده کارشان [برای رفع فقر و کمک به فقرا] این است که یارانه بدهند. [ولی] از این طرف هم به مگامال‌ها مجوز می‌دهند! خود بنیاد مستضعفان، و متأسفانه در بعضی اوقات خود سپاه پاسداران (من چون می‌خواهم بحث صریح باشد می‌گویم) و سایر نهادها هم که دیگر به وفور؛ می‌آیند مجتمع‌های تجاری خاص راه‌اندازی می‌کنند که هزینه تجارت و داد و ستد در آن بالاست. بعد از آن طرف سپاه می‌آید تشکیلات "محرومیت‌زدایی" راه‌اندازی می‌کند و به محرومیت‌زدایی کمک می‌کند! تصمیم‌ها [در سطوح مختلف کشور] با هم تعارض دارند در شهرداری هم همینطوری است. برادران و خواهران گرامی! قرآن می‌فرماید: «وَأَمَّا السَّائِلُ فَلَا تَنْهَرْ»^{۲۳} این بحث فقط به کسی که در شورای شهر شما را مواخذه کند نیست. اگر شما یک تصمیمی گرفتید که سائل‌ها و فقیرها دفع شدند و مورد بی توجهی قرار گرفتند؛ آن وقت همه ما باید در محضر محاکمه الهی پاسخ بدهیم! پس ببینید مصادیق مختلفی در حوزه روابط انسانی وجود دارد.

۲/۱/۸. بی‌مهری به ایتام و و بی‌توجهی نسبت به حقوق آنان؛ نمونه‌ای دیگر از نادیده‌گرفتن روابط انسانی (رابطه انسان با یتیم) در مدیریت شهری کنونی

۲/۱/۸/۱. گسترش قتل؛ یکی از نتایج بی‌مهری به ایتام و بی‌توجهی به حقوق آنان (در کلام حضرت اباالحسن الرضا (ع))

مرحوم شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع از حضرت اباالحسن الرضا (علیه السلام) نقل کرده است که چرا باید به یتیم احترام گذاشت؟ حضرت می‌فرماید: اگر شما به حقوق یتیم و مال یتیم احترام نگذارید، "قتل" اتفاق می‌افتد.^{۲۴} یتیم پدر ندارد بعضی از

۲۲. عاقل‌ترین انسان روی زمین.

۲۳. و تهدیدست حاجت خواه را [به بانگ زدن] از خود مران (سوره مبارکه ضحی، آیه ۱۰)

۲۴. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُبَيْدٍ اللَّهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّخَّافُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عَ كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ حَزَمَ أَكُلَ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا لِعِلَلٍ كَثِيرَةٍ مِنْ وَجْهِ الْفَسَادِ أَوَّلَ ذَلِكَ إِذَا أَكَلَ مَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا فَقَدْ أَعَانَ عَلَى قَتْلِهِ إِذِ الْيَتِيمُ غَيْرُ مُسْتَعْنٍ وَلَا مُخْتَمِلٍ لِنَفْسِهِ وَلَا قَائِمٍ بِشَأْنِهِ وَلَا لَهُ مَنْ يَقُومُ عَلَيْهِ وَيُكْفِيهِ كِفَاتِمَ وَالِدَيْهِ فَإِذَا أَكَلَ مَالَهُ فَكَأَنَّهُ قَدْ قَتَلَهُ وَصَيَّرَهُ إِلَى الْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ مَعَ مَا خَوْفَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْعُقُوبَةِ فِي قَوْلِهِ لِيُخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا رَبِّيَ أَبِي جَعْفَرُ عَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَعَدَ فِي أَكْلِ مَالِ الْيَتِيمِ عُقُوبَتَيْنِ عُقُوبَةٌ فِي الدُّنْيَا وَ عُقُوبَةٌ فِي الْآخِرَةِ فَيُفِي تَحْرِيمِ مَالِ الْيَتِيمِ اسْتِثْقَاءَ الْيَتِيمِ وَ اسْتِغْلَالَهُ بِنَفْسِهِ وَ السَّلَامَةَ لِلْعَقَبِ أَنْ يُصِيبَهُ مَا أَصَابَهُمْ لَمَّا وَعَدَ اللَّهُ فِيهِ مِنَ الْعُقُوبَةِ مَعَ مَا فِي ذَلِكَ مِنْ طَلَبِ الْيَتِيمِ بِشَأْنِهِ إِذَا أَدْرَكَ وَ وُقُوعِ الشَّخْوَ وَ الْعَدَاوَةِ وَ الْبُغْضَاءِ حَتَّى يَتَفَانُوا.

علی بن احمد از محمد بن ابی عبد الله، از محمد بن اسماعیل، از علی بن عباس، از قاسم بن ربیع صخاف، از محمد بن سنان نقل کرده که وی گفت: حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام در مکتوبی به او در جواب مسائلیش فرمودند: خوردن مال یتیم از روی ظلم و ستم به خاطر علل و اسباب بسیاری حرام است؛ اول: هر گاه کسی از روی ستم مال یتیمی را بخورد بر کشتنش کمک کرده زیرا یتیم محتاج و فقیر بوده و از طرفی نمی‌تواند خود را بکشد و بردارد و اساساً قائم به خویش نبوده و کسی را هم ندارد که همچون پدر و مادری را کفایت کنند از این رو وقتی کسی مالش را بخورد گویا او را کشته و به فقر و فاقه انداخته‌اش. مضافاً به هشداری که حق عز و جل داده و از ستم به یتیم و افراد ضعیف بر

مواقع مادر هم ندارد؛ اگر شما یتیم را مورد بی مهری قرار دادید، کینه مضاعف در ذهن و قلبش شکل می‌گیرد. ولی وقتی شما به یک کسی که پدر و مادر دارد ظلم می‌کنید، (که این ظلم هم حرام است) ولی بالاخره مادر برای او تشفی خاطر است، پدر کمک می‌کند فرزند از آن حالت خارج شود. ببینید؛ خیلی معقول حضرت ابوالحسن (علیه السلام) فرمودند؛ می‌گویند: برای ایتام برنامه خاص بگذارید. که حالا ما این‌ها را رعایت نمی‌کنیم.

۲/۱/۹. افزایش هزینه برای کشور؛ اشکال اصلی نظریه "نوشهرگرایی" و یکی از نتایج نادیده گرفتن روابط انسانی

در برنامه‌ریزی کشور

این نواقص و اشکالاتی که بیان می‌کنم، فقط مخصوص شهرداری‌ها نیست؛ سازمان برنامه و بودجه هم اینطور است. بنده مثل جلسه‌ای که خدمت شما هستم در استان‌ها می‌روم بعضی وقت‌ها در سازمان برنامه و بودجه استانها، بعضی وقت‌ها در بهارستان، در دوره‌های قبل با آقایان صحبت کرده‌ایم؛ همین حرف‌ها را می‌زنم و می‌گویم: «برنامه‌ریزی‌ای که ضد روابط انسانی عمل کند، این برنامه‌ریزی هزینه درست می‌کند». این اشکال اصلی ما به "نوشهرگرایی" است. ما با حرف‌های لوکوربوزیه (Le Corbusier)^{۲۵} و ایده‌های شهرسازی، این مشکل را داریم. می‌گوییم: غیر از دستگاه فکری پیامبران، هیچ دستگاهی با این همه ظرافت روابط انسانی را لحاظ نکرده است.

۲/۱/۱۰. دقت، ظرافت و تبیین تفصیلی روابط انسانی در تفکر انبیاء؛ دلیلی بر اهمیت فراوان مفهوم روابط انسانی

در تفکر انبیا راجع به روابط انسانی خیلی دقیق بحث شده است. معمولاً ما طلبه‌ها چون در احادیث و روایات درایه نمی‌کنیم؛ مردم خیلی این بحث‌ها را متوجه نمی‌شوند.

حذر داشته و اخبار به عقوبت داده چنانچه در قرآن فرموده: باید بندگان از مکافات عمل خود بترسند (و با یتیمان نیک رفتار کنند) کسانی می‌ترسند کودکان ناتوان از آنها باقی ماند و زیر دست مردم شوند، آنان باید از خدا بترسند. دَوْم: حضرت ابو جعفر علیه السلام فرمودند: خداوند عز و جل در خوردن مال یتیم وعده دو عقوبت داده، یک عقوبت در دنیا و دیگری در آخرت. پس حکمت و مصلحت در تحریم مال یتیم یکی ابقاء یتیم و قائم به نفس نمودنش بوده و دیگری حفظ نمودن اعقاب و فرزندان از آنچه به ایتام می‌رسد چه آنکه متصدیان امور ایتام وقتی وعده عقوبت حق عز و جل به متصرفین در اموال ایتام را ملاحظه کردند از خوردن اموال ایشان اجتناب کرده و هیچ گونه خیانتی در مال آنها نمی‌کنند در نتیجه هم ایتام با داشتن مال قائم به نفس گشته و نیاز به مال دیگران ندارند و هم فرزندان متصدیان به سرنوشت سوء ایتامی که مالشان را اولیاء خورده‌اند که مبتلا نمی‌شوند از این گذشته آنان که مال ایتام را می‌خورند بعداً که اطفال یتیم رشد کرده و به سن درک و بلوغ رسیدند حق خود را مطالبه کرده و بدین ترتیب عداوت و خصومت و بغض و کینه بین طرفین حاکم می‌شود.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۸۰

عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۹۰

سند عیون: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَاجِلٍ رَوَاهُ اللَّهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ وَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرَانَ الدَّقَاقِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَائِيٍّ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِسْرَافِيلَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامٍ الْمَكْنُكِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّخَّافُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ وَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ وَ عَلِيُّ بْنُ عِيسَى الْمُجَازِيُّ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْبَرْقِيُّ بِالرَّيِّ رَجَمَهُمُ اللَّهُ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلٌ رَوَاهُ اللَّهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرُّضَا ع كَتَبَ إِلَيْنَا فِي جَوَابِ مَسَائِلَ

بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۶۸

۲۵. **ارجاع پرورشی: لوکوربوزیه** با نام اصلی شارل ادوار ژانره زاده ۶ اکتبر ۱۸۸۷ معمار، طراح، شهرساز، نقاش و نویسنده سوئیسی بود. وی به عنوان یکی از اولین پیشگامان معماری مدرن و سبک بین‌المللی مشهور است. در ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۶، هفده پروژه لوکوربوزیه در هفت کشور در فهرست سایت‌های میراث جهانی یونسکو به عنوان آثار معماری لوکوربوزیه، به عنوان میراث جهانی یونسکو ثبت شدند. در زمینه معماری لوکوربوزیه خانه را به عنوان ماشینی برای زندگی عنوان کرد، همانگونه که اتومبیل ماشینی برای حرکت است... وی پنج نکته را در ساختمان‌های مدرن معرفی کرد که عبارتند از: ۱- ستون‌ها ساختمان‌ها را از روی زمین بلند می‌کنند. ۲- بام مسطح و باغ روی بام. ۳- پلان آزاد. ۴- پنجره‌های طویل و سرتاسری. ۵- نمای آزاد، کف‌ها و دیوارها به صورت کنسول.

آدرس مطلب: سایت استوارسازان ایران - <https://b2n.ir/h59907>

۲/۱/۱۰/۱. اهمیت فراوان پیامبر اسلام (ص) نسبت به "سلام کردن" و پیشدم شدن همیشگی نسبت به آن؛ نمونه ای از اهمیت

فراوان روابط انسانی در تفکر انبیاء

این روایت را دیده‌اید که: هیچ کس در سلام بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) سبقت نگرفت.^{۲۶} چون هیچ کس نمی‌توانست اول به پیامبر (صلی الله علیه و آله) سلام کند. چرا؟ دلیلش چیست؟ دلیلش همین "تنظیم روابط انسانی" است. رسول الله (صلی الله علیه و آله) اصرار داشتند که در هر ارتباطی، "سلامت" را بر روابط انسانی حاکم کنند. در روایتی اینطور نقل شده است که: آدم‌ها از همدیگر ترس پنهان دارند. (حتی اگر شما مثلاً با خانواده خودتان هم که باشید؛ الان وقی که داخل خانه بشوید، با خودتان می‌گویید: احتمالاً همسرم قرار است مرا یک محاکمه مختصر کند!) همه همین‌طور هستند و یک ترس پنهان از همدیگر را می‌توانیم تصویر کنیم. روایت می‌فرماید: خدای متعال به شما دستور داده که از یکی از اسم‌های خدا که اسم "سلام" است^{۲۷} استفاده کنید و رابطه بین خودتان را از آن حالت "ترس" تبدیل به "رفاقت" کنید. "سلام" یک لفظی است که پشتیبانی آن به عهده خدای متعال است. اگر کسی از این لفظ استفاده کند، روابطش با دیگران بهینه می‌شود. رسول الله (صلی الله علیه و آله) در هر ارتباطی [که با مردم داشتند، با ابتداء به سلام، با زبان حال] می‌گفتند: وقتی با من روبرو می‌شوید ترسید! و به این کار ابتدا هم می‌کردند.

۲۶. **ارجاع پژوهشی:** الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْعُسْكُرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ قَالَ قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ ع: سَأَلْتُ خَالَي هِنْدَ بْنَ أَبِي هَالَةَ عَنْ حَلْبَةِ رُسُولِ اللَّهِ ص وَ كَانَ وَصَافًا لِلَّتِي ص فَقَالَ: كَانَ رُسُولُ اللَّهِ ص فُخْمًا مُفَخَّمًا يَتَلَأَلُّ وَجْهَهُ تَلَأُلُو الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ... يَبْدُو مِنْ لَفِظَةِ السَّلَامِ.

امام رضا از پدران بزرگوار خود، از امام مجتبی علیهم السلام نقل کردند که آن حضرت چنین فرمود: از دانی‌ام هند بن ابی هاله که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را خوب وصف می‌نمود در باره اوصاف و شمائل آن حضرت سؤال کردم، او چنین گفت: حضرت رسول صلی الله علیه و آله بسیار با هیبت بودند، چهره ایشان همچون ماه شب چهارده می‌درخشید، ... هر کس را می‌دید ابتدا به سلام می‌کرد.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱۶ / معانی الأخبار، ص ۸۱ (با چندین سند)
الوافي، ج ۳، ص ۷۰۴ (نقلا عن المعاني) / بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۴۹ / مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۵۶ (نقلا عن العيون)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى عَنْ ابْنِ مَخْثُومٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: التَّوْبَةُ بِالسَّلَامِ أَوْلَى بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ.
امام صادق (علیه السلام): هر کس آغازگر سلام باشد، نزدیکترین شخص به خدا و به رسول خداست.

الکافي، ج ۲، ص ۶۴۵

جامع الأخبار (للمعيري)، ص ۸۸

الوافي، ج ۵، ص ۵۹۵ / وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۵۵ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۱

بِهَذَا الْإِسْنَادِ (عَلَيْهِ) ابْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ التَّوْقَلِيِّ عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رُسُولُ اللَّهِ ص: أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ مَنْ بَدَأَ بِالسَّلَامِ.

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): نزدیکترین مردم به خدا و رسول خدا کسی است که آغازگر سلام باشد.

الکافي، ج ۲، ص ۶۴۴

الجعفریات (الاشعریات)، ص ۲۲۹

سند جعفریات: أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رُسُولُ اللَّهِ وَ سَائِلَ الشَّيْعَةِ، ج ۱۲، ص ۵۶ / الوافي، ج ۵، ص ۵۹۵ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۲ (نقلا عن جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ الْقُمِّيِّ فِي كِتَابِ الْغَايَاتِ)

مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۵۶ (نقلا عن الجعفریات) و ص ۳۵۷ (نقلا عن الغايات)

۲۷. **ارجاع پژوهشی:** هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمُ الْغَزِيُّ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (سوره مبارکه حشر، آیه ۲۳)

اوست خدایی که جز او هیچ معبودی نیست، همان فرمانروای پاک، سالم از هر عیب و نقص، ایمنی بخش، چیره و مسلط، شکست‌ناپذیر، جبران کننده، شایسته بزرگی و عظمت است. خدا از آنچه شریک او قرار می‌دهند، منزّه است.

رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ السَّلَامَ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ تَعَالَى، فَافْشَوْهُ بَيْنَكُمْ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سلام یکی از نامهای خداوند متعال است، پس آن را در میان خود رواج دهید.

کنز العمال، ۲۵۲۳۷

۲/۱/۱۰/۲. ساخت بازار برای فقراء (بدون دریافت کرایه)؛ نمونه‌ای دیگر از اهمیت فراوان روابط انسانی در تفکر

انبیاء

بینید؛ مسئله روابط انسانی [خیلی مهم] است. و این روابط انسانی به طور مفصل در تفکر انبیاء توضیح داده شده است: از "ساخت بازار برای فقراء" حکم برای روابط انسانی است. که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «شَوْقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى ثُبُوتِ الشُّوقِ كِرَاءً»^{۲۸} فرمود: امیرالمومنین (علیه السلام) «كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى ثُبُوتِ الشُّوقِ كِرَاءً» یعنی: امیرالمومنین (علیه السلام) هیچ وقت از مردم بابت حجره‌های بازار کرایه نمی‌گرفت! بازار مجانی برای مردم می‌ساخت! این مسئله به روابط انسانی کمک می‌کند. "سلام" هم به روابط انسانی کمک می‌کند. همه احکام [اسلام] همین طوری هستند.

حالا ما باید کمک کنیم بخش کالبدی‌ای که روابط انسانی را لجستیک می‌کند را بازسازی و طراحی کنیم. من از این بحث پایه بگذرم، روابط انسانی خیلی بحث دارد من دیگر اینجا از آن عبور می‌کنم. اگر دوستان خواستند در بحث‌های دیگر باز این را شرح می‌دهم.

۲/۲. مفهوم "تسخیر شیئی‌پایه"؛ دومین مفهوم پایه در مدیریت شهری محله‌محور

مفهوم دومی که مفهوم پایه در شهر است، مفهوم "تسخیر شیئی‌پایه" است. خواهش می‌کنم دقت کنید این اصطلاح فنی است که ما در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی داریم مطرح می‌کنیم. "تسخیر شیئی‌پایه" به چه معنی است؟

۲/۲/۱. تصرف عنصر پایه؛ مبنای تصرفات در اشیاء در تمدن مدرن

۲/۲/۱/۱. وجود ترکیبات شیمیایی در تمام اشیاء عالم؛ علت محوریت یافتن بررسی عناصر تشکیل‌دهنده

اشیاء (تصرف عنصر پایه) در تمام رشته‌های علمی در تمدن مدرن

بینید در "تمدن مدرنیته" یک گزاره محوری وجود دارد و آن عبارت از این است که: همه اشیاء عالم دارای ترکیبات شیمیایی و اصطلاحاً دارای معادله "بیوشیمی"^{۲۹} هستند. مثلاً می‌گویند: آب، H_2O است. و قس علی هذا همه اشیاء عالم را. پس ما برویم "عناصر" این ترکیبات شیمیایی را شناسایی کنیم. اصلاً یک بخش مدرنیته از اینجا شروع شد؛ می‌گویند: حالا که اشیاء عالم همه

۲۸. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: «شَوْقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ. قَالَ: وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى ثُبُوتِ الشُّوقِ كِرَاءً».

امام صادق (علیه السلام) از امیرالمومنین (علیه السلام) نقل می‌کنند که ایشان می‌فرمودند: «بازار مسلمانان در حکم مسجد آنان است؛ پس هر کس به مکانی در آن زودتر برسد (و دکه‌ای را تصرف کند)، او بر آن دکه تا شب اولویت دارد. امام صادق (علیه السلام) در ادامه فرمود: «و امیرالمومنین (علیه السلام) هیچگاه برای دکه‌های بازار کرایه دریافت نمی‌کرد.»

الکافی، ج ۲، ص ۶۶۲ و ج ۵، ص ۱۵۵ / تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۹

سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع

وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۲۷۸ / الوافي، ج ۱۷، ص ۴۴۷ / جامع أحاديث الشيعة، ج ۲۳، ص ۲۳۹ و ۲۴۰

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد "عدم دریافت کرایه از مغازه‌های بازار توسط امیرالمومنین (علیه السلام)؛" به پیوست شماره ۳ مراجعه کنید.

۲۹. ارجاع پرورشی: Biochemistry, study of the chemical substances and processes that occur in plants, animals, and microorganisms and of the changes they undergo during development and life.

بیوشیمی، مطالعه مواد شیمیایی و فرایندهایی که در گیاهان، حیوانات و میکروارگانیسم‌ها اتفاق می‌افتد و تغییراتی که در طول رشد و زندگی ایجاد می‌کنند.

آدرس مطلب در سایت بریتانیکا: <https://b2n.ir/166269>

از "ترکیبات شیمیایی" تشکیل شده‌اند؛ ما موظف هستیم که روی "عناصر" تشکیل‌دهنده این ترکیبات شیمیایی مطالعه کنیم و روی آن شناخت داشته باشیم. لذا همه رشته‌های دانشی "تمدن مدرنیته" به نوعی شناخت "عناصر" است.

۲/۲/۱/۱/۱. بررسی سلامتی و بیماری به محوریت "سلول" در علم پزشکی؛ مصداقی از تصرفات عنصر پایه در

رشته‌های علمی موجود

مثلاً پزشکان در علم پزشکی چه کاری انجام می‌دهند؟ بعد از ویرچو (Rudolf Virchow) که پدر پاتولوژی (Pathology) میکروسکوپی محسوب می‌شود، یک ایده‌ای مطرح شده و پزشکان هم پذیرفته‌اند که: "سلامت" از سلول شروع می‌شود، "مرض" هم از سلول شروع می‌شود؛^{۳۰} پس ما برویم "سلول" را بشناسیم. مجموعه مطالعاتی در این چند ده ساله در دنیای پزشکی شکل گرفته است؛ ولی مبنای همه آنها شناسایی "سلول" است. مثلاً می‌گویند: سلول دارای "غشاء (پوسته)" است، سلول دارای "هسته" است. شما در "زیست" و خصوصاً در "رشته پزشکی"، مفصلاً راجع به "غشاء سلول" و "هسته سلول" مطالعه می‌کنید. درون هسته سلول، نظام ژنوم^{۳۱} وجود دارد. نظام ژنوم خودش DNA^{۳۲} های گدککننده و DNA های غیرگدککننده است.^{۳۴}

۳۰. **ارجاع پرورشی:** معنای کلمه پاتولوژی، مطالعه (logos) آسیب (pathos) است. در این علم، بیماری‌ها و تغییرات مربوطه در سطح سلول‌ها، بافت‌ها و اندام‌ها که سبب ایجاد علائم و نشانه‌های بیماری می‌گردند مورد بررسی قرار می‌گیرند... علم پاتولوژی با توضیح علل و نحوه ایجاد بیماری، بنیان علمی پزشکی را فراهم می‌آورد.

کتاب آسیب شناسی پایه (عمومی) رایینز، ویرایش نهم، صفحه ۱۱

۳۱. **ارجاع پرورشی:**—Rudolf Virchow, in full Rudolf Carl Virchow, (born October 13, 1821, Schivelbein, Pomerania, Prussia [now Świdwin, Poland] died September 5, 1902, Berlin, Germany), German pathologist and statesman, one of the most prominent physicians of the 19th century. He pioneered the modern concept of pathological processes by his application of the cell theory to explain the effects of disease in the organs and tissues of the body. He emphasized that diseases arose, not in organs or tissues in general, but primarily in their individual cells. Moreover, he campaigned vigorously for social reforms and contributed to the development of anthropology as a modern science.

رودولف ویرچو، به طور کامل رودولف کارل ویرچو، (متولد ۱۳ اکتبر ۱۸۲۱، شویلین، پومرانیا، پروس [در حال حاضر Świdwin، لهستان] - درگذشت ۵ سپتامبر ۱۹۰۲، برلین، آلمان)، آسیب شناس و دولتمرد آلمانی، یکی از برجسته ترین پزشکان قرن نوزدهم وی با استفاده از تئوری سلول برای توضیح تأثیرات بیماری در اندام ها و بافت های بدن، ایده مدرن فرآیندهای آسیب شناختی را ایجاد کرد. وی تأکید کرد که: بیماری‌ها نه به طور کلی در اندام‌ها یا بافت‌ها، بلکه در درجه اول در سلول‌های فردی آنها بوجود می‌آیند. علاوه بر این، وی به شدت برای اصلاحات اجتماعی فعالیت می‌کرد و به توسعه انسان شناسی به عنوان یک علم مدرن کمک می‌کرد.

آدرس مطلب در سایت بریتانیکا: <https://b2n.ir/019699>

۳۲. اساس توارث هر موجود زنده، ژنوم آن است؛ یعنی توالی طولی از DNA (داکسی ریبو نوکلئیک) که توسط ارگانیسم و سلول‌های منفرد آن حمل می‌شود و سری کاملی از اطلاعات وراثتی را در اختیار دارد. ژنوم، شامل DNA کروموزومی، DNA پلاسمیدی و (در یوکاریوها) DNA اندامکی، مانند آنچه که در میتوکندری و کلروپلاست موجود است، می‌باشد.

کتاب ژن XI لوین ۲۰۱۴، ص ۱۲

ژنوم: مجموعه کامل ژن‌های یک موجود زنده است.

همان، ص ۱۲۵

۳۳. **ارجاع پرورشی:** مخفف: Deoxyribo nucleic acid (داکسی ریبو نوکلئیک)

دو آزمایش کلاسیک، شواهدی قوی مبنی بر این که DNA، ماده ژنتیکی باکتری‌ها، ویروس‌ها، و سلول‌های یوکاریوت است، را ارائه نمودند. DNA جدا شده از یک سویه‌ی باکتری پنوموکوکوس می‌تواند ویژگی‌هایی از آن سویه را به سویه‌ی دیگر اعطا نماید. به علاوه، DNA تنها جزئی است که از فازهای والدی به تناسل فائز، به ارث می‌رسد. از DNA می‌توان برای انتقال صفات جدید به سلول‌های یوکاریوت استفاده نمود.

کتاب ژن XI لوین ۲۰۱۴، ص ۱۶

۳۴. **ارجاع پرورشی:** برخی اندامک‌ها دارای DNA هستند... ژنوم های اندامکی، DNA های حلقوی هستند که پروتئین‌های اندامکی را کُد می‌کنند... ژنوم‌های اندامکی، برخی (اما نه همیشه) از پروتئین‌های موجود در اندامک را کُد می‌کنند... DNA ی میتوکندریایی سلول جانوری، به شدت فشرده است و معمولاً ۱۳ پروتئین، 2rRNA و 22tRNA را کُد

بعد راجع به بیانی که در مورد DNA های کدکننده دارند، تحقیقاتی اتفاق افتاده است [که ما در نتیجه این تحقیقات] مثلاً: با "تراریخته" ها روبرو شده ایم. ببینید؛ وجه مشترک این مطالعات، "عناصر" هستند. حالا یکی "خود سلول" را مطالعه می کند، یکی می رود "درون سلول" را مطالعه می کند.

۲/۲/۱/۱/۲. محوریت "ژن" در بررسی های علوم وابسته به بیوتکنولوژی؛ مصداقی دیگر از تصرفات عنصر پایه در

رشته های علمی موجود

یکی هم می شود متخصص "بیوتکنولوژی" و ادعای گراف می کند و می گوید: من می توانم بیان "ژن" را کاهش و افزایش بدهم! که حالا من در نقد بیوتکنولوژی (biotechnology)^{۳۵} قبلاً بحث هایی را بیان کرده ام؛ گفته ام که این یک تخیل است کسی بتواند بیان خاصیت "ژن" را مدیریت کند. علتش هم این است که مثلاً فقط در ژنوم انسان سی هزار ژن کدکننده وجود دارد.^{۳۶} آیا واقعا دانشمندان بیوتکنولوژی می توانند بگویند این سی هزار ژن دقیقاً چه چیزی را بیان می کنند؟ و بعد ارتباط این بیان ها [و خاصیت ها] با بقیه اجزای بدن چیست؟

الان همین واکسن های mRNA که ساخته اند^{۳۷} مثل واکسن فایزر Pfizer؛ اینها می آیند کاهش و افزایش ژن را در هسته سلول بر عهده می گیرند. بعد یکبار می بینیم که لخته خون ایجاد می شود و عوارض دیگر که البته نمی گویند. من به وزیر بهداشت نامه

می کند... ژنوم کلویلاست، پروتئین ها و RNA های بسیاری را کُد می کند... ژنوم های کلویلاستی، از نظر اندازه متفاوتند، اما به اندازه کافی طویل هستند که ۵۰ تا ۱۰۰ پروتئین و نیز rRNA و tRNA را کُد می کنند....

کتاب ژن XI لوین ۲۰۱۴، ص ۱۲۴

یک قطعه DNA، ممکن است یک پلی پپتید را کُد کند. کُد ژنتیکی رابطه بین توالی DNA و توالی پلی پپتید را شرح می دهد. به طور کلی تنها یکی از دو رشته ی DNA، یک پلی پپتید را کُد می کند.

کتاب ژن XI لوین ۲۰۱۴، ص ۳۷

۲۵. **ارجاع پرورشی:** biotechnology: the manipulation (as through genetic engineering) of living organisms or their components to produce useful usually commercial products (such as pest resistant crops, new bacterial strains, or novel pharmaceuticals) also: any of various applications of biological science used in such manipulation

بیوتکنولوژی: دستکاری (مانند مهندسی ژنتیک) موجودات زنده یا اجزای آنها برای تولید محصولات مفید معمولاً تجاری (مانند محصولات مقاوم در برابر آفات، سویه های باکتریایی جدید، یا داروهای جدید) همچنین: هر یک از کاربردهای مختلف علوم زیستی که در چنین دستکاری استفاده می شود.

<https://www.merriam-webster.com/dictionary/biotechnology>

ژن های سلولی، DNA هستند.

همان، ص ۲۵

DNA، ماده ژنتیکی باکتری ها و ویروس هاست.

همان، ص ۱۴

۳۶. **ارجاع پرورشی:** شاید مهم ترین اطلاعاتی که از توالی ژنوم به دست می آید، تعداد ژن ها باشد. مایکوپلازما جنتالیوم (Mycoplasma genitalium) یک باکتری انگل با زندگی آزاد، با حدود ۴۷۰ ژن، کوچک ترین ژنوم را در بین موجودات دارا می باشد. ژنوم های باکتری هایی با زندگی آزاد، از ۱۷۰۰ تا ۷۵۰۰ ژن دارند. ژنوم آرکیاها، محدوده کوچک تری، از ۱۵۰۰ تا ۲۷۰۰ ژن دارند. کوچک ترین ژنوم یوکاریوتی تک سلولی، تقریباً ۵۳۰۰ ژن دارد. کرم های نماتود و مگس های میوه تقریباً به ترتیب ۲۱۷۰۰ و ۱۷۰۰۰ ژن دارند، به شکل جالب تعداد ژن ها در ژنوم موش و انسان، تنها تا حدود ۲۵۰۰۰ ژن افزایش می یابد.

همان، ص ۱۴۷

۳۷. **ارجاع پردازشی:** گُرناپسین، نخستین واکسن mRNA ضد کرونا ایرانی: گُرناپسین، نام نخستین واکسن ضد کرونای ایرانی است که با فناوری mRNA تولید شده و ایران را در فهرست چهار کشور صاحب این فناوری در جهان قرار داده است.

نوشتیم گفتیم این عوارض را به مردم بگویید؛ [وگرنه] بعدا چالش ایجاد می‌شود. امروز در دنیا نمی‌شود مخفی‌کاری کرد. حالا نمی‌گویند دیگر! و ما هم که فعلا نمی‌خواهیم وارد این حوزه شویم.

۲/۲/۱/۱/۳. بررسی درون الکترون و پروتون و نوترون در فیزیک ذرات بنیادین؛ مصداقی دیگر از تصرفات

عنصر پایه در رشته‌های علمی موجود

ببینید؛ عرض من این است که مطالعات دنیای امروز همه‌اش به محوریت "شناخت عناصر" است. مثلاً: در "فیزیک ذرات بنیادین" می‌گویند: "الکترون (electron)" e^{-} و "پروتون (proton)" p^{+} و "نوترون (neutron)" n^0 اینها ذرات تشکیل‌دهنده دارند. خب؛ پس ما باید برویم اینها را مطالعه کنیم و بحث کنیم ببینیم اینها از چه تشکیل شده است؟ که در آنجا ایده "ناپایداری ذرات

دکتر وحید خدای (مدیر عامل شرکت دانش بنیان رنپ) در مصاحبه اختصاصی با خبرنگار خبرگزاری صدا و سیما، با اشاره به بومی سازی فناوری MRNA در ایران و سطح بالای این فناوری در جهان افزود: با تلاش بیش از ۶۰ نفر از نخبگان ایرانی که در دانشگاه‌های مطرح جهان تحصیل کرده و جز نفرات برتر المپیاد رشته‌های مختلف هستند زیرساخت‌های این فناوری از چهار سال گذشته در ایران پایه ریزی شد و امروز در کنار بومی سازی دانش فنی، دانش ساخت مواد اولیه و برخی از دستگاه‌های مورد نیاز نیز بومی شده است. وی در خصوص فناوری MRNA در تولید واکسن گفت: در این فناوری برخلاف واکسن‌های دیگر از ویروس زنده استفاده نمی‌شود و خطر ایجاد بیماری در فرد واکسینه شده را ندارد و واکسن تولید شده از ایمنی زایی بسیار بالا و تولید آنتی بادی بالا برخوردار است. وی افزود: در جهان تنها آمریکا و آلمان در شرکت‌های فایزر و مدرنا واکسن کرونا MRNA را تولید و به بازار عرضه کردند که به زودی نمونه ایرانی این محصول هم وارد بازار خواهد شد.

این دانشمند ایرانی که ده سال در دانشگاه هاروارد و یوتا تحصیل کرده گفت: مهمترین مزیت واکسن‌های تولید شده با روش MRNA، زمان سریع در رسیدن به واکسن است، به طوریکه در مدت زمانی حدود ۶۰ روز بعد از شناسایی ویروس کرونا نخستین واکسن‌های تولید شده با این روش به بازار آمدند.

دکتر خدای گفت: در این روش کد RNA در ژن‌ها بارگذاری می‌شود و با تزریق واکسن به افراد کدهای مد نظر توسط کد ژنی بدن خوانده و آنتی بادی مورد نظر ساخته می‌شود.

آدرس مطلب: خبرگزاری صدا و سیما، ۲۵ آذر ۱۴۰۰، کد خبر: ۳۳۰۷۳۸۵

<https://www.iribnews.ir/fa/amp/news/3307385>

۳۸. ارجاع پرورشی: elementary particle (physics): subatomic particle: Elementary particles: Electrons and quarks contain no discernible structure; they cannot be reduced or separated into smaller components. It is therefore reasonable to call them "elementary" particles, a name that in the past, mistakenly given to particles such as the proton

ذرات بنیادی (فیزیک): ذرات زیر اتمی: ذرات بنیادی: الکترون‌ها و کوارک‌ها هیچ ساختار قابل تشخیصی ندارند. آنها را نمی‌توان کاهش داد یا به اجزای کوچکتر تقسیم کرد. بنابراین منطقی است که آنها را ذرات "بنیادی" بنامیم، نامی که در گذشته به اشتباه به ذراتی مانند پروتون داده می‌شد.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://b2n.ir/t07877>

۳۹. ارجاع پرورشی: electron, lightest stable subatomic particle known. It carries a negative charge of $1.602176634 \times 10^{-19}$ coulomb, which is considered the basic unit of electric charge. The rest mass of the electron is $9.1093837015 \times 10^{-31}$ kg, which is only 1/1836 the mass of a proton

الکترون، سبک‌ترین ذره زیراتمی پایدار شناخته شده حامل بار منفی $1.602176634 \times 10^{-19}$ کولن است که واحد اصلی بار الکتریکی در نظر گرفته می‌شود. جرم بقیه الکترون $9.1093837015 \times 10^{-31}$ کیلوگرم است که تنها ۱/۱۸۳۶ جرم یک پروتون است.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://www.britannica.com/search?query=Electron>

۴۰. ارجاع پرورشی: proton, stable subatomic particle that has a positive charge equal in magnitude to a unit of electron charge and a rest mass of 1.67262×10^{-27} kg, which is 1,836 times the mass of an electron. Protons, together with electrically neutral particles called neutrons, make up all atomic nuclei

پروتون، ذره زیراتمی پایدار که دارای بار مثبت برابر با یک واحد بار الکترون و جرم سکون 1.67262×10^{-27} کیلوگرم است که ۱۸۳۶ برابر جرم یک الکترون است. پروتون‌ها همراه با ذرات خنثی الکتریکی به نام نوترون، تمام هسته‌های اتمی را تشکیل می‌دهند.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://www.britannica.com/search?query=proton>

۴۱. ارجاع پرورشی: neutron, neutral subatomic particle that is a constituent of every atomic nucleus except ordinary hydrogen. It has no electric charge and a rest mass equal to 1.67493×10^{-27} kg—marginally greater than that of the proton but nearly 1,839 times greater than that of the electron

نوترون، ذره زیراتمی خنثی که جزء هر هسته اتمی به جز هیدروژن معمولی است. بار الکتریکی ندارد و جرم سکون آن برابر با 1.67493×10^{-27} کیلوگرم است که بسیار بیشتر از پروتون اما تقریباً ۱۸۳۹ برابر بیشتر از الکترون است.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://www.britannica.com/search?query=Neutron>

بنیادین" را مطرح می‌کنند که من هنوز با اینکه خیلی مطالعه می‌کنم تا ببینم که چه توصیفی می‌خواهند ارائه بدهند؛ البته: توصیف روشنی در آن بحث‌ها ندیده‌ام به هر حال این دنیای امروز است.

۲/۲/۱/۱/۴. جدول تناوبی عناصر (جدول مندلیف)؛ مصداقی دیگر از تصرفات عنصر پایه در رشته‌های علمی

موجود

یا شما "جدول مندلیف"^{۴۲} می‌خوانید؛ می‌گوییم "جدول مندلیف" چیست؟ می‌گویند: معرفی مجموعه‌ای از عناصر تشکیل‌دهنده عالم است؛ که تقسیم می‌شود به فلز، نافلز و گاز. گازها هم تقسیم می‌شوند به گاز نجیب (Noble gases) و غیرنجیب. اینها را معرفی می‌کنند. بعد می‌گوییم: چه طور عناصر را معرفی می‌کنید؟ می‌گویند: ما عناصر را از حیث خاصیت‌های منجر به سنتز (synthesis)^{۴۳} معرفی می‌کنیم؛ مثلاً میزان واکنش‌پذیری طلا، میزان واکنش‌پذیری هلیوم، میزان واکنش‌پذیری منیزیم. رسانا بودن، یا نارسا بودن این عناصر، چکش‌خواری یا عدم چکش‌خواری این عناصر.

۴۲. ارجاع پرورشی: Dmitry Mendeleyev, also spelled Mendeleev, (born Feb. 8, 1834, Tobolsk, Siberia, Russia —died Feb. 2, 1907, St. Petersburg), Russian chemist. He was a professor of chemistry at the University of St. Petersburg (1867-90) and later served as director of Russia's bureau of weights and measures. He made a fundamental contribution to chemistry by announcing in 1869 the principle of periodicity of properties in the chemical elements. His periodic table was based on this principle, arranging the elements in ascending order of atomic weight and grouping them by similarity of properties. دمیتری مندلیف، همچنین مندلیف، (زاده ۸ فوریه ۱۸۳۴، توبولسک، سیبری، روسیه - درگذشته ۲ فوریه ۱۹۰۷، سن پترزبورگ)، شیمیدان روسی را نوشته است. او استاد شیمی در دانشگاه سن پترزبورگ (۱۸۶۷-۱۸۹۰) بود و بعداً به عنوان مدیر دفتر وزن و اندازه‌گیری روسیه خدمت کرد. او با اعلام اصل تناوب خواص در عناصر شیمیایی در سال ۱۸۶۹ کمک اساسی به شیمی کرد. جدول تناوبی او بر این اصل استوار بود و عناصر را به ترتیب صعودی وزن اتمی مرتب می‌کرد و آنها را بر اساس شباهت خصوصیات گروه بندی می‌کرد. نظریه مندلیف به او اجازه داد تا وجود و وزن اتمی چندین عنصر را که تا سالها بعد کشف نشده بود، پیش بینی کند.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://www.britannica.com/summary/Dmitri-Mendeleev>

۴۳. ارجاع پرورشی: chemical synthesis, complex chemical compounds from simpler ones. It is the process by which many substances important to daily life are obtained. It is applied to all types of chemical compounds, but most syntheses are of organic molecules. Chemists synthesize chemical compounds that occur in nature in order to gain a better understanding of their structures. Synthesis also enables chemists to produce compounds that do not form naturally for research purposes. In industry, synthesis is used to make products in large quantity. Chemical compounds are made up of atoms of different elements, joined together by chemical bonds. A chemical synthesis usually involves the breaking of existing bonds and the formation of new ones. Synthesis of a complex molecule may involve a considerable number of individual reactions leading in sequence from available starting materials to the desired end product. Each step usually involves reaction at only one chemical bond in the molecule. In planning the route of chemical synthesis, chemists usually visualize the end product and work backward toward increasingly simpler compounds. For many compounds, it is possible to establish alternative synthetic routes. The ones actually used depend on many factors, such as cost and availability of starting materials, the amount of energy needed to make the reaction proceed at a satisfactory rate, and the cost of separating and purifying the end products. Moreover, knowledge of the reaction mechanism and the function of the chemical structure (or behaviour of the functional groups) helps to accurately determine the most-favoured pathway that leads to the desired reaction product.

سنتز شیمیایی، ترکیبات شیمیایی پیچیده از ترکیبات ساده تر این فرآیندی است که در آن بسیاری از مواد مهم برای زندگی روزمره به دست می‌آیند. برای همه انواع ترکیبات شیمیایی کاربرد دارد، اما بیشتر سنتزها از مولکول‌های آلی هستند.

شیمیدانان ترکیبات شیمیایی موجود در طبیعت را سنتز می‌کنند تا به درک بهتری از ساختار آنها دست یابند. سنتز همچنین شیمیدان‌ها را قادر می‌سازد تا ترکیباتی را تولید کنند که به طور طبیعی برای اهداف تحقیقاتی تشکیل نمی‌شوند. در صنعت، از سنتز برای تولید محصولات در مقادیر زیاد استفاده می‌شود.

ترکیبات شیمیایی از اتم‌های عناصر مختلف تشکیل شده‌اند که توسط پیوندهای شیمیایی به یکدیگر متصل شده‌اند. سنتز شیمیایی معمولاً شامل شکستن پیوندهای موجود و تشکیل پیوندهای جدید است. سنتز یک مولکول پیچیده ممکن است شامل تعداد قابل توجهی از واکنش‌های فردی باشد که به ترتیب از مواد اولیه موجود به محصول نهایی مورد نظر منجر می‌شوند. هر مرحله معمولاً شامل واکنش تنها در یک پیوند شیمیایی در مولکول است.

در برنامه ریزی مسیر سنتز شیمیایی، شیمیدانان معمولاً محصول نهایی را تجسم می‌کنند و به سمت ترکیبات ساده تر کار می‌کنند. برای بسیاری از ترکیبات، امکان ایجاد مسیرهای مصنوعی جایگزین وجود دارد. موارد استفاده شده در واقع به عوامل بسیاری مانند هزینه و در دسترس بودن مواد اولیه، میزان انرژی مورد نیاز برای انجام واکنش با سرعت رضایت

۲/۲/۱/۱/۴/۱. عدم بررسی تاثیر عناصر بر طبایع اربعه و قلب انسان؛ یکی از اشکالات و نواقص جدول مندلیف

یک وقتی در یک جمعی از دوستانی که شیمی خوانده بودند پرسشی را مطرح کردم که: آیا این عناصر که در جدول مندلیف وجود دارد، فقط دارای همین خاصیت‌هاست؟ یا نه خاصیت‌های دیگری هم برایشان متصور است؟ بعد [از مطرح کردن این پرسش]، جلسه رفت به این سمت که گفتند: مثلاً چه خاصیتی؟ گفتیم: مثلاً شما می‌توانید خاصیت عناصر را روی "طبع انسان" در نظر بگیرید؟ مثلاً: یکی از "طبایع اربعه"، "دم" است؛^{۴۴} شما می‌توانید این سوال را مطرح کنید که: "آهن" و "دم"، "طلا" و "دم" یعنی تاثیر آهن بر خون، تاثیر طلا بر خون، تاثیر منیزیم بر خون؛ (یا به صورت عام‌تر: [تاثیر اینها] بر سایر طبایع [چگونه است؟] چرا این سوال [را مطرح می‌کنیم؟ و آیا این سوال، سوال] خوبی است؟ [بله. چرا؟] چون عناصر در زندگی آدم‌ها وجود دارند؛ پس من باید اثر آنها را بر انسان مطالعه [و دقت] کنم.

عضو اصلی بدن انسان، "قلب" است؛ تعبیر روایت این است "و هو امیرالبدن". پادشاه بدن، "قلب" است.^{۴۵} شما اگر قلب را مواظبت کنید، در واقع سلامت همه بدن را دارید. لذا پیامبران یک مجموعه تدابیر [در مورد قلب] دارند. من یک وقتی بررسی

بخشی و هزینه جداسازی و خالص سازی محصولات نهایی بستگی دارد. علاوه بر این، آگاهی از مکانیسم واکنش و عملکرد ساختار شیمیایی (با رفتار گروه‌های عاملی) به تعیین دقیق مسیر مطلوبی که به محصول واکنش مورد نظر منتهی می‌شود، کمک می‌کند.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://www.britannica.com/science/chemical-synthesis>

۴۴. **ارجاع پژوهشی:** فَكُتِبَ الرِّضَا عَ لَيْهِ كِتَابًا تُسَخِّطُهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اغْتَضَمْتُ بِاللَّهِ أَمَّا بَعْدُ... إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى الْأَجْسَامَ عَلَى أَرْبَعِ طَبَائِعٍ وَهِيَ الْمِرْيَاتَانِ وَالْدَّمَ وَالْبَلْغَمَ وَالْجَمْلَةَ حَارًّا وَ بَارِدًا قَدْ خُوِّلَتْ بَيْنَهُمَا فَجَعَلَ الْحَارَّ زَيْئًا وَ يَأْسًا وَ كَذَلِكَ الْبَارِدَ زَيْئًا وَ يَأْسًا...

و امام رضا علیه السلام در پاسخ نامه‌ای نوشت بدین مضمون: «بسم الله الرحمن الرحيم ... خداوند متعال بدن‌ها را بر چهار طبع بنا کرده است: دو تلخه (صفرا و سودا)، دم (خون) و بلغم. و خلاصه [مطلب این است که: این چهار طبع تشکیل شده اند از] دو گرم و دو سرد که میان هر دوتاشان تفاوتی قرار داده است؛ [به این بیان که] آن دو گرم را یا نرم و مرطوب قرار داده و یا خشک. و همینطور آن دو سرد را یا نرم و مرطوب قرار داده و یا خشک...»

طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۴۸

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۱۶ / مکاتیب الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص ۲۲۳

۴۵. **ارجاع پژوهشی:** بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُسَيَّرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو النَّصِيبِيِّ قَالَ: قَالَ الْعَالِمُ ع: ... فَمِنْهَا قَلْبُهُ الَّذِي بِهِ يَقْبَلُ وَ يَقْفُزُ وَ يَقْفَهُ وَ هُوَ أَمِيرُ بَدَنِهِ الَّذِي لَا تُورَدُ الْجَوَارِحُ وَ لَا تُصَدَّرُ إِلَّا عَنْ رَأْيِهِ ...

امام رضا (علیه السلام): ... قلب امیر و فرمانروای جوارح و اعضاء او می‌باشد، هر چه قلب امر کند اعضاء بدنش اطاعت می‌کنند و از فرمان او سرپیچی ندارند...

الکافی، ج ۲، ص ۳۹ / دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۵ / تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۵۷

سند عیاشی: عن أبي عمرو الزبيري عن أبي عبد الله

الوافي، ج ۴، ص ۱۱۵ / بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۵۰

و بهذا الإسناد (حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْبَرْقِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ مَاجِلَوَيْهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِرَجُلٍ: اعْلَمْ يَا فُلَانُ أَنَّ مَنْزِلَةَ الْقَلْبِ مِنَ الْجَسَدِ بِمَنْزِلَةِ الْإِمَامِ مِنَ النَّاسِ الْوَاجِبِ الطَّاعَةَ عَلَيْهِمْ... لَا تَرَى أَنَّ جَمِيعَ جَوَارِحِ الْجَسَدِ شَرْطٌ لِلْقَلْبِ وَ تَرَاجِمَةٌ لَهُ مُؤَدِّيَةٌ عَنْهُ الْأَذْنَانِ وَ الْعَيْنَانِ وَ الْأَنْفُ وَ الْقَمَرُ وَ الْيَدَانِ وَ الرَّجْلَانِ وَ الْقَرْحُ فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا هَمَّ بِالنَّظَرِ فَتَحَ الرَّجُلُ عَيْنَيْهِ وَ إِذَا هَمَّ بِالاسْتِمَاعِ حَرَّكَ أَذْنَيْهِ وَ فَتَحَ مَسَامِعَهُ فَسَمِعَ وَ إِذَا هَمَّ بِالْقَلْبِ بِالسَّمِّ اسْتَنْشَقَ بِأَنْفِهِ فَأَدَّى تِلْكَ التَّرَاجِمَةَ إِلَى الْقَلْبِ وَ إِذَا هَمَّ بِالنَّطْقِ تَكَلَّمَ بِاللِّسَانِ وَ إِذَا هَمَّ بِالنَّبْطِ عَمِلَتِ الْيَدَانِ وَ إِذَا هَمَّ بِالْحَرْكَةِ سَعَتِ الرَّجْلَانِ وَ إِذَا هَمَّ بِالشَّهْوَةِ تَحَرَّكَ الذَّكَرُ فَهَذِهِ كُلُّهَا مُؤَدِّيَةٌ عَنِ الْقَلْبِ بِالنَّخْرِيكِ وَ كَذَلِكَ يُبَيِّنِي لِلْإِمَامِ أَنَّ يَطَاعَ لِأَمْرٍ مِنْهُ.

بعضی از اصحاب نقل می‌کنند که از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که به مردی چنین فرمودند: فلانی! بدان که قلب نسبت به جسد انسانی به منزله امام است برای مردم؛ که همه باید اطاعتش کنند، مگر نمی‌بینی که تمام جوارح و اعضاء جسد اعوان و ایادی و مفسر قلب هستند. دو گوش و دو چشم و بینی و دهان و دو دست و دو پا و عورت خواسته‌های قلب را اداء می‌کنند لذا: هر گاه قلب خواسته‌اش نگرستن به چیزی باشد، شخص دو چشمش را می‌گشاید. و زمانی که بخواهد بشنود، شخص دو گوشش را حرکت داده و منفذ آنها را باز کرده تا مطلوب را بشنود. و هر وقت میل داشته باشد بویی را استشمام نماید، شخص با بینی استنشاق کرده در نتیجه بوی مطلوب به قلب می‌رسد. و هنگامی که رغبت به سخن گفتن داشته باشد، به وسیله زبان تکلم می‌کند. و در صورتی که مطلوبش گرفتن چیزی باشد دست‌ها به کار افتاده و آن چیز را می‌گیرد. و به فرض که مقصودش حرکت کردن باشد، دو پا سعی نموده و راه می‌روند. و اگر محبوبش شهوت و غریزه باشد، نرینه شخص به حرکت و جنبش در می‌آید. پس تمام این اعضاء و جوارح حرکت و فعالیت نموده تا خواسته قلب را

اداء کرده و بدین ترتیب اطاعتش می‌کنند. و همچنین شایسته است که خلائق نسبت به امام علیه السلام مانند اعضاء و جوارح بوده و امر آن سرور را اطاعت کنند. (ترجمه ذهنی تهرانی)

بحار الأنوار، ج ٦٧، ص ٥٣ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ٣، ص ٢٤٣

امام رضا علیه السلام: ... بدن انسان بر سیاق يك مملكت، ساخته شده‌اند. پادشاه این سرزمین، قلب است. رگ‌هایی که در بدن و مغز وجود دارد، کارگران‌اند. خانه آن پادشاه، قلب انسان است. سرزمین آن پادشاه، بدن انسان است، و دستان، پاها، چشمان، لب‌ها، زبان و گوش‌ها نیز یاران اویند...

بحار الأنوار، ج ٥٩، ص ٣٠٩ / مكاتيب الأنمة عليهم السلام، ج ٥، ص ١٩٠ (وفيه: فملك الجسد هو ما في القلب)

الخصال، ج ۱، ص ۳۱ / روضة الواعظین (فتال نیشابوری)، ج ۲، ص ۴۱۳

عن رسول الله صلى الله عليه وآله: الْقَلْبُ مَلِكٌ وَلَهُ جُنُودٌ، فَإِذَا صَلَحَ الْمَلِكُ صَلَحَتْ جُنُودُهُ، وَإِذَا فَسَدَ الْمَلِكُ فَسَدَتِ جُنُودُهُ.

كنز العمال، ح ١٢٠٥

الخصال، ج ٢، ص ٦٢٠/ من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤١٦ / نهج البلاغة، ص ٤٩٥ / تحف العقول، ص ١١١

سند من لا يحضر: رَوَى صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى وَ مُحَمَّدٌ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّادَةَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع

الإمام علي عليه السلام: الحُزنُ يهدِمُ الجَسَدَ.

امام علی علیه السلام: اندوه، بدن را متلاشی می‌کند.

غرد الحکم، ص 40

عن عليٍّ عليه السلام: الهمُّ يُذيبُ الجَسَدَ.

امام علی، علیہ السلام: غُصَّه، تن را آب می‌کند.

غررالحكم، ص ٥٦

٤٨ . ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: سَكَنَ نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْغَمَّ فَأَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِأَكْلِ الْعَنْبِ.

امام صادق علیه السلام: یکی از پیامبران، از دچار شدن به **اندوه**، به خداوند شکوه کرد. خداوند، او را به خوردن **انگور** فرمان داد.

الكافي، ج ٦، ص ٣٥١ / مكارم الأخلاق، ص ١٧٤

وسائل الشيعة، ج ٢٥، ص ١٥٠ / بحار الأنوار، ج ١٤، ص ٤٦٠ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ١٥٣

رسول الله صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ، أَمَانٌ لِمَتِّى مِنَ الْهَمِّ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مُنْجَى مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! جمله «لا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، لَا مُلْجَأَ وَلَا مُنْجَى مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ» (هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والای بزرگ، هیچ پناه و نجاتی از خدا نیست مگر به سوی او)، مایه ایمنی، اَمْتَمْتَنَ مِنْ اِز آنده است.

را زیاد مصرف کنید. این کدو حلوائی‌ها اینها را شما از زیاد مصرف کنید. یکی از خاصیت‌هایش این است که آرامش قلب می‌آورد، هم و غم را از بین می‌برد.^{۴۹} انبیاء مفصل بحث کرده‌اند. آیا من این سوال را می‌توانم مطرح کنم؟ و مثلاً به مندلیف بگویم: جدول شما جدول ناقصی است؟ چون تاثیر عناصر بر قلب را ندیده است. بالاخره شما با این سنتزهایی که انجام می‌دهید، دور ما را پر از این عناصر دست‌ساز کرده‌اید. من حق دارم بیرسم این سنتز و ترکیب‌ها چه تاثیری بر قلب من دارند؟ لذا یک جدول اینطوری می‌شود طراحی و بحث کرد.

۱/۱/۲. ایجاد تالی فاسدهای فراوان؛ اشکالی بر تصرفات عنصریایه

خب؛ حالا غیر از این اشکالات علمی‌ای که به بیوتکنولوژی و شیمی و سایر رشته‌ها وارد است؛ یک اشکال روشنی هم الان داریم: بشر هیچ سنتزی انجام نداده است مگر اینکه تالی فاسد داشته باشد. به نحو مطلق این ادعا را مطرح می‌کنم! یعنی: بشر هیچ ترکیب‌سازی‌ای انجام نداده مگر اینکه یکی از این سه تالی فاسد را داشته باشد: یا تالی فاسد "زیست‌محیطی"، یا تالی فاسد "سلامت"، یا تالی فاسد "اخلاقی" داشته است.

۱/۱/۲. آلودگی‌های زیست‌محیطی در سراسر کره زمین بخاطر پلاستیک؛ یکی از تالی فاسدهای تصرفات

عنصریایه

الان گزارش‌هایی که در بخش "زیاله" دارید، بخش عمده زیاله‌ها برای "پلاستیک" است. به اندازه یک ونیم برابر مساحت کشور جمهوری اسلامی در اقیانوس آرام پلاستیک جمع شده است.^{۵۰} در اصطلاحات زیست‌محیطی به "جزایر پلاستیک" معروف

من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۸ / مکارم الأخلاق، ص ۴۴۳

الوافی، ج ۲۶، ص ۱۸۰ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۵۸ / طب الأئمة علیهم السلام (للشیر)، ص ۳۶۹

و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: عَلَيْكُمْ بِاللِّبَاسِ فَإِنَّهُ يَمَسُّحُ الْحُزْنَ عَنِ الْقَلْبِ كَمَا يَمَسُّحُ وَيَذْكِي الْعَرَقَ عَنِ الْجَبِينِ وَيُثَبِّدُ الظَّهْرَ وَيَزِيدُ الْعُقْلَ وَيَذْكِي الدَّهْنَ وَيَجْلُو الْبَصَرَ وَيُذْهِبُ التَّسْبِيَانَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کُتُر؛ زیرا آن سان که عرق از پیشانی پاک می‌شود، اندوه را از قلب می‌برد و پشت را محکم می‌کند و خرد را فروزی می‌بخشد و ذهن را جلا می‌دهد و دیده را نور می‌بخشد و فراموشی را می‌زداید.

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۲۱ (نقل عن طب النبی)

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد "عوامل شادی‌آفرین در روایات": به پیوست شماره ۲ مراجعه کنید.

۴۹. **ارجاع پژوهشی:** وَبَهَذَا الْإِسْنَادِ [حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ الْفَقِيهَ الْمَرْوُزِي بِمَرْوَزُودَ فِي دَارِهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ التَّيْسَابُورِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ غَامِرٍ بْنِ سُلَيْمَانَ الطَّائِي بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي فِي سَنَةِ سِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَاعِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَتِسْعِينَ وَمِائَةٍ وَحَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِسْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرِ الْخُصْرِيُّ بِبَيْسَابُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِسْرَاهِيمَ بْنُ هَازُونَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْخُصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ زِيَادٍ الْفَقِيهَ الْخُصْرِيُّ بِبَيْسَابُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْهَرَوِيُّ الشَّيْبَانِيُّ عَنْ الرِّضَاعِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ع وَحَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْثَانِيُّ الزَّازِي الْعَدْلُ بِتَلَخٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَهْرُوبٍ الْقُرَوِينِي عَنْ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْقَزَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَاعِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع قَالَ حَدَّثَنِي [حَدَّثَنِي] أَشْمَاءُ بِنْتُ عُثَيْبٍ قَالَتْ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ [قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِذَا كَلَبْتُمْ فَاكْتُبُوا الْقَنْعَ فَإِنَّهُ يَشْرِقُ الْقَلْبَ الْخَزِينِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هرگاه غذای طبع کردید؛ پس زیاد از کدو استفاده کنید؛ چرا که قلب محزون را شاد می‌کند.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۶ / صحيفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۵۴ / الدعوات (لراوندی)، ص ۱۴۸ / مکارم الأخلاق، ص ۱۷۷

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۲۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۵

۵۰. **ارجاع پردازشی:** یک لکه متشکل از زیاله در اقیانوس آرام، به بزرگترین ناحیه در میان پنج منطقه بزرگ تجمع پلاستیک در اقیانوس‌های جهان تبدیل شده است. محل دقیق این لکه حد وسط جزایر هائوایی و ساحل کالیفرنیا است. مساحت این لکه، ۱۰۶ میلیون کیلومتر مربع تخمین زده می‌شود؛ یعنی به اندازه مساحت ایران یا سه برابر مساحت فرانسه. سالانه بطور تخمینی بین ۱۰۱۵ تا ۲۰۴۱ میلیون تن پلاستیک از طریق رودخانه‌ها وارد اقیانوس‌ها می‌شود.

آدرس مطلب: خبرگزاری ایسنا - <https://b2n.ir/s58382>

هستند، یعنی: پلاستیک دریا، رودخانه و جنگل را آلوده کرده است.^{۵۱} غذای حیوانات را آلوده کرده است، محیط زندگی انسان را آلوده کرده است. حالا می‌گویند: ژاپنی‌ها می‌خواهند یک پلاستیک تجزیه‌پذیر بسازند. ما کار با این افسانه‌ها نداریم! راجع به الان داریم صحبت می‌کنیم. شما یک سنتزی [در رابطه با تولید و اختراع پلاستیک] انجام داده‌اید، تمام دنیا آلوده شده است. ولی آن روزی که بحث از پلیمرها (polymer)^{۵۲} می‌شد (من همین دو سه ماه پیش کتاب‌های پلیمرها را خوانده‌ام) مثلاً اینها وقتی دارند از پلیمر به خصوص پلیمرهای مصنوعی دفاع می‌کنند، چه می‌گویند؟ می‌گویند: «پلیمرهای سبک، انعطاف‌پذیر و ارزان هستند». در رشته‌های علمی پلیمرها را اینطور توصیف می‌کنند. [در حالی که] الان در عینیت [و خارج از فضای ذهنی]، پلاستیک مُعضل بشریت شده است! لذا یکی از مصادیق «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»^{۵۳} همین «ظهر پلاستیک فی البر و البحر» است! شما [دریاها و خشکی‌ها را] آلوده کرده‌اید.^{۵۴}

۲/۲/۱/۱/۲. گسترش بیماری‌های پوستی؛ یکی دیگر از تالی فاسدهای تصرفات عنصر پایه

حالا مثلاً مواد شوینده برای ما می‌سازید. از وقتی که مواد شوینده ساخته‌اید (با اطبا مشورت کنید) "اگزما" (Eczema) و خشکی پوست بالا رفته است.^{۵۵} یعنی نمی‌تواند خاصیت عناصر را و تاثیر آن بر بدن انسان را ببیند. چرا این اتفاقات افتاده است؟ چون تصرفات بشر "عنصر پایه" شده است. می‌گوید: «من برای رفع نیازم در عالم تصرف می‌کنم؛ ولی پایه این تصرف علم من از عناصر است.» حالا چه علمش از عناصر تشکیل‌دهنده سلول باشد، یا علمش از عناصر تشکیل‌دهنده شوینده‌ها، یا علمش از عناصر تشکیل‌دهنده پلیمرها باشد. این علم [عنصر پایه] است که باعث شده این همه تالی فاسد به وجود بیاید.

۵۱. ارجاع پردازشی: جهت مشاهده تصاویری از "جراثیم پلاستیک"؛ به پیوست شماره ۵ مراجعه کنید.

۵۲. ارجاع پردازشی: پلیمر چیست؟ پلیمر یا بزرگ مولکول یا بسیار، مولکول‌های بسیار بزرگی است که از اتصال چند صد مونومر به یکدیگر و تشکیل زنجیره‌های بلند شکل می‌گیرد. کلمه polymer ریشه یونانی دارد و از کلمه "پلی" به معنای چند و "مر" به معنی بخش یا قسمت تشکیل شده است. مونومر چیست؟ مونومر کوچکترین واحد تکرار شونده پلیمر است. مثلاً اگر یک تسبیح را به عنوان یک زنجیر پلیمر در نظر بگیرید، دانه‌های تسبیح در حکم مونومرهای آن هستند. آدرس: سایت polymer ma <https://b2n.ir/r84371>

۵۳. ارجاع پرورشی: در خشکی و دریا به سبب اعمال زشتی که مردم به دست خود مرتکب شدند، فساد و تباهی نمودار شده است. (سوره مبارکه روم، آیه ۴۱)

۵۴. ارجاع پردازشی: گزارش تنوع زیستی سازمان ملل متحد نشان می‌دهد بشر تاثیر ویرانگری بر خشکی، دریاها و هوا داشته و اکنون یک میلیون گونه جانوری و گیاهی در معرض انقراض قرار دارند. این گزارش امروز منتشر شده است. طبیعت در همه جا با سرعتی بی‌سابقه در کار ویرانی است و علت آن هم بیش از هر چیز نیاز سیری‌ناپذیر ما به غذا و انرژی بیشتر است. بر اساس این تحقیق، این روند ممکن است فقط در صورتی متوقف شود که یک "تغییر اساسی" در همه زمینه‌هایی که انسان با طبیعت در ارتباط است اتفاق بیفتد. "هیأت بین‌دولتی تنوع زیستی و خدمات اکوسیستم" (آی‌پی‌بی‌ای‌اس) در طول سه سال این تحقیق جهانی را تهیه کرده است. گزارش کامل بالغ بر ۱۸۰۰ صفحه است و در آن به بیش از ۱۵ هزار منبع ارجاع داده شده است.

آدرس مطلب: بخش علمی سایت بی بی سی فارسی - <https://www.bbc.com/persian/science-48176877>

۵۵. ارجاع پردازشی: به گزارش وب‌دا؛ بر اساس اعلام مرکز تحقیقات پوست و سالک دانشگاه علوم پزشکی مشهد: آگرمای یکی از مشکلات شایع پوستی به شمار می‌رود و در اکثر مواقع ابتدا به صورت زبری و خشکی دست‌ها آغاز و سپس به صورت ضایعات قرمز رنگ و ملتهب و پوسته پوسته ظاهر می‌شود که با خارش همراه است. بر اساس این گزارش، عوامل زیادی می‌توانند به پوست دست آسیب برسانند. تماس زیاد با آب و هوای خیلی خشک، صابون‌ها، مواد پاک‌کننده، پودرهای رختشویی، حلال‌ها، مواد شیمیایی، دستکش‌های لاستیکی و حتی مواد بکار رفته در کرم‌ها و فرآورده‌های بهداشتی می‌توانند موجب بروز آگرمای دست شوند. زمانی که پوست قرمز و خشک شود حتی مواد بی‌ضرری مانند آب و محصولات بهداشتی نوزادان (کرم و شامپوهای بچه) هم می‌توانند موجب تحریک بیشتر پوست و بدتر شدن ضایعه شوند.

آدرس مطلب: وبدا (پایگاه اطلاع‌رسانی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی) - <https://b2n.ir/n24083>

۲/۲/۱/۳. اعتراضات فراوان جنبش‌های زیست‌محیطی در سراسر جهان؛ ناپیدی بر اوضاع وخیم جهان در اثر ایجاد

تالی‌فاسدهای خطرناک در تمدن مدرنیته

ممکن است بگویید اینها طلبه‌های حوزه علمیه هستند که این بحث‌ها را دارند مطرح می‌کنند! ولی اگر شما در دنیا بگردید و جنبش‌های زیست‌محیطی دنیا را بررسی کنید؛ [اذعان خواهید کرد که این حرف و اشکال ما، یک حرف و اشکال جهانی است] مثلاً: همین گزارش امسال آقای گوترش (Antonio Guterres) همین بود؛ می‌گوید: اقلیم دارد از بین می‌رود، محیط زیست دارد از بین می‌رود، باید به حال اینها فکری کرد.^{۵۶}

۲/۲/۲. تسخیر (تصرف) "شیئی‌پایه"؛ راه‌حل پیشنهادی برای علاج تالی‌فاسدهای فراوان "تصرف

عنصر پایه"

۲/۲/۲/۱. شناخت خاصیت‌های نهایی قرار داده‌شده توسط خداوند متعال در اشیاء عالم، و استفاده از آنها در

راستای نیاز؛ تعریف تسخیر (تصرف) شیئی‌پایه

پیشنهاد ما این است: بیایید تسخیر "شیئی‌پایه" داشته باشید. یعنی ما معتقدیم خدای متعال اشیاء عالم را دارای خاصیت خلق کرده است. بیاید این خاصیت‌ها را برای رفع نیاز هایتان شناسایی کنید و از این خاصیت‌ها استفاده کنید. من می‌دانم اشیاء را که خدای متعال خلق کرده، دارای عناصر تشکیل‌دهنده هستند؛ ولی مطالعه اصلی‌ام را روی شناسایی خاصیت‌های این عناصر قرار نمی‌دهم؛ بلکه می‌روم بر روی خود شیئی [مطالعه می‌کنم تا] ببینم [هر] شیئی پَوَحْدَتَه چه خاصیتی دارد.

۵۶. **ارجاع پُر دَاشِی:** پیش‌نویس گزارش سازمان ملل متحد که به دست خبرگزاری فرانسه رسیده است هشدار می‌دهد، سلامتی ده‌ها میلیون نفر در دهه‌های آینده با سوء تغذیه، خشکسالی و بیماری‌های مرتبط با تغییر اقلیم تضعیف خواهد شد و در معرض تهدید است. محققان هیئت بین‌دولتی تغییر اقلیم در این گزارش که قرار است در سال ۲۰۲۲ منتشر شود، درباره تأثیرات گرم شدن کره زمین هشدار می‌دهند و معتقدند که بسیاری از این تأثیرات در کوتاه مدت اجتناب ناپذیر است.

آدرس مطلب: خبرگزاری یورونیوز - <https://b2n.ir/h57587>

به قلم آنتونیو گوترش رئیس سازمان ملل:

در حالی که جهان پنجمین سالگرد تصویب توافقنامه مهم پاریس در مورد تغییرات اقلیمی را گرامی می‌دارد، جنبشی امیدوارکننده برای به صفر رساندن انتشار کربن در حال شکل‌گیری است. تا ماه آینده، کشورهایی که انتشاردهنده بیش از ۶۵ درصد از گازهای مضر گلخانه‌ای بوده و نماینده بیش از ۷۰ درصد اقتصاد جهان هستند، متعهد به "صفر خالص کربن" تا اواسط قرن خواهند بود.

در عین حال، شاخص‌های اصلی اقلیمی در حال وخیم‌تر شدن هستند. در حالی که همه‌گیری کووید-۱۹ به طور موقت میزان انتشار را کاهش داده است، دی اکسید کربن هنوز در بالاترین سطح قرار دارد و در حال افزایش است. دهه گذشته گرم‌ترین دوره ثبت شده بود. یخ‌های دریای قطب شمال در ماه اکتبر کمترین میزان را تجربه کرد و آتش‌سوزی‌های آخرالزمانی، سیل، خشکسالی و طوفان به طور فزاینده‌ای به یک هنجار تبدیل شده‌اند. تنوع زیستی در حال سقوط است، بیابان‌ها در حال گسترش و اقیانوس‌ها به وسیله زباله‌های پلاستیکی در حال گرم شدن و خفگی هستند. علم به ما گوشزد می‌کند اگر تا ۲۰۳۰ و به طور سالیانه تولید سوخت فسیلی را تا شش درصد کاهش ندهیم، شرایط بدتر خواهد شد. در عوض، دنیا در صدد افزایش برای دو درصد سالیانه است.

بهبودی همه‌گیری کووید-۱۹، فرصتی غیرمنتظره و در عین حال حیاتی را برای حمله به تغییرات اقلیمی، تثبیت محیط زیست جهانی، مهندسی دوباره اقتصادها و تصور مجدد آینده، به ما می‌دهد.

آنچه باید انجام دهیم به شرح زیر است:

نخست، باید ائتلاف جهانی برای به صفر رساندن انتشار کربن تا ۲۰۵۰ ایجاد کنیم. اتحادیه اروپا متعهد به انجام چنین کاری شده است. انگلستان، ژاپن، جمهوری کره و بیش از ۱۱۰ کشور نیز چنین کاری را انجام داده‌اند. دولت بعدی ایالات متحده آمریکا نیز چنین تعهدی داده است. چین نیز متعهد شده است که قبل از ۲۰۶۰ به این ائتلاف بپیوندد.

آدرس مطلب: پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان ملل در ایران - <https://b2n.ir/e55158>

۲/۲/۲/۲. نمونه‌هایی از تسخیر (تصرف) شیئی پایه:

۲/۲/۲/۲/۱. استفاده از اشیائی مانند هویج (زردک) برای تسخین (گرم کردن)، پیشگیری و درمان بیماری‌های

کلیوی

محضر شما چند مثال بزنم: مثلاً شما تا الان راجع به "هویج" و مولکول‌های زیستی آن برای ما بحث کرده‌اید. می‌گویید: هویج مولکول‌های زیستی^{۵۷} دارد، ویتامین‌های گروه فلان دارد؛ پس باید مصرف کنید. حالا "هویج" را به یک پیامبر می‌دهیم [تا برای ما] توصیفش کند؛ او می‌فرماید: «الْجَزَرُ يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ وَيُقِيمُ الذَّكَرَ»^{۵۸} یعنی: هویج (زردک) کارش این است که "کلیه" را گرم می‌کند. امام صادق (علیه السلام) که این حدیث را فرموده‌اند؛ خودشان می‌دانند که هویج دارای اجزاء درونی فراوانی است؛ ولی می‌فرماید: «همه این اجزاء روی همدیگر [بِوَحْدَتِهِ] خاصیت "تسخین (گرم کردن) کلیه" دارند». خب؛ من اگر مشکل "کلیه" پیدا کردم یا بهتر است بگویم برای اینکه از مشکل کلیه جلوگیری کنم؛ در سبد روزانه غذایی خود که مصرف می‌کنم "جَزَر (هویج زردک)" را هم قرار می‌دهم و جلوی این مشکل را می‌گیرم. و دیگر لازم نیست عمل "کلیه" انجام دهید؛ شما کافی است "کلیه" های خود را گرم نگه دارید [همین کار باعث پیشگیری از بیماری‌های "کلیه" می‌شود]. خب؛ البته "تسخین کلیه" تدابیر دیگری هم دارد که حالا من دارم در خصوص "جَزَر" [که یکی از عوامل تسخین "کلیه" است] صحبت می‌کنم.

۲/۲/۲/۲/۲. استفاده از اشیائی مانند "اُشنان"، "سدر" و "نمک" به عنوان شوینده‌های طبیعی

یا مثلاً: شما "شوینده‌های طبیعی" را می‌شناسید؟ خدای متعال یازده شیئی خلق کرده که همه اینها شوینده هستند. ولی چون مدرنیته این علم را قطع کرد، مردم الان دیگر این خاصیت‌ها را نمی‌شناسند! بنابراین همه دنبال "شوینده‌های شیمیایی" که خود بشر سنتز می‌کند هستند و عوارض آن را دارند می‌بینند. مثلاً گیاه "اُشنان" شوینده است،^{۵۹} گیاه "سدر" شوینده است،^{۶۰} "نمک" یکی

۵۷. ارجاع پرورشی: Biomolecule, also called biological molecule, any of numerous substances that are produced by cells and living organisms.

Biomolecules have a wide range of sizes and structures and perform a vast array of functions. The four major types of biomolecules are carbohydrates, lipids, nucleic acids, and proteins.

مولکول‌های زیستی که مولکول‌های بیولوژیکی هم نامیده می‌شوند، هریک از مواد متعددی است که توسط سلول‌ها و موجودات زنده تولید می‌شود. مولکول‌های زیستی طیف وسیعی از اندازه‌ها و ساختارها را دارند و عملکرد وسیعی را انجام می‌دهند. چهار نوع اصلی مولکول‌های زیستی کربوهیدرات‌ها، لیپیدها، اسیدهای نوکلئیک و پروتئین‌ها هستند. آدرس مطلب در دانشنامه رسمی بریتانیکا: britannica.com/science/biomolecule

۵۸. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَزَقٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَكَلَ الْجَزَرَ يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ وَيُقِيمُ الذَّكَرَ. امام صادق (علیه السلام): خوردن هویج زردک کلیه‌ها را گرم و آلت را راست می‌گرداند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۰۶ / الوافی، ج ۱۹، ص: ۲۳

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَزَقٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ: أَكَلَ الْجَزَرَ يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ وَيُنْصِبُ الذَّكَرَ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ أَكُلُهُ وَ لَيْسَ لِي أَشْنَانٌ؟! قَالَ: فَقَالَ لِي: مَرِ الْجَارِيَةَ تَسْلُقُهُ وَ كُلَّهُ.

به نقل از داوود بن فرقد: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «خوردن زردک، کلیه‌ها را گرم می‌کند و آلت را راست می‌گرداند». به ایشان گفتم: فدایت شوم! در حالی که دندان ندارم، چگونه آن را بخورم؟ به من فرمود: «به کنیز خود بگو آن را برایت آبپز کند. سپس آن را بخور».

المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۴ / الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۰۷ / بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۸۲ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۱۲۶

۵۹. ارجاع پژوهشی: یکی از شوینده‌هایی که در روایات به آن اشاره شده است، "اُشنان" است.

از خاصیت‌هایش این است که شوینده جدی است.^{۶۱} حالا شما می‌آیید به محوریت خاصیت‌های اشیاء، شوینده‌ها را بحث می‌کنید.

۲/۲/۲/۲/۳. استفاده از اشیائی مانند روغن زیتون برای حل مشکلات پوستی

یا مثلاً: الان در حوزه "پوست و مو" یک مشکل جدی (خصوصاً برای خانم‌ها) وجود دارد. لذا دیده‌اید این کلینیک‌های پوست و مو در همه شهرها زیاد شده‌اند. بله؛ پوست و مو خیلی مهم هستند و جزئی از شخصیت آدم‌ها محسوب می‌شوند؛ لذا انبیاء آمده‌اند یک مجموعه تدابیری برای بهینه پوست پیشنهاد داده‌اند. ولی هیچ کدام از آنها "سنتز پایه" نیستند؛ بلکه همه‌اش "شیئی پایه" هستند. مثلاً: شما "روغن زیتون" را هم بخورید، هم (بنابر فرموده پیامبر) به بدن خودتان بمالید؛ [چرا که] یکی از اثراتی که دارد، این است

مکارم الأخلاق عَنْ كِتَابِ الْبُصَايِرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْعَاصِمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ حَجَجْتُ وَ مَعِيَ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَأَتَيْتُ الْمَدِينَةَ فَقَصَصْتُ مَكَانًا تَنَزَّلَهُ فَاسْتَقْبَلَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى عَلَى حِمَارٍ أَخْضَرَ يَتْبَعُهُ طَعَامٌ وَ نَزَلْنَا بَيْنَ النَّخْلِ وَ جَاءَ وَ نَزَلَ وَ أَنَبِيَّ بِالطُّسْتِ وَ الْمَاءِ وَ الْأَشْتَانِ قَبْدًا يَغْسِلُ يَدَيْهِ وَ أُدِيرُ الطُّشْتُ عَنْ يَمِينِهِ حَتَّى بَلَغَ آخِرَنَا ثُمَّ أُعِيدَ إِلَيَّ مِنْ عَلَى يَسَارِهِ حَتَّى أَتَى عَلَى آخِرِنَا ثُمَّ قُدِّمَ الطَّعَامُ قَبْدًا بِالْمَلَحِ ثُمَّ قَالَ كُلُوا بِسْمِ اللَّهِ...

جعفر بن محمد عاصمی نقل می‌کند: با گروهی از یاران به حج رفته و وارد مدینه شدم و یک جایی را برایم انتخاب کردند که منزل کنیم و امام کاظم (علیه السلام) پیشواز ما آمد و به دنبالش خوراکی بود، و میان نخلها نشستیم و آن حضرت هم آمد و نشست و طشت و اشنان (گرد دستشویی) آورد و دو دست خود را شست و طشت را از سمت راستش گرداند تا نفر آخر ماها و آنگاه بازگرداند از سمت چپش تا بآخر ما رسید، سپس خوراک را پیش آورد و با نمک شروع کرد و سپس فرمود: بسم الله بخورید...

بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۱۷

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ نَادِرِ الْخَادِمِ قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ ع: إِذَا تَوَضَّأَ بِالْأَشْتَانِ أَدْخَلَهُ فِي فِيهِ قِطْعَةً مِنْ لَبَنٍ يَرِي عَنْهُ.

امام کاظم (علیه السلام) هرگاه با اشنان شستشو می‌کردند، آن را در دهان خود داخل می‌کردند و مضمضه می‌کردند و بیرون می‌ریختند.

المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۶ و ص ۵۶۴ (عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ نَادِرِ الْخَادِمِ)

وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۲۸ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۴۳۴

مکارم الأخلاق، ص ۱۹۱

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۲۱ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۳۶

شیخ طوسی (ره) (ج ۱، ص ۳۳۹)، شیخ مفید (ره) (المقنعه، ص ۸۶)، ابن ادریس حلی (ره) (سرازم، ج ۱، ص ۱۶۲)، ابن طاووس (ره) (فلاح السائل، ص ۷۸) و برخی دیگر فقهاء عظام شیعه نیز در باب غسل دادن میت یکی از مواد برای غسل دادن و شستن میت را "اشنان" معرفی کرده‌اند. از باب نمونه به کلام شیخ طوسی (ره) در کتاب تهذیب اشاره می‌شود:

قَالَ الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ إِذَا لَمْ يَوْجَدْ لِلْمَيِّتِ سِدْرٌ وَ كَافُورٌ وَ أَشْتَانٌ غُسِّلَ بِالْمَاءِ الْقَرَّاحِ.

اگر برای غسل دادن میت سدر و کافور و اشنان یافت نشد، با آب خالص وی را غسل دهید.

۶۰. ارجاع پژوهشی: عَنْهُ (عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عُبَيْدِ اللَّهِ) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُبَيْدِ بْنِ يَحْيَى الْتَوْرِيِّ الْعَطَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَسُوْلَهُ ص بِإِظْهَارِ الْإِسْلَامِ وَ ظَهَرَ الْوُحْيُ رَأَى قَلَّةً مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَ كَثَرَةً مِنَ الْمُشْرِكِينَ فَاهْتَمَّ رَسُوْلُ اللَّهِ ص حَمًّا شَدِيدًا فَبَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ جَبْرِئِيلَ ع بِسِدْرٍ مِنْ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى فَغَسَلَ بِهِ رَأْسَهُ فَجَلَا بِهِ هَمَّهُ.

امام علی علیه السلام: هنگامی که خداوند عز و جل، پیامبر خویش را به آشکار ساختن اسلام فرمان داد و وحی، هویدا شد، کم بودن شمار مسلمانان و فراوان بودن شمار کافران را دید. پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به سختی اندوهگین شد. در این هنگام، خداوند عز و جل، جبرئیل علیه السلام را با قدری سدر از سدره المنتهی فرستاد. وی، سرش را با آن شست و بدین وسیله، اندوهش را برطرف کرد.

الکافی، ج ۶، ص ۵۰۵

الوافی، ج ۶، ص ۶۳۳ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۶۳ / بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۱۳

أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ التَّوْقَلِيِّ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ: أَنَّ رَسُوْلَ اللَّهِ ص اعْتَمَّ قَامَرَةً جَبْرِئِيلَ ع أَنَّ يَغْسِلَ رَأْسَهُ بِالسِّدْرِ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، اندوهگین شد. جبرئیل علیه السلام پیشنهاد کرد تا ایشان سر خود را با سدر، شستشو دهد.

نواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۰ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۵ (مع زیاده: وَ كَانَ ذَلِكَ سِدْرًا مِنْ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى)

الدعوات (للراوندي)، ص ۱۲۰

وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۶۴ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۸۷ / مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۸۷

۶۱. ارجاع پژوهشی: قَالَ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْبِضَ أَشْنَانَهُ فَلْيَأْخُذْ جُزْءَ مِلْحٍ أُنْدَرَانِيٍّ وَ جُزْءَ أَمِّنٍ زَيْدٍ الْبَحْرِ بِالسَّوِيَّةِ يُسْحَقَانِ جَمِيعًا وَ يَسْتَنْ بِهَمَّا.

امام رضا (علیه السلام): کسی که می‌خواهد دندانهای سفیدی داشته باشد مقداری نمک ترکی (اندرانی) و به همان اندازه کف دریا (زبد) هر دو را نرم ساینده به دندانها بمالد.

طب الإمام الرضا علیه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۵۲

مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۵، ص ۲۲۴

که: پوست را جلاء می‌دهد.^{۶۲} یک وقتی من برای بعضی از خانم‌های فامیل این جدول را بیان کردم که حدود سیزده، چهارده شیئی موثر بر پوست [در آن وجود دارد].^{۶۳}

حالا به همین منوال در همه حوزه‌هایی که نیاز بشر است؛ اگر خاصیت اشیاء را بشناسید، می‌توانید "تسخیر و تصرف شیئی پایه" داشته باشید. چه اشکالی دارد آدم برای رفع نیازش از اشیاء استفاده کند؟ آیا حتما باید خودمان برویم [با ترکیب عناصر، یک چیزهایی را برای رفع نیازهای خود] بسازیم؟ که اینهمه تالی فاسد به وجود بیاید؟! این سوال من است.

۲/۲/۲/۳. طراحی "جدول فقهی تسخیر" (دربدارنده خاصیت‌های دویست شیئی پرکاربرد در زندگی بشر)؛ جایگزینی برای "جدول مندلیف"

حالا ما یک جدولی به اسم "جدول فقهی تسخیر" روبروی "جدول مندلیف" نوشته‌ایم. خاصیت‌های دویست شیئی پر کاربرد زندگی را برای مردم در آن جدول بحث می‌کنیم.^{۶۴}

۲/۲/۲/۳/۱. ارزان و کم‌هزینه‌تر بودن تصرفات و عدم یا کمی تالی فاسد؛ دو ویژگی تصرف شیئی پایه و جدول

تسخیر

نتیجه این می‌شود که نیازهای مردم برطرف می‌شود؛ ولی با دو ویژگی: (۱) ارزان‌تر برطرف می‌شود. چون اشیاء طبیعی در عالم وجود دارند، (۲) تالی فاسد کمتری دارد یا اصلا ندارد. چون این شیئی را بشر خلق نکرده، بلکه خدای متعال خلق کرده است؛ پس تالی فاسد ندارد.

یک سوال می‌پرسم شما در این جلسه همه نخبه هستید می‌گویم: "رفع نیاز"، اصل است؟ یا "سنتز"، اصل است؟ چرا بشر مدرن اینقدر به سنتز علاقه‌مند است؟! اگر برای "رفع نیاز" خود "سنتز" انجام می‌دهد، می‌تواند برود از اشیاء طبیعی برای رفع نیازش استفاده کند. اگر هم "سنتز" را برای تفریح انجام می‌دهند، دیگر ما بحثی نداریم. [حرف نهایی و خلاصه] حرف بنده این است که: تا جایی که می‌شود باید شهر را به "تسخیر شیئی پایه" دعوت کرد.

۶۲. **ارجاع پژوهشی:** مِنْ صَحِيفَةِ الرَّضَا ع... وَ قَالَ ع نِعَمَ الطَّعَامُ الزَّيْتُ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْعَمِ وَ يُصْفِي اللَّوْنَ وَ يَشُدُّ الْعَصَبَ وَ يَذْهَبُ بِالْوَصَبِ وَ يُطْفِئُ الْعَضَبَ. و حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: روغن زیتون خوب غذایی است، دهان را خوشبو می‌گرداند، و بلغم را می‌برد، و رنگ رخساره را صفا و روشنی می‌بخشد، اعصاب را قوی می‌سازد، و رنج و درد را بر طرف می‌کند، و آتش غضب را فرو می‌نشاند.

مکارم الأخلاق، ص ۱۹۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۵

۶۳. **ارجاع پژوهشی:** جهت مشاهده مجموعه‌ای از روایات در مورد "عوامل موثر بر زیبایی پوست و صورت": به پیوست شماره ۶ مراجعه کنید.

۶۴. **ارجاع پژوهشی:** در ویرایش اول جدول فقهی تسخیر خاصیت‌های نهائی اشیاء (حیث سببیت اشیاء) در ۱۹ گروه بحث می‌شود. تبیین فقهی خاصیت‌های نهائی اشیاء، الگوی جدیدی از تصرف در عالم را پیش روی بشریت می‌گشاید و این الگوی تصرف در عالم با الگوی تصرف تمدن مدرنیته در طبیعت متفاوت است.

دریافت نسخه با کیفیت:

<http://nro-di.blog.ir/1399/09/19>

جهت دریافت متن پیاده فوری جدول فقهی تسخیر (در مقایسه با جدول تناوبی عناصر) به این آدرس مراجعه کنید:

<https://eitaa.com/olgou4/3747>

۲/۲/۲/۳/۲. کاهش شدید تولید زباله؛ ویژگی دیگر تصرف شیئی‌پایه و جدول تسخیر

هفته پیش که یکی از کارشناسان شما (که رئیس یکی از مراکز مطالعاتی شما بود) را زیارت کردیم؛ ایشان می‌گفت: «ما در منطقه ثامن در ایام پیک، صد و بیست تن زباله جمع می‌کنیم! این مشکل را باید چه کار کنیم؟!» وقتی "تسخیر شیئی‌پایه" انجام بدهید، یکی از فوایدش این است که دیگر اینقدر زباله تولید نخواهد شد.

خب؛ پس این هم مفهوم دوم [از مفاهیم پایه مدیریت شهری].

البته یک مفهومی هم تحت عنوان "روابط اسماء الهی" وجود دارد که آن را در اینجا شرح نمی‌دهم و برای بحث‌های جلسه بعد می‌گذارم.

بینید قسمت اول عرایض بنده تمام شد. [خلاصه مباحث مطرح‌شده در این قسمت عبارت است از اینکه: شهر اسلامی، محله اسلامی سه دسته مفهوم پایه دارد: (۱) تنظیم روابط انسانی، (۲) تسخیر شیئی‌پایه. چه پیشنهادی برای شهر پیشنهاد خوبی است؟ پیشنهادی که بر مبنای "تسخیر شیئی‌پایه" باشد و "تنظیم روابط انسانی" را هم به چالش نکشد. این مفاهیم پایه بحث ما است.

حالا ان شاء الله این زمان استراحت که تمام شد در قسمت بعد جلسه من شروع می‌کنم بر اساس این مفاهیم محورهای ساخت محله را توضیح می‌دهم. ولی عمده بحث در مبانی نظری همین است و این جمله آخر بنده است که: نه فقط در "حوزه مدیریت شهری" بلکه در "حوزه آموزش و پرورش" هم همینطور است. می‌پرسیم: «چه آموزش و پرورشی خوب است؟» می‌گوییم: «آموزش و پرورشی که "تنظیم صحیح روابط انسانی" و "تسخیر شیئی‌پایه" را به بچه‌های ما آموزش بدهد.» [به طوری که] بچه فکر نکنند همیشه باید "سنتز" انجام بدهند! یک غفلت [بزرگی] در این بحث نهفته است [که عبارت است از اینکه: خدا متهم شده است به اینکه بندگان را خلق کرده ولی از آنها پشتیبانی نکرده است! و بندگان، خودشان باید بروند] و مثلاً خاصیت‌ها و نیازهای خود از اشیاء را به دست بیاورند]. در حالی که انبیاء می‌گویند: نه؛ خداوند متعال شما را به وسیله مخلوقاتش، پشتیبانی کرده است.^{۶۵} هر خلقی از مخلوقات الهی یک خاصیتی برای زندگی شما دارد. حالا اینها را باید آموزش بدهند.

هر جایی که ما می‌رویم بحث بدین شکل است؛ یعنی: مفاهیم پایه را اصل قرار می‌دهیم. مثلاً: الان ما در حوزه فضای سبز شهری چون خاصیت‌های درخت‌ها را می‌دانیم، یک نوع درخت‌های دیگری را پیشنهاد می‌کنیم. این "تسخیر شیئی‌پایه" است که ما را به تغییر بافت فضای سبز شهر رسانده است. در همه حوزه‌ها همینطور است که این [مفاهیم پایه] باید مبنا قرار داد و جلو رفت. خب؛ خسته شدید. امیدوارم ان شاء الله در قسمت بعد بتوانیم بر اساس این مفاهیم یک بحث تفصیلی‌تری را ارائه کنیم.

و الحمدلله رب العالمین

۶۵. ارجاع پژوهشی: أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنبِئٍ (سوره مبارکه لقمان، آیه ۲۰)

آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، مسخر و رام شما کرده، و نعمت‌های آشکار و نهانش را بر شما فراوان و کامل ارزانی داشته، و برخی از مردم‌اند که همواره بدون هیچ دانشی [بلکه از روی جهل و نادانی] و بدون هیچ هدایتی و هیچ کتاب روشنی درباره خدا مجادله و ستیز می‌کنند.

بخش دوم جلسه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم الحمد لله رب العالمین و الصلاة و السلام علی سیدنا و نبینا و شفیعنا فی یوم الجزاء و حبیب قلوبنا ابی القاسم محمد و علی اهل بیته الطیبین الطاهرین سیما بقیة الله فی الارضین و اللعن الدائم علی اعدائه اعداء الله من الآن الی قیام یوم الدین.

در جلسه گذشته عرض کردیم، "طرح تمدنی محله امام رضا (ع)" ذیل نظریه "مدیریت شهری محله محور" مطرح می شود. سه دسته مفهوم پایه بر این طرح حکومت می کند: (۱) مفهوم تنظیم صحیح روابط انسانی در حوزه های سیزده گانه، (۲) مفهوم تسخیر شیئی پایه و (۳) مفهوم اسماء الهی که البته سطح سوم این مفاهیم را توضیح ندادم.

۲/۳. مفهوم "اسماء الهی"؛ سومین مفهوم پایه در مدیریت شهری محله محور

قبل از اینکه وارد سر فصل دوم شوم در یک جمله عرض کنم: اسماء الهی عبارت اند از مجموعه خدماتی که خدای متعال پس از خلق مخلوقات به مخلوقات ارائه داده است. به عنوان مثال: مخلوق بعد از خلق، دچار مرض و کسالت می شود؛ خدای متعال خدمت شفا را به انسان ها ارائه داده است؛ لذا خودش را در اسماء الهی "شافی" نامیده است. مخلوقات نیازمند رزق و روزی هستند خدای متعال نام خودش را "رِزاق" گذاشته است. مخلوقات نیازمند هستند که با ملاطفت با آنها برخورد شود و اگر دچار مشکلی شدند و اشتباهی کردند، سخت گیری نسبت به آنها اتفاق نیفتد؛ [لذا] خدای متعال خودش را "سریع الرضا" نام نهاده است. مخلوقات خدای متعال به همدیگر ظلم می کنند، بعضی مظلوم واقع می شوند؛ خدای متعال گفته نگران نباشید من به این ظلم ها رسیدگی می کنم لذا خودش را "ذو انتقام" نام گذاری کرده است. در مجموع خدای متعال اهل لطف و ملاطفت با مخلوقین خودش

است؛ بنابراین اسم مهم خودش را "رحمان و رحیم" گذاشته است. مهمترین اسم از اسماء الهی اسم "رحمان و رحیم" است، به معنای این است که یک مجموعه خدماتی را خدای متعال به همه مخلوقین و یک مجموعه خدماتی را هم به مومنین ارائه می‌کند که ذیل اسم "رحیمیت" از آن یاد می‌شود.

۲/۳/۱. ترغیب مردم به امدادهای مالی (مانند کمک به فقراء و موقوفات) به محوریت اسماء الهی؛ نمونه‌ای از کارکرد

مدیریتی اسماء الهی در مدیریت شهری

حالا این در شهر کارآمدی دارد؛ مثلاً یکی از کارآمدی‌هایش این است که: وقتی شما می‌خواهید مردم را به کمک کردن به فقرا دعوت کنید، بلافاصله آدم‌ها از خودشان می‌پرسند: «من برای چه باید پول خودم را به فقیر بدهم؟» این سوال در درون همه انسان‌ها تکرار می‌شود.

۲/۳/۱/۱. تبیین محاسبه و جبران کردن الهی ذیل اسم "حسب" برای مردم؛ نمونه‌ای از ترغیب مردم به امدادهای مالی به محوریت

اسماء الهی

اگر شما مردم را ذیل اسماء الهی دعوت [به امداد] به فقیر کنید، انگیزه کمک کردن [در آنها] پیدا می‌شود. خدای متعال نام خودش را در این گونه موارد "حسب" نام نهاده است؛ یعنی: در آینده دقیقاً این کمک شما را محاسبه و جبران می‌کند.^{۶۶}

۲/۳/۲. گسترش بی‌نظیر موقوفات در دوران صفویه؛ به دلیل استفاده علماء از اسماء الهی در ترغیب مردم به امدادهای

مالی

لذا اسماء الهی کارکرد مدیریتی دارند. اما الان وقتی شما از اسماء الهی استفاده نمی‌کنید؛ نتیجه‌اش این شده است که باید از ابزارهای مالیات زیاد برای اداره شهر استفاده کنید. الان خیرین را به ساخت بیمارستان و مدرسه دعوت می‌کنیم؛ می‌پرسیم: چطور دعوت می‌کنیم؟ با "معافیت مالیاتی" دعوت می‌کنیم.

۲/۳/۲/۱. قدرت بالای اسماء الهی در ترغیب مردم به امدادهای مالی؛ علت گسترش بی‌نظیر موقوفات در دوران صفویه

حالا مثلاً چون أمراء و مسئولین بلدی‌ها در "دوره صفویه" حرف علماء را بیشتر گوش می‌کردند و حرف سازمان‌های بین‌المللی را کمتر یا اصلاً گوش نمی‌کردند؛ نصف شهر اصفهان موقوفه است. می‌دانید قانع کردن مردم اصفهان نسبت به اینکه از مالشان

۶۶. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِیْسَى عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ زَائِدٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ (او سَخَتْ) نَفْسُهُ بِالتَّقَفِّ. رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس یقین داشته باشد به اینکه خداوند (مالی را که در راه خدا مصرف کرده‌ای را) جایگزین (و جبران) می‌کند، در بخشش و انفاق سخاوتمند می‌گردد.

الکافی، ج ۴، ص ۴۳ / دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۵۴ / وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص ۵۴۸

و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالتَّقَفِّ وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس یقین داشته باشد به اینکه خداوند (مالی را که در راه خدا مصرف کرده‌ای را) جایگزین (و جبران) می‌کند، در بخشش و انفاق سخاوتمند می‌گردد. و خداوند فرموده است: «هر چیزی را در را خدا انفاق کنید، پس خداوند جایگزین و جبران می‌کند و او بهترین روزی‌دهندگان است.»

من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۱۸

عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیْسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدْنَةَ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَوْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: يُنْزِلُ اللَّهُ الْمُؤْنَةَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى التَّبَدُّقِ الْمُؤْنَةَ فَمَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالتَّقَفِّ.

امام صادق یا امام باقر (علیهما السلام): خداوند روزی هر کس را از آسمان به اندازه آنقدری که (در راه خدا) خرج کتی نازل می‌کند؛ پس هر کس یقین به جایگزینی و جبران خداوند داشته باشد، در انفاق کردن سخاوتمند می‌شود.

الکافی، ج ۴، ص ۴۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص ۵۴۸

بگذرند؛ خیلی کار سختی است. ولی این موفقیت برای علما دوره صفویه به دست آمد.^{۶۷} چرا؟ چون از "اسماء الهی" استفاده کرده‌اند.

۲/۳/۳. کاهش شدید موقوفات در دوران برنامه‌ریزی توسعه در ایران؛ به دلیل استفاده از تحریک مادی و معافیت مالیاتی
در دوره‌های گذشته در همه شهرها و بلدی‌های ایران شما مسئله موقوفات را می‌دیدید ولی از روزی که مدیریت بر مبنای "تحریک مادی" در کشور ما راه افتاده، میزان موقوفات کاهش پیدا کرده است و نسبت به دوره‌های گذشته کمتر شده است.

۲/۳/۳/۱. قدرت پایین تحریک مادی و معافیت مالیاتی در ترغیب مردم به امدادهای مالی؛ علت کاهش موقوفات در دوران برنامه‌ریزی توسعه در ایران

چون شما از ابزار معافیت‌های مالیاتی استفاده می‌کنید و [اینها] ابزارهایی [است] که انگیزه کمی در فرد ایجاد می‌کند. حالا اگر بتوانیم این بحث اسماء الهی را هم در نظر بگیریم ابزار مدیریت شهری است و می‌تواند به شما در اداره شهر کمک کند. حالا باید در یک فرصت دیگری به آن بپردازم. فقط چون طرح کرده بودم گفتم جای آن در ذهن شما معلوم باشد. اسماء الهی ابزار مدیریت هستند. انگیزه مدیریت ایجاد می‌کند و در اداره شهر از آن می‌شود استفاده کرد.

۶۷. **ارجاع پرورشی:** در دوره صفویه، مخصوصاً از سلطنت شاه عباس به بعد، جهش خاصی برای توسعه موقوفات پیش آمده است. در سال ۱۰۱۶ ه. (۱۶۰۷ م.) شاه عباس «کل املاک خاصه خود را از رساتیق و خانات و قیصریه و چهار بازار و حمامات، حتی خواتیم اصابع مبارکه را، به چهارده تقسیم مقسوم، و بر چهارده معصوم وقف نمود. و قفنامه به خط جناب شیخ المشایخ، عالم عامل راسخ، شیخ بهاء الدین محمد العاملی نگاشته شد. پادشاهان گرامی نژاد ایران را بعد از خود به تولیت این موقوفات معین نمود.» (روضه الصفا، ج ۸، ص ۳۹۱)

تاریخ اجتماعی ایران، ج ۳، ص ۳۳۸

رفتار شاه عباس نسبت به طبقه روحانیان کمابیش محبت‌آمیز بود: ملا عبد الله شوشتری وقتی بعلتی از شاه عباس وحشتی به هم رسانید و به آستانه قدس رضوی پناه جست. چون شاه در سال ۱۰۰۹ به مشهد مشرف شد، خود به ملاقات ملا عبد الله رفت و او را به تعظیم و احترام تمام به اصفهان آورد و ملا عبد الله در دستگاه شاه نفوذ کلمه و قدرت بسیار یافت؛ چنانکه شاه را واداشت تا در سال ۱۰۱۷، جمیع املاک شخصی خویش را به نام ۱۴ معصوم وقف کند و حاصل سالیانه آنها را برای سادات مقرر دارد. و هم به اشاره او بود که شاه در اصفهان دو مدرسه در کنار میدان نقش جهان، یکی برای تدریس و اقامت ملا عبد الله، دیگری برای تدریس و اقامت شیخ لطف الله عاملی، ساخت. مدرسه ملا عبد الله در جنب سردر قیصریه در ضلع شمالی میدان نقش جهان، هنوز برپاست، لیکن مدرسه شیخ لطف الله، که به مسجد او چسبیده بود، اکنون از حال آبادی افتاده است.

همان، ص ۴۸۴

۳. سرفصل دوم: ساختارهای برنامه‌ریزی برای ساخت "محله" چیست؟

قسمت دوم بحث را شروع کنیم. ما مفاهیم پایه را در شهر شناسایی کردیم؛ شهر ما شهر "تنظیم صحیح روابط انسانی" است، شهر ما شهر "تسخیر شیئی پایه" است، شهر ما شهر استفاده از "اسماء الهی" است، اینها مفاهیم پایه است. [این مفاهیم پایه] روبروی چه [مفاهیم قرار دارند؟] دیده‌اید در تبلیغات شهری در همین مشهد می‌زنید: "شهر سالمند"، "شهر کودک" یا مثلاً ایده شهری را می‌گویند "شهر هوشمند"، "سرزمین موج‌های آبی". همینطوری در یک دوره زمانی، شروع به مطرح کردن این مفاهیم در شهر می‌کنید. حالا اینها باید برگردد [و تغییر کند].

۳/۱. ساختار "علم و آموزش عمومی"؛ اولین ساختار برنامه‌ریزی برای ساخت "محله"

۳/۱/۱. تعلیم و نشر مفاهیم پایه مدیریت شهری محله‌محور در بین مردم و مدیران (نه تصویب قانون)؛ آغاز راه مدیریت

شهری اسلامی بر مبنای علم

پس شروع بحث‌های "مدیریت شهری محله‌محور" این است که: ابتدا در بین مدیران و در بین مردم، این مفاهیم شروع به نشر پیدا کردن کند. یعنی: مدیریت شهری اسلامی، از "علم" شروع می‌شود. شما می‌پرسید: «چطور محله را بسازم؟» می‌گویم: «این مفاهیم پایه را نشر بدهید»، چرا وقتی کسی از اول شهر مشهد تا حرم امام رضا (ع) یا در سایر شهرها می‌آید؛ در تابلوهای شهری فقط "تبلیغات تجاری" می‌بیند؟ یا بنده ده‌ها مقاله و نشست که در خصوص "شهر هوشمند" برگزار می‌شود را دیده‌ام؛ شما در عناوین نشست‌های تخصصی که در شهرها برگزار می‌شود، مثلاً می‌گویید: «شهرها باید هوشمند اداره شوند»؛ و این مفاهیم را در ذهن‌ها برجسته می‌کنید. لذا اولین ساختار که در شهر باید باشد تا این محله‌ها ساخته شود "ساختار علم" است. الان ما این ساختار را نداریم. من الان سوالم این است که: در "کالبدشهری" در کجاها "علم" به مردم انتقال پیدا می‌کند؟ شما مجموعه خدماتی را که به شهر ارائه می‌کنید؛ خدمات علمی به مردم نمی‌دهید یعنی مردم دقیقاً آشنا نیستند. بله؛ قانون و مقررات زیاد تصویب می‌کنید؛ ولی "علم" در حوزه "روابط انسانی"، در حوزه "تسخیر شیئی پایه" و این مفاهیم کاربردی به مردم داده نمی‌شود. حالا شهر غیر از "ساختار علم"؛ هشت نوع ساختار دیگر هم باید داشته باشد، یعنی: هشت نوع برنامه‌ریزی دیگر هم باید داشته باشد، پس با برنامه‌ریزی امروز [درباره "علم"] مجموعاً نه نوع برنامه‌ریزی می‌شود: برنامه‌ریزی برای حوزه "مکاسب"، برنامه‌ریزی برای "عبرت"، برنامه‌ریزی برای "تزکیه"، برنامه‌ریزی برای "نفی سبیل"، برنامه‌ریزی برای "امامت"، برنامه‌ریزی برای "بیان"، برنامه‌ریزی برای "نظم"، برنامه‌ریزی برای "فرقان" (ارزیابی صحیح).^{۶۸} ببینید نه سرفصل برنامه‌ریزی وجود دارد تا این مفاهیم در شهر جریان پیدا کند، من بعضی از اینها را شروع به بحث کردن می‌کنم.

۶۸. یکی را هم الان از خاطر من رفته اگر یاد آمد خدمتتان عرض می‌کنم.

انتقال از متن

ارجاع پژوهشی: کاربری اراضی شهری و محله‌ای میان ۹ موضوع ۱- امامت و مدیریت، ۲- پاکسازی و تزکیه، ۳- بیان و تبلیغات شهری، ۴- علم و آموزش عمومی، ۵- عبرت و میراث فرهنگی، ۶- مکاسب و تجارت عمومی، ۷- نظم و سنت های شهری، ۸- فرقان و ارزیابی شهری و ۹- نفی سبیل و پدافند غیر عامل توزیع می‌شود.....

کانال اطلاع‌رسانی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان ایتا

<https://citaa.com/olgou4/3843>

۳/۲. ساختار "شاخصه‌های ارزیابی"؛ دومین ساختار برنامه‌ریزی برای ساخت "محله"

از همین مورد آخر شروع می‌کنم. از برخی از دوستان که مسئول حوزه ارزیابی شهری بوده‌اند می‌پرسیدم؛ یکی از کارهایی که مراکز پژوهشی انجام می‌دهند این است که شهر را ارزیابی کنند. خوب؛ "شاخصه‌های ارزیابی" تان در شهر چیست؟ این [ارزیابی کردن شهر]، یک بخشی از برنامه‌ریزی است.

۳/۲/۱. کسب درآمد و افزایش GDP؛ شاخصه اصلی ارزیابی شهر در مدیریت شهری کنونی

۳/۲/۱/۱. نگاه اقتصادی حتی به زیارت امام و زائر؛ یکی از آثار ارزیابی شهر بر اساس شاخص GDP

اگر بر اساس GDP^{۶۹} ارزیابی کنید، یک مسیر و یک روند برای شهر تعریف می‌شود. دفعه قبل که بنده میهمان شهرداری [مشهد] بودم یکی از کارشناسان شما به من گفت که: «ما مدیران موفق هستیم؛ چون ماندگاری زائر در شهر را افزایش داده‌ایم»؛ بعد ایشان یک عدد و آماری را گفتند که مثلاً: «زائر حداکثر نیم ساعت یا یک ساعت در حرم است، و بقیه وقتش را معلوم نیست کجا می‌گذرانند.» بعد می‌گفت: «ما کاری کرده‌ایم که بعضی از زائران یک هفته در شهر می‌مانند.» بعد از ایشان سوال کردم که: «برای چه این کار را کرده‌اید؟» ایشان گفت: «به جهت کسب درآمد بیشتر!» یعنی: شاخص را "ماندگاری زائر برای کسب درآمد بیشتر" قرار داده است.

یا در نقشه آینده شهر مشهد سه نوع توریسم تعریف شده است: "توریسم زیارت"، "توریسم اقتصادی" و "توریسم سلامت". یعنی: شما بر اساس این شاخصه، آینده [شهر مشهد] را ارزیابی می‌کنید. چرا؟ چون می‌خواهید درآمد بیشتری در شهر کسب کنید. حتی وقتی به مفهوم پرمعنای "زیارت امام" هم که می‌رسید، بخش اقتصادی را می‌بینید و می‌گویید: "توریسم زیارت" یعنی: "کسب درآمد از زیارت"! همه چیز را در صنعت‌های شهری تنزل داده‌اید؛ چرا؟ چون شاخص ارزیابی تان "اقتصاد" است.

۳/۲/۲. تنظیم روابط انسانی؛ شاخصه ارزیابی شهر در مدیریت شهری محله‌محور

حالا باید "شاخص ارزیابی" [از امثال GDP و شاخص صرفاً اقتصادی]، به "تنظیم روابط انسانی" و شاخصه‌های آن تغییر پیدا کند. چند شاخص مثال بزنم:

۶۹. ارجاع پرورسی: در سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تعریف GDP (Gross Domestic Product) چنین آمده است:

کل ارزش ریالی محصولات نهایی تولیدشده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین (سالانه یا فصلی) را تولید ناخالص داخلی می‌نامند.

آدرس مطلب در سایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: yon.ir/HRXCN

۳/۲/۲/۱. کاهش یا افزایش سفرهای درون شهری؛ نمونه‌ای از شاخصه‌های ارزیابی شهر بر اساس تنظیم روابط

انسانی

۳/۲/۲/۱/۱. گسترش "خانه‌های حیاطدار (دار واسعه)" به جای "واحد‌های آپارتمانی" در شهر؛ عاملی برای کاهش سفرهای

درون شهری

میزان "واحد‌های آپارتمانی" به "خانه‌های حیاطدار"^{۷۰} (یا به تعبیر ما: "دار واسعه")، یک شاخص ارزیابی است.^{۷۱} هر چقدر در مشهد خانه‌های "دار واسعه" گسترش بیشتری پیدا کند، این شهر پیشرفته‌تر است.

۳/۲/۲/۱/۱/۱. وجود تفریح خانگی در خانه‌های حیاطدار (دار واسعه)؛ علت کاهش سفرهای درون شهری و در نتیجه کاهش

آلودگی هوا و آلودگی صوتی

[گسترش خانه‌های حیاطدار] به چند دلیل [شاخصه‌ای برای نشان دادن پیشرفته‌تر بودن شهرهاست]: یکی اینکه در خانه با مختصات "دارواسعه"، "تفریح" (تفریح خانگی) وجود دارد.^{۷۲} بنابراین افراد برای تفریح کمتر از خانه خارج می‌شوند؛ پس "سفرهای درون شهری" کاهش پیدا می‌کند، پس "آلودگی هوا" و "آلودگی صوتی" کاهش پیدا می‌کند. ببینید؛ مجموعه‌ای از فواید

۷۰. ارجاع پژوهشی: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: إِنَّ لِلدَّارِ شَرْفًا وَ شَرَفَهَا السَّاعَةُ الْوَاسِعَةُ وَ الْخُلَطَاءُ الصَّالِحُونَ. وَ إِنَّ لَهَا بَرَكَهً وَ بَرَكَتَهَا جُودَةُ مُوَضِّعِهَا وَ سَعَةُ سَاعَتِهَا وَ حُسْنُ جَوَارِ حِيزَاتِهَا.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): «برای هر چیزی شرفی است، و شرف خانه وسعت صحن و حیاط خانه است و معاشران و آمیزش کنندگان صالح می‌باشد، و برای خانه برکتی است و برکت آن خوب بودن مکان آن و وسعت صحن و خوبی همسایگان آن است.»

مکارم الأخلاق، ص ۱۲۶

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

۷۱. ارجاع پژوهشی: در روایات اهل بیت (علیهم السلام) تاکید و ترغیب فراوانی بر داشتن دار واسعه (خانه بزرگ)، و نکوهش بسیار در مورد داشتن خانه کوچک نقل شده است:

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مِنَ السَّعَادَةِ سَعَةُ الْمَنْزِلِ.

هشام بن حکم از امام صادق (علیه السلام): وسعت داشتن منزل، از سعادت و خوشبختی است.

الکافی، ج ۶، ص ۵۲۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱

وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۹۹

جهت مشاهده روایات بیشتر در این باره؛ به پیوست شماره ۲ مراجعه کنید.

۷۲. ارجاع پژوهشی: یکی از بحث‌های مهمی که داریم "تفریح در خانه" است و به نظر ما اصل تفریح، "تفریح در خانه" است. این را دقت کنید که بنده از کجا می‌گویم تفریح در خانه اصل است. هم امام رضا (علیه السلام) از امام کاظم (علیه السلام) نقل کرده‌اند و هم در برخی منابع مستقیماً از خود امام کاظم (علیه السلام) نقل شده است که حضرت می‌فرماید: «تلاش کنید که اوقاتتان را به چهار بخش تقسیم کنید که از جمله آنها حضرت می‌فرماید: «سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلدَّارِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ».[۱] می‌فرماید: ساعتی را خلوت کنید "تَخْلُونَ فِيهَا". (برای همین قید موجود در روایت است که بنده می‌گویم اصل در تفریح، تفریح در خانه است). مثلاً: یکی از آن تفریح‌های در خانه مهمانی دادن است که خیلی برای انسان لذت دارد به ویژه اگر اقرباء (نزدیکان) و بستگان را دعوت کرده باشیم. یکی دیگر از مهم‌ترین لذتها در اسلام "لذت نکاح" است [که جای آن در خانه است]. ببینید استدلال حضرت چیست؟ می‌فرماید: «وَ يَهْدِي السَّاعَةَ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ» یعنی: اگر تفریح داشته باشید آن سه بخش دیگر را هم می‌توانید درست انجام بدهید.

حجت الاسلام والمسلمین علی کشوری، الگوی جدید مدیریت روستا در مقایسه با حکمرانی سازمان ملل (۱۱ آبان ۱۴۰۰)، ص ۳۹

[۱] عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «إِنَّ فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ: يُتَبَغَى لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ لَا يُزِيَّ طَاعِنًا إِلَّا فِي ثَلَاثَ: (۱) مَرَّةٍ لِمَعَاشٍ (۲) أَوْ تَزْوُجَ لِمَعَادٍ (۳) أَوْ لَدَوْ فِي غَيْرِ ذَاتِ مُحَرَّمٍ. وَ يُتَبَغَى لِلْمُسْلِمِ الْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ: (۱) سَاعَةٌ يُفْضِي بِهَا إِلَى عَمَلِهِ فِيمَا يَنْتَهَى وَ يَبِينُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ، (۲) وَ سَاعَةٌ يُلَاقِي إِخْوَانَهُ الَّذِينَ يُفَاوِضُهُمْ وَ يُلَاوِضُونَهُ فِي أَمْرِ آخِرَتِهِ، (۳) وَ سَاعَةٌ يُخْلِي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ لَذَاتِهَا فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ، فَإِنَّهَا عَوْنٌ عَلَى تِلْكَ السَّاعَتَيْنِ.»

امام صادق علیه السلام: «در حکمت آل داود، چنین آمده است: سزاوار است برای مسلمان عاقل که از منزلش خارج نشود مگر در سه چیز: (۱) اصلاح امر معاش، (۲) یا برگیری توشه برای معاد، (۳) یا لذتی در حلال. و سزاوار است برای مسلمان عاقل که: (۱) زمانی را به اعمال میان خود و خداوند، اختصاص دهد، (۲) و زمانی را به دیدار برادران و گفتگوی درباره امور آخرت، اختصاص دهد، (۳) و زمانی را با خوشی‌های حلال (تفریح) سپری کند که این زمان (تفریح)، کمک به آن دو وقت دیگر خواهد بود.»

الکافی، ج ۵، ص ۸۷

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۶۳ / الوافی، ج ۱۷، ص ۸۱

به ارمغان می‌آید که همه آنها بر استانداردهای فعلی شهر تاثیر دارد. حتما شما قبول دارید که شهر خوب شهری است که "آلودگی صوتی" و "آلودگی هوا" در آن کمتر باشد. بنابراین باید یک اقدامی را انتخاب کنید که "کاهش سفرهای درون شهری" را ایجاد کند. من پیشرفت شهر را به "کاهش سفرهای درون شهری" ارزیابی می‌کنم. یکی از اقداماتی که کاهش سفر درون شهری ایجاد می‌کند، "خانه حیاطدار" است.^{۷۳}

۳/۲/۲/۲. تقویت محله از طریق افزایش خدمات درون محلات؛ نمونه‌ای دیگر از شاخصه‌های ارزیابی شهر بر

اساس تنظیم روابط انسانی

۳/۲/۲/۲/۱. خدمات تفریحی، روزمره، شغلی و علمی (آموزشی)؛ خدمات چهارگانه مورد نیاز برای تقویت محلات

یکی دیگر از شاخصه‌هایی که کمک می‌کند شما شهر را درست ارزیابی کنید این است که خدمات درون محلات را افزایش دهید؛ اعم از "خدمات علمی" درون محلات، "خدمات روزمره" درون محلات، حتی "خدمات‌های تفریحی" درون محلات. جلسه قبل سوال این بود که: برای شهر مشهد "پارک بزرگ" بهتر است؟ یا "پارک کوچک"؟ ما استدلال کردیم گفتیم "پارک محله‌ای" بهتر است. چرا؟ چون تفریح اگر درون محله باشد، کاهش "سفر درون شهری" اتفاق می‌افتد، و همان شاخصی را که مبنای ارزیابی قرار دادیم، محقق خواهد شد.

مثلا: اگر در محله‌ای "خدمات روزمره" داشته باشید ("خدمات روزمره" یعنی: پیاز، سیب زمینی، گوجه، خیار، گوشت، نان و تمام آن چیزهایی که آدم‌ها در روزمره به آن احتیاج دارند)، مردم برای تامین اینها "سفر درون شهری" نخواهند داشت؛ بنابراین باز شاخص‌مان محقق خواهد شد.

اگر شما پدیده "مدرسه محله" داشته باشید، یا "مسجد-مدرسه"‌ها را تقویت کنید؛ دیگر تاکسی سرویس‌هایی که بچه‌های شما را از خانه به محل مدرسه می‌برند، کمتر می‌شود و در نتیجه کاهش سفر درون شهری خواهیم داشت.

۳/۲/۲/۲/۲. کاهش سفرهای درون شهری و کاهش ترافیک؛ یکی از ثمرات افزایش و تامین خدمات چهارگانه درون محلات

پیشنهاد می‌کنم به جای GDP اولین شاخصی را که برای ارزیابی شهر می‌گذارید، "کاهش سفرهای درون شهری" باشد. مهمترین اقدامی که باعث "کاهش سفر درون شهری" می‌شود، "تقویت محله" است. "محله" یعنی: [محل تأمین] همین چهار نوع خدمت: "تفریح"، "نیازهای روزمره"، "علم" و "شغل". تا می‌توانید تأمین این خدمات را ببرید در محله؛ برای اینکه عوارض افزایش سفرهای درون شهری را نپردازید. یک برادر محترمی که در جلسه هستند گفتند: «من مسئول بخش ترافیک شهر هستم»؛ من عرض می‌کنم: «ترافیک، ارتباط مستقیم با مفهوم محله دارد». هر چقدر شما "محله" را بیشتر بسازید، "ترافیک" کمتری خواهید داشت. در غیر اینصورت؛ مجبور هستید با هزینه‌های گزاف دوربرگردان بزنید، زیرگذر و روگذر احداث کنید. TOD^{۷۴} مسئول حمل و نقل

۷۳. ارجاع پژوهشی: جهت مشاهده «فوائد ۱۰ گانه حیاط خانه»؛ به پیوست شماره ۷ مراجعه کنید.

۷۴. ارجاع پژوهشی: توسعه مبتنی بر حمل و نقل همگانی (TOD) عبارت است از یک الگوی متراکم کاربری زمین شامل مسکن، پارک‌های عمومی و میادین، کاربری‌های تجاری و خدماتی که همگی در امتداد نقاط کلیدی سامانه حمل و نقل همگانی واقع شده باشند. توسعه مبتنی بر حمل و نقل همگانی راهکاری است که در دهه ۱۹۹۰ میلادی به عنوان راهکاری برای غلبه بر معضلات شهری نظیر ترافیک و آلودگی‌های زیست محیطی ارائه شد و مورد توجه متخصصان قرار گرفت. از اهداف اصلی این رویکرد می‌توان به تشویق

شما است. در سال ۹۴ که در مدرسه علمیه مروی بحث کردیم؛^{۷۵} اولین بحثی که ارائه کردم این بود که: خاصیت محله‌ها این است که ترافیک شهری را کاهش می‌دهند؛ چون محله می‌تواند نیازها را درون خودش تامین کند. و تامین نیازها درون محله یعنی: کاهش سفرهای درون شهری، که باعث کاهش ترافیک، کاهش آلودگی هوا و کاهش آلودگی صوتی می‌شود. شهر خلوت‌تر می‌شود و راحت‌تر مدیریت خواهد شد.

۳/۲/۳. تغییر شاخصه ارزیابی با محوریت "GDP"، به ارزیابی با محوریت "کاهش سفرهای درون شهری"؛ اولین موضوع لازم‌الاصلاح در شهرداری مشهد

شاخص برای ارزیابی مهم است. این اولین شاخص است حالا من نمی‌خواهم بحث شاخصه‌ها را پیش ببرم و همه را بحث کنم. می‌خواهم بگویم: اولین جایی که باید در شهرداری مشهد اصلاح شود، شاخصه‌های ارزیابی شهر مشهد است. خصوصا این برادران و خواهرانی که فرمودند برای شهردار محترم پشتیبانی فکری هستند. اینها بر اساس شاخصه‌های هیئتات بررسی نکنند؛ [بلکه] بیایند بر اساس شاخص‌های کاهش سفر درون شهری ارزیابی کنند. راجع به سند توسعه شهر مشهد هم در آینده حرف می‌زنم؛ می‌گویم: اشتباه نکنید! بر اساس توریسم ارزیابی نکنید! [بلکه] بر اساس کاهش سفر درون شهری ارزیابی کنید. بعد مجموعه اقداماتی که برای کاهش سفر درون شهری در نقشه الگو هست [را عرض خواهم کرد]، فعلا چهار اقدام اصلی است (که عرض کردم) که نتیجه آن "ساخت محله" خواهد شد. پس این یک محور [از بحث که بیان کردم]: مدل ارزیابی را عوض می‌کنید تا به سمت محله بروید؛ به جای ارزیابی مبتنی بر GDP، ارزیابی بر مبنای کاهش سفرهای درون شهری را قرار می‌دهیم.

۳/۲/۳/۱. افزایش هزینه‌های شهری و فرسوده‌شدن انسان‌ها (بخاطر روزمره‌شدن سفر در زندگی مدرن)؛ دو علت بر ضرورت تغییر شاخصه ارزیابی از GDP به ارزیابی بر اساس شاخصه کاهش سفرهای درون شهری

روایت دارد که «السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ»^{۷۶} سفر یک پدیده سختی است، چون آدم از اهل و عیالش از خانواده از محل استراحت از محل انس خود دور می‌شود. حالا هنر مدرنیته این است که سفر را هر روز کرده است! مثلا: الان اهالی کرج، ورامین و پاکدشت

شهروندان به استفاده بیشتر از حمل و نقل همگانی، کاهش تعداد و طول سفر با خودروی شخصی، افزایش پیاده‌مداری و توسعه حمل و نقل غیرموتوری و تشویق تنوع شکل کالبدی و عملکردی بناها و کاربری مختلط زمین از طریق توسعه حمل و نقل همگانی محور نام برد.

<https://b2n.ir/p35073>

۷۵. **ارجاع پژوهشی:** ساختار حاکم بر مباحثات این کتاب شامل: ۱- بررسی و نقد مدیریت شهری بامدل Tod مدل ۲- تعریف شهر اسلامی به نظامی از محله‌ها ۳- تعریف محله به محل تأمین نیازهای خانوار ۴- تعریف هرم نیازهای خانوار ۵- تبیین زیرساخت‌های مورد نیاز در محلات برای تقویت ماهیت اسلامی محلات و تبیین بسته خدمات فوری قابل ارائه به خانوارها در شرایط فعلی می‌باشد.

جهت دریافت فایل این دوره پژوهشی به لینک زیر مراجعه کنید:

<https://b2n.ir/u54029>

۷۶. وَمِنْ أَلْفَاظِ رَسُولِ اللَّهِ ص الْمَوْجِزَةِ الَّتِي لَمْ يُسَبِّحْ إِلَيْهَا: السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ. رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مسافرت کردن، قطعه‌ای از عذاب است.

من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۸۰

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عَنِ التَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ وَإِذَا قَضَى أَحَدُكُمْ سَفَرَهُ فَلْيُشْرِعِ الْإِثَابَ إِلَى أَهْلِهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مسافرت کردن، قطعه‌ای از عذاب است؛ پس هر کدام از شما به مسافرت رفت سریع به سوی اهل خود بازگردد.

المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۷ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۰۰

مکارم الأخلاق، ص ۲۶۶

هر روز سفر می‌کنند تا به محل کارشان برسند. بنابراین خود فرد هم دچار چالش می‌شود. هر کسی هر روز سفر می‌رود، فرسوده‌تر می‌شود. من در قسمت اول آمدم گفتم اثر کاهش سفرهای درون شهری برای خود شهرداری است؛ چون: ترافیک کاهش پیدا می‌کند، و کاهش سوخت بنزین، کاهش آلودگی هوا، کاهش آلودگی صوتی، اتفاق می‌افتد. اینها به نفع شما است. یکی از حضار: کاهش تصادفات هم اتفاق می‌افتد.

حجت الاسلام کشوری: بله؛ کاهش تصادفات هم اتفاق می‌افتد. اما شما این طرف قضیه را هم بدانید، خود آدم‌ها را هم دارید فرسوده می‌کنید. فرض کنید یک نفری در شهرهای خوابگاهی مشهد (مثل شهر بینالود یا گلبهار) به مشهد می‌آید مشهد هشت ساعت باید سر کار باشد حدود دو ساعت باید بیاید و دو ساعت هم باید برگردد. حالا در شهرهای مختلف فرق می‌کند. نتیجه این می‌شود که آن فرد بعد از دوازده ساعت کار سخت، وقتی به خانه می‌رسد؛ اگر بتواند و برایش امکان روحی وجود داشته باشد، باید بخوابد. دیگر نه "تربیت کودک" می‌بیند، نه "محبت عاطفی" و "جنسی" می‌بیند؛ همه اینها حذف می‌شوند، صله رحم برای سالی یا ماهی یک بار می‌ماند. چرا؟ چون شما با الگوی غلط مدیریت شهری سفر را روزمره کرده‌اید. آن وقت فرد دچار این چالش‌ها می‌شود. اگر [به محل کارش] نیاید، شغل ندارد و زندگی‌اش دچار چالش می‌شود. و اگر [به محل کارش] بیاید، فقط حقوق دارد؛ دیگر نه یک "پدر خوب"، نه یک "همسر خوب" و نه یک "فامیل خوب" خواهد بود. فرد را در این دوگانه قرار داده‌اید. بنده در مناظره برنامه ششم آن آقای که معاون کمیسیون تلفیق بود به من می‌گفت: «شما آخوندها چه کار کرده‌اید؟! چهل سال است از اذان در گوش بچه‌ها تا نماز میت بر عهده شماست!»^{۷۷} گفتم: «تا شما هستید که ما هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم!» این آدم اصلاً وقت ندارد. مثلاً در تلویزیون به او می‌گویم: «صله رحم برو»، می‌گوید: «حاج آقا! من هر روز صبح باید بروم محل کارم و برگردم؛ شما من را درک نمی‌کنید!» می‌گویم: «آقا! برای فرزندت وقت بگذار؛ پدر اگر برای فرزندش وقت نگذارد (خصوصاً برای دخترش)، دیگران برایش وقت می‌گذارند.» می‌گوید: «حاج آقا! نمی‌توانم پس چه کسی نان زن و بچه من را بدهد؟!» این نوع برنامه‌ریزی بُن‌بست ایجاد کرده است. معاون سازمان برنامه‌ریزی در همین دوره‌های قبل به بنده می‌گفت: «من چون رادیو معارف

وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۴۵۰

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد "مذمت سفر (از جمله سفر درون‌شهری) بخاطر وجود ناراحتی و سختی‌های فراوان در آن"؛ به پیوست شماره ۸ مراجعه کنید.

۷۷. اشاره به مناظره تلویزیونی دکتر تابش (معاون وقت کمیسیون تلفیق) با حجت الاسلام کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۷: «دکتر تابش: ولی حاج آقا شما به عنوان یک مبلغ دینی شما هم باید پاسخ‌گو باشید که چرا در جامعه‌ای که شما مبلغ هستید و مردم از وقتی که به دنیا می‌آیند شما اذان در گوششان می‌گویید - که ما خیلی مخلص و ارادتمند روحانیت هستیم - تا زمانی که در قبر بگذارند و تلقین شان را می‌خوانید چرا در این جامعه‌ای که شما مبلغ هستی در تهران از هر ۳ ازدواجی منجر به طلاق می‌شود و در کل کشور از هر پنج ازدواج [منجر به طلاق می‌شود]. در آمار هم گفتم که ۷۵ درصد بودجه‌ی فرهنگی کشور در دست نهادهای غیر دولتی است. حجت الاسلام کشوری: حضرت عالی درست می‌فرمایید حوزه‌های علمیه کم کاری کردند؛ باید از ابتدای انقلاب اجازه نمی‌دادند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور توری‌های ناکارآمد غربی را به عنوان راه‌حل معرفی کند. اتفاقاً بنده جزء طلبه‌هایی هستم که توبه کردم. قبلاً به دست شما واگذار می‌کردیم نتیجه آن شده ۳۸ درصد طلاق. حالا آمده‌ایم تا جلوی این توری‌ها را بگیریم و به فضل الهی خواهیم گرفت. این یک بحثی باشد بنده قبول دارم حوزه‌های علمیه کم کاری کردند اما دوران آن کم کاری دیگر گذشت. شما باید نسبت به توری‌های غربی پاسخ‌گو باشید. این که یک اندیشمندی از غرب می‌آید و یک توصیه‌ای به شاه می‌کند بعد این را مبنای نظام برنامه‌ریزی قرار می‌دهید بعد کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام را در حوزه برنامه‌ریزی را فراموش می‌کنید و فقط به هنگام شب قدر به مردم تسلیت می‌گویید. ما دیگر اجازه نمی‌دهیم این کارها تکرار شود. حالا من این را به کنار می‌گذارم یک مسأله‌ی جدید را مطرح می‌کنم.»

را گوش می‌کنم، خودم سرویس مدرسه بچه‌ام شده‌ام.» گفت: «دخترم را می‌برم مدرسه خودم هم به خانه برمی‌گردانم.» بعد استدلال می‌کرد می‌گفت: «اگر این وقت را هم برای دخترم اختصاص ندهم دیگر هیچ وقتی ندارم بگذارم.» حالا هر چه قدر هم برای مردم آیه و روایت بخوانیم، مردم وقت ندارند! چون همه وقتشان به سفر درون شهری روزانه اختصاص پیدا کرده است.

لذا پیامبران حکیم بوده‌اند و فرموده‌اند: «سفر قطعه‌ای از عذاب الهی است»؛ و نباید روزمره شود. سفر باید برای تفریح باشد برای زیارت باشد. ما در این دو هفته دوبار آمدیم از قم به مشهد و برگشته‌ایم؛ آدم برای زیارت سفر کند عیب ندارد ولی سفر روزمره حتما چیز درستی نیست.

برای همین شما باید "کاهش سفر درون شهری" را شاخص بگذارید. [این کاهش سفرهای درون‌شهری] علامت پیشرفت است؛ هم پیشرفت در روابط خصوصی افراد، هم پیشرفت در اداره شهر برای کاهش هزینه‌ها و معضلات شهری. شاخص باید عوض شود. مادامی که با شاخص‌های هیئتات و بخش یازدهم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ ارزیابی می‌کنید، ما هیچ وقت "محله" نخواهیم ساخت. از شما خواهش می‌کنم (چون شما بعداً با مدیران‌تان صحبت می‌کنید) این را بگویید که: یا ما با [افزایش] سفر [های درون شهری] هیچ کاری نداریم [و هیچ اقدامی برای کاهش آن انجام نمی‌دهیم]؛ پس [نتیجه‌اش این خواهد شد که: هم افزایش هزینه‌ها] [ی شهری] و هم فرسوده‌کردن آدم‌ها را به دنبال خواهیم داشت. یا اینکه روی این [کاهش سفرهای درون شهری و تقویت محلات] بایستیم؛ تا این دو آفت [افزایش هزینه‌های شهری و فرسوده‌شدن آدم‌ها] به وجود نیاید و کار به چالش کشیده نشود.

پس اولین محور این است که: خواهش می‌کنم تصمیم‌سازی کنید که در سند توسعه شهر مشهد در آینده، این شاخص‌های ارزیابی پیشرفت عوض شود؛ دیگر "شاخصه‌های WDI"^{۷۸} را نگذارید، "شاخصه‌های توسعه انسانی" را نگذارید، همین "شاخصه‌های پیشرفت اسلامی" خودمان را که مبتنی بر "روابط انسانی" است بگذارید.

اگر یک وقتی توفیق داشتم دوباره بحث کردم، یازده شاخص برای ارزیابی شهر اسلامی داریم که آنها را بحث می‌کنم. حالا بنده یک شاخص یعنی "کاهش سفر درون شهری" را عرض کردم. یک دستگاه شاخصی دیگری داریم می‌توانیم با کارشناسان آمار شما بررسی کنیم. دوستانی هم که در مجموعه "فاوا"^{۷۹} هستند (حالا نمی‌دانم می‌شود یا نه) می‌شود یک نرم‌افزاری هم برایش

۷۸. ارجاع پردازشی: WDI: World Development Indicators (شاخص‌های توسعه جهانی)

The World Development Indicators is the primary World Bank collection of development indicators, compiled from officially-recognized international sources. It presents the most current and accurate global development data available, and includes national, regional and global estimates شاخص‌های توسعه جهانی مجموعه اولیه شاخص‌های توسعه بانک جهانی است که از منابع بین‌المللی به رسمیت شناخته شده گردآوری شده است. این جدیدترین و دقیق‌ترین داده های توسعه جهانی موجود را ارائه می‌دهد و شامل برآوردهای ملی، منطقه‌ای و جهانی است.

آدرس مطلب: World Bank (پایگاه بین‌المللی اطلاعات آماری شاخص‌های توسعه جهانی / بانک جهانی)

<http://world-development-indicators>

جهت مشاهده شاخص‌های کامل WDI (شاخص‌های توسعه جهانی) به لینک زیر مراجعه کنید:

<http://data.worldbank.org/indicator>

۷۹. ارجاع پردازشی: سازمان فناوری اطلاعات ایران نهادی است دولتی وابسته به وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات که با ایجاد و بکارگیری سازوکارهای لازم، حوزه ی فناوری اطلاعات کشور از بخش های دولتی، عمومی و خصوصی را از طریق اعمال سیاست ها، مقررات، استانداردها و ... بر پایه مصاح، منافع و امنیت ملی و عمومی، سازماندهی، هدایت و راهبری و کنترل می نماید و به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی ایران منافع و مصالح ملی و سیاست های ابلاغی در حوزه فناوری اطلاعات را از طریق نهادها و مجامع بین

طراحی کرد. داده‌های مرتبط با این شاخص‌ها را جمع‌آوری کرد و دائماً به روز در اختیار مدیران قرار داد. اینها این بحث‌ها را کاربردی می‌کند. من عرضم این است اگر بحث شاخص‌ها را تغییر ندهید بحث امروز من یک منبر شد. منبر (و حرف زدن صرف) دیگر اجرایی نمی‌شود. اجرایش به این است که شاخصه‌های ارزیابی شهر عوض شود، این اول اجرا است. با کدام شاخص شهر را ارزیابی کنیم؟ می‌گویید: «کاهش یا افزایش ماندگاری زائر، شاخص اول شما است»، اینطوری ارزیابی می‌کنید؟! یا نه؛ بر اساس این شاخص «کاهش سفرهای درون شهری»؟ خواهش می‌کنم که مدیران محترم این جلسه اگر آینده‌ای برای این جلسه در نظر گرفته‌اند، اولویت جلسات آینده را تبیین شاخصه‌های جدید ارزیابی قرار دهند؛ که از اینجا بحث شروع می‌شود. بنشینیم نگاه و ذهنیت را نسبت به «پیشرفت» و «توسعه» عوض کنیم. این بحث اول است.

۳/۳. ساختار "شغل و مکاسب شهری"؛ سومین ساختار برنامه‌ریزی برای ساخت "محله"

بحث دوم، بحث حوزه "مکاسب شهری" است. در حوزه مکاسب شهری هم ما باید حرف داشته باشیم. در اینجا ما پانزده بحث در حوزه مکاسب شهر (یا به اصطلاح شما: "اقتصاد شهر") داریم. اگر باز یک جلسه اختصاصی داشتید، آینده مشاغل شهری را بحث خواهیم کرد.

۳/۳/۱. اولین اقدام در حوزه مکاسب شهری: شناسایی و گسترش مشاغل برتر

۳/۳/۱/۱. مشاغل کمک‌کننده به "تنظیم روابط انسانی" و "تسخیر شیئی‌پایه"؛ مشاغل برتر حوزه مکاسب شهری

حرف اول من و سوال اول الگوی پیشرفت [در باب مکاسب شهری] این است: مشاغل مطلوب در یک شهر چیست؟ جدول مشاغل مطلوب در یک شهر چه مشاغلی است؟ این را باید بحث کنیم. شغل‌های برتر آن شغل‌هایی هستند که به "تنظیم روابط انسانی" و "تسخیر شیئی‌پایه" کمک می‌کنند؛ چون آنجا مفهوم ما معلوم است.

۳/۳/۱/۱/۱. کشاورزی، باغداری و دامداری؛ مشاغل برتر حوزه مکاسب (برترین مشاغل کمک‌کننده به "تنظیم روابط

انسانی" و "تسخیر شیئی‌پایه")

جدول مشاغل برتر شامل پانزده شغل است. که الان سه شغل برتر را بگویم: بهترین شغل‌ها "کشاورزی"، "باغداری" و [نگهداری] دام و طیور (دامداری) است.^{۸۰} چرا؟ چون اشیاء مورد نیاز تسخیر [و تصرف مردم] در شهر را تولید می‌کنند.

المللی ذریع پیگیری می‌نماید. ماموریت این سازمان عبارت است از: هدف‌گذاری، هدایت، نظارت راهبردی، ساماندهی و توسعه امن، ایمن و پایدار فناوری اطلاعات کشور در راستای تامین منافع، مصالح، امنیت ملی، رفاه عمومی و توسعه همه جانبه و پایدار کشور.

منبع: وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات - <https://b2n.ir/u11982>

۸۰. ارجاع پژوهشی: علی بن ابی‌هریم عن ابيه عن الثؤفلي عن السكوني عن أبي عبد الله ع قال: «سئل النبي ص: أي المال خير؟ قال: الزرع زرعه صاحبه وأصلحه وأدى حقه يوم حصاده. قال: فأأي المال بعد الزرع خير؟ قال: رجل في غنم له قد تبع بها مواضع القطر يقيم الصلاة ويؤتي الزكاة. قال: فأأي المال بعد الغنم خير؟ قال: البقر تغذو بخير و تروخ بخير. قال: فأأي المال بعد البقر خير؟ قال: الترابسات في الوحل و الفطعمات في المخل نغم الشيء التخل من ناعه فإنما ثمنه بمنزلة رماذ على رأس شاهق اشتدت به الریح في يوم عاصف إلا أن يخلف مكانها. قيل: يا رسول الله؛ فأأي المال بعد التخل خير؟ قال: فسكت. قال: فقام إليه رجل فقال له: يا رسول الله؛ فأأي الإبل؟ قال: فيه الشقاء و الجفاء و العناء و بعد الدار، تغذو مذبذبة و تروخ مذبذبة، لا يأتي خبزها إلا من جانبيها الأشام. أما إنها لا تعدم الأشقياء الفجرة.»

«از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سؤال شد: کدام مال بهتر است؟ فرمود: زراعتی که صاحبش آن را کشت نموده و پرورش داده و هنگام درو حق آن را پرداخته باشد. پرسیدند: ای رسول خدا؛ پس کدام مال بعد از زراعت کردن بهتر است؟ فرمود: مردی که گوسفند دارد و [برای سیراب کردنشان] در پی آنها راهی محل‌ها و گودالهایی که در آنها آب باران جمع

۱/۱/۱/۱/۳. سیاست کشت گسترده "کلزا"؛ یکی از مصادیق استاندارد گذاری های غلط در حوزه کشاورزی و عاملی برای غلبه "دم" و در نتیجه عصبی مزاج شدن مردم در روابط انسانی

وقتی روغن کلزا سر سفره مردم می‌گذارید، مردم "غلبه دم" پیدا می‌کنند، به اصطلاح پزشکی یعنی کلزا در عروقشان رسوب می‌کند. یکی از خاصیت‌هایی که غلبه دم دارد این است که آدم‌ها اعصابشان خراب است و آرامش کافی ندارند؛ بعد چه می‌شود؟ اختلال در روابط انسانی به وجود می‌آید. الان اینطوری است.

انتقال از متن

۳/۳/۱/۱/۱/۱/۲. سیاست کشت گسترده "چغندر قند"؛ یکی از مصادیق استاندارد گذاری های غلط در حوزه کشاورزی و

عاملی برای افزایش "سودا" و در نتیجه افزایش نزاع در روابط انسانی

یا مثلاً: شما "چغندر" می کارید؛^{۸۲} کاشت چغندر چه اشکالی دارد؟ می گویم: آقا! هیچ اشکالی ندارد؛ فقط وقتی مردم قند ناشی از چغندر را می خورند، "کبد" و "کلیه" آنها از کار می افتد! همچنین چغندر، "سودا" را افزایش می دهد.^{۸۳} و اصطلاحاً سودا خشکی آدم ها را زیاد می کند یعنی انعطاف آنها را پایین می آورد آن وقت نتیجه اش اختلال در روابط انسانی و افزایش نزاع می شود. چه شما حوزه کشاورزی را از شغل برتر حذف کنید و چه غلط به آن بپردازید؛ در هر دو فرض اختلال در روابط انسانی ایجاد می شود. شما باید مشاغل برتر را مشاغلی قرار دهید که اشیاء مورد نیاز برای تسخیر افراد محلات را تولید کنند. سه شغل اینها هستند: کشاورزی باغداری دام و طیور.

۳/۳/۱/۱/۱/۱/۳. تولید گسترده "گوشت مرغ"؛ یکی از مصادیق استاندارد گذاری های غلط در حوزه دامداری و عاملی

برای سردمزاج شدن مردم و در نتیجه افزایش بیماری هایی مانند "ام اس" و کاهش عملکرد مردم در روابط انسانی

آن وقت محصولات مرتبط با این سه بخش (مشاغل برتر) هم باید متناسب باشد؛ مثلاً الان شما "مرغ" را سر سفره مردم به گوشت اصلی تبدیل کرده اید. وقتی کسی این مرغ های صنعتی که شما تولید می کنید مصرف می کند غلبه سردی برایش پیدا می شود. وقتی غلبه سردی برایش پیدا شد مثلاً "ام اس" گسترش پیدا می کند. لذا آدم های مدرن همیشه دیده اید آدم های فعالی نیستند، کاهش عملکرد دارند، خیلی گرم نمی گیرند. بعد می پرسد: چرا اینطور شده ام؟ می گویم: چون شما گوشت مصرفی تان را گوشت سرد قرار داده اید. بین الگوی تغذیه انسان و کاهش یا افزایش عملکرد انسان خیلی ارتباط است.

پس استاندارد گذاری مشاغل یکی از مصادیق رسیدگی به حوزه مکاسب می شود. اولاً ده یا پانزده شغل برتر را بگویید، سپس بحث های اختصاصی را هم بگویید. این محور دوم بحث است.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ أَجْزَاءُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ»^{۸۴} یعنی: عبادت ده جزء است [که] نه جزئش کسب حلال است. خیلی مهم است اگر کسب شهر حرام شود و به چالش کشیده شود، شهر دیگر اسلامی نیست.

۸۲. بعداً باید با کشت و صنعت که زیر مجموعه آستان قدس است بحث کنم.

انتقال از متن

۸۳. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: أَطْعَمُوا مَرْضَاكُمْ السَّلْقَ يَغْنِي وَرَقَهُ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً وَلَا دَاءَ مَعَهُ وَلَا غَائِلَةَ لَهُ وَ يُهْدِي نَوْمَ الْمَرِيضِ وَ اجْتَنِبُوا أَضْلَهُ فَإِنَّهُ يُهَيِّجُ السُّودَاءَ.

امام رضا علیه السلام: به بیمارانتان، چغندر یعنی برگ آن را بدهید؛ چرا که در آن، شفاست و هیچ بیماری ای به همراه ندارد و هیچ عارضه ای در آن نیست و خواب بیمار را آرام می سازد. از خود چغندر بهره یزید؛ زیرا سودا را تحریک می کند.

الکافی ج ۶ ص ۳۶۹

بحار الانوار ج ۶۳ ص ۲۱۶ / الوافی ج ۱۹ ص ۴۲۲ / الفصول المهمة ج ۳ ص ۱۲۰ / وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۱۹۸

۸۴. ارجاع پژوهشی: جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۳۹ / الوافی، ج ۲۶، ص ۱۴۷ / الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)، ص: ۳۸۶ (فیہ: سبعة بدل تسعة) / بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۷ و ج ۱۰۰، ص: ۹ و ص ۱۸ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۲ و ص ۲۰ / جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۲، ص ۷۶ و ص ۲۱۰.

۳/۳/۲. دومین اقدام در حوزه مکاسب شهری: عمومی سازی تجارت

دومین اقدام در حوزه مکاسب (که می‌توانید آن را بعداً در حوزه شاخص‌ها بحث کنید) این است که: [بررسی کنید که] چند نفر از مردم در شهر تجارت می‌کنند؟ و شهرداری برای توسعه تجارت چه خدماتی می‌دهد؟

۳/۳/۲/۱. افزایش عقل؛ اولین خاصیت عمومی سازی عمومی

در روایات تجارت سه خاصیت دارد. خاصیت اول: عقل انسان‌ها را گسترش می‌دهد. در روایت می‌فرماید «تَرْكُ التَّجَارَةِ يَنْقُصُ الْعُقْلَ»^{۸۵} کسی که تجارت را ترک می‌کند، عقلش کم می‌شود. می‌دانید چون انجام دادن داد و ستد با مردم، نیاز به یک ظرافت و دقت‌هایی دارد؛ [لذا] زمینه رشد عقلی مردم را آماده می‌کند.

۳/۳/۲/۲. محرومیت‌زدایی و رفع فقر؛ دومین خاصیت عمومی سازی عمومی

دومین خاصیت: تجارت محرومیت‌زدایی طبیعی است. اگر شما به جای یارانه‌دادن و کمک‌های دولتی، مردم را (به عنوان شغل دومشان) وارد تجارت کنید، به لحاظ زندگی عمومی زندگی بهتری پیدا می‌کنند. لذا امام صادق علیه السلام فرمود: بروید تاجر بشوید؛ بلکه فرمودند: «تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَاتِ»^{۸۶} حتماً شغل دومتان را تجارت قرار دهید و لو کم. بالاخره از یک معامله‌ای که شما انجام می‌دهید، یک مقداری درآمد برای شما حاصل می‌شود. پس کارکرد دوم تجارت یک نوع مدل محرومیت‌زدایی است.

۳/۳/۲/۳. کاهش رانت (افزایش کیفیت و کاهش قیمت کالاها)؛ سومین خاصیت عمومی سازی تجارت

خاصیت سوم: جلوی رانت را می‌گیرد. فرض کنید مثلاً اگر یک شهری ده توزیع‌کننده و ده شرکت (مثل افق کوروش، جانبو و...) از شرکت‌های زنجیره‌ای را داشته باشد؛ این شرکت‌ها تعیین‌کننده قیمت و کیفیت می‌شوند. اما اگر در یک شهری هزار نفر تولیدکننده وجود داشت؛ اتفاقاً تجارت بیشتر به "کاهش قیمت" منجر می‌شود به "افزایش کیفیت" منجر می‌شود. چون افراد زیادی [تولید و] توزیع کالا را انجام می‌دهند، لذا شما گزینه‌های فراوانی برای خرید دارید و از هر کسی خرید نمی‌کنید بلکه از کسی که خرید می‌کنید که کالای با کیفیت بالاتری تولید کند. خیلی خاصیت این چینی بر تجارت‌های عمومی بار است. لذا شما در خدمات کالبدی یک شهر باید کاری کنید که مردم بیشتر تجارت کنند.

۸۵. ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «تَرْكُ التَّجَارَةِ يَنْقُصُ الْعُقْلَ».

امام صادق (علیه السلام): «ترک کردن تجارت، عقل را کم می‌کند».

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۳

جهت مشاهده روایات بیشتر در زمینه "نقصان عقل در صورت ترک تجارت": به پیوست شماره ۱۰ مراجعه کنید.

۸۶. ارجاع پژوهشی: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَاهِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: «تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَةِ فَإِنَّ فِيهَا غَنًى لَكُمْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ».

امیرالمومنین (علیه السلام): متعرض تجارت شوید؛ چرا که در آن بی‌نیازی از آنچه در دست مردم است می‌باشد.

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۹ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۳ (مرسلاً) / الخصال، ج ۲، ص ۶۲۱

سند خصال: حَدِيثُ الْأَرَبَمَاءَةِ: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنُ عَبْدِ الْغَطِينِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَاهِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَوْ تَعَامَةً بَابَ مِمَّا يُضْلَعُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ: ...

الوافي، ج ۱۷، ص ۱۲۴ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۱ و ۱۲ (و فيه: للتجارات بدل للتجارة) / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۶، ص ۱۱ / بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۰ و

ج ۱۰، ص ۹۶ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص ۲۷۴

الان بنده مشغول تهیه پیش‌نویسی هستم که برای قانون تجارت جمهوری اسلامی می‌نویسم که در حال آماده‌شدن است. آنجا ایده اصلی این است که قانون تجارت جمهوری اسلامی باید تجارت را عمومی کند. اصلاً این علامت پیشرفت است، نه اینکه تجارت برای پولدارها باشد. ما پای درس امیرالمومنین (علیه‌السلام) نشستیم؛ حضرت فرموده‌اند: همه (به عنوان شغل دوم) بروند تجارت کنند.^{۸۷} به طلبه‌ها می‌گویم بروید تجارت کنید. حالا طلبه‌ها تجارت نمی‌کنند، دیگران هم که تجارت نمی‌کنند؛ خلاصه سه ضرر در جامعه ما به وجود آمده است.

در ایام کرونا یادتان می‌آید چند شهر در کشور آمریکا شورش شد و فروشگاه‌ها غارت شد! بعد ارتش آمد سیستم توزیع را برقرار کرد.^{۸۸} چرا؟ چون فقط ده توزیع‌کننده آنجا هستند. ده توزیع‌کننده را با هر بحرانی می‌شود از کار انداخت. اما اگر سیستم توزیع شهر، غیرمتمرکز باشد؛ به لحاظ امنیتی و پدافند غیرعامل هم این ضربه‌گیری بالایی دارد و به سرعت به چالش کشیده نخواهد شد. پدافند غیرعامل و مجلس شورای اسلامی باید کارهایی را انجام بدهند، ما به آنها هم داریم مشورت می‌دهیم.

مشورت من به شما [مدیران شهری] این است که: "کالبد مکاسب شهر" را طوری طراحی کنید که مردم به صورت حداکثری بتوانند تجارت کنند. نه اینکه مثلاً قیمت سرقفلی مغازه‌های نزدیک حرم چند میلیارد باشد و کلی هم از آن مالیات بگیرید، بعد قیمت‌ها را بالا می‌کشد تا بتواند مغازه را مدیریت کند. وقتی در حوزه مکاسب بحث می‌کنیم؛ نقشه شهر مشهد را دیده‌ایم، می‌پرسیم: "کالبدهای تجارت عمومی" کجاست؟ می‌گویند: نداریم! ولی "کالبدهای تجارت برای خواص [سرمایه‌دارها]" قشنگ معلوم است! کالبد هتل‌ها و مجتمع تجاری معلوم است! چه کسی این کار را کرده است؟ در بخشی [از این اشتباهات] شهرداری دخیل بوده‌اند که برخی از نظام مجوزها را صادر کرده‌اید؛ پس توبه کنید! و به سمت این برویم کالبد شهری را طوری طراحی کنیم که مردم بیشتر بتوانند تجارت کنند.

۳/۴. ساختار "پاکسازی و تزکیه شهری"؛ چهارمین ساختار برنامه‌ریزی برای ساخت "محله"

بحث دیگر: شهر مطلوب "ساختار تزکیه" هم دارد. الان ممکن است یک مدیری که حوصله نداشته باشد بگوید: دوباره وارد درس اخلاق و نصیحت شدیم! نه؛ اصلاً قرار نیست کسی شما را نصیحت کند، بلکه می‌گوییم: "کالبد تزکیه شهر" کجاست؟ چرا شهر باید "کالبد تزکیه" داشته باشد؟ چون جسم و وجود انسان پر از مواردی است که شما آن موارد را مضر برای سلامت انسان می‌دانید.

۸۷. همان.

۸۸. **ارجاع پردازشی:** بعد از باز شدن پای کرونا به کشورهای اروپایی و آمریکا هراس و دلهره موجب شد مردم برای ذخیره مواد غذایی و اقلام بهداشتی و محافظتی مثل ماسک به فروشگاه‌ها هجوم بیاورند. در مواردی این هجوم به حدی بود که به سرعت این کشورها را با کمبود مایحتاج مردم روبرو و قیمت‌ها را چند برابر کرد. سال گذشته در پی اعلام وضعیت فوق‌العاده در آمریکا، خبرگزاری رویترز در گزارشی درباره وضعیت امور نوشته بود: «فروشگاهی در شهر «آنیون» ایالت نیوجرسی ساعت ۸ صبح فعالیت خود را شروع کرد اما همه موجودی شیر و بطری‌های آبش ظرف ۵ دقیقه تمام شد. در شهر «آستین» ایالت تگزاس هم بنزین مخازن پمپ‌های بنزین خالی شده و گزارش شد هیچ بطری مایع سفیدکننده در فروشگاه‌های زنجیره‌ای «هوم دیپو» در شهر «فرکس» ایالت ویرجینیا پیدا نمی‌شد.

آدرس مطلب: خبرگزاری فارس - <https://b2n.ir/h41639>

۳/۴/۱. ساخت سرویس‌های بهداشتی عمومی؛ یکی از کالبد‌های پاکسازی و تزکیه شهری

مثلاً: همه انسان‌ها باید از دفع‌های روزانه‌ای که دارند، تزکیه شوند، (تا چیزهایی که در قلب انسان‌ها هست مثل حسد، حرص، استکبار، خشم و جنون. چون در انسان هم "قوه شرّ" و هم "قوه خیر" وجود دارد؛) لذا یکی از کارکردهایی که انسان‌ها باید در دستور کار خود قرار بدهند و یکی از خدماتی که شما [مدیران شهری] باید به انسان‌ها بدهید: "خدمات پاکسازی" است. (بنده کلمه "تزکیه" را امروزی ترجمه کردم تا برای شما قابل تفاهم‌تر باشد).

۳/۴/۱/۱. پیشگیری از ابتلاء مردم به بیماری‌های کلیوی و در نتیجه کاهش هزینه ساخت بیمارستان‌های دیالیز؛ دلیلی بر

ضرورت ساخت سرویس‌های بهداشتی عمومی

شما "کالبد پاکسازی" در شهر ندارید. مثلاً: الان در شهرها دستشویی ندارید، در حالی که در گذشته وجود داشت ولی الان دستشویی‌های در شهر برداشته شده است. آدمی زاد است و نیاز به دفع دارد؛ ولی شما ساختار پاکسازی در شهر را حذف کرده‌اید، لذا انسان‌ها به "بیماری‌های کلیوی" مبتلا می‌شوند،^{۸۹} بعد شما با افتخار می‌روید "بیمارستان دیالیز" برای بیماری‌های کلیوی می‌سازید! یکی از اطباء مشاورم به بنده می‌گفت: یک خیرِ آمد پیش من گفت: «من یکی بیمارستان دیالیزی ساختم، در همان چند روز اول پر شد!» ایشان می‌گفتند: من به آن خیرِ گفتم: «اگر ده بیمارستان دیگر هم بسازید، در همان روزهای اول پر خواهند شد!» چرا؟ چون شما در شهر ساختار پاکسازی ندارید. لذا شهرداری باید برای دستشویی‌های عمومی فکری کند و برای اینها برنامه‌ریزی کند. بعد می‌گویید: چه اتفاقی می‌افتد؟ می‌گویم: انسان‌ها سالم‌تر می‌شوند و آن وقت دیگر مجبور نیستید هزینه سنگین دیالیز را بپردازید.

۳/۴/۲. فضای سبز شهری؛ یکی دیگر از کالبد‌های پاکسازی و تزکیه شهری

۳/۴/۲/۱. تقویت قلب و در نتیجه پاکسازی و تزکیه درون انسان‌ها از جنون نهفته؛ یکی از فوائد فضای سبز شهری به

محوریت درختان و گیاهان مثمر و معطر

یکی دیگر از مصادیق کالبد‌های تزکیه در شهر، "فضای سبز شهری" است. فضای سبز شهری همانطور که عرض کردم اگر به محوریت "عطر" و "درختان مثمر" باشد، آرامش و راحت را به قلب‌ها انتقال می‌دهد. یعنی ببینید شما با فضای سبز، قلوب را از جنون نهفته درون همه انسان‌ها (همانطور که امام فرموده‌اند) پاکسازی می‌کنید. مصادیق ساختار تزکیه در شهر یکی فضای سبز شهری است.

۸۹. ارجاع پژوهشی: قال الرضا ع: وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يَشْتَكَى مَنَاتَهُ فَلَا يَخْسِ الْبُؤْلَ وَلَا عَلَى ظَهْرِ دَائِيهِ.

امام رضا (علیه السلام): کسی که می‌خواهد از ناراحتی مثانه شکایت نکند، بول خود را نگه ندارد و لو اینکه سوار مرکب باشد.

طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۳۵

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۳ / مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۸۴

زُوي: إِذَا جُعِتْ فَكُلْ وَ إِذَا عَطِشْتَ فَاشْرَبْ وَ إِذَا هَاجَ بِكَ الْبُؤْلُ فَبَلْ وَ لَا تُجَامِعْ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ وَ إِذَا نَعَسْتَ فَتَمَّ فَإِنَّ ذَلِكَ مَصْحَةٌ لِلْبَدَنِ.

در فقه الرضا (علیه السلام) روایت شده است: ... هر گاه بول بر تو به هیجان آمد، بلافاصله بول کن ... چرا که این باعث صحت و سلامت بدن است.

الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۴۰

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۶۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۶۶

۳/۴/۳. حمام‌های چهارمزاجی؛ یکی دیگر از کالبد‌های پاکسازی و تزکیه شهری

اگر شما حوصله کنید و زود راجع به پیشنهاد بنده قضاوت نکنید، عرض می‌کنم: "حمام‌های چهارمزاجی" را در شهر راه بیندازید. قدیم چون هبیتات نبود و بلدی‌ها ارتباطی با حوزه‌های علمیه داشته‌اند؛ می‌دانید فقهاء و حکمای حوزه‌های علمیه خیلی توصیه می‌کردند که شهر دارای حمام باشد. البته الان مردم فکر می‌کنند حمام یک اتافکی است که بروند سر خود را در آن بشویند و بیرون بیایند. اما "حمام" در "ساختار تزکیه شهری" جزو ابزارهای پاکسازی بدن محسوب می‌شود.

۳/۴/۳/۱. حمام چهارمزاجی؛ ساختار پیشنهادی اسلام برای خارج کردن اخلاط ناصالح و سموم از بدن

(جایگزین بیمارستان)

ما چهار نوع "خلط" داریم، به تعبیر برخی از دوستان چهار نوع "سم" در بدن همه انسان‌ها وجود دارد. باید در یک ساختاری [اخلاط ناصالح] خالی شود. ساختار پیشنهادی اسلام برای خارج کردن "اخلاط ناصالح"، "حمام چهارمزاجی" است که چهار بخش دارد: بخش سرد و خشک، بخش گرم و خشک، بخش سرد و تر، و بخش گرم و تر.^{۹۰} یعنی: چهار مزاج را در خود دارد. در

۹۰. ارجاع پرورشی: حکیم جرجانی در تعریف "خلط" اینچنین آورده که:

«خلط رطوبتی است اندر تن مردم روان، و جایگاه طبیعی مر آن را رگهاست، و اندامهایی که میان آن تهی باشد، چون معده و جگر (کبد) و سپرز (طحال) و زهره (کیسه صفرا)، و این اخلاط از غذا خیزد. و بعضی از خلط‌ها نیک باشد و بعضی بد باشد، آنچه نیک باشد که اندر تن مردم اندر افزاید، و به بدل آن تری‌ها که خرج می‌شود بایستد، و آنکه بد باشد آن است که بدین کار نشاید، و این آن خلط باشد که تن از آن پاک باید کرد به داروها. و خلط‌ها چهار گونه است: خون است و بلغم و صفرا و سودا.»

ذخیره خوارزمشاهی، ج ۱، ص ۳۳

در کتاب قانونچه در طب نیز چنین آمده:

«خلط در اصطلاح جسم تر و روانی را گویند که غذا نخست بار بدان تبدیل می‌یابد. اخلاط چهارند: خون که گرم است و تر، صفرا که گرم است و خشک، بلغم که سرد است و تر، و سودا که سرد و خشک است.»

قانونچه در طب (جعفینی)، ص ۴

۹۱. ارجاع پژوهشی: أَقُولُ وَجَدْتُ يَحْطُ الشَّيْخُ الْأَجَلُ الْأَفْضَلَ الْعَلَمَةَ الْكَامِلَ فِي قُتُونِ الْعُلُومِ وَالْأَدَبِ مَرْوَجَ الْمِلَّةِ وَالَّذِينَ وَالْمَذْهَبَ نُورَ الدِّينِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ الْعَالِي الْكَرْكَيَّ جَزَاءَ اللَّهِ سَيِّئَاتِهِ عَنِ الْإِيمَانِ وَ عَنِ أَهْلِ الْجَزَاءِ السَّنِيِّ مَا هَذَا لَفْظُهُ: الرِّسَالَةُ الدَّهْيِيَّةُ فِي الطَّبِّ الَّتِي بَعَثَ بِهَا الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا ع إِلَى الْمَأْمُونِ الْعَبَّاسِيِّ فِي حِفْظِ صِحَّةِ الْمِرْزَاجِ وَ تَذْيِيرِهِ بِالْأَغْذِيَّةِ وَالْأَشْرَبَةِ وَالْأَدْوِيَّةِ قَالَ إِمَامُ الْأَوَّامِ غُرَّةُ وَجْهِ الْإِسْلَامِ مُظْهِرُ الْغُمُوضِ بِالرُّبُوبِيَّةِ الْأَمْعَةِ كَاشِفُ الرُّمُوزِ فِي الْجَفْرِ وَالْجَمَاعَةِ أَقْصَى مَنْ قَضَى بَعْدَ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى وَ أَعَزَّى مَنْ غَزَا بَعْدَ أَبِيهِ عَلِيٍّ الْمُتَرَتَّبِي إِمَامُ الْحِجْزِ وَالْإِنْسِ أَبِي [أَبُو] الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ الثَّجَبَاءِ الثَّقَبَاءِ الْكِرَامِ الْأَتْقِيَاءِ اَعْلَمَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى آخِرِ مَا سَيَأْتِي مِنَ الرِّسَالَةِ.

وَ وَجَدْتُ فِي تَأْلِيفِ بَعْضِ الْأَفَاضِلِ يَهْدِيَنِ السَّنَدَيْنِ: قَالَ مُوسَى بْنُ عَلِيٍّ بْنِ جَابِرٍ السَّلَامِيِّ أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ الْأَجَلُ الْعَالِمُ الْأَوْحَدُ سَدِيدُ الدِّينِ يَحْيَى بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحَارِثِ أَدَامَ اللَّهُ تَوْفِيقَهُ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ جُمُهورٍ. وَ قَالَ هَازُونُ بْنُ مُوسَى الثَّلَعَكْبَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هِشَامٍ بْنُ سَهْلٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ جُمُهورٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي وَ كَانَ غَالِمًا بِأَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا ع خَاصَّةً بِهِ مُلَازِمًا لِحِدْمَتِهِ وَ كَانَ مَعَهُ حِينَ حَجَلَ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى أَنْ سَارَ إِلَى خُرَاسَانَ وَ اشْتَشَّهَدَ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ بِطُوسَ وَ هُوَ ابْنُ ثَمَعٍ وَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ:

وَ كَانَ الْمَأْمُونُ بَنِيْسَابُورَ وَ فِي مَجْلِسِهِ سَيِّدِي أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا ع وَ جَمَاعَةٌ مِنَ الْمُتَطَهِّينَ وَ الْفَلَسَفَةِ مِثْلَ يُوْحَنَّا بْنِ مَاسُويَةَ وَ جَبْرِئِيلَ بْنِ بَخْتِيشُوعَ وَ صَالِحَ بْنَ سَلْهَمَةَ (خ: ل) بِهِمَه) الْهِنْدِيُّ وَ غَيْرُهُمْ مِنْ مُتَحَلِّلِي الْعُلُومِ وَ ذَوِي الْبَحْثِ وَ النَّظَرِ فَجَرَى ذِكْرَ الطَّبِّ وَ مَا فِيهِ صَلَاحُ الْأَجْسَامِ وَ قَوَامُهَا فَأَعْرَقَ الْمَأْمُونُ وَ مَنْ يَحْضُرُهُ فِي الْكَلَامِ وَ تَقَلُّعُوا فِي عِلْمِ ذَلِكَ وَ كَيْفَ رَكَّبَ اللَّهُ تَعَالَى هَذَا الْجَسَدَ وَ جَمِيعَ مَا فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ الْمُتَضَادَّةِ مِنَ الطَّبَائِعِ الْأَرْبَعِ وَ مَضَارِّ الْأَغْذِيَّةِ وَ مَنَافِعِهَا وَ مَا يَلْحَقُ الْأَجْسَامَ مِنْ مَضَارِّهَا مِنَ الْعِلَلِ. قَالَ: وَ أَبُو الْحَسَنِ ع سَاكِتٌ لَا يَتَكَلَّمُ فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ مَا تَقُولُ يَا أَبَا الْحَسَنِ فِي هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي تَحْنُ فِيهِ هَذَا الْيَوْمَ وَ الَّذِي لَا بُدَّ مِنْهُ مِنْ مَعْرِفَةِ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ وَ الْأَغْذِيَّةِ النَّافِعِ مِنْهَا وَ الضَّارِّ وَ تَذْيِيرِ الْجَسَدِ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع عِنْدِي مِنْ ذَلِكَ مَا جَرَّبْتُهُ وَ عَرَفْتُ صِحَّتَهُ بِالْإِخْتِبَارِ وَ مُرُورِ الْأَيَّامِ مَعَ مَا وَقَفْتِي عَلَيْهِ مِنْ مَضَى مِنَ السَّلَفِ مِمَّا لَا يَسَعُ الْإِنْسَانُ جَهْلُهُ وَ لَا يُعَدُّ فِي تَرْكِهِ فَأَنَا أَجْمَعُ ذَلِكَ مَعَ مَا يَقَارِبُهُ مِمَّا يَخْتِاجُ إِلَى مَعْرِفَتِهِ. قَالَ: وَ عَاجِلَ الْمَأْمُونِ الْخُرُوجَ إِلَى بَلْعٍ وَ تَخَلَّفَ عَنْهُ أَبُو الْحَسَنِ ع وَ كَتَبَ الْمَأْمُونُ إِلَيْهِ كِتَابًا يَنْتَبِهُ مَا كَانَ ذِكْرُهُ مِمَّا يَخْتِاجُ إِلَى مَعْرِفَتِهِ مِنْ جِهَتِهِ عَلَى مَا سَمِعَهُ مِنْهُ وَ جَزَرَهُ مِنَ الْأَطْعِمَةِ وَ الْأَشْرَبَةِ وَ أَخَذَ الْأَدْوِيَّةَ وَ الْقُصْدَ وَ الْحِجَامَةَ وَ السَّوَالِ وَ الْحَمَامَ وَ الثَّوْرَةَ وَ التَّذْيِيرَ فِي ذَلِكَ.

فَكَتَبَ الرِّضَا ع إِلَيْهِ كِتَابًا يُشْخِذُهُ بِسَمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اغْتَضَمْتُ بِاللَّهِ أَمَّا بَعْدُ... أَيْ تَرْكِيبُ الْحَمَامِ عَلَى تَرْكِيبِ الْجَسَدِ لِلْحَمَامِ أَرْبَعَةُ أَتْيَاتٍ مِثْلُ أَرْبَعِ طَبَائِعِ النَّيْتِ الْأَوَّلِ بَارِدٌ يَأْخِشُ وَ الثَّانِي بَارِدٌ رَطْبٌ وَ الثَّالِثُ حَارٌّ رَطْبٌ وَ الرَّابِعُ حَارٌّ يَأْخِشُ.

این حمام‌ها "فصد" و "حجامت" داریم. در حمام با پدیده پیشرفته "دلک (ماساژ)"^{۹۲} روبرو هستیم. یکی از کارکردهای خون در بدن این است که سموم را جمع آوری می‌کند و سپس از طریق مجاری دفع، آنها را دفع می‌کند. لذا وقتی شما به حمام می‌آیید؛ به وسیله "دلک (ماساژ)" و به وسیله فضای گرم حمام کمک می‌کنید که رسوبات درون عروق برداشته شده و گردش خون بهتر اتفاق بیفتد.^{۹۳} حالا خود حمام یک بحثی است؛ مثلاً: "نوره" به بازشدن پوست کمک می‌کند پس باعث دفع سریع‌تر سموم از بدن خواهد شد.^{۹۴}

علامه مجلسی (رحمت الله علیه) می‌گوید: من به خط علامه کامل در فنون علم و ادب علی بن عبدالعال کرکی رساله را به این لفظ دیدم: رساله ذهبیه در طب که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام برای مأمون عباسی فرستاده برای حفظ صحت مزاج و تدبیر آن با غذاها و نوشیدنی‌ها و داروها. و همچنین این روایت (رساله ذهبیه) را در تالیفات بعضی از بزرگان دیگر با این دو سند یافتیم: سند اول: موسی بن علی بن جابر سلامی، از شیخ بزرگوار عالم بی نظیر و دارای دینی استوار یحیی بن محمد بن علبان خزانه دار که گفت: ابومحمد حسن بن محمد بن جمهور (این متن رساله ذهبیه را برای من روایت کرد). سند دوم: هارون بن موسی تلعبری از محمد بن هشام بن سهل که او گفت: حسن بن محمد بن جمهور برای ما نقل کرد که پدرم (محمد بن جمهور) که فردی عالم به جایگاه حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و از مخصوصان و ملازمان خدمتش بوده و در سفر مدینه به خراسان با او همراه بود و وقتی که حضرت در طوس به شهادت رسید وی نود و نه سال داشت. وی می‌گوید: مأمون در نیشابور بود و انجمنی داشت که آقایم امام رضا علیه السلام در آن شرکت کرد و جمعی از پزشکان و فلاسفه مانند یوحنا ابن ماسویه، جبرئیل بن بختیشوع صالح بن سلهمه هندی و دیگران از دانشمندان و اهل نظر، و ذکر طب آمد و آنچه وسیله صلاح اجسام و زیست آنها است. مأمون و حاضران در بحث آن غرق شدند و سخنها گفتند درباره ترکیبی که خدا از تن کرده و طبایع متضادی که در آن آورده و در باره زیان و سود غذاها و اثر خوب و بد آنها در تن آدمی. گفت: امام هشتم (علیه السلام) خاموش بود و چیزی در این باره نمی‌گفت و مأمون بآن حضرت گفت: ای ابو الحسن (علیه السلام)! در باره آنچه ما امروز در آن گفتگو داریم شما چه گوئید آنچه که باید دانست از غذاهای سودمند و زیانبار و تدبیر کار تن، امام فرمود: من در این باره بگذشت زمان تجربه‌ها دارم با آنچه از گذشتگان بمن رسیده که آدمی را نرسد بدانها نادان ماند و ترک آنها کند، من آنها را با هر چه بدان مربوط است و نیاز بدانستن دارد جمع آوری کنم. گفت: مأمون شتابانه به بلخ رفت و امام هشتم (علیه السلام) را به جا نهاد و آنگاه مأمون به حضرت نوشت که به وعده خود عمل کند و آن کتاب را بنویسد در باره آنچه دانستن آن مورد نیاز است که از او شنیده و هر چه وی آزموده از خوراک و نوشابه و دارو و رگزدن و حجامت و مسواک و حمام و نوره و تدبیر آنها و امام رضا (علیه السلام) در پاسخ نامه‌ای نوشت بدین مضمون:

حمام مانند بدن آدمیزاد از چهار طبیعت ترکیب شده و دارای چهار خانه است: خانه اول: سرد و خشک است، خانه دوم: سرد و تراست، خانه سوم: گرم و تراست، خانه چهارم: گرم و خشک.

طب الإمام الرضا علیه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۳۰ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۲ (و فيه: أَنَّ الْحَمَّامَ زَكَبَ عَلَى تَرْكِيبِ الْجَسَدِ لِلْحَمَّامِ أَزْبَعَةُ يُؤْتِي مِثْلَ طَبَائِعِ الْجَسَدِ) مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۷۵ / مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۵، ص ۲۰۴

۹۲. ارجاع پژوهشی: و أروي: أَنَّهُ لَوْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْبَدَنِ لَكَانَ الْقَمَرُ يَزِيدُ وَاللَّيْلُ مِنَ اللَّيْلِ وَكَذَلِكَ الطَّبِيبُ وَدُخُولُ الْحَمَّامِ وَلَوْ غُمِرَ الْمَيْثُ فَعَاشَ لَمَا أَتَكَرَّثَ ذَلِكَ! روایت دارم که: اگر چیزی تن را می‌افزود البته که مالش دادن (ماساژ) بود، و همچنین لباس نرم، و همچنین بوی خوش و حمام گرفتن. و اگر مرده را مالش (ماساژ) دهند و زنده شود من منکر نشوم!

الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۴۶

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۶۱ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۶۶

۹۳. ارجاع پژوهشی: عن أبي الحسن الرضا (عليه السلام): وَ مَنْفَعَةُ الْحَمَّامِ: تَوَدِّي إِلَى الْإِعْتِدَالِ وَ يَنْفِي الدَّرَنَ يُلْئِنُ الْعَصَبَ وَ الْعُرْوَى وَ يَقْوِي الْأَعْضَاءَ الْكِبَارَ وَ يَذِيبُ الْفُضُولَ وَ الْفُتُونَاتِ.

امام رضا (علیه السلام): حمام منافع زیاد و قابل توجهی دارد: مزاج آدمی را به اعتدال می‌کشاند، چرک و پلیدی را بر طرف می‌کند، رگهای تن را از کوچک و بزرگ همه را نرم و ملایم می‌سازد، اعضا را تقویت می‌کند، فضولات (و سموم) بدن را زایل می‌نماید؛ مواد زاید را ذوب و نابود می‌گرداند، عفونات را از میان می‌برد.

طب الإمام الرضا علیه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۳۰ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۲ (و فيه: يَذِيبُ الْعَقْنَ بَدَلِ الْفُتُونَاتِ)

مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۷۵ / مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۵، ص ۲۰۴

جهت مشاهده "تصاویری از حمام‌های چهارمزاجی در گذشته"؛ به پیوست شماره ۱۱ مراجعه کنید.

۹۴. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ مُعْتَبِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الدَّوَاءُ أَزْبَعَةُ الشَّوْطِ وَ الْحِجَامَةُ وَ الثَّوْرَةُ وَ الْحُقَّةُ.

تبیین طرح تمدنی محله امام رضا علیه السلام

حالا اینها ساختارهای تزکیه شهر است. الان ساختار تزکیه نداریم؛ بنابراین سموم در بدن انسانها باقی می ماند؛ آن وقت باید برویم "بیمارستان" بسازیم. "پیشگیری"، یک شعار کمرنگ در حوزه سلامت شهری است. شما باید از حوزه سلامت شهری و خدمات شهری، به بحث "پیشگیری" نگاه کنید. خلاصه اینکه ساختار تزکیه در شهر مشهد، به چالش کشیده شده است. هفته پیش که به مشهد آمده بودم، دوستان مشهدی یک تحقیقی راجع به گذشته شهر مشهد انجام داده بودند؛ محل حمامهای چهار مزاجی قبل الان معلوم است کدام منطقه بوده است. [و این حمامها] برای شستشو نبوده که مثلاً بروید سرتان را بشوید [و برگردید]، بلکه هفته‌ای یکبار یا در بعضی از تعابیر حداقل دو هفته‌ای یک بار باید برای مردها اتفاق بیفتد^{۹۵} و ماهی یکبار هم برای

امام صادق (علیه السلام): دواء چهار چیز است: سعوط و حجامت و نوره و حقنه (اماله).

الکافی، ج ۸، ص ۱۹۲

الوافی، ج ۲۶، ص ۵۳۰ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۲۲ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۳۰

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي حَدِيثٍ: «وَالدَّوَاءُ فِي أَرْبَعَةِ الْحِجَامَةِ وَالثَّوَرَةِ وَالحُقْنَةِ وَالتَّيِّبِ».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): دواء در چهار چیز است: حجامت و نوره و حقنه و قی.

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۳۷ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۸۶ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۹۹

الرُّبَيْبِيُّ بْنُ بَكَّارٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ فَضْلِ الرَّسَّانِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: «مِنْ دَوَاءِ الْأَنْبِيَاءِ الْحِجَامَةُ وَالثَّوَرَةُ وَالسَّعُوطُ».

امام صادق (علیه السلام): از دواهای انبیاء حجامت و نوره و سعوط است.

طب الأئمة عليهم السلام (ابنابسطام)، ص ۵۷

مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۳۸۸

قال اميرالمومنين ع: الثَّوَرَةُ مَشْدَّةٌ لِلْبَدَنِ وَ طَهُورٌ لِلْجَسَدِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): نوره کشیدن باعث استحکام بدن و پاک کننده جسم است.

تحف العقول، ص ۱۰۱

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: «الثَّوَرَةُ نُشْرَةٌ وَ طَهُورٌ لِلْجَسَدِ».

امیرالمومنین (علیه السلام): نوره باعث ایجاد نشاط و پاکیزگی بدن است.

الکافی، ج ۶، ص ۵۰۶ / نواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۲

سند نواب الأعمال: أَبِي رَهْ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

الخصال، ج ۲، ص ۶۱۱ (حدیث اربعماه)

سند خصال: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عَبْدِ الْغَفِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

الوافی، ج ۶، ص ۶۱۴ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۸۹ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۶۵

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلْفِ بْنِ خَمَادٍ عَنْ زَوَاهٍ قَالَ: بَعَثَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع ابْنَ أَخِيهِ فِي حَاجَةٍ فَجَاءَ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَدْ أَطْلَى بِالثَّوَرَةِ. فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: أَطَّلَ. فَقَالَ: إِنَّمَا عَهْدِي بِالثَّوَرَةِ مُنْذُ ثَلَاثٍ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: إِنَّ الثَّوَرَةَ طَهُورٌ.

امام صادق (علیه السلام) برادر زاده خود را دنبال کاری فرستاده بودند، پس وقتی بازگشت دید که امام صادق (علیه السلام) نوره کشیده اند. پس حضرت به او فرمود: نوره بکش. او گفت: سه روز پیش این کار را انجام داده ام. حضرت فرمود: نوره مایه پاکیزگی بدن است.

الکافی، ج ۶، ص ۵۰۵

الوافی، ج ۶، ص ۶۱۴ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۷۰

۹۵. ارجاع پژوهشی: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: «أَحِبُّ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَطَّلِيَ فِي كُلِّ خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا».

امیرالمومنین (علیه السلام): دوست دارم برای مومن که در هر پانزده روز یکبار نوره بکشد.

الکافی، ج ۶، ص ۵۰۶ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۱۹

الوافی، ج ۶، ص ۶۱۵ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۷۱

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زَيْدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِسْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنِ الْخُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْمُتَقَرِّبِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «السُّنَّةُ فِي الثَّوَرَةِ فِي كُلِّ خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا، فَإِنْ أَكُتْ عَلَيْكَ عَشْرُونَ يَوْمًا وَ لَيْسَ عِنْدَكَ فَاسْتَقْرِضْ عَلَى اللَّهِ».

خانم‌ها.^{۹۶} اگر شما این را انجام دهید کمک می‌کند به اینکه "اخلاط ناصالح" از بدن خارج شود. مثلاً: شما [می‌توانید] از زائران فراوانی هم که به مشهد می‌آیند [به وسیله حمام‌های چهارمزاجی] پذیرایی کنید؛ و این زائر هم وقتی به شهر خود برمی‌گردد، سالم برمی‌گردد؛ مثلاً: اگر سرد بوده [و غلبه سردی داشته است] حالا که یکبار از حمام شهر مشهد استفاده می‌کند، [مشکل غلبه سردی او برطرف شده و] گرم به شهر خود می‌رود.

بحث ساختار تزکیه بحث مهمی است. اجازه بدهید همه ساختارها را بحث نکنم. فقط خواستم بگویم که نوع برنامه‌ریزی باید در شهر اتفاق بیفتد.

۳/۵. ساختار "نفی سبیل و پدافند غیر عامل"؛ پنجمین ساختار برنامه‌ریزی برای ساخت "محله"

۳/۵/۱. راه‌اندازی مسابقات "سبق و رمایه" (سوارکاری و تیراندازی) در شهر؛ برنامه مربوط به ساختار نفی سبیل

و پدافند غیر عامل در برنامه‌ریزی شهری

برای "نفی سبیل" هم باید برنامه‌ریزی صورت بگیرد. الان باز می‌گویید: «برنامه‌ریزی برای نفی سبیل، برای ارتش و سپاه و بسیج است؛ به شهرداری چه ارتباطی دارد؟» می‌گویم: پیشنهاد برنامه‌ریزی‌ای که هم جزو "خدمات شهری" باشد و هم به "نفی سبیل" کمک می‌کند؛ راه‌اندازی مسابقات "سبق و رمایه" در شهر است. مسابقه‌هایی که در اسلام پیشنهاد شده است (مثل اسب سواری و تیراندازی) اینها را باید شهرداری ورود پیدا کند [و در شهر راه‌اندازی کند]. بعد هم "مسابقه" است هم "شرط‌بندی حلال" است،^{۹۷} و هم "ارتقاء آمادگی جسمانی" است برای "مبارزه با دشمن" است.

امام صادق (علیه السلام): سنت در نوره در هر پانزده روز یک بار است. پس اگر بیست روز بر او بگذرد و پولی نداری قرض کن بر خدا (و این کار را انجام بده).

الکافی، ج ۶، ص ۵۰۶ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹ / تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۷۵

سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ، ج ۲، ص ۷۸ / الوافی، ج ۶، ص ۶۱۶

۹۶. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ع: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَتْرُكُ عَاتِقَهُ فَوْقَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَا يَجِلُّ لَا مَرَأًؤُ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تَدَعَ ذَلِكَ مِنْهَا فَوْقَ عَشْرِينَ يَوْمًا.

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و اله): هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد پس (ازاله) موی زهار خود را بیش از چهل روز ترک نکند. و حلال نیست برای زنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد که این کار را بیش از پانزده روز رها کند.

الکافی، ج ۶، ص ۵۰۶ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹

مکارم الأخلاق، ص ۵۹

الوافی، ج ۶، ص ۶۱۶ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۳۹

۹۷. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَنْفِرُ عِنْدَ الرِّهَانِ وَتَلْعَنُ صَاحِبَهُ مَا خَلَا الْخَافِرَ وَالْخُفَّ وَالْزُرَيْشَ وَالتَّضَلَّ وَقَدْ سَابَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَسْمَاءُ بِنْتُ زَيْدٍ وَ أُجْرَى الْخَيْلِ» .

امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که فرشتگان از شرط بندی بیزاری جویند و لعنت می‌کنند کسی را که این کار را انجام دهد؛ مگر در مسابقه اسب یا شتر دوانی و تیر اندازی و نیزه بازی، و رسول خدا صلی الله علیه و آله با اسامه بن زید، به شتر و یا اسب دوانی مسابقه داد.

من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۹ و ج ۳، ص ۴۸

الفصول المهمه، ج ۲، ص ۳۱۲

الْخَسِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: لَا سَبَقَ إِلَّا فِي خُفٍّ أَوْ خَافِرٍ أَوْ نَضَلٍ يَغْنِي التَّضَالَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مسابقه دادن (شرط بندی) روا نیست؛ مگر در سه چیز: در شتر سواری، یا اسب دوانی، یا تیراندازی.

پس ببیند کار ارتش و سپاه نیست؛ بلکه کار شهرداری و خدمات شهری است. مگر شما الان سرمایه گذاری نمی کنید و مثلاً به یک باشگاه "فوتبال" پول می دهید؟ به چه دلیلی شهرداری‌ها به ورزش پول می پردازند؟ چون جزو سرانه هزینه‌های آنها است. ما می گوئیم: این سرانه هزینه به جای اینکه صرف یک ورزش کم خاصیت شود، برای مسابقات "سبق و رمایه" هزینه شود. بنابراین شما باید در محلات، مسابقات محلات را راه اندازی کنید و یا حداقل کالبد شهری این اجازه را بدهد. این نقشه‌های محلات را که می کشید می بینید که بعضی وقت‌ها جای مسجد هم ندارد. حالا مسجد را حل می کنیم من می گویم جای سبق و رمایه هم باید داشته باشد؛

یعنی: کالبد شهر را باید بین این نه امر توزیع کنید همه را با هم پیش ببرید. پس طراحی فضای شهر تغییر پیدا می کند. کالبد مطلوب در یک شهر کالبدی است که نه نوع ساختار در آن باشد. الان شما تفریحی، آموزشی و تجاری می بینید.

۳/۶. ساختار "عبرت و میراث فرهنگی"؛ ششمین ساختار برنامه ریزی برای ساخت "محله"

۳/۶/۱. ایجاد زمینه‌های پشیمانی انسان‌ها قبل از تصمیم؛ تعریف ساختار "عبرت"

اگر به شما بگویند (حالا نمی خواهم تفصیلی بحث کنم) "ساختار عبرت" در یک شهری چیست؟ باید به آن توجه شود. عبرت می دانید به چه معناست؟ عبرت یعنی: پشیمان کردن آدم‌ها قبل از اینکه تصمیم بگیرند. استحضار دارید -در تجربه شخصی همه ما وجود دارد- که همه آدم‌ها بعد از تصمیمات غلط پشیمان می شوند.

۳/۶/۱/۱. انتخاب همسر، معلم، کتاب، غذا، لباس، خانه و دوست؛ نمونه‌هایی از ده تصمیم اصلی در زندگی

مثلاً: ده تصمیم مهم وجود دارد؛ اگر کسی این تصمیم‌های مهم را غلط بگیرد، پشیمان می شود. مثلاً انتخاب غلط "همسر"^{۹۸}، که پشیمانی در آن دیگر معلوم نیست سودی داشته باشد. انتخاب غلط "رشته دانشگاهی" و "کتاب"^{۹۹} که آدم می خواند. مثلاً چهار یا

الکافی ج ۵ ص ۴۸ / قرب الاسناد ج ۱ ص ۸۸ / دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۴۵
الوافی، ج ۱۵، ص ۱۵۱ / وسایل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۹۳

و بهذا الإسناد قال سمعته يقول: «لَا تَأْسُ بِشَهَادَةِ الَّذِي يَلْعَبُ بِالْحَمَامِ وَلَا تَأْسُ بِشَهَادَةِ صَاحِبِ السَّبَّاقِ الْفَرَاهَنِ عَلَيْهِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ أُجْرِيَ الْخَيْلُ وَ سَابَقَ وَ كَانَ يَقُولُ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَحْضُرُ الْوَهَانَ فِي الْخُفِّ وَ الْخَافِرِ وَ الزُّبَيْشِ وَ مَا سِوَى ذَلِكَ قِمَازَ حَرَامٍ».

تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۲۸۴
الوافی، ج ۱۶، ص ۱۰۱۳ / وسایل الشیعه، ج ۱۹، ص ۲۵۳

۹۸. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَرْبَعٌ مِنَ السَّعَادَةِ وَ أَرْبَعٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ: فَأَلْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ السَّعَادَةِ: الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ وَ الْجَزَارُ الصَّالِحُ وَ الْمَرْكَبُ الْبَهِي. وَ الْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ الشَّقَاوَةِ: الْجَزَارُ السَّوُّ وَ الْمَرْأَةُ السَّوُّ وَ الْمَسْكَنُ الضَّيِّقُ وَ الْمَرْكَبُ السَّوُّ.

پیغمبر (ص) فرمود: چهار چیز از سعادت است و چهار چیز از شقاوت، اما چهار چیزی که از سعادت است: زن صالح، خانه وسیع، همسایه خوب و مرکب راهوار، و چهار چیزی که از بدبختی است: همسایه بد، زن بد، خانه تنگ و کوچک و مرکب بد.

مکارم الاخلاق، ص ۱۲۶ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

۹۹. ارجاع پژوهشی: قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ع: عَجَبْتُ لِمَنْ يَتَنَكَّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَتَنَكَّرُ فِي مَعْقُولِهِ؟ فَيَجْنُبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ وَ يُدْعُ صَدْرَهُ مَا يُؤْذِيهِ.

امام حسن علیه السلام: در شگفتم از کسی که درباره خوراک جسم خود می اندیشد چگونه درباره خوراک فکر خود نمی اندیشد؟ شکمش را از آنچه زیانبار است پرهیز می دهد، اما در سینه و قلب خود چیزهایی می سپارد که مایه نابودیش می شود.

الدعوات (للالوندی)، ص ۱۴۴

پنج سال وقت می‌گذاری، مدرک هم می‌گیری؛ بعد می‌گویی که: علاقه نداشتم و همینطوری آمدم این رشته را خواندم! انتخاب غلط "غذا"، "دوست" و "خانه" اینها تصمیم‌های مهم هر آدمی هستند. من خواهش می‌کنم توجه کنید، بنده اگر در آمریکا در سازمان ملل هم صحبت کنم همین حرف‌ها را می‌زنم. چون آنجا هم انتخاب غلط غذا، لباس و خانه همه اینها موضوعیت دارد. لذا قرآن "يَا أَيُّهَا النَّاسُ" است و اینطور نیست که فقط برای مومنین باشد. حالا "عبرت" می‌گوید یک کاری انجام بدهید که آدم‌ها قبل از این ده تصمیم اصلی، عاقبت کار خودشان را ببینند، نه بعد از تصمیم. انبیاء خیلی حرف پیشرفته‌ای زده‌اند می‌گوید شما اگر ساختار عبرت نداشته باشید همه آدم‌های شهرتان تصمیم می‌گیرند ولی بعد پشیمان می‌شوند. این خیلی خسارت بزرگی است! بنابراین شهر باید ساختار عبرت داشته باشد.

۳/۶/۱/۲. جانمایی گورستان‌ها در داخل شهرها؛ یکی از ساختارهای عبرت در شهر

آن وقت ساختار عبرت شهر چیست؟ سه-چهار ساختار عبرت وجود دارد: یکی این است که انبیا توصیه کرده‌اند گورستان هر شهر درون آن شهر باشد نه خارج از شهر. تا صبح به صبح که آدم‌ها بلند می‌شوند عاقبت کار خود را بدانند. مثلاً: مردها بعضی وقت‌ها با خانم‌ها بداخلاقی می‌کنند؛ [در این مواقع] خیلی نصیحت جایی ندارد؛ ولی وقتی صبح به صبح آینده خودش را [با دیدن گورستان‌های درون شهر] ببیند، احتمال دارد که رفتارش را با همسرش اصلاح کند. آدم‌ها را باید با عبرت اصلاح کرد. شما به اسم بهداشت و یا هر اسم و علت دیگری؛ آمده‌اید قبرستان‌ها را به بیرون شهر برده‌اید؛ مردم یادشان می‌رود که می‌خواهند کجا بروند! شما [با قراردادن قبرستان در شهر] یادشان بیندازید؛ این [کار دارای] حکمتی است.

بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۸

۱۰۰. **ارجاع پژوهشی:** و یاسنادوه [أخبرنا جماعة، عن أبي الفضل، قال: حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْفَضْلُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْمُسَيَّبِ الشَّعْرَانِيُّ بِجُرْجَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَبُو مُوسَى الْمُجَاشِعِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ الْمُجَاشِعِيُّ: وَ حَدَّثَنَا الرَّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَام)، وَ قَالَ جَمِيعاً عَنْ آبَائِهِمَا، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام)] قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آدمی بر آیین دوست خود است؛ پس هر يك از شما مواظب باشد که با چه کسی دوستی می‌کند.

الأمالي (للطوسي)، ص ۵۱۸

بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۱۹۲ / مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۲۷

۱۰۱. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مِنَ السَّعَادَةِ سَعَةُ الْمَنْزِلِ.

هشام بن حکم از امام صادق (علیه السلام): وسعت داشتن منزل، از سعادت و خوشبختی است.

الکافی، ج ۶، ص ۵۲۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱

وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۹۹

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مِنَ سَقَاءِ الْعَيْشِ ضَيْقُ الْمَنْزِلِ.

امام باقر (علیه السلام): از سختی زندگی، تنگی منزل است.

الکافی، ج ۶، ص ۵۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱

مکارم الأخلاق، ص ۲۶۳ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۰۲

۳/۶/۱/۳. میراث فرهنگی (اماکن تاریخی)؛ یکی دیگر از ساختارهای عبرت در شهر

یکی دیگر از ساختارهای عبرت در شهر، "میراث فرهنگی" است. میراث فرهنگی هر شهری ساختار عبرت است؛ منتها نه به این نحوی که یونسکو^{۱۰۲} روایت می‌کند. یونسکو می‌گوید: اینجا محوطه تاریخی است. بنده مفصل همه اماکن تاریخی ایران را رفته‌ام دیده‌ام دشت سوسن و کرمانشاه و ... می‌پرسم: آنجا را برای من توصیف کن. می‌گوید: این محوطه تاریخی هفت هزار سال قدمت دارد. اینطور شروع به روایت کردن می‌کند. بعد روایتش ناظر به روابط انسانی نیست. ولی امیرالمومنین (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «خودتان را به ساختمان‌های قدیمی و کهنه برسانید و بگویید: «اَیْنَ بَانُوكَ؟! این ساکنوک؟!»^{۱۰۳} بعد حضرت می‌فرماید اگر این جمله را بگویید هفتاد سال عبادت است. همیشه وقتی آدم‌ها باید به اماکن تاریخی می‌رسند بگویند، باینان شما کجا رفته‌اند؟! آن کسی که دستور داد تو را ساختند کجاست؟! آنهایی که ساکن تو بوده‌اند کجا هستند؟! اینها عبرت است.

ولی شما روایت میراث فرهنگی را به یونسکو واگذار کرده‌اید! اصفهان که اینطور بود من به آقای شهردار و دوستان شورای شهر گفتم. چون تقریباً اولین شهر ایران از حیث داشتن اماکن تاریخی و میراث فرهنگی؛ اصفهان است. در آنجا باید اصلاح روایت اتفاق بیفتد. حالا شما هم باید همین کار را انجام بدهید. شهرداری باید به میراث فرهنگی اهمیت بدهد.

مثلاً: الان این "مقبره نادر" که در این شهر است و ظاهراً قبر ایشان است؛ از اول جوانی و نوجوانی مشهود می‌آید، هیچ وقت رغبت نکردم بروم مقبره نادر را بررسی کنم. چرا؟ چون هیچ روایتی ندارد. همیشه همین کنار درب "مقبره نادر" به بچه‌ها گفته‌ایم این نادر است. حالا نادر کجاست؟ الان روایت مبتنی بر روابط انسانی‌اش کجاست؟ شما می‌توانید بگویید: نادر شاه با زن‌ها چطور رفتار می‌کرد؟ این را جزو روایت نادر شاه بگذارید، یا نادر چه غذایی می‌خورد؟ را برای مردم روایت کنید. در بعضی از این اماکن تاریخی ایران که رفته‌ام مردم آنجا خر کباب می‌کردند می‌خوردند؛ خوب است اینها را به مردم بگویید. اینجا که آمده‌اید اینها فکر

۱۰۲. **ارجاع پردازشی: یونسکو** سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد است. این سازمان به دنبال ایجاد صلح از طریق همکاری بین المللی در حوزه های آموزش، علوم و فرهنگ است. برنامه های یونسکو با نیل به اهداف توسعه پایداری معاضدت و هم بخشی دارد که در دستور کار ۲۰۳۰، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ تعریف و تبیین شده است.

چشم انداز: تمهیدات سیاسی و اقتصادی دولت ها در جهت تضمین حمایت پایدار و ناب از مردمان جهان کافی نیست. صلح باید مبتنی بر گفتگو و درک متقابل باشد و بر اساس همبستگی و انسجام فکری و اخلاقی بشریت بنا شود. در این راستا، یونسکو سازوکارهای آموزشی را به منظور کمک به مردم ایجاد کرده و بسط و گسترش می دهد تا همچون شهروندان جهانی عاری از نفرت و ناپردباری (عقیدتی) زیست نمایند. یونسکو به گونه ای فعالیت می کند که هر کودک و شهروند به آموزش با کیفیت و برابر دسترسی داشته باشد. یونسکو با ترویج میراث فرهنگی و عزت برابر همه فرهنگ ها، پیوندها را در میان ملت ها تقویت می کند. یونسکو برنامه ها و خط مشی های علمی را به عنوان بسترهای توسعه و همکاری ترویج کرده و بهبود می بخشد. یونسکو پای آزادی بیان، به عنوان یک حق اساسی و شرط اصلی دموکراسی و توسعه، ایستاده است. یونسکو به عنوان آزمونگاه ایده، به کشورها کمک می کند تا استانداردهای بین المللی را اتخاذ کرده و برنامه هایی را مدیریت کنند که جریان آزاد ایده ها و تسهیم دانش را ترویج و تقویت می کنند.

آدرس مطلب: سایت فارسی یونسکو - <https://b2n.ir/s21936>

۱۰۳. **ارجاع پژوهشی:** ابي عَنْ بُنَانِ بْنِ الْعَلَّاسِ عَنْ حُسَيْنِ الْكَرْخِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَبَانَ عَنْ الْحَسَنِ الصَّقِيلِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَقْكُرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ قَالَ نَعَمْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَقْكُرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ قُلْتُ كَيْفَ يَتَقَكَّرُ قَالَ يُتَرُّ بِالْأُذُنِ الْخَرَبَةُ فَيَقُولُ: أَيْنَ بَانُوكَ؟ أَيْنَ سَاكِنُوكَ؟ مَا لَكَ لَا تَتَكَلَّمِينَ؟!
به نقل از حسن صیقل - : به امام صادق علیه السلام عرض کردم : يك ساعت اندیشیدن بهتر از يك شب عبادت کردن است؟ حضرت فرمود : آری . رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: ساعتی اندیشیدن، بهتر است از شبی را به عبادت گذراندن. عرض کردم: چگونه باید اندیشید؟ فرمود: بر خانه های ویران بگذرد و بگوید: کجایند سازندگان شما؟! کجایند ساکنان شما؟! چه شده است که سخن نمی گویند؟!

می‌کردند گوشت خر بهترین غذا است اینها را به مردم بگویید. در حالی که انبیاء فرموده‌اند: «بهترین گوشت، گوشت گوسفند است.»^{۱۰۴} مثلاً: نادر با اسرا چطور رفتار می‌کرد؟ اینها را برای مردم روایت کنیم.

یونسکو که این کارها را انجام نمی‌دهد؛ یونسکو کالبدی فیزیکیال روایت می‌کند، ولی ما ناظر به روابط انسانی روایت می‌کنیم. این جزو ساختار عبرت شهر است.

به هر حال نه نحوه برنامه‌ریزی است که باید در کالبد شهری باشند. آخرین نقشه که دو سه روز پیش از شهر مشهد دیدم به صورت کلی منطقه‌های شهری را که روایت کرده بود، ساختار عبرت را نگفته بود یا اگر هست مورد توجه شما نیست. ساختار عبرت باید برجسته شود و کالبد شهری بر اساس این نه محور باز تعریف شود. مدیران شهری نباید وعظ و نصیحت کنند، باید کالبد شهری را متناسب با روابط انسانی باز تعریف کنند. بحث من این است. مجموعه [این نه نمونه از] خدمات شهری را باید داشته باشد. این بحث دوم من.

۱۰۴. ارجاع پژوهشی: علی بن محمد عن سهل بن زیاد عن بعض أصحابه أظنه محمد بن إسماعيل قال: ذكر بعضنا اللخمان عند أبي الحسن الرضا ع فقال: ما لحم بأطيب من لحم الماعز. قال فنظر إليه أبو الحسن ع وقال: لو خلق الله عز وجل مضغة هي أطيب من الصان لقدى بها إسماعيل ع.

به نقل از سهل بن زیاد، از یکی از هم‌مسلمانانش (به گمان، محمد بن اسماعیل): یکی از ما نزد امام رضا علیه السلام، از گوشت، یاد کرد و گفت: هیچ گوشتی خوش‌تر از گوشت بز نیست. پس، امام رضا علیه السلام به او نگریست و فرمود: «اگر خداوند، گوشتی خوش‌تر از گوشت میش (گوسفند) آفریده بود، همان را فدیه اسماعیل علیه السلام می‌ساخت.»

الکافی، ج ۶، ص ۳۱۰

الوافی، ج ۹، ص ۲۸۹ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۴۳

۴. سرفصل سوم: برنامه‌های اولویت‌دار برای ساخت "محله" کدام است؟

و اما بحث سوم و آخر بنده [عبارت است از اینکه:] حالا کدام یک از این نه کالبد، اولویت دارد؟ تا کار را شروع کنیم. فرض کنید نظریه "محله امام رضا (ع)" مورد پذیرش واقع شده و می‌خواهیم به سمت اجرا برویم؛ کدام کالبد اولویت دارد؟

۴/۱. عملیاتی کردن اقدامات ارتباطی؛ اولین برنامه اولویت‌دار

۴/۱/۱. اقدامات زیرساختی، مشارکتی و ارتباطی؛ انواع اقدامات برای پیشبرد برنامه‌ها

قبل از اینکه مصادیق پیشنهادی خود را برای شهر مشهد تدوین کنم، یک نکته‌ای را عرض کنم: ما در الگوی پیشرفت اسلامی سه نوع اقدام داریم که خیلی مهم است (خواهش می‌کنم توجه کنید): یک نوع "اقدام‌های زیرساختی" یا "اقدام‌های بنیادین" هستند. مثل: تعویض ساختمان‌ها اینکه ساختمان‌های شهر آپارتمان باشند یا به سمت این بروند که دار واسعه باشند، این جزو اقدام‌های زیرساختی است زمان هم می‌برد.

یک سری اقدام‌ها داریم که به آنها "اقدامات مشارکتی" می‌گوییم. یعنی: اقداماتی که مردم هم باید به کمک بیایند و شهرداری نباید به تنهایی انجام بدهد، بلکه باید مردم را هم در این تصمیم‌ها مشارکت بدهد. این هم یک نوع اقدام است.

۴/۱/۲. اقدامات اولیه در راستای برقراری ارتباط با مردم؛ تعریف اقدامات ارتباطی

اقدام سوم که داریم "اقدام‌های ارتباطی" است. یعنی: اقدامی که ارتباط دستگاه برنامه‌ریزی را با مردم برقرار می‌کند، برای شروع کار است؛ برای همین اسمش را "اقدامات ارتباطی" گذاشته‌ایم؛ چون ارتباط ساختار را با مردم برقرار می‌کند. همیشه "برنامه‌ریزی‌های تمدن اسلامی" از اجرای "اقدامات ارتباطی" شروع می‌شود. این کار را باید در دستور کار قرار دهید. یعنی: یکسری کارهایی شما انجام می‌دهید، مردم ارتباطشان را با ایده و فکر شما برقرار می‌شود.

۴/۱/۲/۱. عملیاتی کردن ساختار پاکسازی و تزکیه شهری؛ اولویت اول در اقدامات ارتباطی

۴/۱/۲/۱/۱. احیاء سرویس‌های بهداشتی عمومی؛ اولین اقدام ارتباطی (از ساختار پاکسازی و تزکیه شهری)

حالا من از این اقدامات ارتباطی چهار پنج مورد را عرض می‌کنم: یک یا دو اقدام در ساختار تزکیه شهر انجام دهید. لذا به سمت اینکه شهر مشهد دستشویی‌هایش احیا شود بروید. همه دعايتان می‌کنند و هیچ کس از این اقدام شما برداشت بد ندارد. نمی‌گویند شما سوءاستفاده کرده‌اید، هیچ نگاه بدی پیدا نمی‌کنند.

۴/۱/۲/۱/۲. تغییر فضای سبز به محوریت کاشت گیاهان و درختان مثمر و معطر؛ دومین اقدام ارتباطی (از ساختار پاکسازی و تزکیه شهری)

اگر بتوانید کنار دستشویی‌ها فضای سبز هم تغییر دهید، یک اقدام ارتباطی است. صبح به صبح که مردم خصوصا در محله امام رضا علیه السلام می‌آیند^{۱۰۵} حداقل فضای سبز را عوض کنید. عددهای متفاوتی دوستان گفته‌اند نمی‌دانم دقیقا چند میلیون زائر به شهر مشهد می‌آید و می‌رود. همه اینهایی که می‌آیند عطر درختان را استشمام کنند.

عذرخواهی می‌کنم این مثال را می‌زنم ولی خب گاهی وقت‌ها شاید خوب باشد. می‌گویند بعضی از خیابان‌های کشور فرانسه شهر پاریس اینها فقط آمده‌اند نوع درخت را عوض کرده‌اند بعد سنجاب‌ها هم آنجا به صورت طبیعی زیست طبیعی پیدا کرده‌اند برای این شهر جاذبه توریستی شده است. حالا ما با آن مدل نمی‌خواهیم. مثلا فرض کنید اگر بشود که باید بررسی شود که ما بررسی کرده‌ایم ولی باید بررسی دقیق‌تری کنیم، اگر معابر نزدیک حرم "درخت به" باشد. بعد زائر و مجاور شما "عطر به"^{۱۰۶} دریافت می‌کند، خیلی مزیت ویژه‌ای است و جذابیت دارد. لذا اولویت طرح‌های پیشنهادی ما احیاء ساختارهای تزکیه‌ای در شهر است.

۴/۱/۲/۱/۳. ساخت حمام‌های چهارمزاجی؛ سومین اقدام ارتباطی (از ساختار پاکسازی و تزکیه شهری)

من دستشویی را عرض کردم فضای سبز شهری و حمام‌های چهارمزاجی را عرض کردم. اگر دیدید وزارت بهداشت که ممکن است یک مقدار استدلال بر خلاف این بیاورد می‌توانید به اسم اماکن تاریخی احیا کنید؛ شما بلدید گزارش‌های کارشناسی را چطور تغییر دهید. ولی به هر حال می‌شود فضا را به این سمت ببریم که این موارد احیا شود. آقایان! خواهش من این است اجازه دهید شهرداری به پاکسازی جسم و روح مردم کمک کند. ما با مردمی پر از سموم و پر از اخلاط ناصالح و پر از مسائلی که برای قلب‌شان چالش ایجاد می‌کند روبرو هستیم! باید برای [رفع این چالش‌ها و مشکلات مردم] برنامه‌ریزی کرد.

مثلا: میدان فاطمی شهر تهران را حتما رفته‌اید همان جایی که وزارت کشور است. بنده به خاطر جلسات بعضی اوقات به آنجا می‌روم. یک مجموعه کبوتر آورده‌اند آنجا گذاشته‌اند (حالا به چه انگیزه‌ای نمی‌دانم). آنجا دود و ترافیک ساختمان‌های بلند

۱۰۵. که شما اسمش را منطقه ثامن گذاشته‌اید. این نامگذاری‌ها هم یک مقدار دقت شود وقتی می‌گوییم منطقه ثامن یک حس تکنیکال به آدم دست می‌دهد آدم با آن ارتباطی برقرار نمی‌کند اما وقتی با اسم امام نامگذاری کنیم مثلا بگوییم محله امام رضا علیه السلام هر جای دنیا هم باشیم بگوییم ما قرار است یک هفته در محله امام رضا علیه السلام زندگی کنیم جذبه‌اش خیلی بالا می‌رود. به هر حال در محله امام رضا علیه السلام ...

انتقال از متن

۱۰۶. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ رُسَيْدٍ عَنْ مَرْوَكِ بْنِ عُثَيْدٍ عَنْ ذَكْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيًّا إِلَّا وَ مَعَهُ رَائِحَةُ السَّفَرَجِلِ.

امام صادق (علیه السلام): خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه همراه او بوی "به" بود.

الکافی، ج ۶، ص ۳۵۸

الوافی، ج ۱۹، ص ۴۰۰ / بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۴۶۰

قَالَ الصَّادِقُ ع: رَائِحَةُ السَّفَرَجِلِ رَائِحَةُ الْأَنْبِيَاءِ.

امام صادق (علیه السلام): بوی "به" بوی انبیاء است.

مکارم الأخلاق، ص ۱۷۲

قَالَ الصَّادِقُ ع: رَائِحَةُ الْأَنْبِيَاءِ رَائِحَةُ السَّفَرَجِلِ وَ رَائِحَةُ الْحُورِ الْعِينِ الْأَسْوَدِ وَ رَائِحَةُ الْمَلَائِكَةِ الْوُزْدُ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا أَوْجَدَ مِنْهُ رِيحَ السَّفَرَجِلِ.

امام صادق (علیه السلام): بوی انبیاء بوی "به" است، و بوی حور العین بوی مورد است. و بوی ملائکه بوی گل سرخ است، و خداوند هیچ پیامبری را بر نیکیخت جز آنکه از او بوی "به" استشمام می‌شد.

مکارم الأخلاق، ص ۱۷۲

مرتبه؛ این کبوترها یک حس انسانی را به آدم‌ها منتقل می‌کند. اینجا در حرم امام رضا (ع) خودتان کبوتر دارید. با آستان قدس می‌شود رازینی کرد. "کبوتر"؛ در بین پرندگان از حیث تاثیرگذاری مثبت بر زندگی انسان، تقریباً پرنده اول است. می‌دانید یکی از خاصیت‌هایش این است که جن‌ها را از انسان دور می‌کند.^{۱۰۷} پدیده مس جن و پیدایش بیماری‌های ماورایی کاهش پیدا می‌کند. بنابراین آدم‌ها با آرامش روحی بهتری زندگی می‌کنند.

نباید از جاهای زیرساختی با مردم و حتی با مدیران شهری صحبت کرد. گفته‌اند: «سنگ بزرگ نشانه زدن است.» یعنی: اگر شما بروید از کارهای زیرساختی بحث را آغاز کنید؛ معلوم نیست حتی یک طرح جلو برود. ولی اگر بیاید همین طرح‌های ساختارهای تزکیه را شروع به احیاء کردن کنید، یک قدم خیلی مهمی است.

۴/۲. بحث در مورد ساختار "شاخصه‌های ارزیابی"؛ دومین برنامه اولویت‌دار

۴/۲/۱. آغاز مطالعات بر روی شاخصه‌های محلات مطلوب و تدوین نقشه جامع شهر مشهد به محوریت

محلات؛ اولین اقدام مهم در ساختار شاخصه‌های ارزیابی

در بخش شاخصه‌ها و ارزیابی‌ها هم اقدام مهمی که باید انجام داد [این است که: مطالعات نقشه محلات مطلوب را آغاز کنید. مثلاً [بررسی شود که] دقیقاً در محله مطلوب به لحاظ کالبدی، به لحاظ جمعیتی، ارتباطاتش با سایر محلات و ... به چه نحوی است. ما نیاز داریم و جزو اقدامات اولیه است که درباره آینده شهر مشهد به محوریت محلات یک نقشه داشته باشیم. اینها باید بحث و تدوین شود. این گزارش‌هایی که دوستان به بنده داده‌اند و بنده دیدم؛ اینها همه نقشه مناطق شهری است. همانطور که عرض کردم محلات یک خطوط اعتباری هستند، بر اساس ارائه خدمات نیست. این هم یک اقدامی است که باید در دستور کار

۱۰۷. ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «لَيْسَ مِنْ بَيْتٍ فِيهِ حَمَامٌ إِلَّا لَمْ يُصَبَّ أَهْلُ ذَلِكَ الْبَيْتِ آفَةٌ مِنَ الْجِنِّ؛ إِنَّ سُفَهَاءَ الْجِنِّ يَغْبُثُونَ فِي الْبَيْتِ فَيَغْبُثُونَ بِالْحَمَامِ وَ يَتْرُكُونَ الْإِنْسَانَ.» امام صادق (علیه السلام): «هیچ خانه‌ای نیست که در آن کبوتر باشد، مگر آنکه به اهل آن خانه هیچ آسیبی از جن نخواهد رسید؛ همانا بی‌خردان جن در خانه بازی می‌کنند، و (اگر کبوتر در خانه باشد) با کبوتر بازی می‌کنند و انسان را رها می‌کنند.»

الکافی، ج ۶، ص ۵۴۶

الوافی، ج ۲۰، ص ۸۵۴ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۱۶ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: «الْحَمَامُ طَيْرٌ مِنْ طُيُورِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) الَّتِي كَانُوا يُمَسْكُونُ فِي بُيُوتِهِمْ. وَ لَيْسَ مِنْ بَيْتٍ فِيهِ حَمَامٌ إِلَّا لَمْ يُصَبَّ أَهْلُ ذَلِكَ الْبَيْتِ آفَةٌ مِنَ الْجِنِّ؛ إِنَّ سُفَهَاءَ الْجِنِّ يَغْبُثُونَ فِي الْبَيْتِ فَيَغْبُثُونَ بِالْحَمَامِ وَ يَدْعُونَ النَّاسَ. قَالَ: فَرَأَيْتُ فِي بُيُوتِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع حَمَاماً لَا يَنْبِيهِ إِسْمَاعِيلُ.»

ابو سلمه می‌گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «کبوتر از پرندehای پیامبران است که در خانه خود نگه می‌داشتند و هیچ خانه‌ای نیست که در آن کبوتر باشد مگر آن که آفتی از جن به اهل آن خانه نمی‌رسد؛ چون که همانا بی‌خردان جن در خانه بازی کنند و (اگر در خانه کبوتر باشد) با کبوتر بازی کنند و مردم (و اهل خانه) را رها می‌کنند.» (ابو سلمه) گفت: دیدم کبوتری از آن پسرش اسماعیل در خانه امام صادق (علیه السلام) بود.

الکافی، ج ۶، ص ۵۴۷

وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۱۶ / الوافی، ج ۲۰، ص ۸۵۵ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸

عَنْهُ (عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ يَحْيَى الْأَزْرَقِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: «إِنَّ حَفِيفَ أَجْبَحَةَ الْحَمَامِ لَتَطْرُدُ الشَّيَاطِينَ.»

امام صادق (علیه السلام): «همانا صدای بال‌زدن کبوتر شیاطین را دور می‌کند.»

الکافی، ج ۶، ص ۵۴۷ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۰ (مرسلاً عن أمير المؤمنين (ع))

الوافی، ج ۲۰، ص ۸۵۶ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۱۷ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۹ (و فیهِ: حَفِيفٌ بَدَلُ حَفِيفِ)

قرار بگیرد. پس این هم یک پیشنهاد است. تا الان چهار پیشنهاد ارائه شد: سه پیشنهاد در حوزه ساختار ترکیه و ساختار پاکسازی عرض کردم، یک پیشنهاد هم در حوزه فرقان و شاخصه‌های ارزیابی پیشنهاد دادم که باید به آن پرداخته شود.

۴/۳. ساختار "الگوی مطلوب تفریح"؛ سومین برنامه اولویت‌دار

یکی از بحث‌های دیگری که در همین ایام می‌شود به آن پرداخت و خیلی هم بحثی ندارد، گفتگو راجع به الگوی مطلوب تفریح در شهر مشهد است. شما پدیده "شاندیز" و "موج‌های آبی" را پذیرفته‌اید؟ یا نه؛ می‌شود به یک تفریح دیگری هم فکر کرد؟ من عرض می‌کنم: مبنای تفریح باید درست باشد. فرض کنید برنامه "خندوانه" شما دارید؛ آقای [رامبد] جوان می‌گوید: من در حال شادکردن مردم ایران هستم. من یک وقتی به مدیران صدا و سیما گفتم: آیا شادی فقط از طریق "جوک" و "مطایبه" قابل تامین است؟ یا نه؛ چیزهای دیگری هم هست؟ ما [در اسلام] حداقل ده نوع مسئله شادی‌آفرین داریم.^{۱۰۸} روی آن مطالعه کنید. مثلاً: اولین مسئله شادی‌آفرین، "نکاح" است.^{۱۰۹} بیش از نیمی از جوانان شما (دو سوم جوانان) مجرد هستند! یعنی: عامل اصلی شادی و تفریح را ندارند! بعد شما برای آنها پارک می‌سازید و می‌گویید: بیا فعلاً این درخت‌ها را ببین! آنجا هم که می‌آید با رفیقش قرار

۱۰۸. **ارجاع پژوهشی:** از باب مثال و به صورت بسیار اجمال؛ می‌توان به این روایت اشاره کرد:

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **الثَّوْبَةُ (الثَّوْبَةُ) فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ: الْمَشْيُ وَالرُّكُوبُ وَالِازْتِمَاسُ فِي الْمَاءِ وَالتَّنَظُّرُ إِلَى الْخُضْرَةِ وَالْأَكْلُ وَالشَّرْبُ وَالتَّنَظُّرُ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَالْجَمَاعَ وَالسَّوَاكَ وَمُحَادَاةَ الرِّجَالِ.**

الخصال، ج ۲، ص ۴۴۳

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۲۲ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۱۷ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۱

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالْقَانِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْخَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَدَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا صُهَيْبُ بْنُ عُبَادٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: **الثَّوْبَةُ (الثَّوْبَةُ) فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ: فِي الْمَشْيِ وَالرُّكُوبِ وَالِازْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ وَالتَّنَظُّرِ إِلَى الْخُضْرَةِ وَالْأَكْلِ وَالشَّرْبِ وَالْجَمَاعَ وَالسَّوَاكَ وَغَسْلِ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِيِّ وَالتَّنَظُّرِ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَمُحَادَاةِ الرِّجَالِ.**

امام صادق علیه السلام: **شادابی، در ده چیز است:** پیاده‌روی، سوارکاری، فرو رفتن در آب، نگاه کردن به سبزه، خوردن و آشامیدن، هم‌بستری، مسواک کردن، شستن سر با [گل] خطمی، نگاه [حلال] به زن زیبا و گفتگو با مردان [بزرگ].

الخصال، ج ۲، ص ۴۴۳ / المحاسن، ج ۱، ص ۱۴

سند محاسن: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى الْبُطَيْنِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

جهت مشاهده مباحث بحث نسبتاً تفصیلی در رابطه با "عوامل شادی‌آفرین در روایات": به پیوست شماره ۴ مراجعه کنید.

همچنین برای مطالعه بیشتر در این رابطه؛ به متن پیاده فوری "پروتکل‌های فقهی مدیریت کرونا" از سری مکتوبات شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی (قسمت پروتکل‌های تقویت قلب) مراجعه کنید:

<https://eitaa.com/olgou4/3391>

۱۰۹. **ارجاع پژوهشی:** رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: **مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِجِ.**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در اسلام، هیچ بنایی ساخته نشده که نزد خدای بزرگ، محبوب‌تر از [بنای] ازدواج باشد.

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۳

وَعَنْهُ (عبدالله بن جعفر الحمیری) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ، عَنْ جَعْفَرٍ ع، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي فَقَالَ لَهُ: هَلْ لَكَ زَوْجَةٌ؟ قَالَ: لَا. قَالَ: **لَا أَحَبُّ إِلَيَّ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا، وَ أَتَى أَبُوتَ لَيْلَةٍ لَيْسَ لِي زَوْجَةٌ.** قَالَ: ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَكْعَتَيْنِ يُصَلِّيَهُمَا رَجُلٌ مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ يَتَوَلَّى لَيْلَةً وَيَضُمُّ تَهَارَةً أَعْرَبُ. ثُمَّ أَعْطَاهُ أَبِي سَبْعَةَ دَنَانِيرَ قَالَ: تَزَوَّجْ بِهَذِهِ».

امام باقر (علیه السلام) از امام صادق (علیه السلام): مردی نزد پدرم (موسی بن جعفر (علیه السلام) آمد. حضرت به ایشان فرمود: آیا همسر داری؟ او گفت: نه. حضرت فرمود: من دوست نمی‌دارم که تمام دنیا و آنچه در آن است برای من باشد در حالیکه یک شب بدون همسر به صبح برسانم! سپس فرمود: دو رکعت نماز شخص متاهل افضل از مردی است که شب نماز بخواند و روز روزه بگیرد در حالی که مجرد باشد. سپس پدرم هفت دینار به آن مرد داد و فرمود: برو با این ازدواج کن.

قرب الإنسان، ص ۲۰

می‌گذارد و برای پارک نمی‌آید. تفریح‌های اصلی را نمی‌توان حذف کرد! باید تفریح‌های اصلی را احیاء کنید. لذا من اینجا باز پیشنهاد اجرایی نمی‌دهم باز این جزو پیشنهادهای مطالعاتی است. می‌گویم اجازه دهید راجع به "تفریح مطلوب" بحث شود. پس این هم دو پیشنهاد در حوزه کالبد و ساختارهای مرتبط با ارزیابی.

اصفهان که رفته بودیم آقایان شورای شهر ما را فرستادند تقریباً تمام اماکن تفریحی شهر اصفهان را ببینیم. باغ پرندگان، ماهی‌ها (آکواریوم) موزه - جای شما خالی همه اینها را رفتیم - ولی خب بعد وقتی نگاه کردیم دیدیم مثلاً همه اینها ده درصد شادی و تفریح را به مردم انتقال می‌دهد. این مهم است خودش یک جلسه می‌خواهد [که بحث کنیم راجع به اینکه: تفریح مطلوب چیست؟ اصلاً تفریح در محله یا در پارک ملت باشد؟ پارک بزرگ برای تفریح یا پارک محله می‌سازید؟ تفریح در خانه یا خارج از خانه باشد؟ اینها بحث‌های نظری تفریح است. باید راجع به آن بحث کرد.

۴/۴. ساختار "شغل و مکاسب"؛ سومین برنامه اولویت‌دار

دو پیشنهاد هم در [مورد اولویت‌های] حوزه مکاسب بدهم و عرایضم را جمع کنم:

۴/۴/۱. راه‌اندازی "باغچه طیبات"؛ اولین اقدام ساختار حوزه شغل و مکاسب

یک پیشنهاد این است که "باغچه طیبات" را در شهر مشهد راه‌اندازی کنید. تعریف "باغچه طیبات" چیست؟

۴/۴/۱/۱. تولید و احیاء غذاهای طیب و تازه، به‌جای غذاهای کنسروی و فست‌فود؛ ایده اصلی باغچه طیبات

مردم نیاز به خوردن غذاهای طیب دارند. قرآن می‌فرماید: «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ» از طیبات بخورید.^{۱۱۰} این طیبات باید به نحو تازه مصرف شوند نه به نحو صنعتی. می‌دانید ما از مصرف غذای پخته مانده نهی شده‌ایم.^{۱۱۱} مادران ما چون قبلاً در پای منبر نشسته

۱۱۰. ارجاع پژوهشی: یا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (سوره مبارکه مومنون، آیه ۵۱)

ای پیامبران! از خوردنی‌های پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید مسلماً من به آنچه انجام می‌دهید، دانایم.

یکی از نکاتی که به اهمیت فراوان خوردن طیبات دلالت دارد این است که: در قرآن شریف هر جا به خوردن حلال سفارش شده، بدون قید طیب ذکر نشده است:

« وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالاً طَيِّباً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ » (سوره مبارکه مائدة، آیه ۸۸)

و از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خدا روزی شما فرموده بخورید و از خدایی که به او ایمان دارید، پروا کنید. (ترجمه انصاریان)

« فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالاً طَيِّباً وَ اشْكُرُوا يَغْفِرَ اللَّهُ إِنَّ كُنْتُمْ إِتَاءَ تَعْبُدُونَ » (سوره مبارکه نحل، آیه ۱۱۴)

از نعمت‌هایی که خدا روزی شما کرده است، حلال و پاکیزه بخورید، و نعمت خدا را سپاس گزارید، اگر تنها خدا را می‌پرستید. (ترجمه انصاریان)

« يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالاً طَيِّباً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ » (سوره مبارکه بقره، آیه ۱۶۸)

ای مردم! از آنچه [از انواع میوه‌ها و خوردنی‌ها] در زمین حلال و پاکیزه است بخورید، و از گام‌های شیطان پیروی نکنید زیرا او نسبت به شما دشمنی آشکار است. (ترجمه انصاریان)

« وَ يُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ » (سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۵۷)

پاکیزه‌ها را بر آنان حلال می‌نماید، و ناپاک‌ها را بر آنان حرام می‌کند. (ترجمه انصاریان)

۱۱۱. ارجاع پژوهشی: برای نمونه: در روایات؛ خوردن گوشت‌مانده بسیار مذمت و نکوهش شده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ النَّائِلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ يَقُولُ: مَا أَكَلْتُ طَعَامًا أَبْقَى وَلَا أَهْبِجَ لِلذَّاءِ مِنَ اللَّحْمِ الْيَاسِ يَغْنِي الْقَدِيدَ. امام هادی (علیه السلام) همیشه می فرمود: هیچ خوراکی را سنگین تر و بیماری آورتر از گوشت خشک شده نخورده ام.

کافی، ج ۶، ص ۳۱۴

الوافی، ج ۹، ص ۲۹۶ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۵۵

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: شَيْئَانِ صَالِحَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفَ وَاحِدٍ قَطُّ فَاسِدًا إِلَّا أَصْلَحَاهُ وَ شَيْئَانِ فَاسِدَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفًا قَطُّ صَالِحًا إِلَّا أَفْسَدَاهُ فَالصَّالِحَانِ الرَّمَانُ وَالْمَاءُ الْفَائِرُ وَالْفَاسِدَانِ الْجُبْنُ وَالْقَدِيدُ.

امام صادق علیه السلام: دو چیز مناسب است که به هیچ درون نادرستی درنیابند، مگر این که آن را به درستی آورند، و دو چیز نامناسب است که به هیچ درون سالمی درنیابند، مگر این که آن را نادرست [و ناسالم] کنند. آن دو چیز مناسب، عبارت اند از: انار و آب نیم گرم؛ و آن دو چیز نامناسب نیز عبارت اند از: پنیر و گوشت خشک شده.

الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۵۵ / الوافی، ج ۹، ص ۲۹۷ / الفصول المهمة فی اصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ۳، ص ۶۹ / بحار الأنوار، ج ۳، ص ۶۴

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ قَالَ وَ زَوْي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ثَلَاثَةٌ يَهْدِمُنَ الْبَدَنَ وَ زُبْمَا قَتْلًا: أَكْلُ الْقَدِيدِ الْقَابِ وَ دُخُولُ الْحَمَامِ عَلَى الْبِطْنَةِ وَ نِكَاحُ الْعَجَائِزِ.

امام صادق علیه السلام: سه چیز، بدن را فرسوده می کند و شاید هم [فرد را] بکشد: خوردن گوشت خشکیده فاسد، حمام رفتن با شکم پر، و همبستری با پیر زنان.

الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۶

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۵۶ و ج ۲، ص ۵۲ / الوافی، ج ۹، ص ۲۹۷ و ج ۶، ص ۳۰۸

عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى) عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ: الْقَدِيدُ لَحْمٌ سَوُّوْ لَا تَكُنَّ يَسْتَرْجِي فِي الْمَعْدَةِ وَ يَهْبِجُ كُلُّ دَاوٍ وَ لَا يَنْفَعُ مِنْ شَيْءٍ بَلْ يَضُرُّهُ.

امام هادی علیه السلام همیشه می فرمودند: گوشت نمک سود خشک شده، بد گوشتی است؛ زیرا در معده از هم باز می شود، هر بیماری ای را بر می انگیزد، هیچ سودی در بر ندارد، و تنها، زیان می رساند.

الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴

الوافی، ج ۹، ص ۲۹۶ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۵۵

در مورد شیر هم مهمترین مولفه مطرح شده در روایات اهلبیت عصمت و طهارت پیرامون شیر، وصف "تازه بودن آن" است:

عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام: شكا نبي من الأنبياء إلى الله عز وجل الضعف، فقيل له: اطحخ اللحم باللبن؛ فَإِنَّهُمَا يَشُدُّانِ الْجِسْمَ. قَالَ: فَقُلْتُ: هِيَ الْمَضِيَّةُ. قَالَ: لَا، وَلَكِنَّ اللَّحْمَ بِاللَّبَنِ الْحَلِيبِ. [۱]

به نقل از عبد الله بن سنان: امام صادق علیه السلام فرمود: «پیامبری از پیامبران، از ضعف، به درگاه خداوند عز و جل شکایت برد. پس به او گفته شد: گوشت را در شیر پیز؛ چرا که این دو، جسم را استحکام میدهند». گفتیم: این، همان غذایی است که «مضیره» [۲] نام دارد؟ فرمود: «نه؛ بلکه گوشت همراه با شیر تازه است».

کافی، ج ۶، ص ۳۱۶ / محاسن، ج ۲، ص ۴۶۷

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ زَكَرِيَّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: مَنْ تَغَيَّرَ عَلَيْهِ مَاءُ الظَّهْرِ فَلْيَنْقَعْ لَهُ اللَّبَنُ الْحَلِيبُ وَ الْعَسَلُ.

امام کاظم علیه السلام فرمود: هر کس آب کمرش بر وی دگرگون شود، شیر تازه با عسل برایش سودمند است.

الکافی، ج ۸، ص ۱۹۱ و ج ۶، ص ۳۳۷ (بهذا السند: عنه (محمد بن احمد بن خالد) عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ زَكَرِيَّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ)

المحاسن، ج ۲، ص ۴۹۳ (وفیه: يَنْقَعُ بَدَلُ فَلْيَنْقَعْ)

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ زَكَرِيَّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع

مکارم الاخلاق، ص ۱۶۵

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۶۶ و ج ۶۳، ص ۱۰۲ / الوافی، ج ۹، ص ۳۴۹ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۱۱

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا ضَعُفَ الْمُسْلِمُ فَلْيَأْكُلِ اللَّحْمَ بِاللَّبَنِ. وَ فِي رَوَايَةٍ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ اللَّبَنُ الْحَلِيبُ.

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: هرگاه مسلمان ضعیف شد پس گوشت را با شیر بخورد. و در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: منظور شیر تازه دوشیده شده است.

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۸۱

[۱] معنای "لبن حلیب" در لغت: قِیومی لغوی معروف (۷۷۰ق) در معنای حلیب می گوید: «يُقَالُ لَبَنٌ حَلِيبٌ وَ زُبْطٌ جَنِيٌّ لِلطَّرِيقِ مِنْهُمَا ذَوْنُ الَّذِي بَعْدَ عَنِ الطَّرَاوَةِ» وقتی گفته می شود: لبن (شیر) حلیب و زبیط جنی به تازه آنها گفته می شود نه آن شیر یا خرمایی که از طراوت و تازگی دور شده باشد. (مصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۷۱)

[۲] "مضیره" غذایی است پختنی که از شیر مانده و ترش شده درست میشود. (مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۷۰۲)

بوده‌اند اینها را می‌گفتند: این غذا مانده است پسرم نخور! حالا کُدکس آلیمنتاریوس (Codex Alimentarius)^{۱۱۲} آمده گفته: عمده غذاها کنسروی باشد. لیست غذاهای کدکس آلیمنتاریوس را که دیده‌اید؟ کنسرو همه چیز است: کنسرو نخود، لوبیا و ماهی و... خلاصه همه جور کنسرو ساخته‌اند.^{۱۱۳} الان کنسرو کشک بادمجان هم آمده فقط مانده کنسرو آبگوشت بیاید.^{۱۱۴} کنسرو

۱۱۲. **ارجاع پرورشی:** اصطلاح «کُدکس آلیمنتاریوس» ریشه لاتین دارد و به معنای «قانون غذا» است.

آشنایی با کُدکس مواد غذایی و استانداردهای موجود

برخی از استدلال‌های وزارت جهاد کشاورزی برای همکاری علمی با کُدکس آلیمنتاریوس، بدین شرح آمده است: «بی تردید ارتقاء سطح سلامتی مردم در گرو توسعه و تدوین استانداردهای محصولات کشاورزی و فرآورده‌های غذایی است. با توجه به حجم قابل ملاحظه واردات برخی اقلام و سهم بالای صادرات شماری از محصولات کشاورزی و فرآورده‌های غذایی، ارتقای ایمنی غذایی جامعه و حفظ و توسعه صادرات این محصولات نیز مستلزم مشارکت سازمان‌یافته و انعکاس نظرها و مواضع هماهنگ‌شده مبتنی بر مصالح ملی در تدوین استانداردها و مقررات بین‌المللی غذایی (کُدکس غذایی) است. کُدکس مواد غذایی، مجموعه‌ای از استانداردهای جهانی ایمنی و کیفیت مواد غذایی، نظام‌نامه‌های جهانی و سایر خط‌مشی‌های ایمنی برای حفاظت از بهداشت مصرف‌کننده و تسهیل تجارت جهانی است. هدف از تدوین کُدکس، ایجاد استانداردهایی است که علاوه بر حفاظت از سلامت مصرف‌کنندگان، اقدامات قانونی در فروش مواد غذایی را تضمین می‌کند و تسهیلات تجاری برای کشورهای تحت پوشش فراهم می‌آورد. اجرای کُدکس در کشورهای مختلف به همکاری متخصصان رشته‌های مختلف علمی مرتبط با مواد غذایی، سندیکای مصرف‌کنندگان، صنایع تولید و فراوری، اداره‌های کنترل کیفیت مواد غذایی و تجار باشند، نیاز دارد.»

آشنایی با کُدکس مواد غذایی و استانداردهای موجود، ص ۷، (انتشارات دفتر محیط زیست و سلامت غذای وزارت کشاورزی)

۱۱۳. **ارجاع پردازشی:** چند نمونه مثال از استاندارد عمومی برای پرچسب‌گذاری مواد غذایی از پیش بسته‌بندی شده در کُدکس آلیمنتاریوس:

۲۰۱۸	CCFL	General Standard for the Labelling of Prepackaged Foods	
۲۰۱۳	CCFFP	Standard for Canned Salmon	CXS 3-1981
۲۰۱۹	CCS	Standard for Honey	CXS 12-1981
۲۰۱۷	CCPFV	Standard for Preserved Tomatoes	CXS 13-1981
۲۰۱۷	CCPFV	Standard for Canned Applesauce	CXS 17-1981
۲۰۲۱	CCFO	Standard for Edible Fats and Oils not Covered by Individual Standards	CXS 19-1981
۲۰۲۱	CCFO	Standard for Olive Oils and Olive Pomace Oils	CXS 33-1981
۲۰۱۷	CCFFP	Standard for Quick Frozen Finfish, Uneviscerated and Eviscerated	CXS 36-1981
۲۰۱۸	CCFFP	Standard for Canned Shrimps or Prawns	CXS 37-1991
۱۹۸۱	CCPFV	Standard for Edible Fungi and Fungus Products	CXS 38-1981
۱۹۸۱	CCPFV	Standard for Dried Edible Fungi	CXS 39-1981
۱۹۸۱	CCEURO	Regional Standard for Chanterelles	CXS 40R-1981
۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen Peas	CXS 41-1981
۱۹۸۷	CCPFV	Standard for Canned Pineapple	CXS 42-1981
۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen Strawberries	CXS 52-1981
۲۰۱۹	CCNFSDU	Standard for Special Dietary Foods with Low-Sodium Content (Including Salt Substitutes)	CXS 53-1981
۲۰۱۷	CCPFV	Standard for Processed Tomato Concentrates	CXS 57-1981
۱۹۸۱	CCPFV	Standard for Canned Raspberries	CXS 60-1981
۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Canned Strawberries	CXS 62-1981
۲۰۱۳	CCPFV	Standard for Table Olives	CXS 66-1981
۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Raisins	CXS 67-1981
۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen Raspberries	CXS 69-1981
۲۰۱۸	CCFFP	Standard for Canned Tuna and Bonito	CXS 70-1981
۲۰۲۰	CCNFSDU	Standard for Infant Formula and Formulas for Special Medical Purposes Intended for Infants	CXS 72-1981
۲۰۱۷	CCNFSDU	Standard for Canned Baby Foods	CXS 73-1981
۲۰۱۹	CCNFSDU	Standard for Processed Cereal-Based Foods for Infants and Young Children	CXS 74-1981
۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen Peaches	CXS 75-1981
۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen Bilberries	CXS 76-1981
۱۹۸۱	CCPFV	Standard for Quick Frozen Spinach	CXS 77-1981
۲۰۱۷	CCPFV	Standard for Canned Fruit Cocktail	CXS 78-1981

	۲۰۱۶	CCCPC	Standard for Cocoa Butter	CXS 86-1981
	۲۰۱۶	CCCPC	Standard for Chocolate and Chocolate Products	CXS 87-1981
	۲۰۱۹	CCPMPP	Standard for Corned Beef	CXS 88-1981
	۲۰۱۹	CCPMPP	Standard for Luncheon Meat	CXS 89-1981
	۲۰۱۸	CCFFP	Standard for Canned Crab Meat	CXS 90-1981
	۲۰۱۷	CCFFP	Standard for Quick Frozen Shrimps or Prawns	CXS 92-1981
	۲۰۱۸	CCFFP	Standard for Canned Sardines and Sardine-Type Products	CXS 94-1981
	۲۰۱۷	CCFFP	Standard for Quick Frozen Lobsters	CXS 95-1981
	۲۰۱۹	CCPMPP	Standard for Cooked Cured Ham	CXS 96-1981
	۲۰۱۹	CCPMPP	Standard for Cooked Cured Pork Shoulder	CXS 97-1981
	۲۰۱۹	CCPMPP	Standard for Cooked Cured Chopped Meat	CXS 98-1981
	۲۰۱۷	CCPFV	Standard for Canned Tropical Fruit Salad	CXS 99-1981
	۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen Blueberries	CXS 103-1981
۲۰۱۶	CCCPC		Standard for Cocoa powders (cocoas) and dry mixtures of cocoa and sugars	CXS 105-1981
	۲۰۰۳	CCFH	General Standard for Irradiated Foods	CXS 106-1983
۲۰۱۶	CCFA		General Standard for the Labelling of Food Additives when sold as such	CXS 107-1981
	۲۰۱۹	CCNMW	Standard for Natural Mineral Waters	CXS 108-1981
	۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen Broccoli	CXS 110-1981
	۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen Cauliflower	CXS 111-1981
	۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen Brussels Sprouts	CXS 112-1981
	۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen Green and Wax Beans	CXS 113-1981
	۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Quick Frozen French Fried Potatoes	CXS 114-1981
	۲۰۲۰	CCPFV	Standard for Pickled Cucumbers (Cucumber Pickles)	CXS 115-1981
	۲۰۲۱	CCSB	Standard for Bouillons and Consommé s	CXS 117-1981
۲۰۱۵	CCNFSDU		Standard for Foods for Special Dietary Use for Persons Intolerant to Gluten	CXS 118-1979
	۲۰۱۸	CCFFP	Standard for Canned Finfish	CXS 119-1981
	۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Dried Apricots	CXS 130-1981
	۱۹۸۱	CCPFV	Standard for Unshelled Pistachio Nuts	CXS 131-1981
۲۰۱۶	CCCPC		Standard for Cocoa (Cacao) Mass (Cocoa/Chocolate Liquor) and Cocoa Cake	CXS 141-1983
	۲۰۱۹	CCPFV	Standard for Dates	CXS 143-1985
	۲۰۱۷	CCPFV	Standard for Canned Chestnuts and Canned Chestnut Puré e	CXS 145-1985
۲۰۰۹	CCFL		General Standard for the Labelling of and Claims for Prepackaged Foods for Special Dietary Uses	CXS 146-1985
	۲۰۱۲	CCFA	Standard for Food Grade Salt	CXS 150-1985
	۲۰۱۹	CCCPL	Standard for Gari	CXS 151-1985
	۲۰۲۱	CCCPL	Standard for Wheat Flour	CXS 152-1985
	۲۰۱۹	CCCPL	Standard for Maize (Corn)	CXS 153-1985
	۲۰۱۹	CCCPL	Standard for Whole Maize (Corn) Meal	CXS 154-1985
۲۰۱۹	CCCPL		Standard for Degermed Maize (Corn) Meal and Maize (Corn) Grits	CXS 155-1985
	۲۰۱۷	CCNFSDU	Standard for Follow-up formula	CXS 156-1987
...				

استاندارد عمومی برای برچسب گذاری مواد غذایی از پیش بسته بندی شده 2018 CCFL

استاندارد CXS 3-1981 برای کنسرو سالمون 2013 CCFFP

استاندارد CXS 12-1981 برای Honey CCS 2019

استاندارد CXS 13-1981 برای گوجه فرنگی های کنسرو شده 2017 CCPFV

استاندارد CXS 17-1981 برای سس سیب کنسرو شده 2017 CCPFV

استاندارد CXS 19-1981 برای چربی ها و روغن های خوراکی که تحت پوشش استانداردهای فردی 2021 CCFO نیستند

استاندارد CXS 33-1981 برای روغن زیتون و روغن تفاله زیتون 2021 CCFO

استاندارد CXS 36-1981 برای ماهی باله ماهی منجمد سریع، 2017 CCFFP بدون احشاء و بیرون زده

- استاندارد 1991-37 CXS برای کنسرو میگو یا میگو 2018 CCFFP
- استاندارد 1981-38 CXS برای محصولات قارچی و قارچی خوراکی 1981 CCPFV
- استاندارد 1981-39 CXS برای قارچ های خوراکی خشک شده 1981 CCPFV
- استاندارد منطقه ای 1981-40R CXS برای 1981 Chanterelles CCEURO
- استاندارد 1981-41 CXS برای نخود فرنگی سریع منجمد 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-42 CXS برای کنسرو آناناس 1987 CCPFV
- استاندارد 1981-52 CXS برای توت فرنگی های منجمد سریع 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-53 CXS برای غذاهای رژیمی خاص با محتوای کم سدیم (شامل جایگزین های نمک) 2019 CCNFSDU
- استاندارد 1981-57 CXS برای کنسراتره گوجه فرنگی فرآوری شده 2017 CCPFV
- استاندارد 1981-60 CXS برای کنسرو تمشک 1981 CCPFV
- استاندارد 1981-62 CXS برای کنسرو توت فرنگی 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-66 CXS برای زیتون های رومیزی 2013 CCPFV
- استاندارد 1981-67 CXS برای کشمش 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-69 CXS برای تمشک منجمد سریع 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-70 CXS برای کنسرو ماهی تن و بونیتو 2018 CCFFP
- استاندارد 1981-72 CXS برای شیر خشک و فرمول هایی برای مقاصد پزشکی ویژه در نظر گرفته شده برای نوزادان 2020 CCNFSDU
- استاندارد 1981-73 CXS برای غذاهای کنسرو شده کودک 2017 CCNFSDU
- استاندارد 1981-74 CXS برای غذاهای فرآوری شده مبتنی بر غلات برای نوزادان و کودکان خردسال 2019 CCNFSDU
- استاندارد 1981-75 CXS برای هلوهای منجمد سریع 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-76 CXS برای زغال اخته سریع منجمد 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-77 CXS برای اسفناج سریع منجمد 1981 CCPFV
- استاندارد 1981-78 CXS برای کوکتل میوه ای کنسرو شده 2017 CCPFV
- استاندارد 1981-86 CXS برای کره کاکائو 2016 CCCPC
- استاندارد 1981-87 CXS برای شکلات و محصولات شکلاتی 2016 CCCPC
- استاندارد 1981-88 CXS برای CCPMPP گاو ذرت ۲۰۱۹
- استاندارد 1981-89 CXS برای ناهار گوشت 2019 CCPMPP
- استاندارد 1981-90 CXS برای کنسرو گوشت خرچنگ 2018 CCFFP
- استاندارد 1981-92 CXS برای میگوها یا میگوهای منجمد سریع 2017 CCFFP
- استاندارد 1981-94 CXS برای کنسرو ساردین و محصولات از نوع ساردین 2018 CCFFP
- استاندارد 1981-95 CXS for Quick Frozen Lobsters 2017 CCFFP
- استاندارد 1981-96 CXS برای ژامبون پخته شده 2019 CCPMPP
- استاندارد 1981-97 CXS برای شانه خوک پخته شده 2019 CCPMPP
- استاندارد 1981-98 CXS برای گوشت خرد شده پخته شده 2019 CCPMPP
- استاندارد 1981-99 CXS برای کنسرو سالاد میوه استوایی 2017 CCPFV
- استاندارد 1981-103 CXS برای بلوبری سریع منجمد 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-105 CXS برای پودرهای کاکائو (کاکائو) و مخلوط خشک کاکائو و شکر 2016 CCCPC
- استاندارد عمومی 1983-106 CXS برای غذاهای تحت تابش 2003 CCFH
- استاندارد عمومی 1981-107 CXS برای برچسب زدن افزودنی های غذایی در صورت فروش به عنوان 2016 CCFA
- استاندارد 1981-108 CXS برای آبهای معدنی طبیعی 2019 CCNMW
- استاندارد 1981-110 CXS برای بروکلی سریع منجمد 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-111 CXS برای گل کلم سریع منجمد 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-112 CXS برای کلم بروکسل سریع منجمد 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-113 CXS برای لوبیاهای سبز و مومی سریع منجمد 2019 CCPFV
- استاندارد 1981-114 CXS برای سیب زمینی سرخ شده فرانسوی سریع منجمد 2019 CCPFV

یعنی: غذای پخته. شما به عنوان شهرداری برای اینکه مردم اندکی به غذای تازه طیب دسترسی داشته باشند چه کار می‌توانید انجام بدهید؟ پیشنهاد ما این است که در محل‌های مثلاً زیر پل‌ها، رو گذرها، زیرگذرها و کنار زیرگذرها یا مکان‌های موقوفه‌ای که خالی [و بدون استفاده] مانده است؛ یک محوطه امدادی پیدا کنید و در آنجا کشت آن طبیعی که امکان دارد را در دستور کار قرار دهید. آن وقت مثلاً در شهر مشهد اگر صد تا باغچه طبیعت راه‌اندازی کنید به اندازه‌ای که تولید می‌شود در دسترس مردم قرار بگیرند. خاصیت فرهنگ‌سازی هم دارد. مثلاً "سبزی‌های برتر"^{۱۱۵} را بدهید آنها کشت کنند. سبزی‌های برتر مثل: سید سبزی‌ها و بهترین

استاندارد CXPV 115-1981 برای خیارشور (خیاری ترشی) CCPCFV 2020

استاندارد Bouillons and Consommé s CCSB 2021 برای CXPV 117-1981

استاندارد CXPV 118-1979 برای مواد غذایی برای استفاده در رژیم غذایی خاص برای افراد غیر قابل تحمل به گلوتن CCNFSU 2015

استاندارد CXPV 119-1981 برای کنسرو Finfish CCFFP 2018

استاندارد CXPV 130-1981 برای زردآلو خشک CCPCFV 2019

استاندارد CXPV 131-1981 برای پسته بدون پوست CCPCFV 1981

استاندارد CXPV 141-1983 برای توده کاکائو (کاکائو) (الکل کاکائویی/شکلاتی) و کیک کاکائویی CCCPC 2016

استاندارد CXPV 143-1985 برای تاریخ‌های CCPCFV 2019

استاندارد CXPV 145-1985 برای کنسرو شاه بلوط و پوره شاه بلوط کنسرو شده CCPCFV 2017

استاندارد عمومی CXPV 146-1985 برای برچسب زدن و ادعاهای مربوط به غذاهای از پیش بسته بندی شده برای مصارف رژیمی خاص CCFL 2009

استاندارد CXPV 150-1985 برای نمک درجه مواد غذایی CCFA 2012

استاندارد CXPV 151-1985 برای Gari CCCPL 2019

استاندارد CXPV 152-1985 برای آرد گندم CCCPL 2021

استاندارد CXPV 153-1985 برای ذرت (ذرت) CCCPL 2019

استاندارد CXPV 154-1985 برای کنجاله کامل ذرت (ذرت) CCCPL 2019

استاندارد CXPV 155-1985 برای کنجاله ذرت جوانه زده (ذرت) و بلغور ذرت (ذرت) CCCPL 2019

استاندارد CXPV 156-1987 برای فرمول پیگیری CCNFSU 2017

...

آدرس مطلب: سایت کدکس آلیمنتاریوس - <https://b2n.ir/z44898>

۱۱۴. یکی از حضار: آمده. حجت الاسلام کشوری: ما توفیق نداشته‌ایم ببینیم.

انتقال از متن

۱۱۵. ارجاع پژوهشی: سبزی‌های برتر در اسلام، کاسنی، تره، خرفه و برگ چغندر هستند:

عَلَيْهِ بِنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَازُونَ بْنِ مُشْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: **الْهَنْدَبَاءُ سَيِّدُ الْبُخُولِ**.

امام صادق علیه السلام فرمود: **کاسنی** سرور سبزی‌هاست.

کافی، ج ۶، ص ۳۶۳

عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ الْخَزَّازِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: **لِكُلِّ شَيْءٍ سَيِّدٌ وَ سَيِّدُ الْبُخُولِ الْكُرَّاثُ**.

معصوم علیه السلام فرمود: برای هرچیز سروری است و **سرور سبزی‌ها تره است**.

محاسن، ج ۲، ص ۵۱۰

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ فُرَاتِ بْنِ أَخْنَفَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: **لَيْسَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ بَقْلَةٌ أَشْرَفُ وَلَا أَنْفَعُ مِنَ الْقَوْحِ وَ هُوَ بَقْلَةُ فَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا ثُمَّ قَالَ لَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ هُمْ سَمَوْهَا بِقَلَّةِ الْحَمَاءِ بَغْضًا لَنَا وَ عَدَاوَةً لِفَاطِمَةَ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهَا**.

امام صادق علیه السلام فرمود: **روی زمین، سبزی‌ای با شرافت‌تر و سودمندتر از خرفه نیست**. خرفه سبزی فاطمه سلام الله علیها است. خداوند بنی امیه را لعنت کند که به دلیل بغض و عداوتی که نسبت به فاطمه و فرزندان او داشتند آن را «بقلة الحمقاء» می‌نامیدند.

کافی، ج ۶، ص ۳۶۷

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: **أَطْعِمُوا مَرْضَاكُمُ السَّلْقَ يَغْنِي وَرَقَهُ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً وَلَا دَاءَ مَعَهُ وَلَا غَائِلَةَ لَهُ وَ يُهْدِي تَوَمَ الْمَرِيضِ وَ اجْتَنِبُوا أَضْلَهُ فَإِنَّهُ يُهَيِّجُ السَّوْدَاءَ**.

امام رضا علیه السلام فرمود: به بیمارانتان، **چغندر** (یعنی برگ آن را) بدهید؛ چرا که در آن، درمان است و هیچ بیماری‌ای به همراه ندارد و هیچ عارضه‌ای در آن نیست و خواب بیمار را آرام می‌سازد. اما از خود چغندر بهره‌یزید؛ چرا که سودا را تحریک می‌کند.

سبزی‌ها "تره" است. می‌دانید خاصیتش چیست؟ یکی از خاصیت‌هایش این است مردم بواسیر نمی‌گیرند،^{۱۱۶} مردم مشکل خون (مثل پلاکت و پلاسما و ضعف گلبول قرمز و ...) پیدا نمی‌کنند.^{۱۱۷}

الان وضعیت "تره" [و سبزی‌های دیگر] را [در شهر مشهد] نمی‌دانم چطور است؛ ولی [در هر صورت] باید تازه باشد؛ چیده شود و مصرف شود. از کدام شهر سبزی مشهد را می‌آورید؟
یکی از حضار: نیشابور.

این [نیشابور از مشهد] فاصله دارد. [ولی اگر در خود مشهد تولید شود] هم اشتغال است، هم تازه‌خوری است، هم یک الگوی جدیدی برای مدیریت فضای سبز محسوب می‌شود.

مثلا "تربچه" را ترویج کنید؛ چرا؟ چون تربچه بلغم‌زداست.^{۱۱۸} یعنی دارید با این کار جلوی "آلزایمر" را در شهر می‌گیرید. برای شهر مهم است که شما طوری برنامه‌ریزی کنید که مردم دچار هواس پرتی و آلزایمر نشوند. برای این کار باید "تربچه" را ترویج کنید بروید به این سمت و فضا را مدیریت کنید. همین‌طور می‌توانید بر اساس "خاصیت‌های اشیاء" پیشنهاد بدهید که در باغچه‌های طبیعی چه چیزی در اختیار مردم قرار بگیرد و از آن استفاده شود.

کافی، ج ۶، ص ۳۶۹

۱۱۶. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عِيْسَى عَنْ فُرَاتٍ بْنِ أَخْنَفَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْكَوْثَرِ فَقَالَ كُلُّهُ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعُ خَصَالٍ يَطْبِيبُ النَّكَهَةَ وَيَطْرُدُ الرِّيَاحَ وَيَقْطَعُ الْبَوَاسِيرَ وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجَذَامِ لِمَنْ أَدْمَنَ عَلَيْهِ.

به نقل از فرات بن اخنف: از امام صادق علیه السلام، درباره تره پرسیدند. فرمود: «آن را بخور؛ چرا که در آن، چهار ویژگی است: بوی دهان را خوش می‌سازد؛ بادها را [از بدن] می‌راند؛ بواسیر را ریشه کن می‌کند؛ و برای کسی که بر [خوردن] آن مداومت ورزد، مایه ایمنی از جذام است».

الکافی، ج ۶، ص ۳۶۰ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۱۰

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عِيْسَى عَنْ فُرَاتٍ بْنِ أَخْنَفَ

الخصال، ج ۱، ص ۲۴۹

سند خصال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عِيْسَى عَنْ فُرَاتٍ بْنِ أَخْنَفَ

الوافي، ج ۱۹، ص ۴۳۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۸۹

۱۱۷. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ قَالَ: اشْتَكَيْ غُلَامٌ لِأَبِي الْحَسَنِ عَ فَسَّالَ عَنْهُ فَقِيلَ بِهِ طَحَالٌ فَقَالَ أَطْعِمُوهُ الْكَوْثَرَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَأُطْعِمَتْهُ فَفَعَدَ الدَّمُ ثُمَّ بَرَأَ.

به نقل از موسی بن بکر: یکی از غلامان امام کاظم علیه السلام بیمار شد. امام علیه السلام از حال او پرسید. گفتند: بیماری طحال گرفته است. فرمود: «سه روز به او تره بخورانید». آن را به او خوراندیم. پس خون، فرو نشست و سپس بهبود یافت.

الکافی، ج ۶، ص ۳۶۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۱۱ / مکارم الأخلاق، ص ۱۷۸

وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۸۸ / الوافی، ج ۱۹، ص ۴۳۳ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۶۹

۱۱۸. **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ قَالَ: الْفِجَلُ أَصْلُهُ يَقْطَعُ الْبَلْعَمَ، وَلَهُ يَهْضُمُ، وَوَرَقُهُ يَحْدِرُ الْبَوْلَ خَدْرًا.

امام صادق علیه السلام: ترب، بیخش، بلغم را از میان می‌برد، قسمت میانی‌اش هضم‌کننده است، و برگش ادرارآور است.

الکافی، ج ۶، ص ۳۷۱ / المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۲ / الأمالی للطوسی، ص ۳۶۲ (و فيه يهضم الطعام بدل لثه يهضم)

بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۰، ج ۲

عَلِيُّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ خَنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكُنْتُ مَعَهُ عَلَى الْمَائِدَةِ فَنَاقَلْنِي فِجْلَةً، وَ قَالَ: يَا خَنَانُ! كُلِ الْفِجْلَ؛ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خَصَالٍ: وَرَقُهُ يَطْرُدُ الرِّيَاحَ، وَلَهُ يُسْرِبِلُ الْبَوْلَ، وَ أَصْلُهُ يَقْطَعُ الْبَلْعَمَ.

به نقل از خنان: در حالی که با امام صادق علیه السلام بر سر سفره‌ای نشسته بودم، او تربی به دست من داد و گفت: «ای خنان! ترب بخور؛ چرا که در آن، سه ویژگی است: برگش بادها را دور می‌کند، قسمت میانی‌اش پیشاب را به جریان می‌اندازد و بیخش، بلغم را از میان می‌برد.

الکافی، ج ۶، ص ۳۷۱ / الخصال، ص ۱۴۴ / المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۲

مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۳

بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۰

ایده "باغچه طیبات" این است که می‌گوید: حالا که شهرها بزرگ شده‌اند و هنوز ما دارای محلات نیستیم، و مردم از تازه‌خوری منع شده‌اند، و دعوت به فست‌فود و کنسرو شده‌اند؛ شهرداری بیايد "کالبد غذای طیب" و این شغل را احیاء کند تا مردم زندگی بهتری داشته باشند.

حالا این می‌شود فضای عمومی همه طرح‌های ما همینطوری هستند. سی تایی آنها ارتباطی است یعنی اصلا شما قرار نیست زیرساخت‌ها را تغییر دهید بلکه زیرساخت‌ها همینطور باقی بماند. در همین ساختار موجود می‌توانید اینها را به عنوان پیشران محله امام رضا علیه السلام انتخاب کنید و شروع کنید. آن وقت اگر تصمیم گرفتید که مثلا این پنج تا را اجرایی کنید بعد درون اینها بحث می‌شود. مثلا دستشویی را چطوری بسازیم. دوباره خواهش می‌کنم توجه کنید فقط بحث استقبال به قبله و عدم استقبالش مطرح نیست. باز یک طراحی است در دستشویی مثلا اگر شما مدل ساخت ساختمان دستشویی را یک مقدار بلندتر بسازید تهویه طبیعی دارد که منکر آلودگی‌هایی که از طریق استشمام منتقل می‌شود و خیلی مضر است برای مو و مغز اینها به وجود نیاید. اینها هر کدامشان یک بحث‌های درونی دارد که باید به آن پردازیم. بنده فقط خواستم اجمالا آن طرح تمدنی محله امام رضا علیه السلام در ذهن شما یک شکل اولیه‌ای پیدا کند.

پس عرائض بنده در سه بخش بود: ابتدا برای رفع اختلاف بین مدیران شهری و برای اینکه دو قطبی استقلال و پیروزی در شهرداری و شورای شهر و مردم به وجود نیاید؛ آمده‌ایم مفاهیم پایه تعریف کرده‌ایم: (۱) مفهوم پایه تنظیم روابط انسانی، (۲) مفهوم پایه تسخیر شیء پایه، (۳) مفهوم پایه اسماء الهی. سپس آمده‌ایم برای اجرای آن مفاهیم، نه نوع برنامه‌ریزی و طراحی کالبد پیشنهاد کرده‌ایم. بنابراین نه جور می‌توانیم این مفاهیم را محقق کنیم. ذیل این نه شکل برنامه‌ریزی هم صد اقدام پیشنهاد داده‌ایم که این صد اقدام شامل اقدامات زیرساختی، مشارکتی و ارتباطی است. اقدامات ارتباطی اصلی را هم که من بحث کردم؛ فقط یکی در حوزه مکاسب پیشنهاد دادم آن هم طرح "باغچه طیبات" بود، دو طرح هم در حوزه مطالعات و ارزیابی شاخصه‌ها پیشنهاد داده‌ام که [طبق آنها] نقشه‌های محله مطلوب را را آماده می‌کنید. "الگوی مطلوب تفریح" را هم مطالعه کنید. سه طرح هم به خاطر وضع وخیم سلامت مشهد و سایر شهرها برای پاکسازی روح و بدن پیشنهاد دادم که عبارت بود از: (۱) ترمیم دستشویی‌ها و جانمایی صحیح آنها در شهر، (۲) تغییر بافت فضای سبز شهر به محوریت میوه‌های معطر و درختان مثمر و (۳) ایجاد حمام‌های چهارمزاچی برای پاکسازی [بدن] از سموم اربعه.

و الحمدلله رب العالمین

پیوست‌ها:

پیوست شماره ۱: نهی از بلندمرتبه سازی ساختمان در روایات

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: [يا محمدا!] إِنَّ بَيْتَكَ سَبْعَةٌ أَذْرَعُ فَمَا كَانَ فَوْقَ ذَلِكَ سَكْنُهُ الشَّيَاطِينُ؛ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيَسْتُ فِي السَّمَاءِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّمَا تَسْكُنُ الْهَوَاءَ.

محمد بن مسلم از حضرت باقر (علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمود: [ای محمدا!] بلندی ارتفاع خانهات را هفت ذراع بنا کن؛ پس آنچه بیشتر از این باشد، محل سکونت شیاطین خواهد شد؛ چرا که شیاطین نه در آسمان هستند و نه در زمین، بلکه در هوا (فاصله بین زمین و آسمان) سکونت می کنند.

الكافي، ج ۶، ص ۵۲۹ / مكارم الأخلاق، ص ۱۲۶ (وفيه اضافته: "يا محمدا!" في صدر رواية)

وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۳۱۱ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۱۳ / الوافي، ج ۲۰، ص ۷۹۵ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا كَانَ سَمُكَ الْبَيْتِ فَوْقَ سَبْعَةِ أَذْرَعٍ أَوْ قَالَ ثَمَانِيَةِ أَذْرَعٍ فَكَانَ مَا فَوْقَ السَّبْعِ وَالْثَمَانِ الْأَذْرَعُ مُحْتَضَرًّا وَقَالَ بَعْضُهُمْ مَسْكُونًا.

امام صادق (علیه السلام): هر گاه سقف خانه بالاتر از هفت یا هشت ذراع باشد؛ پس آنچه بالاتر از این باشد محل حضور یا محل سکونت (شیاطین) است.

الكافي، ج ۶، ص ۵۲۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۹

سند محاسن: عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۱۳ / وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۳۱۰ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۱ / الوافي، ج ۲۰، ص ۷۹۳

بيان: السمك السقف أو من أعلى البيت إلى أسفله ويعني بالمحتضر بفتح الضاد المعجمة محل حضور الجن و الشياطين.

الوافي، ج ۲۰، ص ۷۹۳

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: شَكَأ إِلَيْهِ رَجُلٌ عَبَثَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَهْلِ بَيْتِهِ وَ بَعِيَالِهِ؛ فَقَالَ: كَمْ سَقْفُ بَيْتِكَ؟ فَقَالَ: عَشْرَةٌ أَذْرَعُ. فَقَالَ: أَذْرَعُ ثَمَانِيَةِ أَذْرَعٍ ثُمَّ أَكْتُبُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فِيمَا بَيْنَ الثَّمَانِيَةِ إِلَى الْعَشْرَةِ كَمَا تَذُورُ فَإِنَّ كُلَّ بَيْتٍ سَمُكُهُ أَكْثَرَ مِنْ ثَمَانِيَةِ أَذْرَعٍ فَهُوَ مُحْتَضَرٌّ تَحْضَرُهُ الْجِنُّ يَكُونُ فِيهِ مَسْكَنُهُ.

مردی به خدمت امام صادق (علیه السلام) شکایت آورد که جنیان با خانواده و عیالات من بازی می کنند، حضرت فرمود: سقف خانهات چه اندازه است؟ گفت: ده ذراع، فرمود: خانهات را به ارتفاع هشت ذراع اندازه بگیر و آیه الکرسی را بین هشت و ده ذراع بنویس؛ چرا که هر خانه ای که سقفش از هشت ذراع بیشتر باشد محل حضور جنیان و سکونت آنان می شود.

الكافي، ج ۶، ص ۵۲۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۰

سند محاسن: عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

الخصال، ج ۲، ص ۴۰۸ (با اندکی تفاوت)

سند خصال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عُمَرَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۳۱۲ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۱۴ / الوافي، ج ۲۰، ص ۷۹۴ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۴۹ (نقلا

عن الخصال)

عَلَيْهِ بَنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ فِي سَمَكِ الْبَيْتِ: إِذَا رُفِعَ ثَمَانِيَةُ أَذْرُعٍ كَانَ مَسْكُوناً فَإِذَا زَادَ عَلَى ثَمَانِيَةٍ فَلْيُكْتَبْ عَلَى رَأْسِ الثَّمَانِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ.
امام صادق (علیه السلام) در مورد سقف خانه فرمودند: هرگاه (سقف خانه) از هشت ذراع بالاتر باشد محل سکونت (شیاطین) است. پس هر کاه از هشت ذراع بیشتر شد پس بر بالای هشت ذراع آیت کرسی بنویس.

الکافی، ج ۶، ص ۵۲۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۹

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۱ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۱۳ / هداية الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۱۴ / الوافي، ج ۲۰، ص ۷۹۴

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ قَالَ: شَكَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ ع وَ قَالَ: أَخْرَجْتُنَا الْجِنُّ عَنْ مَنَازِلِنَا! فَقَالَ: اجْعَلُوا سُقُوفَ بُيُوتِكُمْ سَبْعَةَ أَذْرُعٍ وَ اجْعَلُوا الْحَمَامَ فِي أَكْنَافِ الدَّارِ. قَالَ: الرَّجُلُ فَقَعَلْنَا ذَلِكَ فَمَا رَأَيْنَا شَيْئاً نَكْرَهُهُ بَعْدَ ذَلِكَ.

از حضرت باقر (علیه السلام): مردی نزد وی به شکایت آمد که جن ما را از خانه هایمان بیرون رانده، فرمود: سقف خانه ها را هفت ذراع کنید، و کبوتر را در گوشه خانه (دور از خانه) بسازید، آن مرد گوید چنین کردیم و دیگر چیزی که ناراحت کننده باشد ندیدیم.

الکافی، ج ۶، ص ۵۲۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۹

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ رَجُلٍ

مكارم الأخلاق، ص ۱۲۸ (و فيه اضافته: أَخْرَجْتُنَا الْجِنُّ مِنْ مَنَازِلِنَا يَعْنِي عَمَّا زِلْنَاهُمْ)

الوافي، ج ۲۰، ص ۷۹۴ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۱۱ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۱ و ص ۱۶۲ / مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۵۴ / هداية الأئمة

إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۱۴

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ جَمِيعاً عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ الْأَخْمَرِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ السَّرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَمَكُ الْبَيْتِ سَبْعَةُ أَذْرُعٍ أَوْ ثَمَانِيَةُ أَذْرُعٍ فَمَا فَوْقَ ذَلِكَ فَمَحْتَضَرٌ.

از امام صادق (علیه السلام): بلندی و ارتفاع خانه باید هفت یا هشت ذراع باشد که بیشتر از آن محل حضور شیاطین است.

المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۹

مكارم الأخلاق، ص ۱۲۶ (و فيه: فَمَحْتَضَرٌ لِلشَّيَاطِينِ بَدَلُ فَمَحْتَضَرٌ)

وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۳۱۱ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۱ و ص ۱۵۴ / هداية الأئمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۲، ص ۲۱۳

عَنْ الصَّادِقِ ع قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ يَرْفَعُ مِنْ سَمَكِ الْبُيُوتِ عَلَى تِسْعَةِ أَذْرُعٍ فَهُوَ مَسْكُونُ الشَّيَاطِينِ.

امام صادق (علیه السلام): هر چه از سقف خانه که بالاتر از نه ذراع باشد؛ پس محل سکونت شیاطین است.

مكارم الأخلاق، ص ۱۲۶

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: كُلُّ شَيْءٍ فَوْقَ التَّسْعِ (يَعْنِي سَمَكَ الْبَيْتِ) فَمَا زَادَ عَلَى التَّسْعِ فَهُوَ مَسْكُونٌ يَعْنِي الْبُيُوتَ أَوْ مَا كَانَ سَمَكُهَا فَوْقَ التَّسْعِ فَمَا كَانَ فَوْقَ التَّسْعِ مَسْكُونٌ.

عبد الله بن سنان گوید: از حضرت صادق (علیه السلام) شنیدم: هر شیئی (یعنی: هر خانه‌ای) که، بالاتر از نه ذراع) باشد؛ پس آنچه بیشتر از نه ذراع باشد مسکن شیاطین خواهد شد یا هر مقدار از خانه که سقفش بالاتر از نه ذراع باشد، مسکن شیاطین است.

مکارم الأخلاق، ص ۱۲۶

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: مَا مِنْ إِنْسَانٍ يَنْبِي فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ إِلَّا وَيَأْوِي الشَّيْطَانُ فِيمَا فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ وَالْوَاجِبُ أَنْ يُكْتَبَ لَهُ فِيهِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ حَتَّى لَا يَأْوِيَ فِيهِ الشَّيْطَانُ.

امام صادق (علیه السلام): هیچ انسانی سقف بنایش را از هشت ذراع بلندتر نسازد مگر آنکه در بالاتر از هشت ذراع شیاطین مأوا و مسکن گیرند. و در این صورت بر آن آیه الكرسي نویسد، تا شیطان در آن مأوی نکند.

مکارم الأخلاق، ص ۱۲۷

پیوست شماره ۲: توصیه فراوان به ساخت "دار واسعه (خانه حیاطدار بزرگ)" و

نکوهشی ساخت "آپارتمان (خانه کوچک)" در روایات

خانه بزرگ (دار واسعه)؛ مایهٔ سعادت انسان:

عَلَيْ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الثَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الْمَسْكُونُ الْوَاسِعُ.

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله): از خوشبختی مرد مسلمان، داشتن منزل وسیع است.

الکافی، ج ۶، ص ۵۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَتَّسِعَ مَنْزِلُهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله): از خوشبختی مرد آن است که منزلش وسعت داشته باشد.

المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱

وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۳۰۱

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ سَعَةُ مَنْزِلِهِ.

محمد بن مروان از امام صادق (علیه السلام): از خوشبختی مرد، وسعت داشتن منزلش است.

المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱

وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۳۰۱

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ التَّيْسَابُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي سَعِيدُ بْنُ جَنَاحٍ عَنْ نَصْرِ الْكُوسَجِيِّ عَنْ مُطَرِّفِ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لِلْمُؤْمِنِ رَاحَةٌ فِي سَعَةِ الْمَنْزِلِ.

امام صادق (علیه السلام): برای مومن در داشتن منزل وسیع راحتی است.

المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱

وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۳۰۲

خانه کوچک؛ مایهٔ شقاوت انسان:

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْمَغِيرَةِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مِنْ شَقَاةِ الْعَيْشِ ضِيقُ الْمَنْزِلِ.

امام باقر (علیه السلام): از سختی زندگی، تنگی منزل است.

الکافی، ج ۶، ص ۵۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱

مکارم الأخلاق، ص ۲۶۳ / وسائل الشيعة، ج ۵، ص ۳۰۲

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ: إِنَّ أَبَا الْحَسَنِ ع اشْتَرَى دَاراً وَ أَمَرَ مَوْلَى لَهُ أَنْ يَتَحَوَّلَ إِلَيْهَا وَ قَالَ إِنَّ مَنْزِلَكَ ضَيِّقٌ فَقَالَ قَدْ أَخَذْتُ هَذِهِ الدَّارَ أَبِي فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع إِنَّ كَانَ أَبُوكَ أَعْمَقَ يَنْبَغِي أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ.

از معمر بن خلاد: حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) خانه‌ای خرید و به غلامش فرمود: که به آنجا منتقل شود، و فرمود: [چون] خانه‌ات تنگ و کوچک است. غلام گفت: این خانه (کوچک) را پدرم درست کرده! حضرت فرمود: اگر پدرت احمق بود، جا داشت که تو هم مثل او باشی؟!

الکافی، ج ۶، ص ۵۲۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۱۱

وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۰۳ / مکارم الاخلاق، ص ۱۲۵

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَرْبَعٌ مِنَ السَّعَادَةِ وَأَرْبَعٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ فَالْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ السَّعَادَةِ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَالْمَسْكِنُ الْوَاسِعُ وَالْجَارُ الصَّالِحُ وَالْمَرْكَبُ الْبَهِيُّ وَالْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ الشَّقَاوَةِ الْجَارُ السَّوُّ وَالْمَرْأَةُ السَّوُّ وَالْمَسْكِنُ الضَّيِّقُ وَالْمَرْكَبُ السَّوُّ.

پیغمبر (ص) فرمود: چهار چیز از سعادت است و چهار چیز از شقاوت، اما چهار چیزی که از سعادت است: زن صالح، خانه وسیع، همسایه خوب و مرکب راهوار، و چهار چیزی که از بدبختی است: همسایه بد، زن بد، خانه تنگ و مرکب بد. (ترجمه میرباقری)

مکارم الاخلاق، ص ۱۲۶

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴

پیوست شماره ۳: عدم دریافت کرایه از مغازه‌های بازار توسط امیرالمومنین (ع)

عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ وَهَبٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيٍّ ع: «أَنَّهُ كَرِهَ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ سُوقِ الْمُسْلِمِينَ أَجْرًا». امام صادق (علیه السلام) از امیرالمومنین (علیه السلام) که: «امیرالمومنین (علیه السلام) کراهت داشت که از بازار مسلمین مزد و اجر بگیرد.»

تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۸۳

الوافی، ج ۱۷، ص ۴۴۸ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۶۰۶ / جامع أحادیث الشیعة، ج ۲۳، ص ۲۴۰

برخی دیگر از ویژگی‌های بازار امیرالمومنین (علیه السلام):

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: «سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ».

امیرالمومنین (علیه السلام) می‌فرمودند: «بازار مسلمانان در حکم مسجد آنان است؛ پس هر کس به مکانی در آن زوتر برسد (و دکه‌ای را تصرف کند)، او بر آن دکه تا شب اولویت دارد.»

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۹

بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۲۵۶ و ج ۸۰، ص ۳۸۳

سند بحار: أَصْلُ مِنْ أُصُولِ أَصْحَابِنَا [كِتَابُ الْإِمَامَةِ وَالتَّبَصُّرَةِ] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ الثَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۴۰۶ [نقلاً عن الفقيه، مع اضافته "وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بُيُوتِ السُّوقِ كِرَاءً"]

هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (شيخ حرّ)، ج ۲، ص ۱۹۷ / مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۶۲ ج ۳، ص ۴۲۴ / جامع أحادیث الشیعة، ج ۲۳، ص ۲۳۹

عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ؛ يَعْنِي إِذَا سَبَقَ إِلَى السُّوقِ كَانَ لَهُ مِثْلُ الْمَسْجِدِ».

امام صادق (علیه السلام): «بازار مسلمانان در حکم مسجد آنان است؛ یعنی: هرگاه زودتر به بازار برسد آنجا برای او مثل مسجد است [در اینکه حق اولویت برای او می‌شود].»

الکافی، ج ۵، ص ۱۵۵

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۴۰۶ / الوافی، ج ۱۷، ص ۴۴۷

دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّهُ قَالَ: «سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ؛ الرَّجُلُ أَحَقُّ بِمَكَانِهِ حَتَّى يَقُومَ مِنْهُ أَوْ تَغِيبَ الشَّمْسُ».

امیرالمومنین (علیه السلام): «بازار مسلمین در حکم مسجد آنان است؛ مرد اولویت دراد به جایگاه خود (و دکه‌ای که زودتر تصرف کرده) تا اینکه از آنجا بلند شود و برود، و یا اینکه خورشید غروب کند.»

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۸

مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۶۲ / جامع أحادیث الشیعة، ج ۲۳، ص ۲۴۰

پیوست شماره ۴: عوامل "شادی آفرین" در آیات و روایات

برخی مسائل اعتقادی:

ایمان و اعتماد به فضل و رحمت خداوند:

«قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ»

«بگو: به فضل خدا و رحمت او پس باید بدان شادمان باشند که آن، از هر چه گردآوری می کنند، بهتر است.»

(سوره مبارکه یونس، آیه ۵۸)

عَنْ عَلِيٍّ قَالَ مَنْ وَثَّقَ بِاللَّهِ أَرَاهُ الشُّرُورَ وَمَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ الْأُمُورَ.

امام علی علیه السلام: هر کس به خدا اعتماد کند، خداوند، شادمانی را به وی می نمایاند و هر کس بر او توکل کند، کارهای او را کفایت می نماید.

مصدر اصلی: کشف الغمّة فی معرفة الأئمة (اربلی)، ج ۲، ص ۳۴۶

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۵۱

عَنْهُ (احمد بن محمد) عَنْ حَمَادِ بْنِ عَمْرٍو النَّصِيبِيِّ عَنْ السَّرِيِّ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: قَالَ لِعَلِيٍّ ع: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ بِحُكْمِهِ وَفَضْلِهِ جَعَلَ الرُّوحَ وَالْفَرَحَ فِي الْيَقِينِ وَالرِّضَا وَجَعَلَ الْهَمَّ وَالْحَزْنَ فِي الشَّكِّ وَالسَّخَطِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند- از روی حکمت و فضل خویش-، آسایش و شادمانی را در یقین [به خداوند] و خرسندی [از او] قرار داد و غم و اندوه را در شک [به خدا] و ناخرسندی [از او].

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۱، ص ۱۷ / تحف العقول، ص ۶

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۶۸

الإمام علي عليه السلام- في صفات المتقين-: يَبِيتُ حَذِراً وَيُصْبِحُ فَرِحاً؛ حَذِراً لِمَا حَذَرَ مِنَ الْغَفَلَةِ، وَفَرِحاً بِمَا أَصَابَ مِنَ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ.

امام علی علیه السلام- در بیان ویژگی های پرهیزگاران-: شب را با پروا و روز را با شادمانی به سر می آورد؛ پروا از غفلتی که از آن برحذر داشته شده و شاد از فضل و رحمتی که به او رسیده است.

مصادر اصلی: نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳، ص ۳۰۵ / تحف العقول، ص ۱۶۱ / روضة الواعظین (فتال نیشابوری)، ج ۲، ص ۴۳۹

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۱۶

برخی از ویژگی ها و کارهای اخلاقی:

زهد (بی رغبتی به دنیا):

رسول الله صلی الله علیه و آله: الرِّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُطِيلُ الْهَمَّ وَالْحَزْنَ، وَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا رَاحَةُ الْقَلْبِ وَالْبَدَنِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دلدادگی به دنیا، گرفتاری و اندوه را دراز می کند و زهد در دنیا، مایه آسودگی جان و تن می شود.

مصدر اصلی: تحف العقول، ص ۳۵۸

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۴۰

قناعت:

رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْقَنَاعَةَ رَاحَةُ لِقُلُوبٍ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قناعت، آسودگی است.

مصدر اصلی: أعلام الدین (دیلمی)، ص ۱۸۸

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۸۳

پرهیز از کینه ورزی:

الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَطْرَحَ الْحَقْدَ، اسْتَرَاخَ قَلْبُهُ وَثُبُّهُ.

امام علی علیه السلام: هر کس که کینه را دور افکند، دل و دماغش آرامش پیدا می کند.

غمر الحکم، ص ۶۲۴

تغافل (چشم پوشی):

تبیین طرح تمدنی محله امام رضا (علیه السلام)

الإمام علي عليه السلام: مَنْ لَمْ يَتَغَاوَلْ وَ لَا يَغْضُ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ، تَغَضَّتْ عَيْشُهُ.

امام علی علیه السلام: کسی که [نسبت به کاستی‌های دیگران] تظاهر به غفلت نکند و از بسیاری کارها چشم‌پوشد، زندگی‌اش ناگوار می‌شود.

تصنیف غرر الحکم، ص ۴۵۱

خوش اخلاقی:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لِحُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ يَا حُمْرَانُ ... لَا عَيْشَ أَهْنًا مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ.

امام صادق علیه السلام: هیچ زندگی‌ای، گواراتر از خوش خلقی نیست.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۸، ص ۲۴۴ / تحف العقول، ص ۳۶۰ / علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۶۰

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۶، ص ۲۶۹

حُسن نیت:

الإمام علي عليه السلام: مَنْ حَسُنَتْ نِيَّتُهُ كَثُرَتْ مَوَاسِيئُهُ، وَطَابَتْ عَيْشُهُ، وَوَجِبَتْ مَوَدَّتُهُ.

امام علی علیه السلام: هر کس نیتش نیکو باشد، پاداشش فراوان و زندگی‌اش خوش می‌شود و دوست داشتنش [بر دیگران] لازم می‌آید.

غرر الحکم، ص ۶۶۱

مزاح (شوخی کردن):

عَنْهُ (عده من اصحابنا عن احمد بن محمد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يَحْيَى بْنِ سَلَامٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ يُونُسَ الشَّيْبَانِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَيْفَ مَدَاعِبَةُ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قُلْتُ قَلِيلٌ قَى

أَلْ فَلَا تَفْعَلُوا فَإِنَّ الْمَدَاعِبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ إِنَّكَ لَتَدْخُلُ بِهَا السُّرُورَ عَلَى أَخِيكَ وَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُدَاعِبُ الرَّجُلَ يُرِيدُ أَنْ يَسْرَهُ.

به نقل از یونس شبیبانی: - امام صادق علیه السلام فرمود: «با یکدیگر شوخی هم می‌کنید؟». گفتم: کم. فرمود: «این گونه نکنید؛ زیرا شوخی، از خوشخویی است و تو بدان وسیله، برادرت را شاد می‌سازی. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای این که کسی را شاد کند، با او شوخی می‌کرد».

مصدر اصلی: الکافی، ج ۲، ص ۶۶۳

منابع دیگر: الوافی، ج ۵، ص ۶۲۷ / وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۱۳

شاد کردن مومن:

عن رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ سَرَّ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ سَرَّهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برادر مؤمنش را شادمان سازد، خداوند در دنیا و آخرت، وی را شادمان می‌کند.

عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۱۰۷

الإمام الباقر عليه السلام: مَا مِنْ رَجُلٍ يُدْخِلُ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ بَاباً مِنَ السُّرُورِ، إِلَّا دَخَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ بَاباً مِنَ السُّرُورِ

مصدر اصلی: المؤمن (حسین بن سعید اهوازی)، ص ۵۳

منابع دیگر: مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۹۶

برخی آداب عبادی:

ذکر و یاد خدا و تلاوت قرآن:

الْمُنَاجَاةُ الْإِنْجِيلِيَّةُ لِمَوْلَانَا عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع وَ قَدْ وَجَدْتُهَا فِي بَعْضِ مَرْوِيَّاتِ أَصْحَابِنَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِ أُنَيْسِ الْعَابِدِينَ مِنْ مَوْلَفَاتِ بَعْضِ قُدَمَائِنَا عَنْهُ ع وَ هِيَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ ... يَا مَنْ أَنْسَ الْعَارِفِينَ بِطَيْبِ مُنَاجَاتِهِ وَ الْبَسَ الْخَائِطِينَ تَوْبَ مُوَالَاتِهِ مَتَى فَرِحَ مَنْ قَصَدَتْ سِوَاكَ هِمَّتُهُ وَ مَتَى اسْتَرَاحَ مَنْ أَرَادَتْ غَيْرُكَ عَزِيمَتُهُ.

امام زین العابدین علیه السلام- در مناجاتش:- ای کسی که عارفان را به بوی دلاویز مناجاتش مأنوس کرد و جامه دوستی‌اش را بر قامت خطاکاران پوشاند! چه زمان شاد شود کسی که همتش غیر تو را نشانه رفته است؟! و چه وقت پیاساید کسی که اراده‌اش جز تو را خواسته است؟!

بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۱۵۷

وَمِنْ دُعَاءِ النَّبِيِّ ص: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَشْغُولِينَ بِأَمْرِكَ آمِنِينَ بِوَعْدِكَ آسِينَ مِنْ خَلْقِكَ آسِينَ بِكَ مُسْتَوْحِشِينَ مِنْ غَيْرِكَ رَاضِينَ بِقَضَائِكَ صَابِرِينَ عَلَى بَلَائِكَ شَاكِرِينَ عَلَى نِعْمَائِكَ مُتَلَذِّذِينَ بِذِكْرِكَ فَرِحِينَ بِكِتَابِكَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در دعایش - : خدایا! ما را ... از کسانی که از ذکرت لذت می‌برند و از کتابت شادمان می‌گردند، قرار ده.

مصدر اصلی: جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۳۲

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۶۰

ذکر استغفار:

عَلَيْهِ بِنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ ظَهَرَتْ عَلَيْهِ النِّعْمَةُ فَلْيُكْثِرْ ذِكْرَ الْحَمْدِ لِلَّهِ وَ مَنْ كَثُرَتْ هُمُومُهُ فَعَلَيْهِ بِالِاسْتِغْفَارِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نعمت بر او ظاهر شود، پس زیاد ذکر الحمد لله بگوید. هر کس اندوهش بسیار گردد، پس بر اوست که استغفار کند (آمرزش بخواند).

مصادر اصلی: الکافی، ج ۸، ص ۹۳ / المحاسن، ج ۱، ص ۴۲

منابع دیگر: الوافی، ج ۹، ص ۱۶۱۰ / وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۷۶

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا وَ مِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا وَ رَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بسیار استغفار کند (آمرزش بخواند)، خداوند برای او از هر غصه‌ای، گشایشی قرار می‌دهد و از هر تنگنایی، راه بروی رفتی. نیز او را از آن جا که گمان نمی‌کند، روزی می‌دهد.

مصدر اصلی: عوالي اللئالی العزیزیه، ج ۱، ص ۱۷۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۷۷

برخی خوراکی‌ها:

خوردن انگور (خصوصاً سیاه):

عَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْقَاسِمِ الرَّيَّانِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمَّا حَسَرَ الْمَاءُ عَنْ عِظَامِ الْمُوتَى فَرَأَى ذَلِكَ نُوحٌ ع جَرَعَ جَرَعًا شَدِيدًا وَ اغْتَمَّ لِذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ هَذَا عَمَلُكَ بِنَفْسِكَ أَنْتَ دَعَوْتَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنْ كُلِ الْعِنَبَ الْأَسْوَدَ لِيَذْهَبَ عَمَّاكَ.

امام صادق علیه السلام: هنگامی که آب از استخوان‌های مردگان کنار رفت، نوح از دیدن آن، بسیار غمناک شد. پس خداوند متعال به او وحی کرد: «این، کاری است که خود با خویش کرده‌ای! تو خود، آنان را نفرین کردی!». گفت: پروردگارا! من از تو آمرزش می‌طلبم و به درگاه تو، توبه می‌کنم. سپس خداوند متعال به او وحی فرستاد: «انگور سیاه بخور تا اندوهت از میان برود».

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۵۰

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۸۳

روغن زیتون:

بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَيْكُمْ بِالزَّيْتِ فَإِنَّهُ يَكْشِفُ الْمِرَّةَ - وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَشُدُّ الْعَصَبَ وَ يُحَسِّنُ الْخُلُقَ - وَ يُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ يَذْهَبُ بِالْهَمِّ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد روغن زیتون؛ زیرا تلخه را می‌زداید، بلغم را می‌برد، پی را استحکام می‌بخشد، بیماری مزمن را از میان بر می‌دارد، خوی را خوش می‌سازد، دل را پیراسته می‌دارد و اندوه را می‌برد.

مصادر اصلی: صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۵۳ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵ / مکارم الأخلاق، ص ۱۹۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۳ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۹ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۵

خوردن گوشت کبک:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ اشْتَكَى فُؤَادَهُ وَ كَثُرَ غَمُّهُ فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الدَّرَّاجِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دلش دردمند و اندوهش بسیار است، گوشت کبکنجیر بخورد.

مصدر اصلی: مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۵ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۱۲۲

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ص قَالَ إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ غَمًّا أَوْ كَرْبًا لَا يَدْرِي مَا سَبَبُهُ فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الدَّرَّاجِ فَإِنَّهُ يَسْكُنُ عَنْهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ

امام صادق علیه السلام: هر گاه کسی از شما، به اندوه یا گرفتاری ای دچار گردد که سببش را نمی داند، گوشت کبکنجیر بخورد. در این صورت، به خواست خدا، اندوه و گرفتاری اش، تسکین خواهند یافت.

مصدر اصلی: مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۵ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۱۲۲

برخی مسائل بهداشتی:

شستن سر با خطمی:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ خَالِقٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: غَسَلَ الرَّأْسَ بِالْخِطْمِ نُشْرَةً.

امام صادق علیه السلام: شستن سر با [کُل] خطمی، نشاطبخش است.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۵۰۴ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۴ / مکارم الأخلاق، ص ۶۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۶۱ / الوافی، ج ۶، ص ۶۳۳

تمیزی جامه:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: التَّطْيِيفُ مِنَ الثِّيَابِ يَذْهَبُ الْهَمُّ وَالْحَزَنُ وَهُوَ طَهْوَرٌ لِلصَّلَاةِ.

امام علی علیه السلام: جامه تمیز، پریشانی و اندوه را می برد و مایه پاکیزگی برای نماز است.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۴۴

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۰، ص ۶۹۹ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۴

شانه زدن:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ نُوحٍ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ ابْنِ مِيَّاحٍ عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ص قَالَ: إِذَا سَرَّخْتَ رَأْسَكَ وَ لَحِيتَكَ فَأَمْرُ الْمُشْطِ عَلَى صَدْرِكَ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْهَمِّ وَالْوَبَاءِ.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۸۹ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۸ / مکارم الأخلاق، ص ۷۰

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۱۷ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۲۳۳

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِمْرَازُ الْمُشْطِ عَلَى صَدْرِكَ يَذْهَبُ بِالْهَمِّ.

امام صادق (علیه السلام): مداومت بر شانه زدن روی سینه غصه را می برد.

مصدر اصلی: مکارم الأخلاق، ص ۷۱

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۱۴

تراشیدن موی پشت گردن:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلٍ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ رَبِّمَا كَثُرَ الشَّعْرُ فِي قَفَايَ فَيَعْمُنِي غَمًّا شَدِيدًا فَقَالَ لِي يَا إِسْحَاقُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ حَلْقَ الْقَفَا يَذْهَبُ بِالْغَمِّ.

به نقل از اسحاق بن عمار: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایتان شوم! گاه موهای پشت گردنم زیاد می شوند و به سختی، مرا اندوهگین می کنند. پس به من فرمود: «ای اسحاق! آیا نمی دانی که تراشیدن [موهای] پشت گردن، اندوه را از میان می برد؟!»

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۸۵

منابع دیگر: الوافی، ج ۶، ص ۶۴۸ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۰۸

برخی کارهای فردی:

خواب:

مباحث مرحله پردازش / در جمع مدیران و کارشناسان شهرداری مشهد / ۲۴ دیماه ۱۴۰۰

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع قَالَ: التَّوَمُّ رَاحَةٌ لِلْجَسَدِ وَ النَّطْقُ رَاحَةٌ لِلرُّوحِ وَ الشُّكُوتُ رَاحَةٌ لِلْعَقْلِ.

مصدر اصلی: الأمالی (للصدوق)، ص ۴۴۱ / من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۰۲

منابع دیگر: الوافی، ج ۴، ص ۴۵۵ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۷۶

استفاده از رنگ زرد:

عَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا بَلَغَ بِهِ جَابِرُ الْجُعْفِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ لَبَسَ نَعْلًا صَفْرَاءَ لَمْ يَزَلْ يَنْظُرُ فِي سُورٍ مَا دَامَتْ عَلَيْهِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ.

امام باقر علیه السلام: هر کس کفشی زرد رنگ بر پای کند، تا زمانی که آن کفش، به پای اوست، همواره با شادمانی می‌نگرد؛ زیرا خداوند (در سوره مبارکه بقره، آیه ۶۹) فرموده است: «زرد رنگی خالص و یک دست که بینندگان را شادمان می‌کند».

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۶۶

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۰، ص ۷۵۴ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۶۹ / بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۲۶۱ / طب الأئمة علیهم السلام (للشیر)، ص ۲۴۸

جهت مطالعه تفصیلی در مورد آیات و روایات فراوان در مورد مسئله "شادی" به کتاب «الگوی شادی از نگاه قرآن و حدیث» تألیف محقق توانا حضرت حجت الاسلام والمسلمین محمد محمدی ری شهری، از سری انتشارات موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث مراجعه فرمایید.

پیوست شماره ۵: تصاویری از جزائر پلاستیک!







به مناسبت روز جهانی بدون پلاستیک؛

۴۰ درصد از سطح آب های جهان مملو از زباله های پلاستیکی است



اقیانوس ها به محل های دفنش بدل شده اند، پنجاه درصد از این ماده تنها یک بار مورد استفاده قرار می گیرد، تنها ۵ درصد از آن بازیافت شده و حدود ۸ درصد از نفت جهان صرف تولیدش می شود.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه خلیج فارس، زباله های پلاستیکی هرگز از بین نمی روند و به طور فزاینده ای راه خود را به اقیانوس ها، دریاها و ساحل ها باز می کنند. کیسه های پلاستیکی، بطری نوشابه و غیره هر روز به طبیعت راه می یابند. امروزه میلیون ها پلاستیک در دریا های جهان یافت می شود که در حدود ۴۰ درصد از سطح اقیانوس ها را در بر می گیرند. در هر دقیقه یک میلیون کیسه پلاستیکی در جهان استفاده می شود و این رقم سالانه به ۵۰۰ میلیارد می رسد.

آلودگی ناشی از زباله های پلاستیکی تاثیر مستقیمی بر حیات وحش می گذارد. سالانه هزاران پرنده دریایی، لاک پشت دریایی، شیر دریایی و انواع دیگر پستاندارانی که در زیست محیط دریایی و ساحلی زندگی می کنند در اثر مصرف یا گرفتار شدن با انواع این مواد کشته می شوند. به طور کلی ۳۰۰ گونه جانوری در معرض خطر زباله های پلاستیکی قرار گرفته اند.

با توجه به چگالی کم آن به راحتی در اقیانوس ها حتی در مسافت های بلند قابل گردش و جابه جایی است و به این ترتیب این زباله ها به مکانی برده می شوند که محل زندگی موجودات دریایی هستند و این موجودات اشتباهاً از آن ها به عنوان غذا استفاده می کنند.

در دهه اول قرن بیست و یک بیش از تمام طول تاریخ (تا سال میلادی ۲۰۰۰) پلاستیک تولید و مصرف شده است که میلیاردها از آن به دریا ها و اقیانوس ها راه می یابند. بیشتر آلودگی زیست محیط دریایی از خشکی آغاز می شود به این ترتیب که این زباله از طریق باد و باران به دریاها برده می شوند. در آنجا انباشته شده و این امر به حدی آسیب رساننده است که تمام پلاستیک های تولید شده در جهان هنوز از بین نرفته اند.

تلفات سنگین حیات وحش:

هزاران حیوان از فنچ های کوچک تا کوسه های سنگین وزن در اثر خوردن این مواد کشته می شوند. هر ساله صدها هزار پرنده دریایی به علت مصرف پلاستیک از تعدادشان کم می شود. مصرف پلاستیک حجم معده پرندگان را کاهش می دهد و باعث می شود غذای کمتری مصرف کنند و بدین ترتیب در نهایت از گرسنگی تلف می شوند.

این ها تنها بخشی از اثرات پلاستیک روی محیط زیست است، علاوه بر حیوانات پلاستیک تاثیر بسیاری بر زندگی انسان نیز دارد. وقتی زباله ها در دریا شناور هستند، آلاینده های خطرناکی مانند PAH، DDT و PCB را وارد آب می کنند که برای انسان ها دارای اثرات سوء مانند اختلال در غدد درون ریز، تغییرات هورمونی و جهش های سرطانی دارند. حیوانات با خوردن پلاستیک ها این مواد را وارد چرخه غذایی می کنند و در نهایت به بشقاب ما می رسد.

علاوه بر این ها آلودگی پلاستیکی بر اقتصاد نیز تاثیر می گذارد از جمله هزینه بی حد و حصر در پاکسازی ساحل، ضرر و زیان های صنعت گردشگری و خسارت وارده به صنایع ماهیگیری و پرورش آبزیان را می توان نام برد. به طور متوسط از هر کیسه پلاستیکی در حدود ۱۲ دقیقه استفاده می شود اما بیش از هزار سال طول می کشد تا این کیسه پلاستیکی تجزیه شود.

سالانه ۴۸۰۰۰ تن کیسه پلاستیکی به درون اقیانوس ها ریخته می شود. در حال حاضر در هر مایل مربع (۲۶ متر مربع) ۴۶۰۰۰ قطعه پلاستیکی شناور است.

در پایان می توان گفت: ما با پلاستیک احاطه شده ایم.

به تمام چیزی هایی که در طول یک روز لمس می کنید بیندیشید، کیسه های مواد غذایی، ظروف غذا، درب فنجان قهوه، بطری آب، نی همه و همه از پلاستیک تشکیل شده اند.

استفاده از پلاستیک راحت به نظر می رسد اما طبیعت برای آن باید بهای سنگینی پرداخت کند.

منبع: خبرگزاری ایسنا (یکشنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۳) - <https://b2n.ir/u83097>

نابودی اقیانوس ها توسط زباله های پلاستیکی:

پلاستیک های رها شده در شمال شرق اقیانوس آرام یک مخلوط سوپ مانند (سوسپانسیون) از کیسه ها و بطری های ایجاد کرده اند که مساحت آن بزرگتر از فرانسه، آلمان و اسپانیا است.

دریای مدیترانه با وجود ۲۵۰ میلیارد قطعه پلاستیکی رهاسده، بالاترین تراکم زباله های پلاستیکی را در جهان دارد. آب های مدیترانه به ۹۰ سال نیاز دارند تا بتوانند خودشان را بازسازی و تمیز کنند. و این در حالی است که تجزیه برخی از پلاستیک ها بیش از ۱۰۰ سال طول می کشد.

منبع: خبرگزاری مهر - <https://b2n.ir/y71622>

دریافت فیلم 4 MB: <https://b2n.ir/d15454>

پیوست شماره ۶: عوامل موثر بر زیبایی پوست و صورت

اسلام شریف در مورد زیبایی پوست و چهره انسان توصیه‌های ارزشمندی را ارائه فرموده است؛ که یک بخش از آنها مربوط به تغذیه است. و البته غیر از توصیه‌های تغذیه‌ای، توصیه‌های دیگری نیز در کلمات گهربار اهلبیت (علیهم السلام) یافت می‌شود: که بخشی از آنها به سبک زندگی و برخی از آداب شخصی بازمی‌گردد، و بخشی دیگر در مورد وظایف تغذیه‌ای والدین قبل از انعقاد نطفه است که تاثیر بسیار فراوانی در زیبایی فرزند می‌گذارد.

۱- تاثیر تغذیه بر زیبایی:

تغذیه مناسب بر زیبایی پوست تاثیر غیر قابل انکاری دارد؛ که اهلبیت (علیهم السلام) به آن توجه داده‌اند و توصیه‌های ارزشمندی در این رابطه ارائه فرموده‌اند. که به صورت اجمال به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

مویز:

حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ زَنْجَوَيْهِ الدِّينَوْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عُمَانَ سَعِيدُ بْنُ زِيَادٍ فِي قَرْيَةِ زَامَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي زِيَادُ بْنُ قَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ قَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ جَدِّهِ زِيَادِ بْنِ أَبِي هِنْدٍ عَنْ أَبِي هِنْدٍ الدَّارِيِّ قَالَ أَهْدَيْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص طَبَقًا [طَبَقٌ] مُعْطًى فَكَشَفَ الْغِطَاءَ عَنْهُ ثُمَّ قَالَ كُلُوا بِسْمِ اللَّهِ نِعَمَ الطَّعَامِ الرَّيِّبُ يُشَدُّ الْعَصَبَ وَيَذْهَبُ بِالْوَصَبِ وَيُطْفِئُ الْغَضَبَ وَيُرِضِي الرَّبَّ وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَيُصَفِّي اللَّوْنَ.

به نقل از ابو هند داری: طبق روی پوشیده‌ای به پیامبر خدا اهدا کردند. پوشش را از آن برداشت و سپس فرمود: «به نام خدا بخورید. مویز، چه نیکو خوراکی است، که اعصاب را استحکام می‌بخشد!، بیماری را از میان می‌برد، خشم را فرو می‌نشاند، پروردگار را خشنود می‌سازد، بلغم را می‌برد، بوی دهان را خوش می‌سازد و رنگ چهره را صفا می‌دهد.

الإختصاص (مفید)، ص ۱۲۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۹۴

کاسنی:

و قَالَ الصَّادِقُ ع: عَلَيْكَ بِالْهَنْدَبَاءِ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَيُحَسِّنُ اللَّوْنَ وَ هُوَ حَارٌّ لَيِّنٌ يَزِيدُ فِي الْوَلَدِ الذُّكُورَ. امام صادق (علیه السلام): بر شما باد به کاسنی؛ چرا که نطفه را زیاد می‌کند، و رنگ چهره را نیکو می‌گرداند، و گرم معتدل است، احتمال فرزند پسر آوردن را زیاد می‌کند.

طب الأئمة عليهم السلام، ص ۱۳۰

عَنْ بَعْضِهِمْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: عَلَيْكَ بِالْهَنْدَبَاءِ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَيُحَسِّنُ الْوَجْهَ. امام صادق (علیه السلام): بر شما باد به کاسنی؛ چرا که نطفه را زیاد می‌کند، و چهره را نیکو می‌گرداند.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۰۹ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۸۱ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۰۸

خوردن گردو با زنیان:

عَنْ الصَّادِقِ ع قَالَ أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ تَجْلُو الْبَصَرَ وَ تَنْفَعُ وَ لَا تَضُرُّ فَقِيلَ لَهُ مَا هِيَ فَقَالَ السَّعْتَرُ وَ الْمِلْحُ وَ التَّانَخَوَاهُ وَ الْجَوْزُ إِذَا اجْتَمَعْنَ فَقِيلَ لَهُ وَ لِأَيِّ شَيْءٍ تَصْلُحُ هَذِهِ الْأَرْبَعَةُ إِذَا اجْتَمَعْنَ فَقَالَ التَّانَخَوَاهُ وَ الْجَوْزُ يُحْرِقَانِ الْبَوَاسِيرَ وَ يَطْرُدَانِ الرِّيحَ وَ يُحَسِّنَانِ اللَّوْنَ وَ يُحَسِّنَانِ الْمَعِدَةَ وَ يُسَخِّنَانِ الْكُلَى وَ السَّعْتَرُ وَ الْمِلْحُ يَطْرُدَانِ الرِّيَّاحَ عَنِ الْفَوَادِ وَ يَفْتَحَانِ الشَّدَدَ وَ يُحْرِقَانِ الْبَلْغَمَ وَ يُدْرِزَانِ الْمَاءَ وَ يُطَيِّبَانِ النَّكْهَةَ وَ يُلَيِّنَانِ الْمَعِدَةَ وَ يُذْهِبَانِ الرِّيَّاحَ الْخَبِيثَةَ مِنَ الْقَمِ وَ يُصَلِّبَانِ الذِّكْرَ.

امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار چیز، چشم را جلا می‌دهد، سودمند است و هیچ زبانی ندارد». درباره آنها از امام علیه السلام پرسیدند. فرمود: «آویشن و نمک، وقتی با هم باشند، و نانخواه (زنیان) و گردو، وقتی با هم باشند». به ایشان گفتند: این چهار چیز، وقتی با هم باشند، به چه کار می‌آیند؟ فرمود: «نانخواه (زنیان) و گردو، [چون در برهم قرار گیرند،] بواسیر را می‌سوزانند، باد را دور می‌کنند، رنگ پوست را زیبا می‌سازند، معده را سختی (مقاومت) می‌دهند و کلیه‌ها را گرم می‌کنند. اما آویشن و نمک، [چون در برهم قرار گیرند،] بادها را از دل برون می‌رانند، انسدادها را می‌کشایند، بلغم را می‌سوزانند، آب (منی) را زیاد می‌گردانند، بوی دهان را خوش می‌سازند، معده را نرمی می‌دهند، بوهای ید را از دهان می‌برند و آلت را سفتی می‌بخشند».

مکارم الأخلاق، ص ۱۹۱ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۹۸ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۴۲

کدو:

عنه صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام: كُلِّ الْيَقُطِينِ؛ فَإِنَّهُ مِنْ أَكْلِهَا حَسَنٌ خُلُقُهُ، وَ نَصَرَ وَجْهَهُ، وَ هِيَ طَعَامِي وَ طَعَامُ الْأَنْبِيَاءِ قَلْبِي.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله خطاب به امام علی علیه السلام: کدو بخور؛ زیرا هر کس آن را بخورد، خویش نیکو و رویش شاداب می‌شود. آن، خوراک من و پیامبران پیش از من است.

الدعوات (للراوندي)، ص ۱۵۴

خریزه:

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ صَ عَلَيَّكُمْ بِالْبَطِيخِ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ هُوَ طَعَامٌ وَ شَرَابٌ وَ أَشْنَانٌ وَ رِيحَانٌ يَغْسِلُ الْمَثَانَةَ وَ يَغْسِلُ الْبَطْنَ وَ يَكْثُرُ مَاءُ الظَّهْرِ وَ يَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ وَ يَقْطَعُ الْبُرُودَةَ وَ يُنْقِي الْبَشْرَةَ.

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد خوردن خریزه؛ چرا که در آن، ده ویژگی است: غذاست، آب است، شستشو دهنده است، خوشبو کننده است، مثانه را می‌شوید، شکم را می‌شوید، آب کمر را فراوان می‌سازد، بر نیروی همبستری می‌افزاید، سردی مزاج را از میان می‌برد، و پوست را تمیز می‌کند.

طب النبي صلى الله عليه وآله وسلم، ص ۲۷ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۷ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۱۱

به:

عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ النَّبِيِّ ص - فَأَهْدِي إِلَيَّ النَّبِيَّ ص سَفَرَجَلٌ فَقَطَعَ مِنْهُ النَّبِيُّ ص قِطْعَةً وَ نَاوَلَهَا جَعْفَرًا فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَهَا فَقَالَ خُذْهَا وَ كُلْهَا فَإِنَّهَا تُذَكِّي الْقَلْبَ وَ تُشَجِّعُ الْجَبَانَ. قَالَ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى كُلُّ فَإِنَّهُ يُصْفِي اللَّوْنَ وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ.

امام صادق (علیه السلام): روزی جعفر بن ابیطالب نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله) بودند که شخصی یک عدد به به حضرت اهداء کردند؛ پس پیامبر (صلی الله علیه وآله) آن را نیمه کردند و به جعفر دادند، ولی جعفر از خوردن آن خودداری کرد، سپس حضرت فرمود: بگیر و بخور؛ چرا که قلب را ذکاوت می‌بخشد و ترسو را شجاع می‌کند. (در روایت دیگری آمده که حضرت فرمود: بخور چرا که رنگ چهره را صفا می‌بخشد و فرزند را زیبا می‌کند.

الکافي، ج ۶، ص ۳۵۷ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۱۶۶

أَبُو الْحَسَنِ الْبَجَلِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: كَسَّرَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَفَرَجَلَةً وَ أَطْعَمَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ قَالَ لَهُ كُلْ فَإِنَّهُ يُصْفِي اللَّوْنَ وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ.

موسی بن جعفر (علیه السلام): رسول خدا (صلی الله علیه وآله) یک میوه به را نیمه کردند و به جعفر بن ابیطالب خوراندند و به او فرمودند: بخور که رنگ چهره را صفا و جلاء می بخشد و فرزند را زیبا می کند.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۹ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۶۷

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: نَظَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِلَى غُلَامٍ جَمِيلٍ فَقَالَ يُتَّبَعِي أَنْ يَكُونَ أَبُو هَذَا الْغُلَامِ أَكَلَا السَّفَرَجَلِ وَ قَالَ السَّفَرَجَلُ يُحَسِّنُ الْوَجْهَ وَيَجْمُ الْفُؤَادَ.

امام صادق علیه السلام هنگامی به پسر بچه ای زیبا نگرست سپس فرمود: باید پدر و مادر این پسر، به خورده باشند! و فرمود: به صورت را زیبا می کند و دل را آسایش و آرامش می بخشد.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۹ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۶۷

شروع غذا با نمک:

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ ذَرَّ عَلَى أَوَّلِ لُقْمَةٍ مِنْ طَعَامِهِ الْمِلْحَ ذَهَبَ اللَّهُ عَنْهُ بِتَمَشِ الْوَجْهِ.

امام صادق علیه السلام: هر کس بر نخستین لقمه غذای خود، نمک بپاشد، خداوند گنج و ملک صورت او را از میان می برد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۲۷ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۳ / مكارم الأخلاق، ص ۱۸۹ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۴

و بهذا الإسناد عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكَ بِالْمِلْحِ؛ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً؛ أَدْنَاهَا الْجُدَامُ، وَ الْبَرَصُ، وَ الْجُنُونُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به امام علی علیه السلام: بر تو باد نمک؛ چرا که در آن، شفای هفتاد درد است که کمترین آنها جذام، پیسی و دیوانگی است.

عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۴۲ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص: ۲۷

پیاز:

عنه (علي بن محمد بن بئدار) عَنْ السَّيَّارِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُبَارَكِ الدِّينَوْرِيِّ عَنْ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْبَصَلُ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ يَشُدُّ الظَّهْرَ وَ يُرِقُّ الْبَشْرَةَ.

امام صادق علیه السلام: پیاز، دهان را خوش بو می کند، پشت را قوی می سازد و پوست را نرمی (و لطافت) می دهد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۷۴

الْفَرْدَوْسُ، عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِذَا دَخَلْتُمْ بَلَدَةً وَ بَيْتاً فَخَفِّتُمْ وَ بَاءَهَا، فَعَلَيْكُمْ بِبَصَلِهَا؛ فَإِنَّهُ يُجَلِّي الْبَصَرَ، وَ يُنَقِّي الشَّعْرَ، وَ يَزِيدُ فِي مَاءِ الصُّلْبِ، وَ يَزِيدُ فِي الْخُطَى، وَ يَذْهَبُ بِالْحَمَا وَ هُوَ السَّوَادُ فِي الْوَجْهِ وَ الْإِعْيَاءِ أَيْضاً.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه وارد آبادی و یا زده ای شدید و از وبای آن ترسیدید، از پیاز آن جا بخورید؛ زیرا که آن، چشم را جلا می دهد، مو را پاکیزه می گرداند، آب کمر را زیاد می کند، گام ها را سرعت می بخشد، تیرگی چهره را می برد و خستگی را نیز می زداید.

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۵۲

خوردن سویق با روغن زیتون:

عَلَيْهِ بَنُ مُحَمَّدٍ بَنُ بَنْدَارٍ وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مُنْصُورٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ شَرِبُ السَّوِيقِ بِالزَّيْتِ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَيَشُدُّ الْعَظْمَ وَيُرْقِي الْبَشْرَةَ وَيَزِيدُ فِي الْبَاهِ.

امام صادق علیه السلام: نوشیدن سویقی که با روغن زیتون فراهم آمده باشد، گوشت را می‌رویاند، استخوان را استحکام می‌بخشد، پوست را نازک (و لطیف) می‌کند و بر توان جنسی می‌افزاید.

الکافی، ج ۶، ص ۳۰۶

۲- توصیه‌های غیر تغذیه‌ای موثر بر زیبایی:

برای زیبایی چهره و پوست فقط نمی‌توان به بحث تغذیه و خوراک اکتفاء کرد بلکه به کارهای دیگری غیر از تغذیه نیز می‌بایست توجه داشت، که در روایات به آنها اشاره شده است؛ مثل:

نماز شب:

حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عُثْمَانَ وَ أَبُو عُثْمَانَ اسْمُهُ عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ حَبِيبٍ قَالَ رَعِمَ لَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيُّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ الدُّهْنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: صَلَاةُ اللَّيْلِ تُحَسِّنُ الْوُجْهَ وَ تُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَ تُطَيِّبُ الرِّيحَ وَ تُدِيرُ الرِّزْقَ وَ تَقْضِي الدَّيْنَ وَ تَذْهَبُ بِالْهَمِّ وَ تَجْلُو الْبَصَرَ.

معاویه بن عمار دهنی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: نماز شب، چهره را زیبا، اخلاق را نیکو، بوی بدن را خوش، روزی را فراوان، بدیها را ادا، غصه اندوه را برطرف و قدرت بینائی را افزون کند.

ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۴۲

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِي زُهَيْرٍ التَّهْدِيِّ عَنْ آدَمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ عَلَيْكُمْ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ فَإِنَّهَا سُنَّةُ نَبِيِّكُمْ وَ دَأْبُ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ وَ مَطْرَدَةُ الدَّاءِ عَنْ أَجْسَادِكُمْ. وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع صَلَاةُ اللَّيْلِ تُبَيِّضُ الْوُجْهَ وَ صَلَاةُ اللَّيْلِ تُطَيِّبُ الرِّيحَ وَ صَلَاةُ اللَّيْلِ تَجْلِبُ الرِّزْقَ.

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام، حضرت فرمودند: بر شما باد به نماز در شب زیرا آن سنت پیامبر شما و عمل افراد صالح قبل از شما بوده، نماز شب مرض را از اجساد شما دور می‌کند. و نیز حضرت فرمودند: نماز شب صورت را نورانی و بوی را خوش نموده و موجب جلب روزی است.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۳

وَ عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى) عَنْ أَبِي زُهَيْرٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: صَلَاةُ اللَّيْلِ تُبَيِّضُ الْوُجْهَ وَ صَلَاةُ اللَّيْلِ تُطَيِّبُ الرِّيحَ وَ صَلَاةُ اللَّيْلِ تَجْلِبُ الرِّزْقَ.

امام صادق (علیه السلام): نماز شب چهره را روشن و نورانی می‌کند، و بدن را خوشبو و روزی را جلب می‌کند.

تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۲۰

وَعَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ وَ أَبُو عُثْمَانَ اسْمُهُ عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ حَبِيبٍ قَالَ زَعَمَ لَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيُّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ الدُّهْنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: صَلَاةُ اللَّيْلِ تُحَسِّنُ الْوَجْهَ وَ تَذْهَبُ الْهَمَّ وَ تَجْلُو الْبَصَرَ.

امام صادق (علیه السلام): نماز شب چهره را زیبا می‌کند، غم و غصه را از بین می‌برد، و چشم را تیز می‌کند.

تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۲۲

روغن مالی (خصوصاً در شب):

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلٍ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع الدُّهْنُ يُلْكِنُ الْبَشْرَةَ وَ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ الْقُوَّةَ وَ يُسَهِّلُ مَجَارِيَ الْمَاءِ وَ هُوَ يَذْهَبُ بِالْقَشْفِ وَ يُحَسِّنُ اللَّوْنَ.

امام علی علیه السلام: روغن، پوست را نرم می‌کند، بر توان مغز می‌افزاید، مجاری آب را در بدن می‌گشاید، کثافت پوست را از میان می‌برد و رنگ را روشن می‌کند.

الکافی، ج ۶، ص ۵۱۹

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: دَهْنُ اللَّيْلِ يَجْرِي فِي الْعُرُوقِ وَ يُرْوِي الْبَشْرَةَ وَ يُبَيِّضُ الْوَجْهَ.

امام باقر علیه السلام: روغن [مالیدن] شبانه، در رگ‌ها جریان می‌یابد و پوست را آبیاری و چهره را سفید می‌کند.

الکافی، ج ۶، ص ۵۱۹ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۵۸

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع الدُّهْنُ يُلْكِنُ الْبَشْرَةَ وَ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ وَ يُسَهِّلُ مَجَارِيَ الْمَاءِ وَ يَذْهَبُ الْقَشْفَ وَ يُسْفِرُ اللَّوْنَ.

امام علی علیه السلام: روغن، پوست را نرم می‌کند، بر توان مغز می‌افزاید، مجاری آب را در بدن می‌گشاید، کثافت پوست را از میان می‌برد و رنگ چهره را روشن و زیبا می‌کند.

الکافی، ج ۶، ص ۵۱۹ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۵۷

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بْنِ عُبَيْدِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِمِائَةَ بَابٍ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاةٍ قَالَ ع ... الدُّهْنُ يُلْكِنُ الْبَشْرَةَ وَ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ وَ يُسَهِّلُ مَجَارِيَ الْمَاءِ وَ يَذْهَبُ بِالْقَشْفِ وَ يُسْفِرُ اللَّوْنَ...

امام علی «ع» - به روایت امام صادق «ع»: ... روغن مالی پوست را نرم (و لطیف) می‌کند، و به نیرومندی مغز می‌افزاید، و گذرگاههای آب بدن را نرم می‌سازد، و چرک و زبری پوست را از میان می‌برد، و رنگ پوست را روشن می‌کند...

الخصال، ج ۲، ص ۶۱۱

الْحُسَيْنُ بْنُ بِسْطَامٍ فِي طَبِّ الْأَنْمَةِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنِ الْبَاقِرِ ع قَالَ: دَهْنُ اللَّيْلِ يَجْرِي فِي الْعُرُوقِ وَ يُرْوِي الْبَشْرَةَ.

امام باقر علیه السلام: روغن [مالیدن] در شب، در رگ‌ها جریان می‌یابد و پوست را پرورش می‌دهد (اصلاح می‌کند).
طب الأئمة عليهم السلام، ص ۹۳ / وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۱۵۸

خضاب با حناء:

رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِسَيِّدِ الْخِضَابِ الْحِنَاءِ؛ فَإِنَّهُ يُطَيِّبُ الْبَشْرَةَ، وَيَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ.
پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد مهتر همه خضاب‌ها، حنا، که پوست را پاکیزه می‌کند و بر توان همبستری می‌افزاید.
کنز العمال، ج ۶، ص ۶۶۸، ح ۱۷۳۱۶ / صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۹۰ / مكارم الأخلاق، ص ۸۲ (ولیس فیهما الحناء)
عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبرَاهِيمَ الْبَغْدَادِيِّ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْحِنَاءُ يَذْهَبُ بِالسَّهْكِ، وَيَزِيدُ فِي مَاءِ
الْوَجْهِ، وَيُطَيِّبُ التَّكْهَةَ، وَيُحَسِّنُ الْوَلَدَ.
امام صادق علیه السلام: حنا، بوی بد عرق را از میان می‌برد، بر طراوت صورت می‌افزاید، دهان را خوش بو می‌کند و فرزند را نیکو
می‌سازد.

الكافي، ج ۶، ص ۴۸۴
عَلِيِّ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْحِنَاءُ يَزِيدُ فِي مَاءِ الْوَجْهِ وَيُكَثِّرُ الشَّيْبَ.
امام صادق (علیه السلام): حنا بر طراوت صورت می‌افزاید و (قوت و یا ظاهر) جوانی را زیاد می‌کند.
الكافي، ج ۶، ص ۴۸۳

برخی از آداب شخصی:

و عَنْهُ (الحميري) عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ آبَائِهِ: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «لِيَأْخُذَ أَحَدُكُمْ
مِنْ شَارِبِهِ، وَ الشَّعْرَ الَّذِي فِي أَنْفِهِ، وَ لِيَتَعَاهَدَ نَفْسَهُ، فَإِنَّ ذَلِكَ يَزِيدُ فِي جَمَالِهِ»
در حدیث معتبر از حضرت رسول خدا (صلی الله علیه وآله): باید هرکس موی شارب و موی بینی را بگیرد و به احوال بدن خود
بپردازد، که اینها باعث زیادتای جمال او است.

قرب الإسناد، ص ۶۷ / وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۱۱۸
مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْرَةَ الْأَشْعَرِيِّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَخَذَ الشَّعْرَ مِنَ الْأَنْفِ
يُحَسِّنُ الْوَجْهَ.
امام صادق (علیه السلام): موی بینی را گرفتن چهره را زیبا می‌کند.

الكافي، ج ۶، ص ۴۸۸ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۴

مقدار ختنه:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَتْ امْرَأَةٌ
يُقَالُ لَهَا أُمُّ طَبِيبَةَ تَخْفِضُ الْجَوَارِيَ فَدَعَاَهَا النَّبِيُّ ع فَقَالَ لَهَا يَا أُمَّ طَبِيبَةَ إِذَا خَفَضْتَ الْجَوَارِيَ فَأَشْمِي وَلَا تُجِغِي فَإِنَّهُ أَصْفَى لِلْوَنِ
الْوَجْهِ وَ أَحْظَى عِنْدَ الْبُعْلِ.

عمرو بن ثابت از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله زنی به نام ام طیبه دختران را ختنه می‌کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را فراخواند و به وی فرمود: ای ام طیبه، هرگاه دختران را ختنه کردی، آن را اندک ببر و زیاده روی نکن؛ چرا که آن چهره را باصفا تر می‌کند و نزد شوهر لذت بخش تر است.» (ترجمه: منابع فقه شیعه) ترجمه جامع احادیث الشیعه / عده ای از فضلاء)

الکافی، ج ۵، ص ۱۱۹ / وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۳۰

۳- تغذیه والدین قبل از انعقاد نطفه:

نکته بسیار مهم و تاثیرگذار در زیبایی انسان که باید مورد توجه قرار گیرد، "نوع تغذیه پدر و مادر قبل از انعقاد نطفه" است که در روایات به عوامل مختلفی از آن اشاره شده است که بر نطفه و جنین تاثیر گذاشته و باعث زیبایی و روشنی صورت فرزند می‌شود؛ که در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

خوردن به:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ شُرَحْبِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُ قَالَ: فِي الْمَرْأَةِ الْحَامِلِ تَأْكُلُ السَّفَرَجَلُ فَإِنَّ الْوَلَدَ يَكُونُ أَطْيَبَ رِيحًا وَأَصْفَى لَوْنًا.

به نقل از شُرَحْبِيل بن مسلم: ایشان درباره زن باردار گفت: «به بخورد. در این صورت، فرزند او، خوش‌بو تر و خوش‌رنگ‌تر خواهد شد».

الکافی، ج ۶، ص ۲۲ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۳۹

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: نَظَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِلَى غُلَامٍ جَمِيلٍ فَقَالَ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ أَبَا هَذَا الْغُلَامِ أَكَلَا السَّفَرَجَلُ وَ قَالَ السَّفَرَجَلُ يُحَسِّنُ الْوَجْهَ وَ يَجْمُ الْفُؤَادَ.

امام صادق علیه السلام هنگامی که به پسر بچه‌ای زیبا نگریست: باید پدر و مادر این پسر، به خورده باشند! و فرمود: به صورت را زیبا و قلب را آسایش و آرامش می‌بخشد.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۹

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَكَلَ سَفَرَجَلَةً عَلَى الرَّيْقِ طَابَ مَاؤُهُ وَ حَسُنَ وَلَدُهُ.

امام صادق علیه السلام: هر کس ناشتا یک به بخورد، نطفه‌اش پاکیزه می‌شود و فرزندش نیکو و زیبا می‌گردد.

الکافی، ج ۶، ص ۳۵۷

كِتَابُ الْإِمَامَةِ وَ التَّبَصُّرَةِ: عَنْ سَهْلِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: ... لَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَلَا وَصِيًّا إِلَّا وَجَدَ مِنْهُ رَاحَةَ السَّفَرَجَلِ؛ فَكُلُوهَا، وَ أَطْعِمُوا حَبَالَاكُمْ؛ يَحْسُنُ أَوْلَادُكُمْ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): ... هیچ پیامبر و هیچ وصی‌ای را بر نینگیخت، مگر آن که او بوی به می‌داد. پس آن را بخورید و به زنان باردارتان بدهید، که فرزندان‌تان زیبا می‌شوند.

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۷ / مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۳۵

تبیین طرح تمدنی محله امام رضا (علیه السلام)

عن رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُوا السَّفَرَجَلَّ وَتَهَادَوْهُ بَيْنَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُنِيبُ الْمَوَدَّةَ فِي الْقَلْبِ، وَأَطْعَمُوهُ حَبَالَاكُمْ؛ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ أَوْلَادَكُمْ. وفي رواية: يُحَسِّنُ أَخْلَاقَ أَوْلَادِكُمْ.

پیامبر خدا فرمود: «به بخورید و به یکدیگر هدیه دهید؛ چرا که چشم را جلا می‌دهد و دوستی را در دل می‌رویانند و آن را به زنان باردارتان بدهید؛ چرا که فرزندان را زیبا می‌گردانند. و در روایتی دیگر آمده که فرمود: «اخلاق فرزندان را نیکو می‌سازد».

مکارم الأخلاق، ص ۱۷۲ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۰۱

انار شیرین:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْخُرَّاسَانِيِّ قَالَ: أَكُلُ الرُّمَّانِ الْخُلُو يَزِيدُ فِي مَاءِ الرَّجُلِ وَيُحَسِّنُ الْوَلَدَ.

خراسانی [علامه مجلسی می‌گوید: ظاهراً خراسانی، کنایه از امام رضا (علیه السلام) است و به سبب تقیه، با این نام از ایشان یاد شده است. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۴] می‌فرماید: خوردن انار شیرین، آب مرد را افزون می‌کند و فرزند را زیبا می‌سازد.

الكافي، ج ۶، ص ۳۵۴ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۶

خریزه:

قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): ما من امرأة حاملٍ أكلت البطيخ إلا يكون مولودها حسن الوجه والخلق.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ زن بارداری نیست که خریزه بخورد، مگر این که نوزادش خوش چهره و خوش خو می‌گردد.

طب النبي صلى الله عليه وآله وسلم، ص ۲۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۱۴

کاسنی:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ جَمِيعاً عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: عَلَيْكَ بِالْهَنْدَبَاءِ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَيُحَسِّنُ الْوَلَدَ وَ هُوَ حَارٌّ لَيِّنٌ يَزِيدُ فِي الْوَلَدِ الذُّكُورَةَ.

امام صادق علیه السلام: بر تو باد کاسنی؛ چرا که آب (منی) را می‌افزاید، فرزند را زیبا می‌سازد، و گرم و نرم است و بیشتر، فرزند، پسر می‌شود.

الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳

کُنْدَر:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الرَّضَاعِ قَالَ: أَطْعَمُوا حَبَالَاكُمْ ذَكَرَ اللَّبَانِ فَإِنْ يَكُ فِي بَطْنِهَا غَلَامٌ خَرَجَ ذَكِي الْقَلْبِ عَالِماً شَجَاعاً وَإِنْ تَكُ جَارِيَةً حَسَنَ خُلُقِهَا وَ خُلُقُهَا وَ عَظُمَتْ عَجِيزَتُهَا وَ حَظِيَتْ عِنْدَ زَوْجِهَا.

امام رضا علیه السلام: به زنان باردارتان، کندر نر بدهید. در این صورت، اگر آنچه در شکم زن است، پسر باشد، بیداردل، آگاه و دلیر می‌گردد، و اگر دختر باشد، صورت و اخلاق او زیبا می‌شود و سرین او سترگ می‌گردد و نزد همسرش بهره می‌یابد.

الكافي، ج ۶، ص ۲۳

در انتها به صورت اجمال به برخی از کارهایی که باعث زشتی چهره انسان می شود اشاره ای می کنی:

خواب صبح:

قَالَ الصَّادِقُ ع نَوْمُ الْعِدَاةِ مَشْنُومَةٌ تَطْرُدُ الرِّزْقَ وَ تُصَفِّرُ اللَّوْنَ وَ تُغَيِّرُهُ وَ تُعْيِرُهُ وَ هُوَ نَوْمٌ كُلُّ مَشْنُومٍ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقْسِمُ الْأَرْزَاقَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإَيَّاكُمْ وَ تِلْكَ النَّوْمَةُ

از امام ششم (ع): خواب بامداد شوم است، روزی را کم می کند و چهره را زرد و پژمرده میسازد، و خواب این ساعت خواب انسانهای بیچاره است که خداوند متعال روزی را از طلوع فجر تا طلوع خورشید پخش می کند پس از خواب این ساعت پرهیزید. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۰۲ / تهذيب الأحكام، ج ۲، ص ۱۳۹ / مكارم الأخلاق، ص ۳۰۵ / وسائل الشيعة، ج ۶، ص ۴۹۶

خوردن زیاد تخم مرغ:

الرَّسَالَةُ الذَّهَبِيَّةُ، لِلرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: مُدَاوِمَةُ أَكْلِ الْبَيْضِ يَعْرِضُ مِنْهُ الْكَلْفُ فِي الْوَجْهِ.

امام رضا علیه السلام: خوردن همیشگی تخم مرغ، سبب پیدایش کک مک در صورت می شود.

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۱ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۵۹

خوردن خون:

أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الطَّبْرَسِيُّ فِي الْإِحْتِجَاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ زَنْدِيقًا قَالَ لَهُ لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ الدَّمَ الْمُسْفُوحَ قَالَ لِأَنَّهُ يُورِثُ الْقَسَاوَةَ وَ يَسْلُبُ الْفَوَادَ الرَّحْمَةَ وَ يَعْفِنُ الْبَدَنَ وَ يُغَيِّرُ اللَّوْنَ وَ أَكْثَرُ مَا يُصِيبُ الْإِنْسَانَ الْجَذَامُ يَكُونُ مِنْ أَكْلِ الدَّمِ.

زندیقی از امام صادق (علیه السلام) سوال کرد: چرا خون تازه حرام شد؟ حضرت فرمود: چون موجب قساوت می شود و رحم را از دل می برد و بدن را به عفونت می کشاند (و بد بو می کند) و رنگ چهره را تغییر می دهد و بیشترین چیزی که موجب جذام می شود خوردن خون است.

الإحتجاج على أهل اللجاج (للطبرسي)، ج ۲، ص ۳۳۷ / وسائل الشيعة، ج ۲۴، ص ۱۰۳

خوردن اشنان (چوبک):

عَنِ الْبَاقِرِ ع أَنَّهُ كَانَ إِذَا تَوَضَّأَ بِالْأُشْنَانِ أَذْخَلَهُ فَاهُ فَيَطَاعِمُهُ ثُمَّ يَرْمِي بِهِ وَ قَالَ الْأُشْنَانُ رَدِيٌّ يَبْخِرُ الْفَمَ وَ يُصَفِّرُ اللَّوْنَ وَ يُضَعِّفُ الرُّكْبَتَيْنِ.

از امام باقر (ع) است که حضرت هر گاه با اشنان شست و شو مینمود، آن را بدهان میکرد و در دهان میگردانید و دور میریخت، و فرمود: [خوردن] اشنان بد است، دهان را بدبو و رنگ صورت را زرد و زانو را ضعیف می سازد.

مكارم الأخلاق، ص ۱۹۱

برخی از آداب شخصی:

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ يَحْيَى بْنِ عُمَرَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَا تُكْثِرْ وَضْعَ يَدِكَ فِي لِحْيَتِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ يَشِينُ الْوَجْهَ.

امام صادق (علیه السلام): زیاد دست بر ریش مگذار که چهره را معیوب و زشت می کند.

علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۵۹ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۱۲

پیوست شماره ۷: فوائد ۱۰ گانه حیاط خانه

توجه به حیاط خانه ۱۰ فایده بی بدیل برای خانواده به ارمغان می آورد / نمایندگان محترم مجلس و کارشناسان ساختمان کشور را به ایفای نقش در فرآیند تغییر هویت مسکن، محله و شهر دعوت می کنم!

یکی از مهمترین ویژگی های مسکن از منظر اسلام مسئله حیاط خانه است. بر اساس پنج دسته از روایات -از جمله احادیث مرتبط با ایده مترقی پخت نان در خانه- برای ضرورت حیاط خانه استظهار کرده ایم!

توجه به مسئله حیاط خانه و منع ساخت ساختمان با الگوی آپارتمان ۱۰ دسته فایده بی بدیل، شامل: ۱- گسترش تفریح خانگی و تقویت صله رحم، ۲- تسهیل مدیریت بازی کودکان، ۳- پیشگیری از بیماری، ۴- مطبوع سازی هوا، ۵- هدایت نزولات آسمانی به حفره های زمین از طریق حفر چاه خانگی، ۶- تسهیل معیشت مردم (اقتصاد مقاومتی)، ۷- کاهش سفرهای تفریحی، ۸- کاهش تولید زباله، ۹- تحقق ایده مترقی پخت نان در خانه و ۱۰- زمینه سازی برای تمرکز زدایی جمعیتی و مهاجرت معکوس از مناطق پرجمعیت را برای خانواده ها به ارمغان می آورد.

محاسبات ما در شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی نشان می دهد؛ که رعایت اصول فقهی ده گانه ساخت ساختمان، در مجموع هزینه های دولت و مردم را کاهش می دهد و به تنظیم صحیح روابط انسانی کمک می کند. نمایندگان محترم مجلس و کارشناسان ساختمان کشور را به ایفای نقش در فرآیند تغییر هویت مسکن، محله و شهر دعوت می کنم.

حجت الاسلام علی کشوری- تبیین کارکردهای ده گانه حیاط خانه - دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۳۹۹ - حوزه علمیه قم

<http://nro-di.blog.ir/1399/11/27>

پیوست شماره ۸: روایاتی در مورد مذمت سفر (از جمله سفر درون شهری) بخاطر وجود

ناراحتی و سختی‌های فراوان در آن

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ الثَّوْقَلِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: السَّيْرُ قِطْعَةً مِنَ الْعَذَابِ وَإِذَا قَضَى أَحَدُكُمْ سَفَرَهُ فَلْيُسْرِعِ الْإِنَابَةَ إِلَى أَهْلِهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): مسافرت کردن، قطعه ای از عذاب است؛ پس هر کدام از شما به مسافرت رفت سریع به سوی اهل خود بازگردد.

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۲۲ به نقل از کتاب الإمامة و التبصرة

وَقَالُوا ع: تَقُولُ فِي مَسِيرِكَ اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَ أَحْسِنْ تَسْيِيرَنَا وَ أَحْسِنْ عَافِيَتَنَا وَ أَكْثِرْ مِنَ التَّكْبِيرِ وَ التَّحْمِيدِ وَ التَّسْبِيحِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ فَإِنَّ السَّفَرَ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ.

اهلبیت (علیهم السلام): در راه مسافرت بگو: خداوندا راه ما را باز بگرداند و سیر کردن ما و عافیت و سلامتی ما را نیکو گردان. و در سفر زیاد الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله و استغفر الله بگو؛ چرا که سفر قطعه ای از عذاب است.

الدعوات (للراوندي)، ص ۲۹۶

قَالَ الصَّادِقُ ع: سَيْرُ الْمَنَازِلِ يُنْفِذُ الرَّادَّ وَ يُسِيءُ الْأَخْلَاقَ وَ يُخْلِقُ الثِّيَابَ وَ السَّيْرُ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ فَرَسَخًا أَقْلَهُ.

امام صادق (علیه السلام): مسافرت کردن زاد و توشه را تمام می‌کند و اخلاق را بد می‌کند و لباس‌ها را کهنه می‌کند؛ و مسافرت لااقل ۱۸ فرسخ است.

مکارم الأخلاق، ص ۲۶۶

روایت در مصادر روایی اهل سنت:

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُسْلِمَةَ بْنِ قَعْنَبٍ، وَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي أُوَيْسٍ، وَ أَبُو مُصْعَبٍ الزُّهْرِيُّ، وَ مَنْصُورُ بْنُ أَبِي مُرَاحِمٍ، وَ قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ. قَالُوا: حَدَّثَنَا مَالِكٌ. ح وَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَحْيَى التَّمِيمِيُّ (وَ اللَّفْظُ لَهُ). قَالَ: قُلْتُ لِمَالِكٍ: حَدَّثَكَ سَمِيُّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ. يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ نَوْمَهُ وَ طَعَامَهُ وَ شَرَابَهُ. فَإِذَا قَضَى أَحَدُكُمْ نَهْمَتَهُ مِنْ وَجْهِهِ، فَلْيُعْجَلْ إِلَى أَهْلِهِ؟» قَالَ: نَعَمْ.

ابو هریره از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که ایشان فرمود: سفر قطعه ای از عذاب است؛ شما را از خواب و غذا و آب منع می‌کند. پس هر گاه مقصود خود را از راه خود انجام دادید، آیا سریع به سوی خانواده خود بازمی‌گردید؟ گفت: بله.

صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۲۶

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُسْلِمَةَ، حَدَّثَنَا مَالِكٌ، عَنْ سَمِيِّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عَنْ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ: يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ طَعَامَهُ وَ شَرَابَهُ وَ نَوْمَهُ، فَإِذَا قَضَى نَهْمَتَهُ فَلْيُعْجَلْ إِلَى أَهْلِهِ».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): سفر قطعه ای از عذاب است؛ شما را از غذا و آب و خواب منع می‌کند. پس هر گاه مقصود خود را انجام دادید، سریع به سوی خانواده خود بازگردید.

صحیح البخاری، ج ۳، ص ۲۳۱

أَخْبَرَنَا عَمْرُو بْنُ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى قَالَ: حَدَّثَنَا مَالِكٌ وَ أَثْبَأُ مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى عَنْ مَالِكٍ قَالَ: حَدَّثَنِي سُمَيُّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «السَّفَرُ قِطْعَةٌ مِنَ الْعَذَابِ يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ شَهْوَتَهُ وَ طَعَامَهُ». قَالَ ابْنُ الْمُثَنَّى وَ شُرَابُهُ. «فَإِذَا قَضَى أَحَدُكُمْ بَهْمَتَهُ فَلْيَرْجِعْ إِلَى أَهْلِهِ» قَالَ ابْنُ الْمُثَنَّى فَلْيُعَجِّلْ إِلَى أَهْلِهِ.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله): سفر قطعه ای از عذاب است؛ شما را از شهوت و غذا (و آب) منع می کند. پس هر گاه مقصود خود را انجام دادید، پس (سریع) به سوی خانواده خود بازگردید.

سنن النسائي، ج ۵، ص ۲۴۲

برخی دیگر از مصادر اهل سنت که این روایت را در ابواب مختلف و با اسناد مختلف نقل کرده اند:

موطأ الإمام مالك، ج ۵، ص ۱۴۲۷ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۲، ص ۱۶۱ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۵، ص ۴۶۲ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۱۶، ص ۲۷۵ - مسند الدارمي (سنن الدارمي)، ج ۳، ص ۱۷۴۶ - صحيح البخاري، ج ۳، ص ۲۳۱ - صحيح البخاري، ج ۵، ص ۱۴۵ - صحيح البخاري، ج ۹، ص ۳۶ - صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۲۶ - سنن ابن ماجه، ج ۴، ص ۳۹۱ - سنن النسائي، ج ۵، ص ۲۴۲.

پیوست شماره ۹: مشاغل برتر (کشاورزی، باغداری و دامداری) در روایات

روایات کشاورزی و باغداری:

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ السَّرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ هَازُونَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: الزَّارِعُونَ كُنُوزَ الْأَنْثَامِ يَزْرَعُونَ طَيِّباً أَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُ النَّاسِ مَقَاماً وَأَقْرَبُهُمْ مَنْزِلَةً يُدْعَوْنَ الْمُبَارَكِينَ.

امام صادق علیه السلام: کشاورزان گنج‌های مردمند که آن پاکیزه را که خداوند برون آورده، کشت می‌کنند. ایشان در روز رستاخیز، نیک پایه‌ترین مردمند و از دیگران به خدا نزدیک‌تر و «مبارک» خوانده می‌شوند.

الکافی، ج ۵، ص ۲۶۱

الوافی، ج ۱۷، ص ۱۳۲

رَوِيَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْكَيْمِيَاءُ الْأَكْبَرُ الزَّرَاعَةُ.

امام صادق علیه السلام: بزرگترین کیمیا، کشاورزی است.

الکافی، ج ۵، ص ۲۶۱

وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۳۴ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۳۲ / جامع أحادیث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۳، ص ۹۷۰

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَسْمَعُ قَوْماً يَقُولُونَ إِنَّ الزَّرَاعَةَ مَكْرُوهَةٌ فَقَالَ لَهُ: ازْرَعُوا وَاغْرِسُوا فَلَا وَاللَّهِ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلاً أَحَلَّ وَلَا أَطْيَبَ مِنْهُ وَاللَّهِ لَيَزْرَعَنَّ الزَّرْعَ وَلَيَغْرِسَنَّ التَّنَخْلَ (الْغَرْس) بَعْدَ خُرُوجِ الدَّجَالِ.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به مردی که گفت: «شنیده‌ام که برخی می‌گویند: "کشاورزی ناپسند است"»: کشاورزی کنید و بکارید؛ که به خدا سوگند! مردم کاری حلال‌تر و پاک‌تر از کشاورزی انجام نمی‌دهند. و به خدای سوگند! پس از بیرون شدن دجال [در عصر ظهور امام موعود علیه السلام] فراوان کشاورزی می‌شود و بسی درخت خرما کاشته خواهد شد.

الکافی، ج ۵، ص ۲۶۰ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲۳۶

الوافی، ج ۱۷، ص ۱۳۰ / وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۳۳

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَمَّارَةَ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمَّا هُبِطَ بِآدَمَ إِلَى الْأَرْضِ احْتَاجَ إِلَى الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ فَشَكَا ذَلِكَ إِلَى جَبْرِئِيلَ ع فَقَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ: يَا آدَمُ كُنْ حَرَاتاً قَالَ فَعَلَمَنِي دُعَاءً قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَوْتَةَ الدُّنْيَا وَكُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ وَالْبُسْنِي الْعَاقِيَةِ حَتَّى تَهْنِئَنِي الْمَعِيشَةُ.

امام صادق (علیه السلام): وقتی حضرت آدم به زمین هبوط کرد، به طعام (غذا) و نوشیدنی احتیاج پیدا کرد پس از این بابت به جبرئیل شکوه کرد. جبرئیل به او گفت: ای آدم! بسیار کشاورزی کن. آدم گفت: پس به من دعائی بیاموز. گفت بگو: اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَوْتَةَ الدُّنْيَا وَكُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ وَالْبُسْنِي الْعَاقِيَةِ حَتَّى تَهْنِئَنِي الْمَعِيشَةُ.

الکافی، ج ۵، ص ۲۶۰

بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۲۱۷ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۳۰ / وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۳۷

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْمَعِيشَةَ جَعَلَ الْبَرَكَاتِ فِي الْحَرْثِ وَالْعَنَمِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن گاه که خداوند اسباب گذران زندگی را آفرید، برکت‌ها را در کشت و دام قرار داد.
کنز العمال، ج ۴، ص ۳۲، ح ۹۳۵۴ نقلاً عن الدیلمی عن ابن مسعود

رسول الله صلی الله علیه و آله: **اطْلُبُوا الرِّزْقَ فِي خَبَايَا الْأَرْضِ.**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزی را در نهان گاه‌های زمین بجوید.

کنز العمال، ج ۴، ص ۲۱، ح ۹۳۰۲

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَحْيَى وَفُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدٍ الْغُبَرِيُّ (وَاللَّفْظُ لِيَحْيَى) (قَالَ يَحْيَى: أَخْبَرَنَا. وَ قَالَ الْأَخْرَانِ: حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ) عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا، أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ، إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ ».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مسلمانی نیست که نهالی بکارد یا زراعتی کشت کند و پرنده‌ای یا انسانی یا چهارپایی از آن بخورد، جز این که آن برایش صدقه به شمار می‌رود.

صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۱۸۹ / صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۵۲ / مسند أحمد بن حنبل، ج ۲۱، ص ۸۸ و ۱۸۰ / سنن الترمذی، ج ۳، ص ۴۳۰

شغل انبیاء:

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ أَبِي السَّرِيِّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ هَارُونَ الْوَاسِطِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَنِ الْفَلَاحِينَ فَقَالَ هُمْ الزَّارِعُونَ كُنُوزَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الزَّرَاعَةِ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَرَّاعًا إِلَّا إِدْرِيسَ ع فَإِنَّهُ كَانَ خَبَّاطًا.

یزید بن هارون واسطی: از حضرت صادق علیه السلام درباره کشاورزان پرسیدم. فرمود: «آنان کشت‌کنندگان و گنج‌های خدا در زمینش هستند؛ و نزد خدا کاری دوست داشتنی‌تر از کشاورزی نیست؛ و خداوند هیچ پیامبری را برینگیخت جز آن که کشاورز بود، مگر حضرت ادريس عليه السلام که خبّاط بود».

تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۳۸۴

وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۴۲ / الوافي، ج ۱۷، ص ۱۳۳

روایات دامداری:

نگهداری گوسفند:

برکت:

عَنْ أَبِي نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ قَالَ حَدَّثَنِي حُمَيْدُ الْأَبِيِّ عَنْ أُمِّ زَائِدٍ مَوْلَاةِ أُمِّ هَانِي: « أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع دَخَلَ عَلَى أُمِّ هَانِي، فَقَالَتْ أُمُّ هَانِي: قَدِّمِي لِي أَبِي الْحَسَنَ طَعَامًا. فَقَدَّمْتُ مَا كَانَ فِي الْبَيْتِ فَقَالَ: مَا لِي لَا أَرَى عِنْدَكُمْ الْبَرَكَةَ؟! فَقَالَتْ أُمُّ هَانِي: أَوْ لَيْسَ هَذَا بَرَكَةً؟! فَقَالَ: لَسْتُ أَعْنِي هَذَا، إِنَّمَا أَعْنِي الشَّاءَ. فَقَالَتْ: فَمَا لَنَا مِنْ شَاءٍ فَأَكُلُ وَ اسْتَسْقَى. »

کنیز ام هانی نقل می‌کند: « روزی امیرالمومنین (علیه السلام) داخل منزل ام هانی شد. ام هانی (به من) گفت: برای ابوالحسن (علیه السلام) غذایی بیاور. من هم غذایی که در خانه بود را نزد حضرت آوردم. سپس حضرت فرمود: مرا چه شده که در

نزد شما برکت نمی بینم؟! امّ هانی گفت: آیا این غذا برکت نیست؟! حضرت فرمود: مقصودم این نیست؛ بلکه مقصودم گوسفند است. امّ هانی گفت: نزد ما گوسفندی که بخورد و بیاشامد نیست.»

المحاسن، ج ۲، ص ۶۴۱

وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۱۳ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۳۱

الجعفریات بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «السَّاءُ الْمُنْتَجَةُ بِرَكَّةً.»

الجعفریات (الأشعّیات)، ص ۱۶۰ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۳۸

(سند بحار: أَصْلُ مِنْ أَصُولِ أَصْحَابِنَا عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنْ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنِ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع عَنِ النَّبِيِّ ص...) مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۲۲

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَارِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَكُونُ فِي مَنْزِلِهِ عَنَزٌ حُلُوبٌ إِلَّا قُدَّسَ أَهْلُ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ وَبُورِكَ عَلَيْهِمْ، فَإِنْ كَانَتْ اِثْنَتَيْنِ قُدُّسُوا وَبُورِكَ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ. قَالَ: فَقَالَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا: وَكَيْفَ يَقْدَسُونَ؟ قَالَ: يَهْفُ عَلَيْهِمْ مَلَكٌ فِي كُلِّ صَبَاحٍ فَيَقُولُ لَهُمْ قُدُّسْتُمْ وَبُورِكَ عَلَيْكُمْ وَطِبُّتُمْ وَطَابَ إِدَامُكُمْ! قَالَ: قُلْتُ لَهُ: وَ مَا مَعْنَى قُدُّسْتُمْ؟ قَالَ: طَهَّرْتُمْ.»

محمد بن مارد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «هیچ مؤمنی نیست که در خانه اش بُز شیر دهی باشد مگر اینکه اهل آن سرا تقدیس می شوند و برای آنها برکت خواسته می شود، و اگر دو بز باشد روزی دو بار تقدیس و طلب برکت بر ایشان خواهد شد، مردی از شیعیان پرسید: چگونه تقدیس می شوند؟ فرمود: برای آنها دعا می شود که خداوند بشما برکت مرحمت فرماید و پاک شدید و خوراکتان نیز پاک گردید، گوید: عرض کردم: معنای «شما تقدیس شدید» چیست؟ فرمود: یعنی از هر ناپاکی پاک شدید.»

مصادر اصلی:

الكافي، ج ۶، ص ۵۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۴۰ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۷۰

(سند ثواب الاعمال: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيٌّ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَارِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: (...)

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۴۹

(سند الفقيه: رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَارِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ (...)

مكارم الأخلاق، ص ۱۲۹) (با کمی تغییر)

منابع دیگر:

الوافي، ج ۲۰، ص ۸۵۱ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۱۰ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۲۷

و قَالَ ص: «السَّاءُ فِي الدَّارِ بِرَكَّةً وَ السَّنَوْرُ فِي الدَّارِ بِرَكَّةً وَ الرَّحَى فِي الدَّارِ بِرَكَّةً وَ السَّاءُ بِرَكَّةً وَ السَّاتَانِ بِرَكَّتَانِ وَ الثَّلَاثَةُ بِرَكَّاتٍ كَثِيرَةً.»

پیامبر (صلی الله علیه وآله): «گوسفند در خانه برکت است، گربه در خانه برکت است، آسیاب در خانه برکت است، یک گوسفند در خانه یک برکت است، دو گوسفند دو برکت، و سه گوسفند برکات بسیار است.»

مکارم الأخلاق (طبرسی)، ص ۱۲۹

برطرف شدن فقر:

و بِهِذَا الْإِسْنَادِ (أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ غُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «إِذَا اتَّخَذَ أَهْلٌ يَتِّبُ شَاةَ أَتَاهُمْ اللَّهُ بِرِزْقِهَا وَزَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَازْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرَحَلَةً فَإِنْ اتَّخَذَ شَاتَيْنِ أَتَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمَا وَزَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَازْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرَحَلَتَيْنِ فَإِنْ اتَّخَذُوا ثَلَاثَةً أَتَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمْ وَازْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ رَأْسًا.»

امام صادق (علیه السلام): «اهل هر خانه که يك گوسفند نگاه دارند خداوند روزی آن گوسفند را بایشان بدهد و روزی ایشان را زیاد کند و فقر از ایشان يك مرحله دور شود و اگر دو گوسفند نگاه دارند خدا روزی آنها را برساند و روزی ایشان را زیاد کند و فقر از ایشان دو مرحله دور میشود و اگر سه گوسفند نگاه دارند حقتعالی روزی آنها را برساند و روزی ایشان را زیاد گرداند و فقر از ایشان در اصل برطرف شود.»

مصادر اصلی:

الكافي، ج ۶، ص ۵۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۴۲

(سند محاسن: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ غُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ...)

منابع دیگر:

الوافي، ج ۲، ص ۸۵۰ / وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۵۰۹ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۳۲

مِنْ الْفِرْدَوْسِ عَنْ أَنَسٍ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ص: «الشَّاةُ فِي الْبَيْتِ تَرْدُ سَبْعِينَ بَاباً مِنَ الْفَقْرِ.»
پیامبر (صلی الله علیه وآله): «وجود گوسفند در خانه، هفتاد باب از فقر را رد می کند!»

مکارم الأخلاق (طبرسی)، ص ۱۲۹

شغل انبیاء:

علامه مجلسی (ره) از منابع اهل سنت چندین روایت نقل کرده است:

و قَالَ ص: «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا رَاعِي غَنَمٍ.»

پیامبر (صلی الله علیه وآله): «خداوند هیچ پیامبری را به پیامبری مبعوث نکرد مگر اینکه شبان گوسفند بوده است.»

بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۱۷

و فِي الْحَدِيثِ أَنَّهُ ص قَالَ: «مَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَ قَدْ رَعَى الْغَنَمَ قِيلَ: وَأَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: وَ أَنَا.»

پیامبر (صلی الله علیه وآله): «هیچ پیامبری نبود مگر اینکه حتماً شبانی گوسفند می کرده. گفته شد: آیا شما هم؟ فرمود: بله؛ من هم.»

هم.»

بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۱۷

نگهداری گاو و گوسفند:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لِعَمَلِهِ مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَخْذِرِي فِي بَيْتِكَ بَرَكَةً؟ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْبَرَكَةُ؟ قَالَ: شَاةٌ تُحْلَبُ؛ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَ فِي دَارِهِ شَاةٌ تُحْلَبُ أَوْ نَعَجَةٌ أَوْ بَقَرَةٌ تُحْلَبُ فَبَرَكَاتٌ كُلُّهُنَّ.»

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) به عمه خود فرمود: که چه چیز تو را مانع شده است که در خانه خود برکتی نگاه داری؟ گفت: یا رسول الله برکت چیست؟ فرمود: گوسفندی که شیر دهد. چرا که هر که در خانه اش گوسفند شیرده یا بُز شیرده یا گاو شیرده باشد، تمام اینها (باعثِ) برکتِ (خانه) هستند.»

مصادر اصلی:

الکافی، ج ۶، ص ۵۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۴۱

(محاسن با دو سند این روایت را نقل کرده:

سند اول: عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ:

سند دوم: وَ رَوَى أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مِثْلَهُ.)

منابع دیگر:

الوافي، ج ۲۰، ص ۸۵۱ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۱۱ و ج ۲۴، ص ۴۳۰

نگهداری مرغ و خروس در خانه:

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْأَغْنِيَاءَ بِاتِّخَاذِ الْغَنَمِ وَالْفُقَرَاءَ بِاتِّخَاذِ الدَّجَاجِ.»

جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به ثروتمندان دستور دادند که گوسفند نگه دارند، و به فقراء دستور دادند که مرغ نگه دارند.»

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۰

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۴۷

وَ قَالَ ص: «الدَّجَاجُ غَنَمٌ فَقَرَاءٌ أَمْتِي.»

پیامبر (صلی الله علیه و آله): «مرغ، گوسفندِ فقراءِ اَمْتِ من است.»

مکارم الأخلاق، ص ۱۳۰

از منابع اهل سنت:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَازِمَةَ، عَنْ الْمُقْبِرِيِّ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْأَغْنِيَاءَ بِاتِّخَاذِ الْغَنَمِ، وَأَمَرَ الْفُقَرَاءَ بِاتِّخَاذِ الدَّجَاجِ.» وَ قَالَ: «عِنْدَ اتِّخَاذِ الْأَغْنِيَاءِ الدَّجَاجِ، يَأْذَنُ اللَّهُ بِهَلَاكِ الْقَرْيِ.»

سنن ابن ماجه - به نقل از ابو هريره - «خداوند به ثروتمندان دستور داد که گوسفند نگه دارند و تهیدستان را فرمان داد که مرغ نگه دارند.» و فرمود: «هرگاه ثروتمندان [فقط] مرغ نگه دارند [و گوسفند نگه ندارند] خداوند به از بین رفتنِ [اهلِ] روستاها [و شهرها] اذن می دهد.»

مصدر اصلی:

سنن ابن ماجه، ج ۳، ص ۶۱۶

منابع دیگر:

بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰ (رَوَى ابْنُ مَاجَةَ مِنْ حَدِيثِ أَبِي هُرَيْرَةَ)

مرغ و خروس؛ باعث برکت و آبادی خانه:

رسول الله صلى الله عليه و آله: «الشَّاةُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ، وَ الدَّجَاجُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ.»

پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: «گوسفند در خانه، برکت است. مرغ در خانه، برکت است.»

کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۲۶، حدیث ۳۵۲۳۸ (نقلاً عن الحاكم في تاريخه عن أنس)

وَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع: «لَا يَنْبَغِي أَنْ يَخْلُوَ بَيْتُ أَحَدِكُمْ مِنْ ثَلَاثَةٍ وَ هُنَّ عَمَارَةُ الْبَيْتِ: الْهَرَّةُ وَ الْحَمَامُ وَ الدِّيَكُ؛ فَإِنْ كَانَ مَعَ الدِّيَكِ أُنَيْسَةٌ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ لِمَنْ لَا يَقْدِرُهَا.»

امام هفتم (علیه السلام) فرمود: «نشانید که خانه هر یک از شماها از سه چیز تهی باشد که آنها آباد کن خانه باشند: گربه و کبوتر و خروس و اگر با خروس مرغی هم باشد چه بهتر و گرنه باکی نیست بر کسی که توانا بر آن نیست.» (ترجمه کمره‌ای)

مصدر اصلی:

مکارم الأخلاق، ص ۱۳۰

منابع دیگر:

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۶۳

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّفْوَانِيُّ فِي كِتَابِ التَّعْرِيفِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع أَنَّهُ قَالَ: «لَا تَخْلُوَ الْبَيْتَ مِنْ ثَلَاثَةٍ وَ هِيَ عِمَارَةُ الْبَيْتِ: الْهَرَّةُ وَ الْحَمَامُ وَ الدِّيَكُ؛ وَ إِنْ كَانَ مَعَ الدِّيَكِ أُنَيْسَةٌ فَلَا بَأْسَ إِلَّا أَنْ يُكْرَهَ قَدْزَرُهَا.»

امام کاظم (علیه السلام) فرمود: «خانه از سه چیز خالی نباشد که آنها آبادی خانه هستند: گربه و کبوتر و خروس. و اگر با خروس مرغی هم باشد اشکالی ندارد مگر آنکه از کثیفی آن کراهت داشته باشید.»

مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۸۴

وَ رَوَى ابْنُ عَدِيٍّ فِي كَامِلِهِ فِي تَرْجَمَةِ مَيْمُونِ بْنِ مُوسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع: «أَنَّهُ اشْتَكَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص الْوَحْشَةَ. فَقَالَ لَهُ: اتَّخِذْ زَوْجاً مِنْ حَمَامٍ تُؤْنِسُكَ وَ تُوقِظُكَ لِلصَّلَاةِ بِتَغْرِيدِهَا وَ اتَّخِذْ دِيكاً يُؤْنِسُكَ وَ يُوقِظُكَ لِلصَّلَاةِ.»

ابن عدی می گوید: «علی بن ابیطالب (علیه السلام) از ترس به پیامبر (صلی الله علیه و آله) شکایت کرد! پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او فرمود: یک زوج کبوتر بگیر که با تو انس بگیرد و با صدایش تو را برای نماز بیدار کند، و خروسی بگیر که با تو انس بگیرد و برای نماز بیدارت کند.»

بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷

نگهداری کبوتر در خانه:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: «الْحَمَامُ طَيْرٌ مِنْ طُيُورِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) الَّتِي كَانُوا يُمْسِكُونَ فِي بُيُوتِهِمْ. وَ لَيْسَ مِنْ بَيْتٍ فِيهِ حَمَامٌ إِلَّا لَمْ تُصَبَّ أَهْلُ ذَلِكَ الْبَيْتِ أَقَةً مِنَ الْجِنِّ؛ إِنْ سَفَهَاءَ الْجِنِّ يَعْثُونَ فِي الْبَيْتِ فَيَعْبَثُونَ بِالْحَمَامِ وَ يَدْعُونَ النَّاسَ. قَالَ: فَرَأَيْتُ فِي بُيُوتِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع حَمَاماً لَا يَنْبَغِي إِسْمَاعِيلَ.»

ابو سلمه می گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «کبوتر از پرندehای پیامبران است که در خانه خود نگه می داشتند و هیچ خانه ای نیست که در آن کبوتر باشد مگر آن که آفتی از جن باهل آن خانه نمی رسد؛ چون که همانا بی خردان جن در خانه بازی کنند

و (اگر در خانه کبوتر باشد) با کبوتر بازی کنند و مردم (و اهل خانه) را رها می کنند.» (ابو سلمه) گفت: دیدم کبوتری از آن پسرش اسماعیل در خانه امام صادق (علیه السلام) بود.

الکافی، ج ۶، ص ۵۴۷

وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۱۶ / الوافی، ج ۲۰، ص ۸۵۵ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «لَيْسَ مِنْ بَيْتِ نَبِيِّ إِلَّا وَفِيهِ حَمَامٌ لِأَنَّ سَفَهَاءَ الْجَنِّ يَعْبَثُونَ بِصَيَّانِ الْبَيْتِ فَإِذَا كَانَ فِيهِ حَمَامٌ عَثَبُوا بِالْحَمَامِ وَتَرَكُوا النَّاسَ.»

امام صادق (علیه السلام): «هیچ خانه ای از پیامبران نیست مگر آنکه در آن کبوتر است! چرا که بی خردان جن با بچه های خانه بازی می کنند پس اگر در آن خانه کبوتر باشد، آنها با کبوتر بازی خواهند کرد و انسان را رها می کنند.»

مکارم الأخلاق، ص ۱۳۱

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۶۳

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «كَانَ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ ص زَوْجٌ حَمَامٌ أَحْمَرُ.»

امام صادق (علیه السلام): «در منزل رسول الله (صلی الله علیه وآله) یک زوج کبوتر قرمز بود.»

الکافی، ج ۶، ص ۵۴۸

الوافی، ج ۲۰، ص ۸۵۷ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۲۰ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۰

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الْجَامُورَانِي عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: «ذُكِرَتِ الْحَمَامُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ اتَّخِذُوهَا فِي مَنَازِلِكُمْ، فَإِنَّهَا مَحْبُوبَةٌ لِحَقَّتْهَا (ن ل: لحقها) دَعْوَةُ نُوحٍ ع وَهِيَ أُنْسٌ شَيْءٌ فِي الْبُيُوتِ.»

زید شحام می گوید: «در نزد امام صادق (علیه السلام) یادی از کبوتر شد؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: «در منازل خود کبوتر نگه دارید؛ همانا کبوتر محبوب و دوست داشتنی است، دعای حضرت نوح (ع) شامل او شده، و بهترین چیز برای انس گرفتن در خانه است.»

الکافی، ج ۶، ص ۵۴۷

الوافی، ج ۲۰، ص ۸۵۵ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۱۷ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸

نگهداری حیوانات خانگی:

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْجَمْبَرِيُّ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ ظَرِيفٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: «كَانُوا يُحِبُّونَ أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ الشَّيْءُ الدَّاجِنُ، مِثْلُ الْحَمَامِ أَوْ الدَّجَاجِ أَوْ الْعَنَاقِ، لِيُعْبَتَ بِهِ صَيَّانُ الْجَنِّ وَلَا يَعْبَثُونَ بِصَيَّانِهِمْ.»

امام صادق (علیه السلام) از پدرش امام باقر (علیه السلام): «همیشه دوست داشتند که یک چیزی که با خانه الفت و انس بگیرد (حیوانات اهلی و خانگی)-مثل کبوتر و مرغ و بُز- در خانه باشد؛ تا اینکه کودکان جن با آنها مشغول بازی شوند و با کودکان انسان بازی نکنند.»

قرب الإنسان، ص ۹۳

وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۵۲۴ / بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۷۴ و ج ۶۲، ص ۱

الحسين بن بسطام في طُبِّ الْأَئِمَّةِ، عَنِ الْمُظَفَّرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي يَحْيَى الْمَدَائِنِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: « أَكْثَرُوا مِنَ الدَّوَاجِنِ فِي يَوْمِكُمْ تَشَاغُلُ بِهَا الشَّيَاطِينُ عَنْ صِبْيَانِكُمْ. »
پیامبر(صلی الله علیه وآله): « زیاد در خانه های تنان حیوانات نگه دارید که شیطان با بازی با آنها از کودکان شما روی گردان شوند. »

طب الأئمة عليهم السلام (ابن بسطام)، ص ۱۱۲

وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۵۲۱ / هداية الأئمة إلى أحكام الأئمة ع (شيخ حرّ عاملی)، ج ۵، ص ۱۲۸ / طب الأئمة عليهم السلام (للشَّيْر)، ص ۲۸۹ /

بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱ - ج ۹۲، ص ۱۵۰ - ج ۶۰، ص ۲۰۶ - ج ۶۰، ص ۷۴ / مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۸۵

پیوست شماره ۱۰: نقصان عقل در صورت ترک تجارت

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «التَّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ». امام صادق (علیه السلام): «تجارت کردن، عقل را زیاد می کند.»

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸ / من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۱ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۲

قَالَ الصَّادِقُ ع: «تَرَكُ التَّجَارَةِ مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ».

امام صادق (علیه السلام): « ترک کردن تجارت، از بین برنده‌ی عقل است.»

من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۹۲ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۷

أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْجَهْمِ عَنْ فَضِيلِ الْأَعْوَرِ قَالَ: شَهِدْتُ مُعَاذَ بْنَ كَثِيرٍ وَ قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: «إِنِّي قَدْ أَيْسَرْتُ فَأَدْعُ التَّجَارَةَ فَقَالَ إِنَّكَ إِنِ فَعَلْتَ قَلَّ عَقْلُكَ أَوْ نَحْوُهُ».

معاذ بن کثیر به امام صادق علیه السلام عرض کرد: من توانگر شده‌ام؛ آیا تجارت را رها کنم؟ امام علیه السلام فرمود: «اگر چنین کنی، عقلت کاهش می‌یابد.» یا سخنی شبیه به این فرمود.

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲

(سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْجَهْمِ عَنْ فَضِيلِ الْأَعْوَرِ قَالَ شَهِدْتُ مُعَاذَ بْنَ كَثِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ الْقُمِّيِّ عَنْ مُعَاذِ بَيْاعِ الْأَكْسِيَّةِ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا مُعَاذُ أَضَعُفْتَ عَنْ التَّجَارَةِ أَوْ زَهَدْتَ فِيهَا قُلْتُ مَا ضَعُفْتُ عَنْهَا وَمَا زَهَدْتُ فِيهَا قَالَ فَمَا لَكَ قُلْتُ كُنَّا نَنْتَظِرُ أَمْرًا وَ ذَلِكَ حِينَ قُتِلَ الْوَلِيدُ وَ عِنْدِي مَالٌ كَثِيرٌ وَ هُوَ فِي يَدِي وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ عَلَيَّ شَيْءٌ وَ لَا أَرَانِي أَكُلُهُ حَتَّى أَمُوتَ فَقَالَ تَتْرُكُهَا فَإِنَّ تَرَكُهَا مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ اسْعَ عَلَى عِيَالِكَ وَ إِنَّاكَ أَنْ يَكُونَ هُمْ السَّعَاءَ عَلَيْكَ.

معاذ لباس فروش می‌گوید: «امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای معاذ! در تجارت سست شدی بلکه از آن کناره گرفته‌ای! معاذ گفت: در تجارت سست نشده‌ام و از آن کناره‌گیری نکرده‌ام. امام علیه السلام فرمود: پس تو را چه شده است؟ گفتم: منتظر قیام شما هستم [یا منتظر دستور مجدد شما برای تجارت هستم] - این ماجرا مربوط به زمان کشته شدن ولید بن عبدالملک بود - و من مال بسیاری دارم که در اختیارم هست و به احدی بدهکار نیستم و گمان نمی‌کنم که تا پایان عمرم نیز تمام شود.» امام علیه السلام فرمود: تجارت را رها نکن؛ زیرا ترك آن عقل را از بین می‌برد. برای خانواده‌ات تلاش کن و پرهیز از این که آنان برای تو کار و تلاش کنند.

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲

(سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ عَنْ مُعَاذِ بَيْاعِ الْأَكْسِيَّةِ قَالَ) [كُنْتُ أَتَنَظَّرُ أَمْرَكَ بَدَلْ كُنَّا نَتَنَظَّرُ أَمْرًا]

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ بَيْاعِ الْأَكْسِيَّةِ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي قَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَدْعَ السُّوقَ وَ فِي يَدِي شَيْءٌ قَالَ إِذَا يَسْقُطَ رَأْيُكَ وَ لَا يُسْتَعَانَ بِكَ عَلَى شَيْءٍ».

معاذ بن کثیر لباس فروش به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «اموالی در اختیار دارم و تصمیم گرفته‌ام بازار را رها کنم. امام علیه السلام فرمود: در این صورت نظرت از ارزش و اعتبار ساقط می‌شود و در هیچ موردی از تو درخواست کمک نمی‌شود.»

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۹ / تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۳

(سند تهذيب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مُنْصُورٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ بَيَّاعِ الْأَكْسِيَّةِ)

تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۳۲۹

(سند ۲: مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مُنْصُورٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ صَاحِبِ الْأَكْسِيَّةِ)

مترجم و محقق کافی در معنای این روایت اینچنین نگاشته‌اند:

«أَيُّ يَنْقُصُ عَقْلَكَ، وَ لَا يَرْجِعُ النَّاسُ إِلَيْكَ فِي تَدْبِيرِ أُمُورِهِمْ، وَ لَا يَشَاوِرُونَكَ فِي إِصْلَاحِ أُمُورِهِمْ، فَصُرْتَ حَقِيرًا فِي أَعْيُنِ النَّاسِ وَ عَارِيًّا عَنِ الْإِعْتِبَارِ».

یعنی: عقلت کم می‌شود، و مردم در تدبیر کارهایشان به تو مراجعه نمی‌کنند، و از تو مشورت نمی‌گیرند، پس در چشم مردم حقیر و کم ارزش می‌گردد و از اعتبار می‌افتی.

تحقیق و تصحیح کافی: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد / الکافي (طبع اسلامية)، ج ۵، ص ۱۴۹

عَنْهُ (أَيُّ: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى) عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَسْبَاطِ بْنِ سَالِمٍ بَيَّاعِ الزُّطِّيِّ قَالَ: «سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ يَوْمًا وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنْ مُعَاذِ بَيَّاعِ الْكَرَائِسِ فَقِيلَ تَرَكَ التَّجَارَةَ فَقَالَ عَمَلُ الشَّيْطَانِ عَمَلُ الشَّيْطَانِ مَنْ تَرَكَ التَّجَارَةَ ذَهَبَ ثُلُثَا عَقْلِهِ أَمَا عَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدِمَتْ عَلَيْهِ مِنَ الشَّامِ فَأَشْتَرَى مِنْهَا وَ اتَّجَرَ فَرَبِحَ فِيهَا مَا فَضَى دِينَهُ.»

اسباط بن سالم می‌گوید: روزی نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که ایشان در مورد معاذ لباس فروش سوال کردند. به ایشان عرض شد که: معاذ تجارت را ترک کرده است. پس حضرت فرمود: این کار او کار شیطان است! کار شیطان! هر کس تجارت را ترک کند دو سوم عقلش از بین می‌رود! آیا معاذ نمی‌دانست که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزد کاروانی از شام رفتند و از آن چیزی خریدند و با آن تجارت کردند و سودی بردند که با آن سود بدهی خود را پرداخت نمودند.

تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴ عوالي اللئالي، ج ۳، ص ۱۹۴ (با اندکی تفاوت) / وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۷

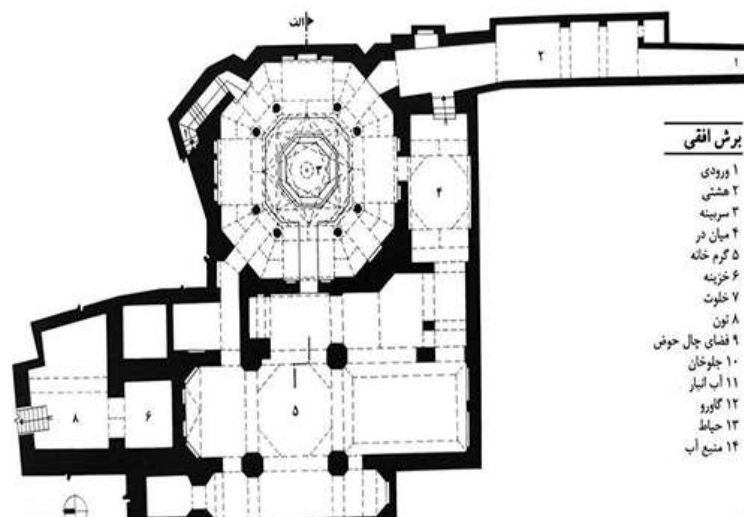
پیوست شماره ۱۱: تصاویری از حمام‌های چهارمزاجی در گذشته

حمام "آقا نقی" یا ظهیرالاسلام؛ اردبیل (دوره ایلخانی):

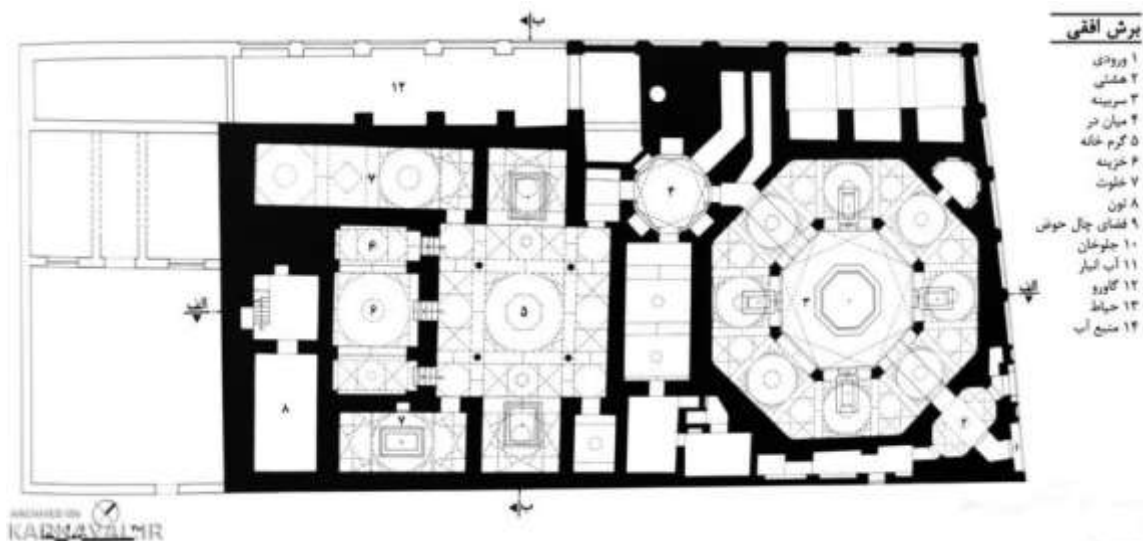


نقشه حمام‌های قدیم:

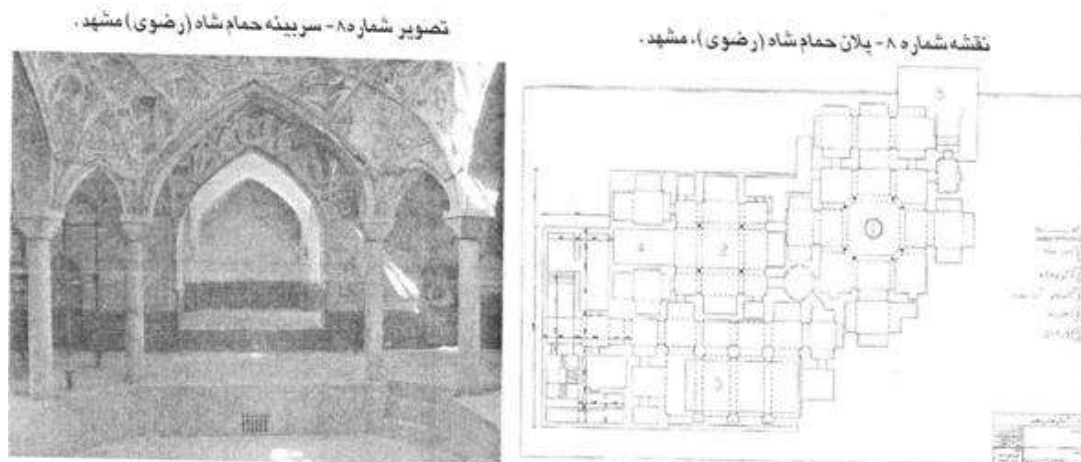




نقشه حمام وکیل شیراز:



حمام شاه (رضوی) مشهد:



حمام شاه، که امروزه به حمام رضوی موسوم است، یکی از قدیمی ترین حمام های شهر مشهد و متعلق به اوایل دوره صفویه می باشد. این حمام در تاریخ ۱۳۵۶/۲/۵ به شماره ۱۳۷۴/۳ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است (طیسی، ۱۳۸۴، ۲۴۵). «سربینه حدود ۱۴۷ مترمربع وسعت دارد و در وسط آن حوض هشت گوش قرار دارد که هشت گوشه آن وجود دارد... گرمخانه، فضایی مربع شکل است و حدود ۱۰۰ مترمربع وسعت دارد. غرفه هایی در اطراف این فضا قرار دارد که به شاه نشین موسوم است» منبع: انجمن مفاخر معماری ایران - <https://b2n.ir/w13967>

معرفی حمام علیقلی آقا در اصفهان

حمام علیقلی آقا در منطقه بیدآباد اصفهان به وسیله علیقلی آقا از درباریان دو پادشاه صفوی در مجموعه ای که خود بانی آن بوده ساخته شده است.

حمام برای گذشتگان ما، چیزی فراتر از محل شست و شو بود. مردمان آن زمان در حمام های عمومی، اقوام و دوستان را می دیدند و از وضعیت اجتماعی، سیاسی با خبر می شدند. مقدمات و آشنایی برخی ازدواج ها در آن جا میسر می شد و حمام محل بخشی از جشن های مرتبط با عروسی و زایمان ها و حتی محل شست و شوی عزیزان شان هم پس از مرگ بود. سال ها از آن دوران می گذرد و دیگر حمام های عمومی نه تنها کارکردهای سابق را ندارند که معدودی از آن ها سرپا مانده اند. در میان حمام های عمومی شهرها، تنها آن هایی که از خطر نابودی نجات یافتند که از هنر زمانه بهره برده بودند و حالا در شکل موزه مردم شناسی یا حتی سفره خانه و اقامتگاه مورد استفاده قرار می گیرند.

یکی از این نمونه های زیبا «حمام علیقلی آقا» در محله بیدآباد اصفهان در شمال زاینده رود است. این حمام بخشی از مجموعه ای شامل مسجد، حمام، بازارچه، چهارسوق و کاروانسرا بوده که «علیقلی آقا» از خواجگان حرم شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی برای امور عام المنفعه آن را ساخت.

معماری حمام علیقلی آقا

این حمام از نوع معماری سبک اصفهان در اواخر عصر صفوی است. بنای حمام شامل دو حمام بزرگ و کوچک و فضای چال حوض است. هریک از این دو حمام از دو بخش اصلی سرپینه و گرمخانه تشکیل یافته است، به طوری که در آن دوره مردان و زنان به صورت جداگانه می توانستند از آن استفاده نمایند. شکل قاعده سرپینه حمام بزرگ، به شکل هشت ضلعی منتظم طراحی شده است و در اطراف سرپینه سکوهائی طراحی شده که فضاهای پشت آنها با طاق نماهای مدور تزئین یافته و همچنین گنبد میانی سرپینه بر هشت ستون بزرگ سنگی استوار است. تزئینات سقف حمام به صورت رسمی بندی است و نورگیرهای سقف به صورت منظم از فضای اطراف به سمت مرکز سقف به صورت منظم طراحی شده اند که در مواقع مختلف روز با ایجاد سایه روشن بر زیبایی تزئینات سقف می افزاید.



حمام بزرگ در این مجموعه شامل دو بخش سرپینه و گرمخانه بوده است که هر کدام را جداگانه مورد بررسی قرار داده ایم.

۱. سرپینه:

ورودی حمام بزرگ یک محوطه هشت ضلعی است که پس از عبور از دو راهروی عمود بر هم به «سرپینه» یا رختکن متصل می شود. برای تامین روشنایی این جا در سقف گنبدی شکل حمام، روزنه هایی معروف به «جام گاه» تعبیه شده که داخل آنها شیشه های محدبی و عدسی شکل قرار گرفته اند. این شیشه ها نه فقط از اتلاف انرژی جلوگیری می کنند که با شکستن نور، روشنایی را در محوطه پخش می کنند.

در فضای سرپینه، چهار حوض درون سکوها تعبیه شده تا مراجعان قبل از ورود به سکو، پاهایشان را در آن ها بشویند. سرپینه به وسیله یک راهرو به گرمخانه متصل می شود. یک نکته جالب در این حمام، آن است که در چند جای حمام در کنار حوضچه ها، سنگ های یک تکه و سفید رنگی به اندازه یک متر خواهید دید که سطح آن ها آجدار است و برجستگی های ملایمی دارد. سنگ ها مثل تکیه گاه صندلی و عمود بر حوضچه ها طراحی شده بودند که احتمالاً نقش ماساژور داشته است.



۲. گرمخانه:

کف گرمخانه با سنگ های مرمر پوشیده شده که کف آن همیشه گرم بوده. دور تا دور دیوار گرمخانه با تزیینات کاشیکاری با نقوش گل و مرغ و اسلیمی تزیین شده است. در این جا، استخر بزرگی خواهید دید که به «چال حوض» معروف بوده و احتمالاً برای آب تنی و غوطه ور شدن در آب گرم استفاده می شده است. در دو سوی محور اصلی این فضا دو شاه نشین وجود دارد که احتمالاً یکی باری پرش در آب استفاده می شده و دیگری جایگاه تماشاچیان بوده است. در کنار گرمخانه با عبور از چند پله، به خزینه حمام خواهید رسید. در طرفین خزینه هم دو محل استحمام اختصاصی قرار دارد که به شاه نشین مشهور است.



و اما حمام کوچک ساختار معماری مشابه حمام بزرگ دارد، با این تفاوت که در مقیاس کوچک تر اجرا شده است. حمام کوچک فضاهایی با قاعده های منظم و هندسی دارد. قاعده سربینه این حمام مربع شکل است و سکوهایی با حوض های درونشان در سه ضلع قرار دارد. گرمخانه این حمام، فضایی با قاعده هشت و نیم متری است و هشت ستون سنگی، طاق میانی آن را بر دوش

دارند. فضاهای پیرامون بخش میانی با طاق های کوتاه تری پوشیده شده اند و مکان هایی برای شست و شو فراهم آمده است. پس از طی چند پله از کف گرمخانه می توانید از درگاه خزینه وارد آن شوید.

۳. سیستم گرمایشی:

آب مورد استفاده هر دو حمام از چاهی معروف به «چاه گاو» تامین می شده که در فضایی به نام «گاورو» در غرب حمام قرار داشته. آب از چاه بیرون کشیده می شد و به مخزنی در پشت بام انتقال داده و از آن جا به خزینه ها و حوضچه ها هدایت می شد. سیستم گرمایش حمام ها شامل تون (آتشدان)، انبار سوخت، تیان (ظرف مخصوص گرم کردن آب) و گودال جمع آوری خاکستر بوده که آن ها هم غرب حمام قرار داشتند.



منبع: سایت راسخون - <https://b2n.ir/n01459>

بخشی از متن

عرائض بنده در سه بخش بود: ابتدا برای رفع اختلاف بین مدیران شهری و برای اینکه دو قطبی استقلال و پیروزی در شهرداری و شورای شهر و مردم به وجود نیاید؛ آمده‌ایم مفاهیم پایه تعریف کرده‌ایم: (۱) مفهوم پایه تنظیم روابط انسانی، (۲) مفهوم پایه تسخیر شیئی پایه، (۳) مفهوم پایه اسماء الهی. سپس آمده‌ایم برای اجرای آن مفاهیم، نه نوع برنامه‌ریزی و طراحی کالبد پیشنهاد کرده‌ایم. بنابراین نه جور می‌توانیم این مفاهیم را محقق کنیم. ذیل این نه شکل برنامه‌ریزی هم صد اقدام پیشنهاد داده‌ایم که این صد اقدام شامل اقدامات زیرساختی، مشارکتی و ارتباطی است. اقدامات ارتباطی اصلی را هم که من بحث کردم؛ فقط یکی در حوزه مکاسب پیشنهاد دادم آن هم طرح "باغچه طیبات" بود، دو طرح هم در حوزه مطالعات و ارزیابی شاخصه‌ها پیشنهاد داده‌ام که [طبق آنها] نقشه‌های محله مطلوب را را آماده می‌کنید. "الگوی مطلوب تفریح" را هم مطالعه کنید. سه طرح هم به خاطر وضع وخیم سلامت مشهد و سایر شهرها برای پاکسازی روح و بدن پیشنهاد دادم که عبارت بود از: (۱) ترمیم دستشویی‌ها و جانمایی صحیح آنها در شهر، (۲) تغییر بافت فضای سبز شهر به محوریت میوه‌های معطر و درختان مثمر و (۴) ایجاد حمام‌های چهارمزاجی برای پاکسازی [بدن] از سموم اربعه.



* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه nro-di.blog.ir



کانال "الگو ۴" در پیام‌رسان ایتا @olgou4

